



ریاست جمهوری

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین
مدیریت مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری

پژوهشنامه مطالعات کاربردی

- ۹ ■ پیشگفتار
- ۱۱ ■ آسیب شناسی اجرای طرحهای عمرانی
- ۵۱ ■ وضعیت درآمد - هزینه و رفتار مصرفی خانوارها
- ۸۳ ■ تحلیل عدم تعادل فضایی توزیع خدمات
- ۱۰۵ ■ تحولات ، شاخص های جمعیتی و پیش بینی جمعیت
- ۱۵۷ ■ بررسی مزیت نسبی فعالیتهای عمده اقتصادی
- ۱۷۳ ■ بررسی و تعیین میزان بلوغ سازمانی
- ۱۹۱ ■ بررسی و برآورد درآمدهای استان
- ۲۱۷ ■ بررسی جایگاه توسعه صنعتی استان
- ۲۴۱ ■ عوامل تأثیرگذار در واگذاری امور تصدی گری
- ۲۷۱ ■ طراحی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی
- ۲۸۷ ■ عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی
- ۳۰۵ ■ چکیده مقالات به انگلیسی

الحمد لله رب العالمين

پژوهشنامه مطالعات کاربردی

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین
مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری

سرشناسه: یاری سیس، ابوالفضل، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآورنده: پژوهشنامه مطالعات کاربردی / صاحب اثر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی
استان قزوین؛ گردآورندگان: ابوالفضل یاری سیس، هادی صادق دقیقی، فریبرز محمدهادی.
مشخصات نشر: تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.: جدول، نمودار
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۶۱۹-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: قزوین (استان) - اوضاع اقتصادی
موضوع: قزوین (استان) - اوضاع اجتماعی
شناسه افزوده: صادق دقیقی، هادی، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: محمدهادی، فریبرز، ۱۳۵۴
شناسه افزوده: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ق ۴ ۹ ی/۲/۷۰ HA۴۵۷۰
رده بندی دیویی: ۳۱۵/۵۳۶
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۴۰۶۶

نام کتاب: پژوهشنامه مطالعات کاربردی
عنوان پدیدآورنده: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین / مرکز آموزش و پژوهش های توسعه
و آینده نگری

نظارت عالی: مهندس ابوالفضل یاری سیس
مدیریت اجرایی: مهندس هادی صادق دقیقی
مشاور و ویراستار علمی: دکتر فریبرز محمدهادی
لیتوگرافی: مجتمع چاپ بهاران، قزوین
چاپخانه: مجتمع چاپ بهاران، قزوین
سال: ۱۳۹۵

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۵۰

قطع: وزیری ۳۲۰ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۶۱۹-۶

ناشر: تهران، جنگل، جاودانه، ۱۳۹۵

فهرست

- ۹.....*پیشگفتار.....
- ۱۱.....* آسیب شناسی اجرای طرحهای عمرانی در استان قزوین طی سالهای برنامه پنجم توسعه و راهکارها.....
- محمد رضا آراستی / پریرسا احمدپور / محمد هادی محمدپور
- ۵۱.....* وضعیت درآمد- هزینه و رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین و مقایسه آن با کشور.....
- مسعود بسیطی/ علی رحمانی/ اسید منوچهر حیاتی/ محمدحسین نیک خصلت/ ساناز ستوده
- ۸۳.....* تحلیل عدم تعادل فضایی توزیع خدمات اقتصادی، اجتماعی دهستانهای استان قزوین.....
- فرشته حاجی فتحعلی/ علی رحمانی/ مرضیه باقر عطاران/ مینا کیایی
- ۱۰۵.....* تحولات و شاخص های جمعیتی و پیش بینی جمعیت رده های سنی استان قزوین در افق ۱۴۰۴.....
- حمیدرضا سامانی پور/ سیدمنوچهر حیاتی
- ۱۵۷.....*بررسی مزیت نسبی فعالیتهای عمده اقتصادی استان قزوین طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹.....
- نعمت اله عالیمنش/ سید منوچهر حیاتی/ مریم مسعود نیا/ شاهین باوفا
- ۱۷۳.....*بررسی و تعیین میزان بلوغ سازمانی سرمایه انسانی در بخش دولتی استان قزوین.....
- اسماعیل عبدالعلی/ محمد فاضل صابونی/ سید جلال حسینی/ حمید حبیبی/ داریوش عنادی
- ۱۹۱.....*بررسی و برآورد درآمدهای استان قزوین طی دوره ۹۳-۱۳۸۰.....
- ولی اله عرب/ علی رحمانی/ لیلا پیاها/ مهناز معصومی فر/ نسترن مریدزاده
- ۲۱۷.....*بررسی جایگاه توسعه صنعتی استان قزوین در کشور طی دوره ۹۲-۱۳۸۹.....
- احمد فتحی زاده/ علی رحمانی/ جلال کبیری/ مرتضی قضایی/ مرتضی یوسفی
- ۲۴۱.....* عوامل تأثیرگذار در واگذاری امور تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین.....
- سیمین کریمی / حمید حبیبی/ مرضیه بحر کاظمی/ فاطمه صدر
- ۲۷۱.....*طراحی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین.....
- هادی صادق دقیقی/ علی رحمانی/ دلارم حاجی سید ابوترابی
- ۲۸۷.....* عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی در دستگاههای اجرایی بخش تولیدی استان قزوین.....
- افسر مهدیخانی/ هادی صادق دقیقی
- ۳۰۵.....*چکیده مقالات به انگلیسی.....

پیشگفتار

با توسعه سریع علم و فناوری، جهان پیشرفته به عصر فرا صنعتی و فرامدرن گام نهاده است؛ از آنجایی که علم و فناوری، محصول پژوهش است، کمیت و کیفیت فعالیت های پژوهشی در هر جامعه ای تعیین کننده پیشرفت آن است. ازینرو، در جهان امروز، جوامع توسعه یافته در برنامه ریزی ها و اقدامات خود پژوهش را در اولویت نخستین قرار داده اند و بودجه و نیروی انسانی بسیاری را به امر پژوهش و انجام فعالیت های تحقیقاتی اختصاص می دهند. پژوهش، عامل محرک پیشرفت و رفاه عمومی است و بدون انجام تحقیقات مساله محور، توسعه مستمر و پایدار میسر نخواهد بود. بدون پژوهش، مسائل واقعی، هرگز شناخته نمی شوند و راهکارهای حل مشکلات بر منطق علمی مبتنی نمی گردند. هدف از توجه به تحقیقات علمی، بهره مندی از دانش کاربردی در انجام کارآمد و اثربخش وظایف محوله و تحقق اهداف و مأموریت های سازمانی است. اتخاذ رویکرد پژوهشی در سازمان و تقویت فرهنگ تصمیم گیری مبتنی بر پژوهش، بهبود انجام وظایف سازمانی و برخورداری از دیدگاه استراتژیک در فرایند برنامه ریزی توسعه را به ارمغان می آورد. وظایف سازمان برنامه و بودجه استان، غالبا دارای ماهیتی مطالعاتی است و تحقق اهداف و مأموریت های آن، بدون پژوهش امکان پذیر نمی باشد. این سازمان، به عنوان اتاق فکر استان در صورتی می تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند که پژوهش به جزء جدایی ناپذیر وظایف هریک از مدیران و کارکنان تبدیل شود. امید است به یاری خداوند متعال، این پژوهشنامه در ارتقاء روحیه پژوهشی و ترویج فرهنگ تصمیم گیری و اقدام مبتنی بر پژوهش، مفید واقع شود.

ابوالفضل یاری

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین

آسیب شناسی اجرای طرحهای عمرانی در استان

قزوین طی سالهای برنامه پنجم توسعه و راهکارها

محمدرضا آراستی^۱، پریسا احمدپور^۲، محمدهادی محمدپور^۳

چکیده

در این پژوهش که از نظر هدف به دنبال ارزیابی مشکلات اجرای طرح ها و پروژه های عمرانی استان تحت ضوابط نظام فنی و اجرایی کشور می باشد، وضعیت اجرای پروژه های عمرانی استان قزوین طی سالهای برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) با استفاده از نتایج منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در گزارش های نظارتی و ارزشیابی عملکرد اعتبارات عمرانی استانها و پرسشنامه و چک لیستی شامل اطلاعات کلی پروژه، ارجاع کار طبق قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن، روشهای برآورد و قیمت گذاری و نحوه انتخاب پیمانکار برنده، اسناد و مدارک پیمان و شرایط اجرا و خاتمه قرارداد در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور طبق چرخه و فرآیند تعیین شده در اجرای پروژه های عمرانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. یافته های حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که وضعیت اجرای طرحهای عمرانی استان با مشکلات ساختاری و اجرایی مواجه بوده و متأسفانه در مراحل تصمیم، طراحی، تصویب، تأمین منابع مالی و تحقق بودجه، نحوه اجرا، اجرای پروژه، کنترل پروژه، تحویل و در نهایت بهره برداری طرح، مشکلات زیادی پیش روی مجریان طرح، پیمانکاران، مشاوران و بهره برداران قرار دارد که برآیند همه این معضلات در طولانی شدن اجرای پروژه ها و بعضاً نیمه کاره ماندن آنها خود را نشان داده است. سهم اعتبارات دریافتی استان برای اجرا و اتمام پروژه های عمرانی نسبت به متوسط کشور، کاهش معناداری داشته و درصد تخصیص سالانه اعتبارات در استان، کمتر از درصد متوسط کشور می باشد. همچنین، بیشترین عامل مشکلات پروژه ها، عدم انجام تعهدات کارفرمایی در پیمانها و مربوط به عدم انجام تعهدات مالی می باشد. در این پژوهش، ضمن بیان تاثیر هر یک از مشکلات در روند انجام پروژه، پیشنهادات و راهکارها برای بهبود و کمرنگ کردن مشکلات کلیدی ارائه می شود.

واژه های کلیدی: طرح عمرانی، نظام فنی و اجرایی، ارزشیابی.

۱ - نویسنده مسئول: لیسانس مهندسی معماری، کارشناس گروه مشاوران و پیمانکاران سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲ - کارشناسی ارشد مهندسی عمران، مدیر نظام فنی و اجرایی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳ - کارشناسی ارشد مهندسی شهرسازی، رییس امور قراردادهای اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان قزوین.

مقدمه

طرحهای عمرانی به عنوان زیربنای توسعه و شکوفایی کشور به حساب می آید و در نظام اقتصادی و بودجه بندی کشور از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. رشد و توسعه کشور در فرآیند برنامه های میان مدت و بلند مدت توسعه شکل می گیرد و تحقق برنامه های مزبور از جنبه اهداف کمی و به عبارت دیگر نمود فیزیکی اجرای برنامه، بر عهده نظام فنی و اجرایی است. مجموعه اصول، روش ها، مقررات و ضوابط فنی، حقوقی و مالی حاکم بر تهیه، اجرا و ارزشیابی طرح های عمرانی کشور و چگونگی انتخاب و بکارگیری عوامل دست اندر کار مربوط به آن و نیز تبیین مشخصات عوامل یادشده و نحوه ارتباط بین آنها در این نظام تدوین می گردد. اما، این نظام در عمل با مشکلات ساختاری و اجرایی مواجه بوده و مدت، قیمت و کیفیت پروژه ها که بیانگر توفیق یا عدم توفیق پروژه هستند، وضعیت مطلوبی ندارند. متأسفانه در رابطه با اجرای پروژه های عمرانی و زیر بنایی کشور از مرحله تصمیم، طراحی، تصویب، تأمین منابع مالی و تحقق بودجه، نحوه اجرا، مناقصه، انتخاب مشاور و پیمانکار، اجرای پروژه، کنترل پروژه، تحویل و در نهایت بهره برداری طرح، مشکلات فراوانی پیش روی مجریان طرح، پیمانکاران، مشاوران و بهره برداران، یعنی همان سه رأس مثلث سازندگی کشور قرار دارد که برآیند همه این معضلات در طولانی شدن اجرای پروژه ها و بعضاً نیمه کاره ماندن آنها خود را نشان داده تا جایی که ما اکنون با تعداد بیشمار پروژه نیمه کاره و یا پروژه هایی که اصلاً توجیه وجودی خود را از دست داده اند، روبرو هستیم.

در این بین پرداختن به مشکلات سازندگان صنعت ساخت و ساز به عنوان بازوان اجرایی پروژه های عمرانی در جهت حل مؤثر این معضلات، از اهمیت والایی برخوردار می باشد. تعیین ذینفعان و اهمیت نقش آنها در چرخه حیات پروژه و سعی در شفاف نمودن روابط و مسئولیتهای مربوطه بسیار مهم است. وجود رابطه ای ضابطه مدار و متوازن بین کارفرما و پیمانکار به عنوان دو شخصیت محوری بین ذینفعان پروژه و شناخت موضوعاتی که موجب وارد آمدن آسیب های جدی به این رابطه و در نهایت عدم دستیابی به اهداف پروژه می گردد، از اهمیت شایانی برخوردار می باشد.

در این پژوهش، وضعیت اجرای طرح های عمرانی استان طی سالهای برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) بر اساس نظام فنی و اجرایی طرح های عمرانی از حیث اعتباری و فنی- اجرایی بر اساس نتایج منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در گزارش های نظارتی و ارزشیابی عملکرد اعتبارات عمرانی استانها و پرسشنامه در تعداد ۱۹۷ پروژه های هدف استان قزوین مورد ارزیابی و تحلیل قرار می گیرند. عوامل مؤثر بر نابسامانی های حاصل از ساختار فعلی اجرای طرحهای عمرانی در استان، شناسایی و تحلیل گردیده و راهکارهای بهبود آن در بخش های: روش اجرای پروژه، روش تعریف و تصویب پروژه،

نحوه تأمین مالی، راهکارهای انجام تعهدات کارفرمایی و پیمانکاری، سیستم نظارت و کنترل، مدیریت زمان، مدیریت هزینه، مدیریت کیفیت، مدیریت منابع انسانی، مدیریت ارتباطات و ارائه خواهد گردید.

مبانی نظری و پیشینه

نظام فنی و اجرایی طرحهای عمرانی کشور: سازمان برنامه و بودجه کشور از ابتدای سال ۱۳۶۴، تهیه نظام فنی و اجرایی را در دستور کار خود قرار داد و با تشکیل جلسات متعدد با دستگاههای اجرایی و صاحب نظران، اولین متن راجع به اصول و مبانی حاکم فنی و اجرایی را در خرداد ماه سال ۱۳۶۷ به تصویب هیأت محترم وزیران رساند. همزمان با تدوین برنامه دوم پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سال ۱۳۷۱)، با توجه به ضرورتهای حاکم بر برنامه و شرایط جدید اقتصادی کشور اصلاح و تکمیل اصول مصوب مزبور احساس گردید و پس از مباحثات مفصل و اخذ نظرات همه دست اندرکاران، نهایتاً پیش نویس نهایی نظام با رهیافتهای نوین در تهیه و اجرای طرحهای عمرانی در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۳ به تصویب هیأت محترم وزیران رسید. یک دهه پس از اجرای این نظام، سازمان برنامه و بودجه کشور به استناد ماده (۳۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به استقرار نظامی یکپارچه برای پدیدآوری طرحها و پروژه های سرمایه گذاری در چارچوب اسناد برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن افزایش کارآمدی و اثربخشی طرحها و پروژه های سرمایه گذاری با رویکرد نتیجه گرا، با قابلیت پیگیری و ارزیابی و مبتنی بر نظام مدیریت کیفیت، متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و زیست محیطی کشور مکلف گردید و سرانجام هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۱/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱/۷۲۲۹۳ مورخ ۸۴/۰۴/۲۶ سازمان، آخرین نظام فنی و اجرایی کشور حاکم بر طرحهای عمرانی را به شماره ۴۲۳۳۹/ت/۳۳۴۹۷هـ مورخ ۱۳۸۵/۰۴/۲۰ تصویب نمود.

در این نظام، مراحل پدیدآوری طرح یا پروژه به مراحل پیدایش، مطالعات توجیهی، طراحی پایه، طراحی تفصیلی، اجرا، راه اندازی و تحویل و شروع بهره برداری با رویکرد فرآیندی، سیستمی و نتیجه گرا تقسیم شده است و عوامل ذینفع در نظام فنی و اجرایی کشور عبارتند از: دستگاههای اجرایی، تأمین کنندگان منابع مالی، بهره برداران، تأمین کنندگان خدمات و کالا و تهیه کنندگان اسناد.

مراحل شکل گیری طرح های عمرانی: هر طرح عمرانی از لحظه ی آغاز تا اتمام، مراحل چهارگانه

ی زیر را طی می نماید:

۱- مرحله برنامه ریزی و تأمین اعتبار: مرحله برنامه ریزی شامل مراحل تعیین سیاستهای کلی و اقتصادی، تهیه برنامه ها و تعیین اولویت ها، تأمین و تنظیم اعتبارات در قالب طرح ها و تفکیک اعتبارات

و تنظیم برنامه اعتباری در قالب پروژه ها و زمان می باشد. در مرحله برنامه ریزی و تأمین اعتبار عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعیین کننده بوده و عامل فنی و اجرایی در اولویت بعدی قرار دارد. در مسیر تنظیم برنامه کلی تا برنامه و بودجه سالیانه به تدریج بعد فنی و اجرایی مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد. در مرحله طراحی، بعد فنی مسئله به اوج خود رسیده و دارای اهمیت ویژه ای می شود.

۲- مرحله طراحی: شامل سه زیرمجموعه مطالعات امکان پذیری- شناسایی، مطالعات و طراحی اولیه، تهیه طرح تفصیلی و اجرایی و برآورد مقادیر و هزینه ها می باشد.

۳- مرحله ساخت: این مرحله در حقیقت مرحله اجرای واقعی طرح است که در آن یک پروژه به فعلیت درآمده و عملیات ساختمانی اجرا می گردد. بیش از ۹۰٪ اعتبارات طرح در این مرحله هزینه می گردد. حجم قابل توجه اعتبارات در این مرحله، همواره این قسمت از کار را مهم تر از سایر قسمتها نشان داده و متقاضیان بیشتری را برای کار در این بخش جلب می نماید. در این مرحله اجرای طرح یا به اصطلاح جاری "پروژه" طی قراردادی که بین دستگاه اجرایی و شرکتهای پیمانکاری منعقد می شود به پیمانکار ارجاع می گردد.

۴- مرحله بهره برداری: بعد از اتمام عملیات ساخت و تحویل طرح عمرانی مرحله بهره برداری آغاز می گردد. دستگاه بهره بردار پس از اجرا و تکمیل طرح عمرانی طبق قوانین و مقررات مربوطه موظف به بهره برداری و نگهداری از آن می گردد.

مرحله ساخت: منظور از عوامل ساخت، عوامل لازم برای اجرای عملیات است و همواره باید مجموعه عواملی در کنار یکدیگر و به صورت هماهنگ بکار گرفته شوند تا بتوان نسبت به انجام عملیات اقدام و کار مورد نظر را به مرحله ی اجرا گذاشت. اجرای طرح های عمرانی یک امر تولیدی است و مثل هر کار تولیدی دیگر، می توان آن را به پنج عامل تولید، تجزیه کرد: مدیریت، نیروی انسانی مستقیم، ماشین آلات و تجهیزات، مواد و مصالح و منابع مالی.

ترتیب فعالیت های مرحله ی ساخت را می توان شامل فعالیتهای تصمیم گیری درباره روش انجام کار، انجام مناقصه، انتخاب پیمانکار و عقد قرارداد، تحویل محل توسط کارفرما، معرفی نماینده پیمانکار و رئیس کارگاه، معرفی دستگاه نظارت و ناظرین از طرف کارفرما، انجام عملیات اجرایی توسط پیمانکار، نظارت فنی و اجرایی، تحویل موقت، انجام وظایف نظارت در دوران تحویل، رفع نواقص توسط پیمانکار، نظارت فنی و اجرایی بر رفع نقص، تحویل قطعی و انجام وظایف نظارت در تحویل قطعی برشمرد.

مراحل روش اجرای طرح های عمرانی شامل: مطالعه و تهیه برنامه توسط بهره بردار و انتخاب دستگاه اجرایی با معرفی توسط سازمان برنامه و بودجه، مطالعات اولیه و تهیه برآورد مقدماتی اجرای پروژه

توسط دستگاه اجرایی و ارائه آن به سازمان، گنجاندن اعتبار در لایحه بودجه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی توسط سازمان، تصویب قانون بودجه در مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن به سازمان، تهیه موافقتنامه طرح توسط دستگاه اجرایی با برآورد اعتبارات ارزی و ریالی مورد نیاز با کسب نظر و تایید دستگاه بهره بردار و تصویب سازمان برنامه و بودجه و ابلاغ آن به دستگاه اجرایی، تعیین مجری طرح پس از ابلاغ موافقت نامه طرح، انتخاب مهندس مشاور برای تهیه پروژه (در صورت وجود امکانات مجری تهیه پروژه راسا توسط عوامل فنی دستگاه اجرایی انجام می گردد)، واگذاری کار پس از تهیه پروژه و تصویب آن توسط دستگاه اجرایی، تهیه مدارک و اسناد مناقصه و انتخاب پیمانکاران دارای گواهینامه صلاحیت از سازمان، انجام مناقصه طبق مقررات و انتخاب پیمانکار برنده از طریق کمیسیون مناقصه، انعقاد قرارداد با پیمانکار برنده، تعیین دستگاه نظارت و مهندس ناظر پروژه و ابلاغ به پیمانکار. مراحل بعدی شامل: تحویل زمین پروژه به پیمانکار با تنظیم صورت مجلس مربوطه تجهیز کارگاه و شروع کارهای اجرایی، بازدید و نظارت کارهای اجرایی پروژه در طول مدت قرارداد توسط مهندس ناظر، تنظیم اصلاحیه های موافقت نامه طرح ها در صورت لزوم تغییر در اعتبارات و هزینه های جاری پروژه و یا تغییر در مواد هزینه طرح در جریان انجام کارها، خلع ید پیمانکار (چنانچه پیمانکار به هر دلیلی نخواهد و یا نتواند پروژه را راهبری نموده و به انجام برساند) و یا خاتمه پیمان (چنانچه کارفرما به هر دلیلی تمایل به ادامه کار نداشته باشد)، تهیه صورت وضعیت موقت توسط مهندس ناظر در معیت پیمانکار و ارسال به ذیحسابی طرح های عمرانی جهت پرداخت پس از رسیدگی و تصویب مجری طرح، آنالیز و تعیین و تصویب قیمت های جدید احتمالی، تکمیل پروژه و تحویل موقت آن از طریق کمیسیون تحویل موقت، تهیه صورت وضعیت قطعی و تعدیل توسط دستگاه نظارت در معیت پیمانکار و تصویب کارفرما و رسیدگی به تأخیرات توسط دستگاه نظارت و کارفرما و سپس انجام تحویل قطعی پروژه و تسویه حساب با پیمانکار.

ارزشیابی و آسیب شناسی پروژه های عمرانی: پس از اجرای پروژه، ارزشیابی از چند جهت انجام

می گیرد:

- ارزشیابی پروژه از نظر درصد میزان تأمین اهدافی که در شروع پروژه و گزارش توجیهی آن پیش بینی شده است.
- ارزشیابی نقاط ضعف و قوت اجرای پروژه در مراحل مختلف آن شامل قسمت های طراحی، روش اجرا، کیفیت اجرا، هزینه های انجام شده و مدت اجرا و غیره.
- ارزشیابی نحوه کار مسئولین اجرای پروژه اعم از مجری، ذیحساب، مهندس مشاور، دستگاه نظارت و پیمانکار و دستگاه بهره بردار.

- ارزشیابی های انجام شده در موارد فوق می تواند در برنامه ریزی های بعدی و اجرای طرح های آتی تأثیر مثبت و سازنده ای در رفع نواقص و اشکالات ایفا نماید.

در این پژوهش، وضعیت اجرای پروژه های عمرانی استان قزوین طی سالهای برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) بر اساس نتایج منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در گزارش های نظارتی و ارزشیابی عملکرد اعتبارات عمرانی استانها و پرسشنامه طبق چرخه و فرآیند تعیین شده در اجرای پروژه های عمرانی در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در خصوص موضوع تحقیق حاضر، پژوهش های متعددی انجام شده است که در ذیل به اهم آنها اشاره می شود.

کرم اله دانش فرد و رجبی فرجاد (۱۳۸۹) تحقق بودجه عمرانی استان تهران را طی چهار سال اول برنامه چهارم توسعه مورد آسیب شناسی قرار داده و در بررسی رابطه تأخیر در تخصیص اعتبار، بوروکراسی، زمان پیش بینی برنامه ها، مسائل ساختاری درون سازمانی، مراحل خرج و برآورد نادرست بودجه عمرانی با عدم تحقق بودجه عمرانی و یا تأخیر در اجرای بودجه عمرانی به این نتیجه رسید که به ترتیب عامل مراحل خرج و تأخیر در تخصیص اعتبار، بیشترین تأثیر در عدم تحقق بودجه عمرانی و یا تأخیر در اجرای بودجه عمرانی را دارد.

امیر لطفی (۱۳۹۰) در تحقیق دیگری، آسیب های احتمالی روابط کارفرما و پیمانکار در طرحهای عمرانی را با استفاده از ضوابط و معیارهای منتشر شده در رابطه با اجرای طرحهای عمرانی کشور (مانند نظام فنی و اجرایی کشور، شرایط عمومی پیمان و ...) و تعیین حقوق و تعهدات طرفیت شناسایی نموده و با استفاده از حوزه های دانش مدیریت پروژه، به بیان مصادیق آنها پرداخته و ضوابط داخلی طرفین را در قالب یک استاندارد مدیریت پروژه ارائه نموده است.

بهار اشرف (۱۳۸۷) مشکلات کلیدی فراروی پیمانکاران طرحهای عمرانی کشور را با مطالعه پنج پروژه عمرانی در زمینه نحوه ارتباط پیمانکار و کارفرما طبق شرایط عمومی پیمان، پرداختها، تعدیل، بیمه و مالیات در قالب ضوابط نظام فنی و اجرایی کشور مورد بررسی قرار داده و به بیان مشکلات کلیدی و درصد وزنی آنها پرداخته است.

علی عطاfer و محمد اقبالی (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر تأخیر پروژه های منطقه ۳ عملیات انتقال گاز ایران را مورد بررسی قرار داده و مؤثرترین عامل در تأخیر پروژه ها را ناشی از عدم انجام تعهدهای پیمانکار و کم اثرترین عامل را ناشی از عوامل محیطی برشمرده است.

قطبی (۱۳۷۸) عوامل مؤثر در تأخیر طرحهای عمرانی شبکه فرودگاه کشور را به ۸ عامل طبقه بندی کرده و عدم برنامه ریزی عملی در ایجاد پروژه، برآوردهای نامناسب و عدم تخمین صحیح هزینه ها را مهمترین عوامل عدم تحقق بودجه عمرانی می داند.

داوری (۱۳۸۴) معتقد است که مقررات کنونی طرحهای عمرانی کاملاً یک جانبه تدوین شده است که علت واقعی آن را باید در یک سونگری و نحوه نگرش کارفرما به پیمانکار در زمان تدوین این مقررات دانست و همچنین بیان می کند که دستگاههای اجرایی در مورد تأمین اعتبار یا تکمیل نقشه های پروژه ای مطمئن نیستند و اقدام به انعقاد قرارداد نموده و دولت و پیمانکاران را دچار مشکلاتی می کنند. باسکین (۱۹۹۸) معتقد است در سالهای اخیر، ائتلافی از اتحادیه های کارگری و متحدان سیاسی، انواع پروژه های عمرانی دولتی را تنها به پیمانکارانی که مایل و قادر به چانه زنی جمعی بودند می داد بدون اینکه علاقه پیمانکاران به کار و اصول اساسی رقابت را در نظر بگیرند که این امر موجب کاهش تعداد مناقصه ها و افزایش هزینه های عمرانی می شد.

احمد، اظهر، کاستیلو و کاپاگانتولا (۲۰۰۲) در مقاله خود با عنوان "بررسی عارضه تأخیر پروژه ها: یک مطالعه تجربی در فلوریدا"، بیان داشتند که تأخیر در پروژه ها یک پدیده جهانی است که عموماً با تحمیل هزینه های اضافی همراه است. این پدیده باعث ضعیف شدن کارفرمایان، پیمانکاران و مشاوران و ایجاد تیرگی روابط، بدگمانی، دعوای قضایی، مشکلات مالی و بی اعتمادی و داشتن بیم و هراس از یگدیگر در بین این سه گروه می شود که ارکان اصلی پروژه ها هستند.

بر اساس مقاله هندو (۲۰۰۷) با عنوان "صدمات ناشی از تأخیر پروژه ها"، تعداد زیادی از پروژه های هندی در آستانه تأخیر و در پی آن افزایش بار مالی هستند و این پیشامد منجر به خروج بسیاری از پیمانکاران از پروژه ها شده است.

رایت، اقتصاددان بزرگ (رایت، ۲۰۱۰: ص ۶۷)، در کتاب خود با عنوان نگاهی به مشکلات اقتصادی آمریکا، بیان می کند که عوامل اصلی مؤثر بر تأخیر پروژه ها را بایستی در قمار کردن و ریسک در مناقصات، تغییرات پیش بینی نشده حین کار (که اغلب از طرف کارفرما اعمال می شود)، اطلاعات نادرست و نامناسب همچنین ضعف ها و کاستی های موجود در عقد قراردادها جست و جو کرد.

کالیا، مويا و مومبا (۲۰۰۹) مهم ترین عوامل مؤثر بر تأخیرهای پروژه های راهسازی در زامبیا را پرداختهای کارفرما، مشکلات مربوط به فرآیندهای مالی پیمانکار و کارفرما، تغییرات اعمال شده نسبت به اصل قرارداد، مشکلات و معضلات اقتصادی، تأمین مواد، تغییرات نقشه ها، مشکلات نیروی انسانی، مشکلات مربوط به تأمین و تدارک تجهیزات لازم، نظارت ضعیف، اشتباه های اجرایی، هماهنگی ضعیف در کارگاه و مشاجرات نیروی کار می داند.

سامباسیوان و سون (۲۰۰۷) از طریق پرسشنامه، سه گروه عوامل کارفرما، مشاور و پیمانکار را در بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر پروژه های صنایع ساختمانی مالزی دخالت داده و ده عامل اثرگذار بر تأخیر پروژه ها را شامل: برنامه ریزی نامناسب پیمانکار، مدیریت ضعیف پیمانکار در کارگاه، سابقه کم و ناکافی پیمانکار، پرداخت های ناکافی و نامناسب کارفرما برای کارهای خاتمه یافته، مشکلات پیمانکاران جزء، کمبود مواد، نیروی کار، مشکلات مربوط به تجهیزات، نبود ارتباطات مناسب بین قسمت های مختلف و اشتباهات در مراحل اجرای پروژه بر شمرده است.

روش شناسی

پژوهش حاضر که به دنبال ارزیابی مشکلات اجرای طرح ها و پروژه های عمرانی استان تحت ضوابط نظام فنی و اجرایی کشور می باشد، کاربردی توصیفی بوده و با استفاده از نتایج منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در گزارش های نظارتی و ارزشیابی عملکرد اعتبارات عمرانی استانها و در قالب پرسشنامه و چک لیستی شامل اطلاعات کلی پروژه، ارجاع کار طبق قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن، روشهای برآورد و قیمت گذاری و نحوه انتخاب پیمانکار برنده، اسناد و مدارک پیمان، و شرایط اجرا و خاتمه قرارداد به بررسی وضعیت پروژه های عمرانی استان می پردازد. عناوین پروژه های تأمین اعتبار شده طی سالهای برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) از واحد تلفیق معاونت هماهنگی برنامه و بودجه سازمان شامل کد پروژه، میزان اعتبار مصوب، تخصیص و عملکرد اخذ گردید. از لیست پروژه های مذکور، پروژه های شروع شده از سال ۱۳۸۹ به بعد (دو رقم اول کد پروژه ۸۹ الی ۹۴) که به لحاظ ماهیت عنوان پروژه و اعتبار تخصیص داده شده، قابل بررسی و رصد و آسیب شناسی طبق ضوابط و قوانین نظام فنی و اجرایی کشور بود به تعداد ۱۹۷ پروژه انتخاب گردید. طی برنامه زمانی منظم و مدون، همکاران طرح با مراجعه به واحد ذیربط دستگاههای اجرایی به بررسی اسناد و مدارک پروژه ها و تکمیل پرسشنامه و چک لیست پرداختند.

جدول ۱- تعداد پروژه های هدف به تفکیک عنوان دستگاه اجرایی

ردیف	عنوان دستگاه اجرایی	تعداد پروژه ها
۱	اداره کل راه و شهرسازی	۲۵
۲	اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس	۴۳
۳	شرکت آبفای شهری	۲۳
۴	شرکت آبفای روستایی	۲۸
۵	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۲۷
۶	اداره کل ورزش و جوانان	۱۴
۷	اداره کل جهاد کشاورزی	۶
۸	شرکت آب منطقه ای	۴
۹	دانشگاه علوم پزشکی	۳
۱۰	میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۲
۱۱	جمعیت هلال احمر	۳
۱۲	حمل و نقل و پایانه ها	۱
۱۳	شرکت شهرکهای صنعتی	۴
۱۴	اداره کل گمرک	۱
۱۵	اداره کل بهزیستی	۴
۱۶	شهرداری قزوین	۳
۱۷	شهرداری محمدیه	۲
۱۸	شهرداری بیدستان	۳
۱۹	شهرداری خاکعلی	۱
	جمع	۱۹۷

جدول ۲- وضعیت تعداد و اعتبار کل و پروژه های هدف

میلیارد ریال

درصد	۸۸	۳۰.۱	۳۰.۸	۳۰.۹	۳۳.۸	۳۶	۳۵.۹	۳۰.۲	۳۳.۳	۳۷.۲	۱۴.۴	۱۹	۱۹.۰۴	۱۳.۸	۱۲.۴	۱۲.۵
هدف	۱۹۷	۷۶۶	۲۸۵	۲۸۵	۷۲۴	۴۹۹	۴۹۶	۶۳۳	۱۷۱	۲۱۱	۳۰.۲	۱۳۱	۱۳۱	۳۲۲	۲۲۸	۲۲۸
کل	۲۲۲۹	۲۵۴۸	۹۲۴	۹۲۳	۳۱۴۵	۱۳۸۶	۱۳۸۳	۲۰۹۳	۷۳۵	۷۷۵	۲۱۰۰	۶۹۰	۶۸۸	۲۲۲۸	۱۸۳۳	۱۸۲۴
تعداد پروژه ها	۹۴	۹۴	۹۴	۹۳	۹۳	۹۳	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۱	۹۱	۹۱	۹۰	۹۰	۹۰
اعتبار	۹۴	۹۴	۹۴	۹۳	۹۳	۹۳	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۱	۹۱	۹۱	۹۰	۹۰	۹۰
تخصیص	۹۴	۹۴	۹۴	۹۳	۹۳	۹۳	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۱	۹۱	۹۱	۹۰	۹۰	۹۰
عملکرد	۹۴	۹۴	۹۴	۹۳	۹۳	۹۳	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۱	۹۱	۹۱	۹۰	۹۰	۹۰

یافته های پژوهش

یکی از وظایف مهم سازمان برنامه و بودجه مندرج در قانون برنامه و بودجه (فصل نهم)، نظارت بر اجرای عملیات عمرانی و تهیه و تنظیم گزارش های مربوط به پیشرفت طرح ها است. در این پژوهش در ابتدا بر اساس نتایج گزارش های نظارتی پروژه های عمرانی استانی سالانه و ارزشیابی که در اجرای وظیفه فوق الذکر و برای آگاهی مسئولین اجرایی کشور از نحوه عملکرد عمرانی دستگاه های اجرایی در اجرای پروژه های عمرانی استان طی پنج سال اخیر (سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲) بر اساس موافقتنامه های آنها تهیه و توسط سازمان برنامه و بودجه کشور منتشر و تهیه شده است، عملکرد عمرانی استان مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. برای تنظیم این گزارش، از داده های بانک اطلاعات عملیات عمرانی استان ها و نتایج گزارش های نظارتی و مالی دستگاه های اجرایی استان در پایان سال مالی هر سال (تیر ماه) استفاده شده است. در ابتدا، وضعیت کلان طرح ها و پروژه های عمرانی استانی شامل: مشخصات کلی، میزان تحقق اهداف و پیشرفت فیزیکی، آغاز و اتمام پروژه ها و وضعیت مالی تشریح و تحلیل شده و شاخص های عمرانی با سال های قبل مقایسه می گردد. با توجه به اهمیت بحث ارزشیابی، سپس با استفاده از شاخص های عمده عمرانی مشتمل بر ((درصد تحقق خاتمه پروژه ها))، ((کیفیت اجرا))، ((نسبت دستیابی به اهداف یک ساله به دستیابی به منابع))، ((مدت اجرا))، ((درصد پروژه های مناقصه ای)) و ((درصد پروژه های پیمانی))، نتایج ارزشیابی و رتبه بندی انجام شده در بین استان های کل کشور در طی سال های مذکور مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه، خلاصه نتایج آماری پرسشنامه ها و در نهایت نتایج تحلیلی پرسشنامه ها در قسمت نتیجه گیری ارائه خواهد گردید.

اطلاعات عملیات عمرانی استان قزوین: اعتبارات عمرانی استان قزوین تا سال ۹۱ به پنج شهرستان قزوین، تاکستان، بوئین زهرا، آبیک، البرز و از سال ۹۱ به بعد با اضافه شدن شهرستان آوج، به شش شهرستان اختصاص یافته است. میزان اعتبار استان از ۱۱۸۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ تا ۲۱۴۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ به استثنای کاهش در سال ۹۱ نسبت به ۹۰، روند رو به رشد داشته است. تعداد پروژه های عمرانی استان از ۱۱۴۲ پروژه در سال ۱۳۸۹ به ۸۰۰ پروژه در سال ۱۳۹۴ کاهش داشته است که با توجه به افزایش اعتبارات عمرانی استان، حاکی از تورم های نا متعارف پیش آمده در کشور و افزایش هزینه اجرای پروژه ها می باشد. (نمودار ۱ و ۲).

به لحاظ رعایت برنامه زمان بندی، درصد تعداد پروژه های عمرانی مطابق با برنامه زمان بندی از ۸۳/۳۰ درصد با وزن مالی ۷۶/۲ درصد در سال ۸۹ به ۱۷/۶ درصد با وزن مالی ۱۰/۳ درصد در سال ۹۲ کاهش پیدا کرده است. درصد تعداد پروژه های عمرانی عقب تر از برنامه زمان بندی از ۹/۹ درصد با وزن مالی ۱۵/۹ در سال ۸۹ به ۸۲/۴ درصد با وزن مالی ۸۹/۷ درصد در سال ۹۲ افزایش یافته است. البته،

کمیود منابع اعتباری و تخصیصی در سال های اخیر عامل مهم این رویداد بوده، هر چند با مدیریت بهینه توزیع و تخصیص اعتبارات و الویت به خاتمه پروژه های خاتمه یافتنی طبق برنامه زمانی پیش بینی شده می توان عملکرد مناسبی در این خصوص داشت. همچنین، طولانی شدن زمان اجرای پروژه ها، قراردادهای فیما بین کارفرما، پیمانکار و مشاور را نیز تحت تأثیر قرارداد و ضمن تحمیل هزینه های گزاف به پروژه، موجب اختلال در روابط عوامل اجرایی پروژه و در نهایت بروز اثرات منفی بر اهداف پروژه خواهد گردید. (نمودارهای ۶ و ۷).

طی سالهای ۸۹ تا ۹۲، درصد تحقق دستیابی به اهداف یکساله روند نزولی داشته و از ۹۹ درصد در سال ۸۹ به ۳۸/۵ درصد در سال ۹۲ کاهش یافته است. (نمودار ۸). درصد تخصیص اعتباری استان، فقط در سال ۸۹ از متوسط درصد تخصیص کشوری بالاتر بوده و در سایر سالها، درصد تخصیص اعتباری استان کمتر از درصد تخصیص اعتباری متوسط کشور می باشد (نمودار ۹). اعتبارات دریافتی استان، بیانگر آن است که این نسبت از ۵۹/۱ درصد در سال ۸۹ به ۳۴/۶ درصد در سال ۹۲ کاهش یافته که این نسبت در کل کشور، ۵۸/۶ درصد در سال ۸۹ و ۵۷/۹ درصد در سال ۹۲ می باشد. کاهش درصد اعتبارات دریافتی استان به اعتبارات مورد نیاز در سال های اخیر نسبت به متوسط کشوری، مشکل تأخیر و افزایش مدت اجرای پروژه های عمرانی استان، تعدد پروژه های نیمه تمام، افزایش هزینه تمام شده پروژه های عمرانی و ایجاد اختلال در قراردادهای در دست اجرا و روابط عوامل ذینفع در اجرای پروژه را در پی خواهد داشت (نمودارهای ۱۰ و ۱۱).

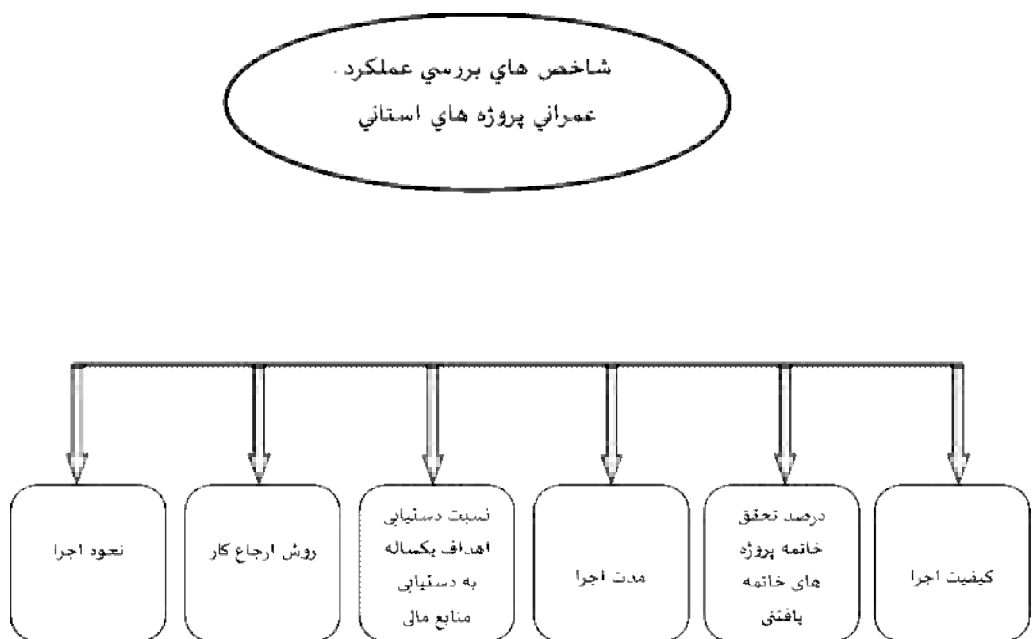
میانگین وزنی مدت اجرای کل پروژه های عمرانی استان از ۵/۲ سال در سال ۸۹ به ۷/۴ سال در سال ۹۲ افزایش پیدا کرده است که نسبت رشد آن از نسبت رشد کشوری بالاتر می باشد. میانگین وزنی مدت اجرای پروژه های جدید استان از ۱/۶ سال در سال ۸۹ به ۴/۷ در سال ۹۲ افزایش پیدا کرده است که تفاوت معناداری با پروژه های جدید کل کشور دارد. این موارد حاکی از عدم دقت نظر در تعریف پروژه جدید و پیش بینی مدت طولانی اجرا برای آن به دلیل کمیود اعتبارات و سیاست نم نم پیش بردن پروژه است. در حالی که به تعویق انداختن تعریف پروژه جدید تا اتمام پروژه های نیمه تمام و برنامه ریزی درست در تعریف و تسریع در تأمین اعتبار و اجرای آن، سیاست بهینه در عملکرد عمرانی و اهداف نظام فنی و اجرایی کشور می باشد. چرا که سیاست نم نم پیش بردن پروژه، منجر به تحمیل هزینه های گزاف غیر قابل پیش بینی در پروژه، باز بودن پرونده قراردادی در مدت طولانی و فرسایشی شدن روند کار می گردد (نمودارهای ۱۲ و ۱۳).

ارزشیابی عملکرد: با توجه به ماده ۳۴ قانون برنامه و بودجه، قوانین برنامه عمرانی و نظام فنی و اجرایی و به منظور بررسی تحقق اهداف و سیاست های تعیین شده، دفتر سابق نظارت بودجه سازمان

برنامه و بودجه کشور ارزشیابی عملکرد دستگاههای اجرایی عمده و استانها در حوزه اجرایی پروژه های عمرانی استانی را ارائه می دهد. رویکرد اصلی گزارش ارزشیابی مذکور، بهبود عملکرد دستگاههای اجرایی از طریق ارتقاء کیفیت اجرا، کاهش هزینه تمام شده و کاهش مدت اجرا بود که جملگی از اهدافی است که با استفاده از ابزار نظارت می توان محقق ساخت. نظارتی که در آن با توجه به رعایت فرآیندهای مورد نیاز، حصول نتایج مشخصی را دنبال می کند و بهبود مستمر عملکرد را مورد توجه قرار می دهد. ارزشیابی عملکرد بر اساس اطلاعات و ارقام مربوط به نظارت پروژه های عمرانی استانی و با توجه به شش شاخص که عمدتاً نتیجه گرا می باشند تهیه شده است. شاخص های عمرانی شامل "نسبت دستیابی به اهداف یک ساله به دستیابی منابع مالی"، "درصد تحقق خاتمه پروژه های خاتمه یافتنی"، "کیفیت اجرا"، "روش ارجاع کار"، "نحوه اجرا" و "مدت اجرا" می باشد (شکل ۱ و جدول ۱).

نمودارهای ۱۴ الی ۱۷، وضعیت امتیاز ارزشیابی و رتبه استان قزوین در عملکرد پروژه های عمرانی استان بر اساس شش شاخص مذکور را در مقایسه با سایر استانها طی سالهای ۸۹ تا ۹۲ نشان می دهد. در سال ۸۹، استان قزوین با کسب امتیاز ۷۶/۷ در رتبه ۱۸ در مقایسه با استان آذربایجان شرقی با امتیاز ۸۸/۷ (رتبه اول) قرار گرفته است. در سال ۹۰، استان قزوین با کسب امتیاز ۶۵/۶ در رتبه ۳۰ در مقایسه با استان تهران با امتیاز ۸۲/۲ (رتبه اول) قرار دارد. در سال ۹۱، استان قزوین با کسب امتیاز ۵۸/۲ در رتبه ۳۰ در مقایسه با استان آذربایجان شرقی با امتیاز ۷۸/۲ (رتبه اول) قرار دارد و به لحاظ امتیاز و رتبه در سالهای ۹۰ و ۹۱، وضعیت نزولی داشته است. با پیگیری های به عمل آمده در جلسات شورای فنی استان جهت ارتقاء عملکرد استان و اتخاذ سیاستهای پیشگیرانه، در سال ۹۲ استان قزوین با کسب امتیاز ۶۲/۱ در رتبه ۲۳ در مقایسه با استان آذربایجان شرقی با امتیاز ۷۷/۹ (رتبه اول) قرار گرفته است. بنابراین، بهترین وضعیت امتیازی در سال ۸۹ با امتیاز ۷۶/۷ بوده است.

شکل ۱- شاخص های بررسی عملکرد عمرانی پروژه های استانی

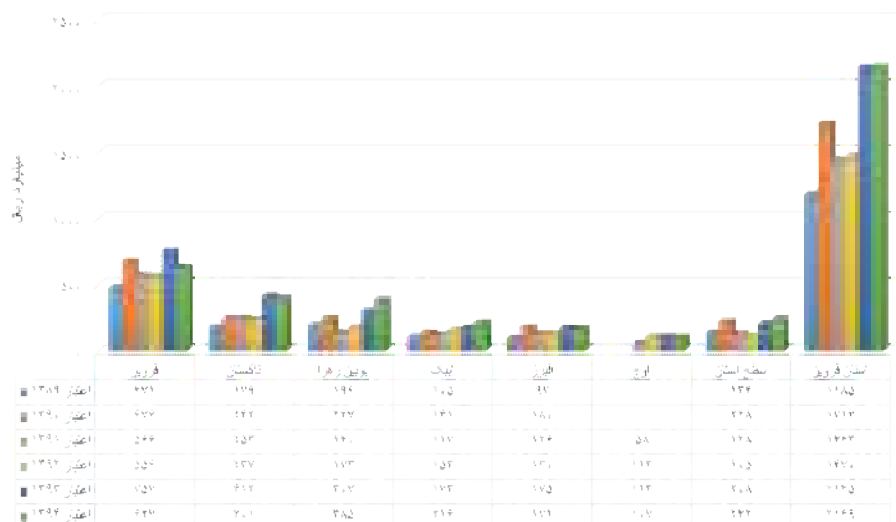


جدول ۳- میانگین هندسی اهمیت شاخص ها و وزن آنها

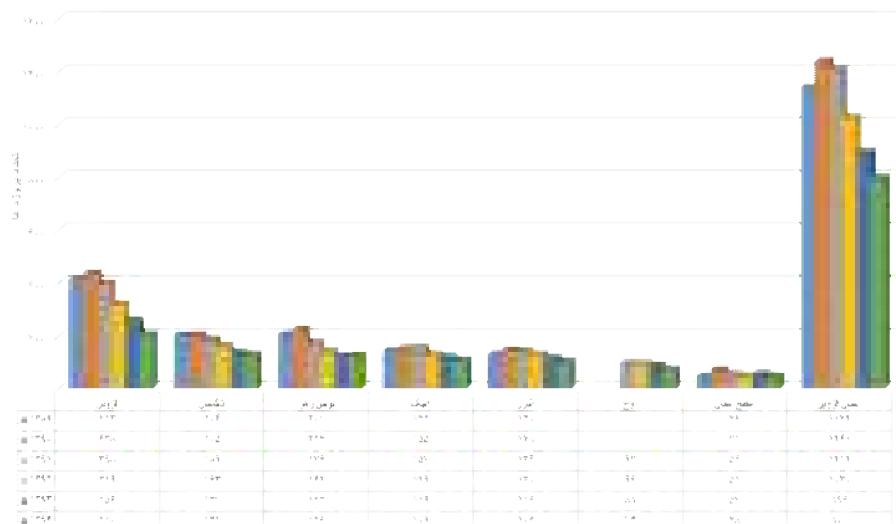
وزن شاخص ها	نحوه اجرا	روش ارجاع کار	مدت اجرا	نسبت دستیابی اهداف یکساله به دستیابی منابع	کیفیت اجرا	درصد تحقق خاتمه پروژه های خاتمه یافتنی	شاخص ها
۰.۲۳۴	۴.۰۱۶	۴.۶۰۸	۱.۴۲۹	۱.۲۵	۰.۷۴۱	۱	درصد تحقق خاتمه
۰.۳۰۳	۴.۷۸۵	۶.۰۲۴	۱.۶۶۷	۱.۸۱۸	۱	۱.۳۵	کیفیت اجرا
۰.۱۷۱	۲.۸۰۹	۳.۶۵	۰.۸۳۳	۱	۰.۵۵	۰.۸	دستیابی به اهداف یکساله
۰.۱۸۲	۲.۷۶۲	۳.۸۷۶	۱	۱.۲	۰.۶	۰.۷	مدت اجرا
۰.۰۴۹	۰.۷۸۷	۱	۰.۲۵۸	۰.۲۷۴	۰.۱۶۶	۰.۲۱۷	روش ارجاع کار
۰.۰۶۲	۱	۱.۲۷	۰.۳۶۲	۰.۳۵۶	۰.۲۰۹	۰.۲۴۹	نحوه اجرا

جهت سنجش عملکرد استان در شاخص های شش گانه ارزشیابی، امتیاز استان قزوین طی سالهای ۸۹ الی ۹۲ در مقایسه با استان برتر (استان آذربایجان شرقی) به تفکیک شاخص در نمودارهای ۱۸ و ۱۹ مقایسه گردیده است. در شاخص مدت اجرا که طبق تعریف شاخص مندرج در گزارشهای نظارتی پروژه های عمرانی استانی سالانه رابطه ای است لگاریتمی که با نسبت میانگین مدت اجرای پروژه های خاتمه یافته استان در هر سال به میانگین مدت اجرای پروژه های خاتمه یافته استان در طول سالهای گذشته ارتباط مستقیم دارد، کاهش امتیاز محسوسی نسبت به امتیاز ماکزیمم و امتیاز سایر استانها مشاهده می شود. در شاخص نحوه اجرا که امتیاز آن تابع درصد تعداد پروژه های پیمانی و وزن مالی آن می باشد نیز امتیازات مطلوبی کسب نگردیده که می توان با کاهش تعداد و سهم مالی پروژه های امانی و امانی - پیمانی نسبت به ارتقاء امتیاز این شاخص اقدام نمود. در شاخص روش ارجاع کار می توان با افزایش درصد تعداد پروژه های مناقصه ای عام و فراخوان و درصد پروژه های مناقصه محدود و خودداری از خرد کردن پروژه ها که ارجاع کار آن به صورت استعلامی یا عدم الزام به مناقصه می باشد، همچنین با کاهش درصد ارجاع کار به روش ترک تشریفات مناقصه، امتیاز کسب شده استان در این شاخص را افزایش داد. در شاخص کیفیت اجرا که سنجش آن به صورت خود اظهاری و تکمیل شاخص های ذیربط می باشد، یک شاخص نسبی بوده و وضعیت استان مطلوب است که می توان با افزایش بازدهیهای نظارتی و کنترل و مقایسه نسبی آن با وضعیت سایر استانها، در خود اظهاری به صورت آگاهانه تر و منطبق با واقعیت نسبت به ورود اطلاعات در سامانه مربوطه اقدام نمود. امتیاز شاخص درصد تحقق خاتمه در استان در سالهای ۹۱ و ۹۲ بسیار کاهش یافته که علت آن همان عدم مدیریت توزیع و تخصیص اعتبارات جهت اتمام پروژه های نیمه تمام و خاتمه یافتنی و اولویت آن نسبت به شروع پروژه های جدید می باشد (نمودارهای ۱۸ و ۱۹).

نمودار ۱- توزیع جغرافیایی اعتبار منسوب پروژه های عمرانی استان طی سالهای ۸۹-۹۴



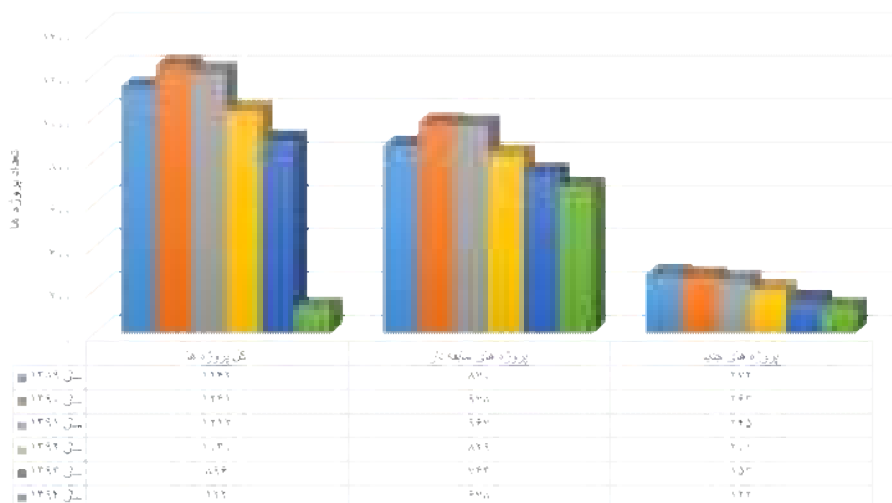
نمودار ۲- تعداد پروژه های عمرانی استان طی سالهای ۸۹-۹۴



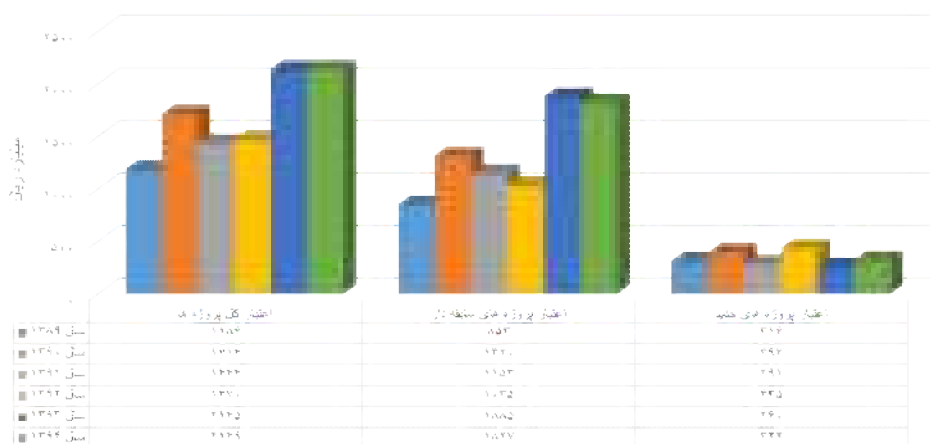
جدول ۴- درصد پروژه های عمرانی جدید طی سالهای ۹۲- ۱۳۸۹

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
درصد پیشرفت	۲۳.۸	۲۱.۲	۲۰.۲	۱۹.۵

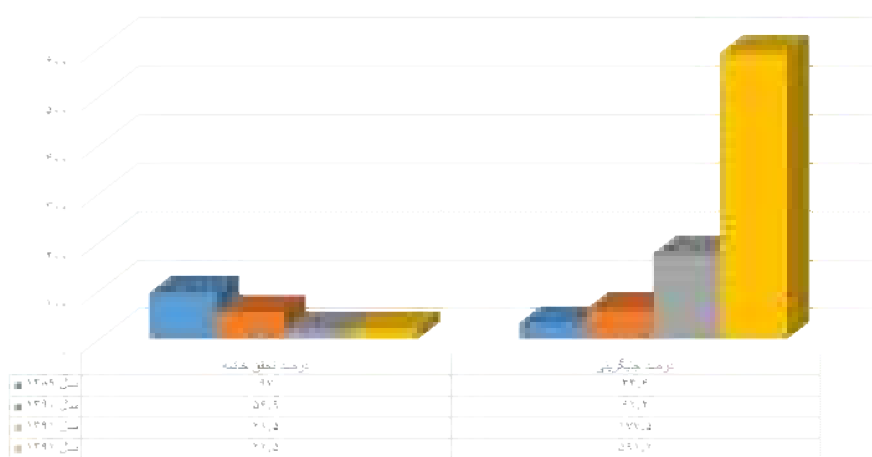
نمودار ۳- وضعیت تعداد پروژه های جدید استان طی سال های ۹۴-۸۹



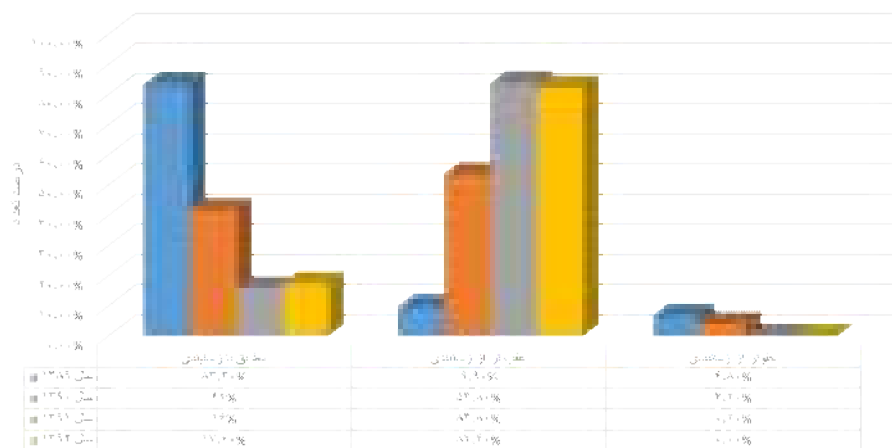
نمودار ۴- وضعیت اعتباری پروژه های جدید استان طی سال های ۹۴-۸۹



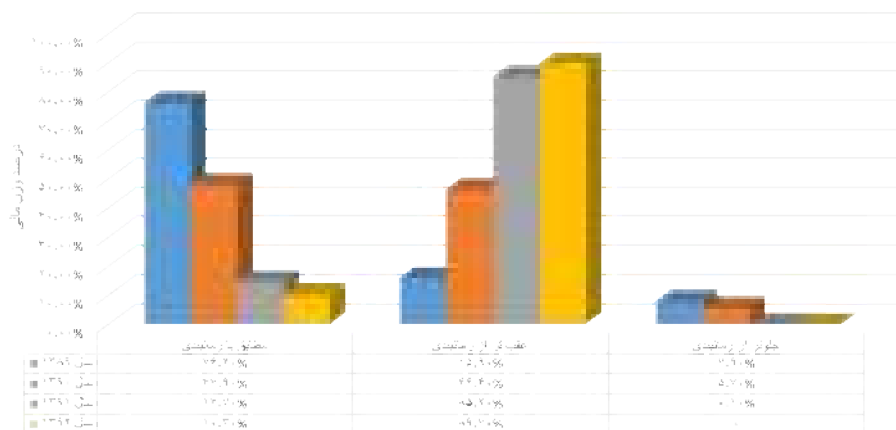
نمودار ۵- وضعیت اتمام پروژه های عمرانی استان طی سال های ۹۲-۸۹



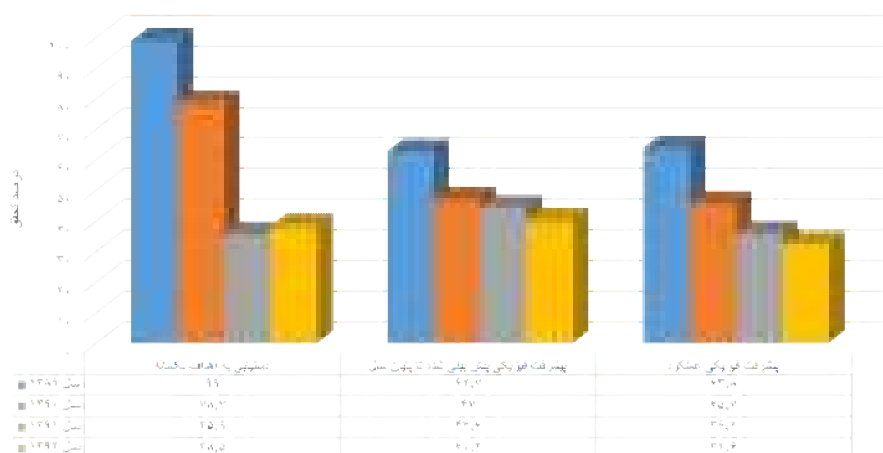
نمودار ۶- وضعیت رعایت برنامه زمانبندی طی سال های ۸۹-۹۲



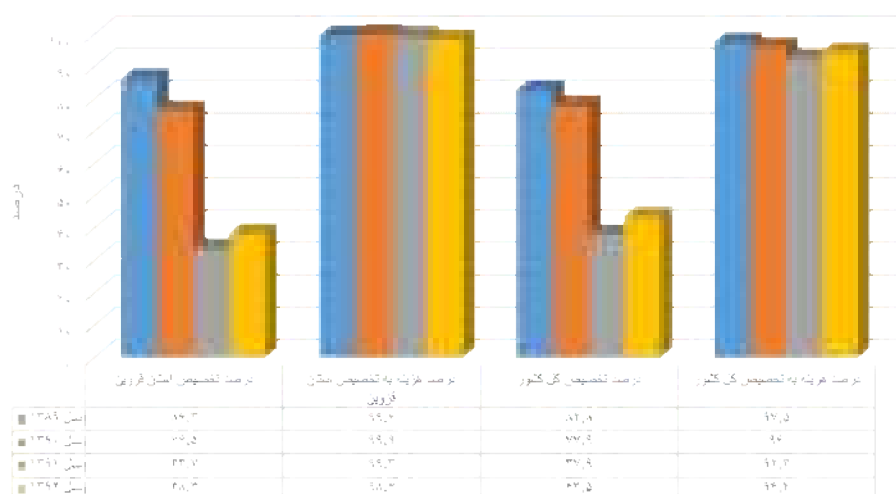
نمودار ۷- وضعیت رعایت زمانبندی طی سال های ۸۹-۹۲



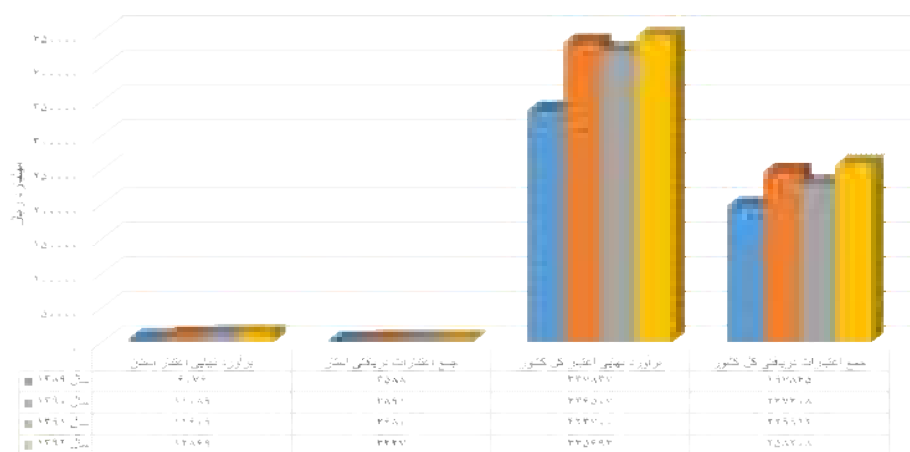
نمودار ۸- درصد تحقق اهداف در طی سال های ۹۲-۸۹



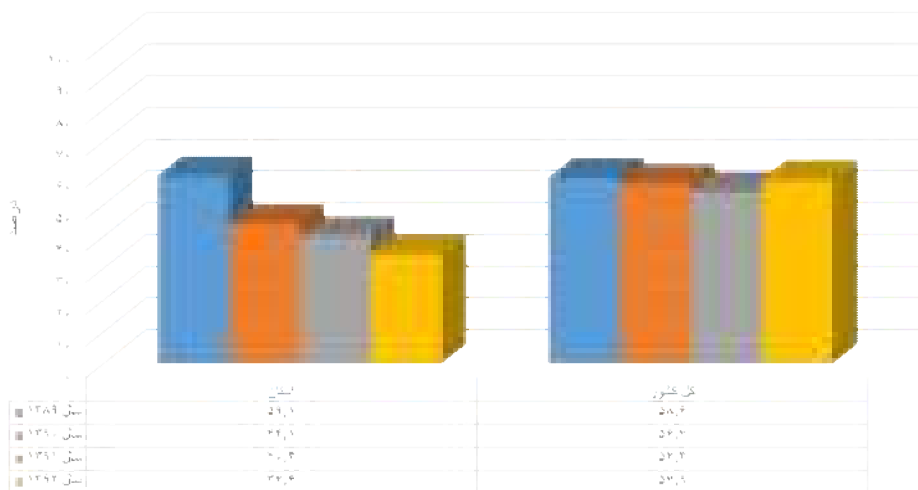
نمودار ۹- عملکرد مالی پروژه های عمرانی استان در مقایسه با کل کشور طی سال های ۹۲-۸۹



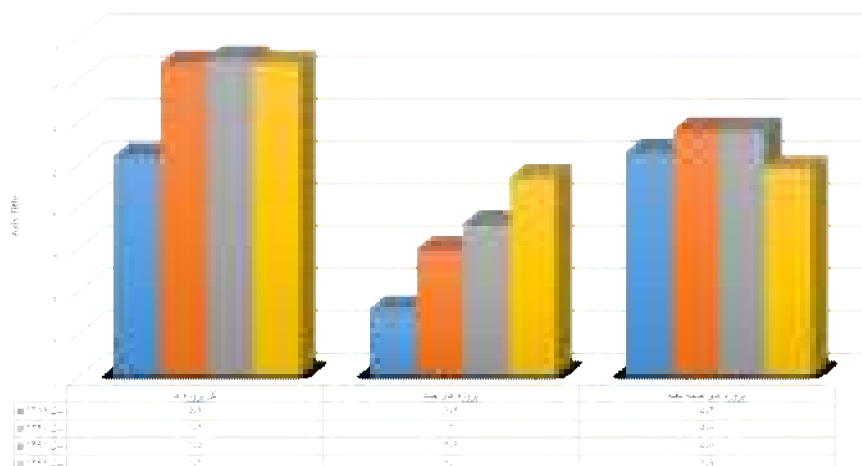
نمودار ۱۰- برآورد نهایی اعتبارات عمرانی استان در مقایسه با کل کشور طی سال های ۸۹-۹۲



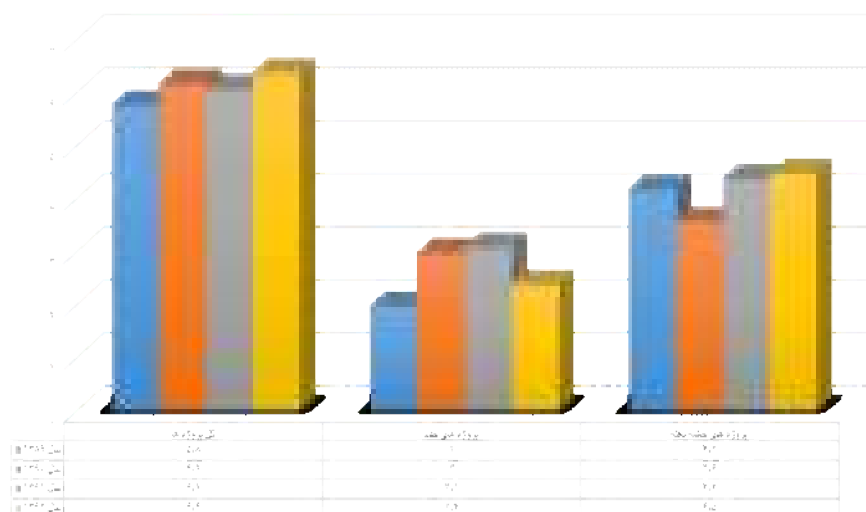
نمودار ۱۱- درصد پیشرفت ریالی استان در مقایسه با کشور طی سال های ۸۹-۹۲

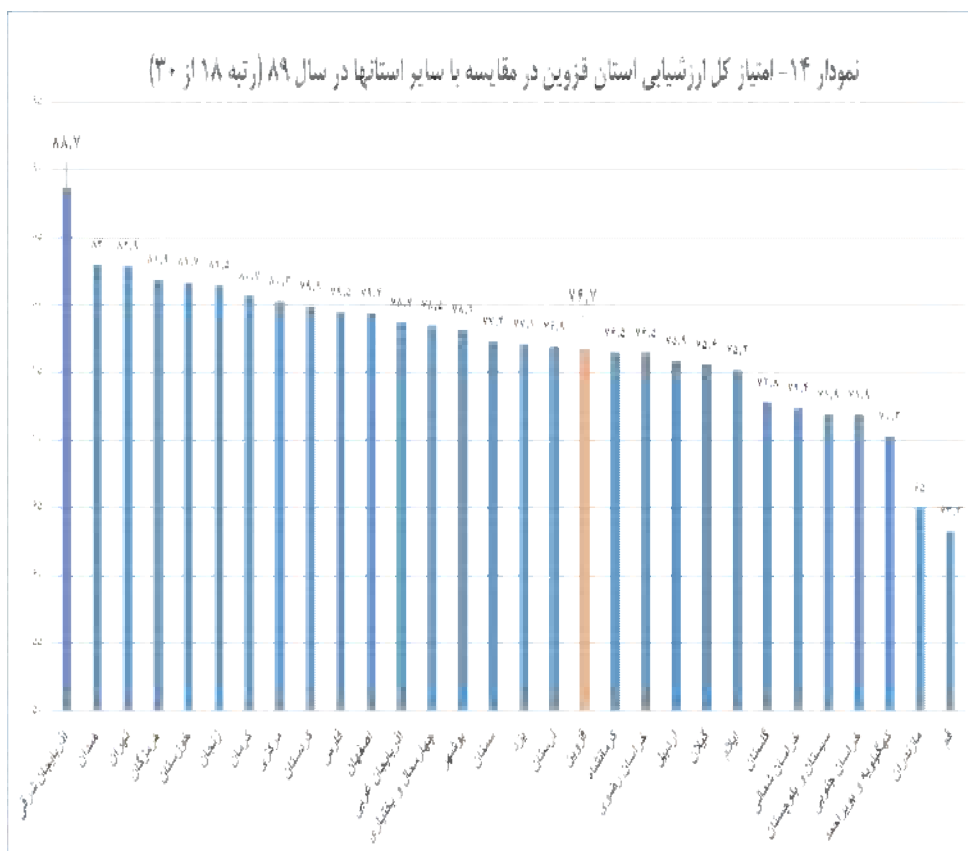


نمودار ۱۲- میانگین وزنی مدت اجرای پروژه های عمرانی استان طی سال های ۸۹-۹۲

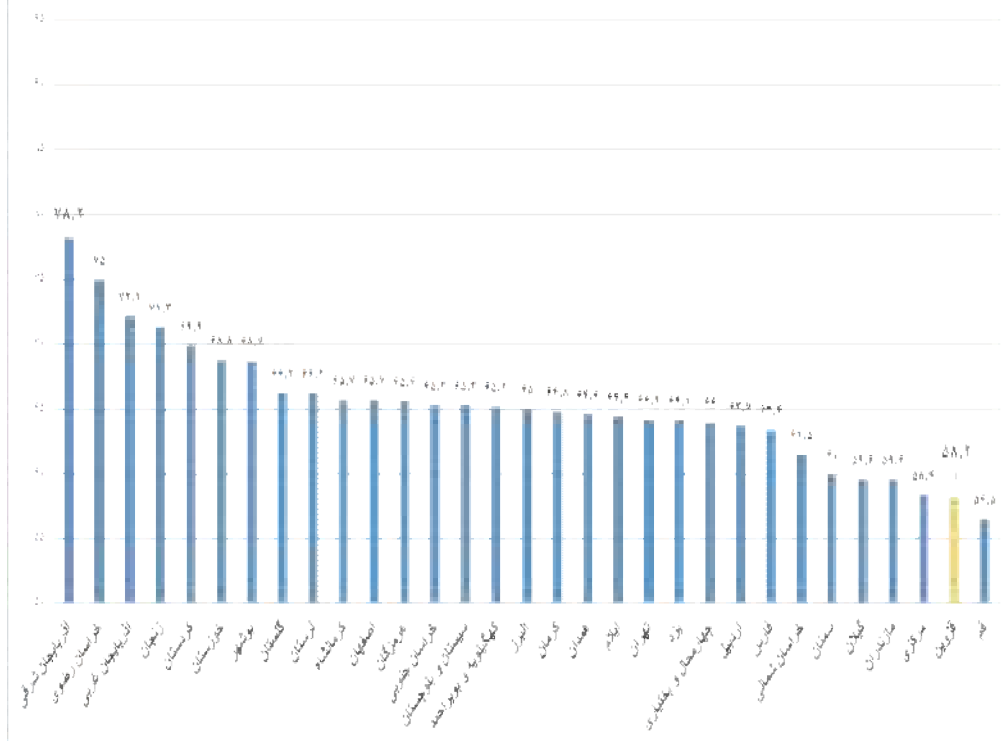


نمودار ۱۳- میانگین وزنی مدت اجرای پروژه های عمرانی استانی کل کشور طی سال های ۸۹-۹۲

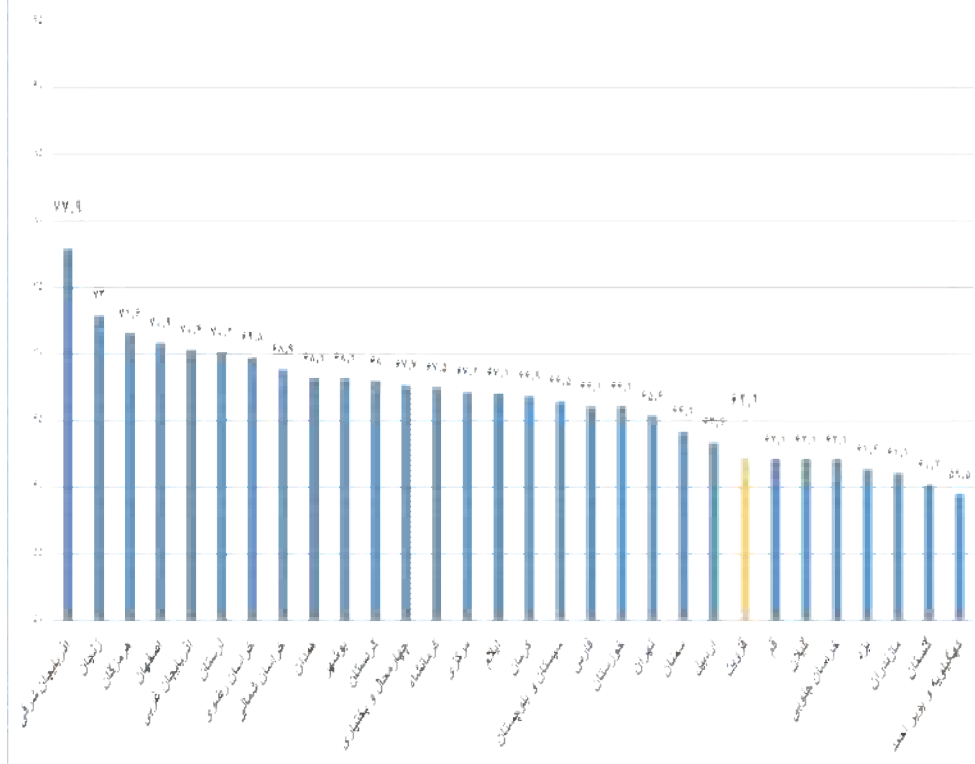




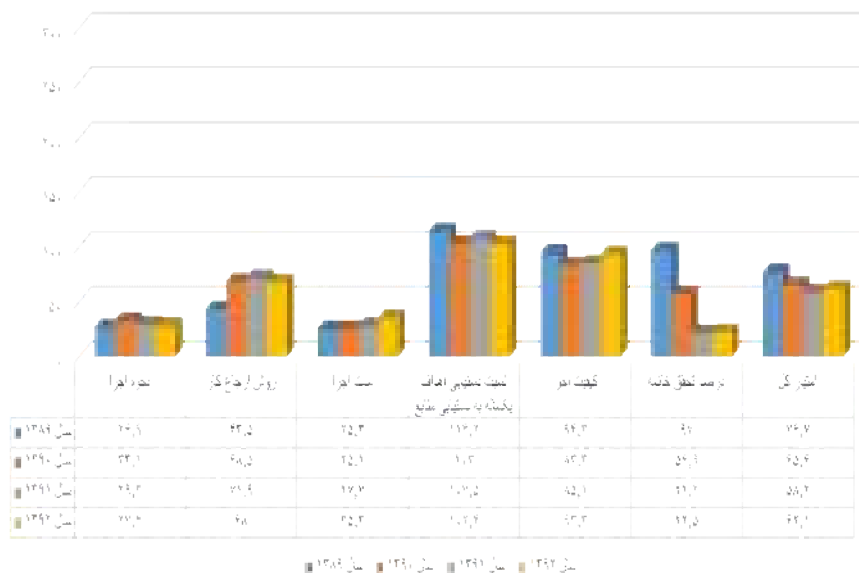
نمودار ۱۶- امتیاز کل ارزشیابی استان قزوین در مقایسه با سایر استانها در سال ۹۱ (۳۰ از ۳۱)



نمودار ۱۷- امتیاز کل ارزشیابی استان قزوین در مقایسه با سایر استانها در سال ۹۲ (۳۴ از ۳۰)



نمودار ۱۸- وضعیت امتیاز کل و امتیاز شاخص های شش گانه ارزیابی استان قزوین طی سالهای ۸۹-۹۲



نمودار ۱۸- وضعیت امتیاز کل و امتیاز شاخص های شش گانه ارزیابی استان بوتر (آذربایجان شرقی) طی سالهای ۸۹-۹۲



اطلاعات اسناد و مدارک پیمان: از تعداد ۱۸۸ پرسشنامه تکمیل شده، ۸۵ درصد فاقد مشاور طراحی و ۱۵ درصد دارای مشاور طراحی می باشد که حاکی از عدم رواج فرهنگ استفاده از خدمات مهندسین مشاور در طراحی پروژه ها در استان می باشد همچنین ۸۸ درصد فاقد مشاور نظارت و ۱۲ درصد دارای مشاور نظارت بوده است. قطعاً، استفاده از خدمات نظارت کارگاهی مقیم مشاور در کاهش معضلات فعلی پروژه ها تأثیر بسزایی دارد. بسیاری از دستگاههای اجرایی استان فاقد نیروی فنی و متخصص کافی بوده که متأسفانه کیفیت اجرا و تعاملات فیما بین کارفرما و پیمانکار طبق شرایط عمومی را مختل می نماید. از ۱۷۸ پرسشنامه، در ۸۶ درصد پیمانها با انجام موضوع پیمان پروژه ها قابل بهره برداری بوده و در ۱۴ درصد مابقی قابل بهره برداری نمی باشد که حاکی از عملکرد مطلوب استان در تعریف پروژه ها و ارجاع یکپارچه پروژه به پیمانکار و جلوگیری از معضلات و عوارض تقسیم یک پروژه واحد به چند زیر پروژه می باشد. به لحاظ ارجاع کار، ۵۶ درصد به صورت مناقصه، ۴۰ درصد به صورت استعلا م قیمت و ۴ درصد به صورت ترک تشریفات مناقصه به پیمانکار واگذار گردیده است.

در پیمانهای مناقصه، ۹۷ درصد به صورت عمومی و ۳ درصد به صورت محدود برگزار شده اند و در پیمانهای مناقصه عمومی، ۵۸ درصد دو مرحله ای و ۴۲ درصد یک مرحله ای برگزار گردیده اند. بنابراین، وضعیت رقابتی بودن کار و ممانعت از انحصار و انجام فرآیند ارزیابی پیمانکار در قراردادهای عمرانی استان مطلوب می باشد که می توان به نقش مؤثر دستگاههای نظارتی و فعالیتهای انجام شده در کمیته پیمان شورای فنی در این رابطه اشاره نمود.

به لحاظ استفاده از پیمانکاران بومی و تقویت نیروی بومی و آشنا به استان، ۶۴ درصد پیمانها دارای پیمانکار بومی و ۲۶ درصد غیربومی بوده اند (نمودار ۲۶). تجارب حوزه نظام فنی و اجرایی سازمان و پرونده های بررسی شده در کمیته پیمان شورای فنی، بیانگر آن است که اغلب پیمانهای فسخ شده (ماده ۴۶) و پروژه های دارای مشکل عمده، ناشی از قرارداد با پیمانکاران غیربومی نا آشنا به مناطق مختلف استان و نداشتن عرق بومی و محلی و انگیزه لازم برای اتمام پروژه ها بوده است. هر چند در ضوابط تشخیص صلاحیت و ارجاع کار محدودیتی برای این امر نبوده و در شرایط عمومی پیمان، کاملاً در خصوص روابط فیما بین کارفرما و پیمانکار در مدیریت پروژه های عمرانی جوانب امر در نظر گرفته شده است، اما در شرایط مشکلات فعلی پروژه های عمرانی مانند پرداخت پیش پرداخت و صورت وضعیت عملکرد پیمانکار، عموماً پیمانکاران بومی دارای روحیه سازگاری بهتری در تعامل با کارفرمایان بوده اند.

در پروژه های شروع شده از سال ۸۹ تا ۹۴، ۶۵ درصد پیمانها دارای ضریب پلوس^۱ (افزایش مبلغ پیمان نسبت به مبلغ برآورد)، ۲۸ درصد ضریب مینوس^۲ (کاهش مبلغ پیمان نسبت به مبلغ برآورد)، ۲۸ درصد ضریب مینوس (کاهش مبلغ پیمان نسبت به مبلغ برآورد) و ۷ درصد دارای مبلغ پیمان برابر با مبلغ برآورد بوده اند. البته عدم ابلاغ فهرست بها از سال ۸۸ تا سال ۹۲ و تورم های ناشی از افزایش نرخ ارز در سالهای اول برنامه پنجم توسعه در جامعه آماری منتخب این پژوهش، دلیل این امر می باشد. در سالهای اخیر با ابلاغ به موقع فهرس بهای واحد پایه و ثبات تورمی، عموماً نرخ پیمانها به مینوس سوق پیدا کرده است.

به لحاظ وضعیت پیشرفت قراردادها، ۴۷ درصد در مرحله تحویل موقت، ۱۸ درصد در مرحله تحویل قطعی، ۱۰ درصد خاتمه پیمان (ماده ۴۸)، ۲ درصد فسخ پیمان (ماده ۴۶) و ۲۲ درصد در دست اجرا بوده اند. البته اکثر قریب به اتفاق پروژه های تحویل موقت شده، پروژه هایی شروع شده در ابتدای برنامه پنجم بوده اند که به مرحله تحویل قطعی نرسیده اند. ۶۹ درصد از پروژه ها فاقد زمانبندی تفصیلی و ۳۱ درصد دارای برنامه زمانبندی تفصیلی بوده اند که باید یکی از الزامات قرارداد و مدارک منظم به پیمان باشد. در ۵۸ درصد از پروژه ها تعهدات کارفرما و در ۸ درصد پروژه ها تعهدات پیمانکار محقق نشده است. عدم انجام تعهدات کارفرما بیشتر موضوع تأمین و تخصیص اعتبار، تملک زمین و ناقص بودن مجوزها و رفع معارض بوده و عدم انجام تعهدات پیمانکار، عدم توانایی مالی و فنی و نرخ پیمان نامتناسب بوده است. ۵۶ درصد پروژه های منتخب در رسته ابنیه و ساختمان، ۲۶ درصد در رشته آب و ۱۸ درصد در رسته راه بوده اند.

بحث و نتیجه گیری

- نتایج عملکرد اعتبارات عمرانی استان و ارزشیابی عملکرد و اطلاعات حاصله از تکمیل و تحلیل پرسشنامه های این پژوهش، حاکی از آن است که:
- سهم اعتبارات دریافتی استان برای اجرا و اتمام پروژه های عمرانی نسبت به متوسط کشور، کاهش معناداری دارد.
 - درصد تخصیص سالانه اعتبارات در استان، کمتر از درصد متوسط کشور می باشد.
 - به لحاظ وضعیت رعایت برنامه زمانبندی، تعداد پروژه های عقب تر از برنامه زمانبندی و پروژه های متوقف استان و وزن مالی آنها نسبت به سایر استان های کشور وضعیت مطلوبی ندارد.

1 - PLUS

2 - MINUS

- در تخصیص بهینه اعتبارات و اولویت خاتمه پروژه های نیمه تمام خاتمه یافتنی و دقت نظر به اهداف پروژه ها و ضرورت خاتمه آنها طی برنامه پیش بینی شده حتی به قیمت عدم شروع عملیات اجرایی پروژه های جدید محدود تعریف شده، بطور مطلوب و قابل قبولی در مقایسه با سایر استانها عمل نشده است.
 - میانگین وزنی مدت اجرای کل پروژه های عمرانی استان، تفاوت معناداری با متوسط کشور داشته که حاکی از سیاست نم نم پیش بردن همه پروژه ها بدون الویت بندی و عدم دقت نظر در تعریف پروژه ها و پیش بینی مناسب سال خاتمه برای آنها طبق منابع اعتباری موجود می باشد.
 - درصد تعداد و وزن مالی پروژه های اجرا شده در استان به روش امانی و امانی/پیمانی زیاد بوده که با اهداف نظام فنی و اجرایی طرحهای عمرانی کشور و شاخص های ارزشیابی عملکرد مغایر می باشد.
 - در پروژه های عمرانی استان از خدمات مشاورین ذیصلاح در طراحی و نظارت پروژه ها استفاده نمی گردد.
 - اکثر قریب به اتفاق پروژه ها فاقد برنامه زمانبندی تفصیلی می باشند.
 - اکثر عدم انجام تعهدات کارفرمایی مربوط به مسایل مالی، تملک زمین، رفع معارض و اخذ مجوزها بوده و عدم انجام تعهدات پیمانکاری مربوط به عدم توان مالی و اجرایی و نرخ نامتناسب قیمتها بوده است.
- موارد فوق الذکر حاکی از آن است که متأسفانه در رابطه با اجرای پروژه های عمرانی و زیربنایی استان از مرحله تصمیم، طراحی، تصویب، منابع تأمین اعتبار، نحوه اجرا، مناقصه، انتخاب پیمانکار و مشاور، اجرای پروژه، کنترل پروژه، تحویل و در نهایت بهره برداری طرح، مشکلات فراوانی وجود داشته که برآیند همه این معضلات منجر به تطویل زمان انجام پروژه ها، نیمه کاره ماندن تعداد بی شماری از پروژه ها و یا پروژه هایی که به مرور زمان اصلاً توجیه وجودی خود را از دست داده اند، افزایش هزینه ها و قیمت تمام شده، نزول کیفیت اجرا، عدم امکان بهره برداری از سرمایه گذاری انجام شده، پیامد های اجتماعی، نابسامانی حاکم بر روابط بین مجریان طرح، پیمانکاران، مشاوران و بهره برداران و فقدان تعامل سازنده بین این عوامل شده است. در این بخش، موارد و ریشه برخی از این آسیب ها اعلام گردیده و پیشنهاداتی برای بهبود و کم رنگ کردن مشکلات کلیدی ارائه می شود.
- آسیب شناسی ساختارنظام فنی و اجرایی فعلی طرحهای عمرانی:** اگرچه اصول و مبانی نظام فنی و اجرایی کشور بر اساس رویکردی مترقی و سازگار با ادبیات جهانی و توسعه پایدار و مبتنی بر نظام مدیریت کیفیت طبق موارد مذکور در بند ۵-۱، تنظیم شده است، ولی متأسفانه در عمل و اجرا، از آن اهداف آرمانی و ایده آل مورد نظر، فاصله گرفته و دارای مشکلاتی از حیث ساختاری و اجرایی می باشد

که در این بخش به آنها اشاره می گردد. نظام فنی و اجرایی کنونی، متشکل از سه عامل مستقل و مجزا، سلسه قوانین مشخص کننده وظایف آنها و روابط فی مابین است. این ساختار، به عنوان ساختار سه عاملی (کارفرما-پیمانکار-مشاور) نامیده شده و به صورت متعارف طراحی/ مناقصه/ ساخت انجام می پذیرد. از اوایل قرن بیستم، با گسترش تخصص های جدید و ایجاد شاخه های مهندسی طراحی و مهندسی اجرا، این ساختار جایگزین روش طرح و ساخت توأم که طی قرن ها وجود داشت گردید. اهم این مشکلات را می توان شامل موارد ذیل دانست.

۱- مدت طولانی : در نظام سه عاملی، عدم ارتباط بین سازنده و طراح در زمان طراحی اولیه منجر به ارائه طراحی های غیر قابل اجرا، بروز خطاهای زیاد در اجرا و ایجاد تغییرات پی در پی در طراحی اولیه می گردد. با وجود قوانین و مقررات موجود و این که هرگونه تغییر در طراحی مصوب اگرچه بسیار کوچک باشد، باید پس از بازدید های مکرر و طولانی نمایندگان سه عامل فوق تأیید و ابلاغ گردد، اجرای طرح و پروژه دچار وقفه و رکود خواهد شد. گاهی اوقات تشریفات اداری ابلاغ یک تغییر مختصر بیش از چند ماه به طول می انجامد یا درخواست های بسیار جزئی پیمانکار، برای کسب تأیید افراد مختلف مدت های طولانی این دست و آن دست می گردد. پرداخت مطالبات پیمانکار که شاهرگ حیات کارگاه و عامل بسیاری مؤثر در کوتاه کردن زمان اجراست، در گرو تأیید افراد مختلف فنی و غیر فنی است.

۲- اختیارات یک طرفه و بی حد و حصر کارفرما : موافقتنامه، مواد و شرایط عمومی پیمان، به صورت کاملاً یک طرفه و به نحوی تنظیم شده است که پس از انعقاد پیمان، تقریباً سرنوشت پیمانکار، تمام و کمال در اختیار کارفرما قرار میگیرد. کارفرما می تواند تا سقف ۲۵٪ مبلغ پیمان، هر کاری را که لازم می داند اجرای آن را از پیمانکار خواستار شود و یا تا همین سقف، هر آنچه را لازم می داند، بدون هیچ ضابطه ای از کار پیمانکار کسر نماید. کارفرما این توانایی را دارد که مطالبات پیمانکار را هر چند مدت که تشخیص داد، دیر پرداخت نماید و در این رابطه، پیمانکار باید در هر شرایطی کار خود را ادامه و حق هیچگونه اعتراضی ندارد. جز اینکه، مثلاً در مورد پرداخت نکردن مطالبات، مقداری به زمان قرارداد اضافه می گردد و مشکلات و موارد دیگری در همین راستا. در ساختار سه عاملی، تکیه و تأکید بر صورت مجالس ها و امضاها، اختیارات بی حد و حصر کارفرما و نمایندگان او (مشاور) و کوتاه بودن دست پیمانکار برای احقاق حقوق خود، مشکلات عدیده ای از جمله: عدم امنیت کاری پیمانکار، حذف پیمانکاران با سابقه طولانی و گاهی اشتغال آنان در مشاغل غیر مفید و دلالتی، در مواردی تمسک به تبانی ها و سوء استفاده، رعایت نکردن ضوابط فنی و اجرایی در پروژه ها برای جبران هزینه های ناشی از موارد فوق و تقلیل عمر مفید پروژه ها و... می شود.

۳- نقض خلاقیت ها و استفاده بهینه از منابع: در نظام کنونی، طراحی طرح، منابع مورد نیاز، مصالح و مانند آن، توسط کارفرما یا نماینده او از قبل تعیین یا تخمین زده می شود. شرکت سازنده با حضور در محل و آشنایی بیش تر با امکانات موجود، معمولاً قادر خواهد بود منابع تأمین مصالح و طراحی طرح را با حفظ مشخصات فنی تغییر دهد. انجام دادن این کار به منظور استفاده بهینه از منابع، کاهش قیمت و افزایش سرعت کار صورت می گیرد. این گونه ملاحظات اقتصادی و فنی در حال حاضر موجب پایین آمدن مبلغ پیمان در جهت منافع کارفرما و زیان شرکت سازنده (کاهش مقادیر و سود کمتر، می شود. بنابراین، اینگونه خلاقیت ها و نوآوری ها به هیچ وجه مورد استقبال واقع نخواهد شد).

۴- مشکلات مربوط به مشاور: مهندسین مشاور قبل از انعقاد پیمان با پیمانکار جهت اجرای پروژه، مسئولیت طراحی و محاسبات و تهیه نقشه های اجرایی پروژه را به عهده دارد. در این رابطه، متأسفانه نقش و مسئولیت مشاور، در متن قراردادهای پیمانکاری، به صورت شفاف و واضح مشخص نیست. مسئولیت مشاور در رابطه با طراحی و محاسبات نقشه ها تا کجاست، اینکه در شرایط عمومی پیمان (مثلاً بندهای "ب" و "ج" ماده ۲۲ شرایط عمومی پیمان) به صورت مبهم مسئولیت صحت و یا کمبود نقشه ها که در مسئولیت مستقیم مشاور است را نیز بر عهده پیمانکار می داند، به چه معنی است؟ مشکل دیگر ارتباط مالی مشاور و کارفرما می باشد. اگر قرار بر این است که مشاور به عنوان ناظری بی طرف و صرفاً متکی بر شرایط عمومی پیمان منعقد و بخشنامه های صادره و همچنین نقشه های ابلاغی و نحوه اجرا در کارگاه ها عمل کند، قاعدتاً نباید ارتباط مالی با یکی از طرفین پیمان داشته باشد که در این صورت، طبیعتاً زیرمجموعه آن طرف خواهد شد، نه مستقل، که در حال حاضر همین طور است. آیا مشاور، به عنوان ناظری بی طرف پیمان تلقی شده و علاوه بر اینکه نظارت در اجرای درست مفاد پیمان را دارد، در موارد اختلاف نظر بین کارفرما و پیمانکار، نقش نفر سوم و قاضی مرضی الطرفین را دارد و یا نه، مشاور کارفرما بوده و فقط و فقط باید منافع کارفرما را مدنظر داشته باشد. از آنجا که پرداخت حق الزحمه مشاور رابطه ای مستقیم با مبلغ برآورد اولیه طرح دارد، این احتمال همیشه هست که طراحی به صورتی انجام شود که کارهای غیر ضروری یا بیش از حد نیاز در طراحی اولیه منظور گردند، یا در طراحی سازه ها الزامات صرفه جویی رعایت نشود. از طرف دیگر، پیمانکار سازنده نیز چون مطالبات خود را بر اساس قیمت واحد کار انجام شده دریافت می کند، نه تنها مایل به پیشنهاد در تغییر در این گونه موارد نیست، بلکه تمایل بسیار زیادی به اضافه کردن مقادیر کارها دارد. فقط در موارد خاصی که انجام دادن کاری موجب ضرر پیمانکار باشد، ممکن است در آن صورت با توجیه فنی، پیشنهاد حذف یا کاستن از مقدار آن کار خاص را ارائه بدهد. بنابراین مشاهده می گردد که در روش طرح/ مناقصه/ ساخت موجود،

از یک طرف با اجرای کارهای غیر ضروری و اضافی، مقادیر کارها و نهایتاً قیمت کار افزایش می یابد و از طرف دیگر، کارهای زیان آور، ضروری و در عین حال کم حجم، حذف می گردد.

مشکلات اجرای نظام فنی و اجرایی فعلی طرحهای عمرانی: مشکلاتی که به ساختار مدیریت محور بودن نظام فنی و اجرایی کشور مربوط نبوده و حاصل از اجرای نادرست آن می باشد شامل موارد زیر می باشد.

۱- تأخیر در تأمین بودجه: با مشخص نبودن تخصیص سالیانه به یک پروژه خاص و تخصیص درصدی ناچیز از رقم اختصاصی اولیه غالباً (زیر ۵۰٪) به پروژه، در حالی که هم کارفرما قرارداد و زمانبندی آن را بر مبنای رقم اولیه منعقد و تنظیم نموده است و هم پیمانکار قیمت پیشنهادی و تجهیز و تمام امکانات خود را بر همان مبنا برای اجرای پروژه بسیج نموده است، پر واضح است که چیزی جز ضرر و زیان و از همه مهمتر بی برنامگی و آماده نشدن به موقع پروژه حاصل نخواهد شد. حال اگر به مورد فوق، جریان غیر پایدار و سرعت غیر ثابت تغذیه مالی پروژه را اضافه کنیم، چندین ماه پروژه بدون ریالی بودجه، رها می گردد و ناگهان تخصیص عقب افتاده (به خصوص چند ماه مانده به پایان سال مالی) ابلاغ می گردد و در این مواقع، فشار زیادی را به سازنده برای تسریع در اجرای پروژه اعمال می نماید و در نتیجه سازنده اجباراً متوسط به اتخاذ روشهای غیر حرفه ای و غیر فنی برای اداره کارگاه با سرعتهای متغیر در طول سال می گردد. این وضعیت موجب رواج نوعی روزمرگی و بدون برنامه کارکردن شرکت های پیمانکاری شده تا آنجا که می توان این حالت را غالب بیشتر سازندگان موجود دانست و به نظر می رسد زیان حاصل از رواج این وضعیت، شاید بیشتر از ضرر مستقیمی است که به یک پروژه خاص از این طریق وارد می گردد.

۲- مشکلات عدم تخصیص فنی و اجرایی کارفرما: این معضل علاوه بر موارد ذکر شده در بند (۵-۲-۲) که باعث استفاده غلط کارفرما از اختیارات نامحدود خود در پیمان ها می گردد، مسائل دیگری نیز شامل موارد ذیل به وجود می آورد. صدور دستور کارهای غیر کارشناسانه و اعمال تغییرات غیر فنی در پروژه ها که ضرر حاصل از آن مستقیماً تأثیر منفی بر سرنوشت پروژه ها دارد. آشنا نبودن با زیرو بم های دقیق پروژه که در خیلی موارد منجر به درگیری های غیر ضروری و بحث و جدل های بیهوده با پیمانکار و تلف کردن زمان به ضررانجام پروژه ها می گردد و یا امکان سوء استفاده پیمانکار از ناآگاهی کارفرما را فراهم می آورد. پرداخت نکردن حقوق پیمانکار توسط برخی از کارفرمایانی که آشنایی کافی به مسائل فنی و تخصصی پروژه و مواد پیمان و شرایط عمومی پیمان را ندارند باعث تسریع در حذف پیمانکاران دلسوز و زحمتکش شده و یا پرداختهای اضافه به پیمانکار، باعث بروز نوعی فساد مالی و کاری خواهد گردید.

۳- مشکلات مربوط به بخشنامه ها و دستورالعمل ها : در خیلی از موارد، اختلافی بین طرفین قرارداد در رابطه با تفسیر بخشنامه های موجود و یا تعلق حق به یکی از طرفین قرارداد بروز می نماید. سازمان برنامه و بودجه تنها مرجع صدور و ابلاغ ضوابط فنی در مورد مسایل اجرایی طرحها عمرانی در کشور است. این سازمان با صدور بخشنامه ها و دستورالعمل های صریح و شفاف و همچنین پاسخ روشن و بی طرفانه به مشکلات طرح شده باید بتواند در این گونه موارد راهگشا باشد. متأسفانه به دلیل عملکرد نامطلوب در این بخش، پیمانکار این احساس را که مرجعی برای رسیدگی به مشکلاتش هست، ندارد و خود را ناچار می بیند که به هر طریق و به هر قیمتی با کارفرما به گونه ای کنار بیايد. تعدیل، عبارتست از اتخاذ سامانه ای که در آن دولت به سازندگان پروژه های عمرانی اطمینان می دهد که تورم ناشی از وضعیت اقتصادی کشور را که باعث ایجاد هزینه پیش بینی نشده ای که در طول اجرای پیمان برای سازنده می گردد، جبران نماید. این سامانه در صورتی که وظیفه خود را به خوبی به انجام برساند (اعلام به موقع و واقعی بودن و همخوانی با تورم و قیمت های واقعی)، موجب صرفه و صلاح دولت و به نفع توان پیمانکاری و سازندگی کشور خواهد بود. اگر این سامانه به خوبی عمل نکند در مرحله اول موجب وارد شدن ضرر پیش بینی نشده و چالش به دور از انتظار سازنده در قرارداد دست اجرا و در مرحله دوم عدم اطمینان ایجاد شده در این رابطه بین پیمانکار بخش خصوصی و دولت و نادیده انگاشتن تعدیل پرداختی دولت در محاسبات تورم و ارائه قیمت در قراردادهای آتی و نهایتاً ایجاد ضعف در سرعت و کیفیت اجرا خواهد گردید. عدم وجود تعدیل در قراردادهای نرخ مترمربع زیربنا نیز در نوسانات شدید قیمت ها، بسیار دردسر آفرین است. عدم تطبیق قیمت های فهرست بها با بازار، معضل دیگر این بخش است.

۴- مشکلات مربوط به بیمه و مالیات: در بیمه طرحهای عمرانی، سهم پیمانکار از هر کارکرد پیمانکار کسر می گردد و بقیه حق بیمه از محل بودجه طرح بدون اینکه به حساب بدهکاری پیمانکار منظور گردد، پرداخت می گردد. در این حالت، ظاهراً پیمانکار مسئولیتی در قبال حق بیمه پرداختی ندارد و لی با این وجود، هنگام تسویه حساب با پیمانکار، کارفرما از نامبرده مفاصا حساب بیمه طلب می کند که در نتیجه پیمانکار بین اداره بیمه و کارفرما بدون اینکه قانوناً مسئولیتی داشته باشد، اجباراً بایستی سرگردان بماند. بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، این مالیات می بایست در تاریخ عملکرد یا ارسال صورت وضعیت در وجه اداره کل اقتصاد و دارایی پرداخت گردد، در غیر این صورت مشمول جریمه خواهد شد. در وضعیت کنونی پرداخت صورت وضعیت ها و مطالبات پیمانکاران، پیمانکاران مطالبات و مالیات بر ارزش افزوده را دریافت ننموده و در عین حال باید اصل مالیات و جریمه را پرداخت نمایند که یکی دیگر از مشکلات جامعه پیمانکاری در شرایط فعلی می باشد. با مغایرتهای محاسبه مالیات بر اساس پیش

بینی سود پیمانکار و سود واقعی دست یافته در پروژه و وجود معضلات فوق، اتخاذ یک روش شفاف و روشن برای محاسبه درآمد پیمانکار و اخذ مالیات متعلقه کاملاً ضروری به نظر می رسد.

۵- سایر : موفقیت پایین ترین قیمت در مناقصه به جای مناسب ترین قیمت طبق ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات ؛ وجود ارگانه های بزرگ بر آمده از دولت در رقابت با بخش خصوصی در مناقصه ؛ عدم وجود قانون برای جلوگیری از تورم و عدم استفاده از مشاور و پرسنل فنی متخصص و کافی برای نظارت مقیم پروژه ها، مشکلات احتمال دیگری هستند که در اجرای نظام فنی و اجرایی فعلی طرحهای عمرانی وجود دارد.

پیشنهادهای و راهکارها : با توجه به آنچه در بخش نتیجه گیری و آسیب شناسی بیان شد، برای برون رفت از وضعیت کنونی اجرای طرحهای عمرانی استان راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد.

۱- تعیین اولویت های فرابخشی: در گذشته شاهد توجه مقطعی به بخشی خاص از طرحهای عمرانی و هدایت بودجه ها به آن سمت بوده ایم. برای نمونه، توجه ویژه یابی توجهی به برنامه های توسعه حمل و نقل عمومی شهری، مهار آبها از طریق ساخت سدها، توسعه روستاها، فرودگاه سازی در شهرهای بزرگ و کوچک، مسکن مهر و... . بایستی حداقل در یک افق ۲۰ ساله اولویت سرمایه گذاری های کلان کشور و استان در بخش های مسکن، راه و ترابری، نیرو و... روشن باشد تا متناسب با آن منابع محدود ملی و استانی تخصیص یابند.

۲- افزایش و تنوع بخشی منابع تأمین اعتبار: اندیشیدن راهکاری برای تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه از مراحل اولیه برای اطمینان از به انجام رسیدن پروژه است. در انتخاب روش مناسب تأمین مالی در مرحله امکان سنجی پروژه باید به تمام موارد و خواسته های بخش های مختلف درگیر در پروژه از کشور میزبان پروژه، صنعت مرتبط با پروژه، پیمانکاران، خریداران، تهیه کنندگان، بانکهای قرض دهنده، مسأله ریسک ها و بطور کلی تمام بخش های دیگر در پروژه توجه کرد و سپس با توجه به ارجحیت و اهمیت هر کدام از آنها به انتخاب روش مناسب پرداخت. در ضمن باید توجه کرد که ساختار استفاده شده برای تأمین مالی پروژه در یک کشور ممکن است به دلیل وجود تفاوت ها در قوانین و شرایط آن مؤثر نباشد درحالی که بطور مؤثری در کشور دیگری استفاده شود، نکته مهم انتخاب شکل صحیح روش تأمین مالی با توجه به شرایط هر پروژه و کشور میزبان پروژه است. این روش ها به بخش خصوصی امکان می دهد تا در پروژه های زیربنایی و عمومی مشارکت کند، بدون این که برای همیشه مالک طرح های زیربنایی شود. در تأمین مالی پروژه ها با توجه به نوع پروژه و صنعت مرتبط با آن، حجم مالی و زمان مورد نیاز در نظر گرفته شده برای پروژه، شرایط کشور میزبان پروژه از نظر امنیت سیاسی، اقتصادی و

قوانین موجود در آن، میزان حساسیت پروژه در آن کشور می توان روش های مختلفی را برای تأمین مالی پروژه انتخاب نمود. خوشبختانه در سالهای گذشته این روشها در کشور معرفی و اجرایی شده اند. لیکن حضور بخش خصوصی واقعی به صورت گسترده، مستلزم تکمیل زیرساخت های قانونی و رفع اشکالات موجود است. بهتر است در ابتدا بررسی جامعی از موانع اجرای گسترده این روشها انجام شود. قطعاً عملکرد دولت در افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد سازی داخلی و بین المللی نقشی غیرقابل انکار در اجرایی شدن چنین برنامه هایی خواهد داشت.

۳- برنامه ریزی برای اولویت بندی درون بخشی طرح ها : از آنجا که تأمین اعتبارات و مشارکت بخش خصوصی و عمومی داخلی و نیز سرمایه گذاران خارجی مستلزم تغییرات اساسی در زیرساخت های حقوقی، اقتصادی و حتی روابط بین المللی است، در کوتاه مدت کاهش تعداد طرحهای در حال اجرا، واقع بینانه ترین راه حل موجود است. اولویت بندی طرحها، اولین بار در ماده "۶۱" قانون برنامه سوم توسعه دیده شد و در برنامه های بعدی توسعه نیز تکرار گردید. یکی از دلایل عدم توفیق اولویت بندی های گذشته، عدم جامعیت مدلهای اولویت بندی و عدم قاطعیت در پشتیبانی از ساز و کارهای آن می باشد. وجود نظام سنجش تأثیر پیشرفت فیزیکی هر پروژه بر رشد ناخالص داخلی یک منطقه یا کشور، می تواند بسیاری از تصمیم گیری ها را تسهیل و اثر اعمال فشارها را حداقل نماید. عدم وجود ساز و کار دقیق برای ساماندهی و اولویت بندی طرحهای عمرانی نیمه تمام و بلا تکلیفی پروژههای نیمه تمام، مهم ترین عامل در نابسامانی های موجود در پیشرفت پروژه های نیمه تمام می باشد. قطعاً، پیشرفت فیزیکی و اعتبار مورد نیاز برای تکمیل، شاخص های مناسب و کافی برای اولویت بندی نمی باشد و اجرایی شدن این امر مستلزم تعیین متولی قانونی واحد می باشد.

۴- تهیه فهرست طرح های با توجیه کم برای مطالعات بیشتر: به دلیل عدم انجام مطالعات توجیه فنی و اقتصادی، بخش قابل توجهی از طرح ها دارای توجیه اقتصادی نبوده و صرف منابع در آنها توجیه ندارد. در صورتی که به دلیل حساسیت های منطقه ای یا ملاحظات اجتماعی و امنیتی، امکان حذف پروژه ها وجود ندارد. پیشنهاد می شود فهرستی از طرحها جهت تجدید نظر در مشخصات و بهینه سازی تهیه شود تا با استفاده از تکنیک های جدید مدیریتی (همچون مهندسی ارزش، نسبت به اقتصادی کردن آنها اقدام شود).

۵- تهیه فهرست طرح های قابل واگذاری: مشخص نمودن فهرست اولیه طرحهای قابل واگذاری جهت فراخوان ارزیابی، تهیه اسناد، تدوین شیوه نامه ها و آماده کردن زمینه های قانونی آن باید با فوریت در

دستور کار قرار گیرد. البته استفاده از تجارب دستگاههای پیشرو در این زمینه مانند وزارت نیرو، قطعاً راهگشا خواهد بود.

۶-افزایش کارایی و راندمان پروژه های در حال اجرا: با استفاده از ظرفیت های پیش بینی شده در نظام فنی و اجرایی کشور، استفاده از دانش مدیریت پروژه، نتایج حاصل از آسیب شناسی ها و اصلاح مشکلات ساختاری نظام فنی و اجرایی فعلی کشور، باید تلاش نمود تا فرهنگ مدیریت کارآمد پروژه ها حاکم شده و با ایجاد بانکهای اطلاعاتی مرتبط، انتقال تجارب آموخته شده پروژه ها را تسهیل نمود. همچنین، تدوین و اجرای نظام یکپارچه مدیریت پروژه های عمرانی کشور می تواند در کنار اقدامات حمایتی از تشکل های پروژه محور کارساز باشد. با افزایش آگاهی کارفرما و پیمانکار از مسئولیت ها و اختیارات و نگرش سیستمی به مدیریت پروژه کمتر شاهد تطویل پروژه ها و رکود سرمایه ها باشیم. استفاده از سایر روشهای اجرای پروژه مانند طرح و ساخت و کلید در دست به جای روش سه عاملی فعلی نیز قطعاً با ایجاد هماهنگی بین طراح و سازنده، تسریع در تصمیم گیری ها و تغییرات لازم در حین اجرا، ایجاد مسئولیت بلند مدت در سازنده و پیشگیری از بهانه جویی ها و انداختن تقصیر به گردن دیگران، موجب صرفه جویی قابل ملاحظه در هزینه اجرای طرح ها، ارتقاء کیفیت اجرا و ظهور شرکتهای طراحی و ساخت توانمند در عرصه جهانی و کمک به ارتقاء صدور خدمات فنی و مهندسی کشور خواهد شد.

منابع

- فتحی نژاد، عبدالله (۱۳۸۲). نظام فنی و اجرایی طرح های عمرانی: آسیب شناسی و راهکارها، مجلس و پژوهش، سال ۱۰ شماره ۳۹.
- لطفی، امیر (۱۳۹۰). آسیب شناسی روابط کارفرما و پیمانکار در طرحهای عمرانی با رویکرد PMBOK، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک پروژه ها، اردیبهشت ۱۳۹۰.
- بهار اشرف (۱۳۸۷). مشکلات کلیدی فراوری پیمانکاران در طرحهای عمرانی کشور، چهارمین کنگره ملی مهندسی عمران، اردیبهشت ۱۳۸۷.
- میلانی، پریسا، اسمعیلی، شاپور (۱۳۸۸). مروری بر شیوه و روش های نوین تأمین مالی پروژه ها، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۶۱.
- دانش فرد، کرم الله، رجبی فرجاد، حاجیه (۱۳۸۹). آسیب شناسی تحقق بودجه عمرانی استان تهران طی چهار سال اول برنامه چهارم توسعه، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره هفتم.
- روزخوشی، فرهاد (۱۳۹۱). دلایل افزایش هزینه های ساخت در پروژه های عمرانی، ماهنامه بین المللی عمران، معماری و شهرسازی، شماره ۱۲۱.
- قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) (۱۳۸۲). مدیریت طرحهای عمرانی، چاپ دوم.
- احمدیان، اعظم، سراج، سودابه (۱۳۹۰). نظام بودجه ریزی و بهبود محیط کسب و کار، آسیب شناسی ساز و کارهای ایجاد تعهدات مالی در بخش عمومی، مجله تازه های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۲.
- عطا فره علی، اقبالی، محمد (۱۳۹۲). آسیب شناسی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه های منطقه ۳ عملیات انتقال گاز ایران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۵ شماره ۲.
- تصویب نامه هیئت وزیران به شماره ۴۲۳۳۹/ت/۳۳۴۹۷ ه مورخ ۸۵/۰۴/۲۰، نظام فنی و اجرایی کشور.
- موافقتنامه، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمانها. نشریه ۴۳۱۱، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۹۲-۱۳۸۹)، گزارش نظارتی پروژه های عمرانی استانی سالانه و ارزشیابی عملکرد.
- قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳. اصغری زاده، ع؛ رضائی، ع؛ امین، ف.، (۱۳۹۰). مقدمه ای بر مدیریت پروژه، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- لویزه فم. و سرداری، ح. (۲۰۰۹) به کارگیری متد تجزیه و تحلیل عوامل شکست و آثار آن در مدیریت پروژه های احداث نیروگاه در کشور، کنفرانس بین المللی برق (۲۴) ۳۹-۳۲.
- مرادی، م. (۲۰۰۶) بررسی روش های تحلیل تأخیر پروژه ها، کنفرانس بین المللی مدیریت پروژه، ۳۳-۴۲ (۲).
- مومنی، ا.،...: خیرخواه، ا. (۲۰۰۷) مدل بودجه بندی چند پروژه ای برای پیشگیری از تأخیرهای پروژه ها. کنفرانس بین المللی مدیریت پروژه، (۳) ۲۴-۱۷
- وفایی، م. (۱۳۸۸)، شناسایی و اولویت بندی مشکلات مرتبط با تأخیر در مدیریت تدارکات پروژه های شرکت ملی گاز ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- Ahmed, S., Azher, s., Castillo, M. and Kappagantula, P. (2002). Construction delays in Florida; an empirical study. International Journal of Project Management, 46-53.
- Al-Kharashi, A., Skitmore, M., (2009). Causes of delays in Saudi Arabian public sector construction projects. Construction Management and Economics, 27(1): 3-23.
- Ardit D. and Pattanalitchamroon T. (2006). Selecting a delay analysis method in resolving construction claims. International Journal of Project Management, 24(2): 145-155.
- Artidi D. and Robinson M.A. (1998). Concurrent Delays in Construction Litigation Delay in Construction, Pennsylvani: a Project Management Institute, Inc.
- Assaf, S., Al-Hejji, s. (2006). Causes of delay in large construction projects. International Journal of Project Management, 24(4): 349-357.
- Doloi, H., Sawhney, a., Iyer, K.C., Rentala, S. (2012). Analysing factors affecting delays in Indian construction projects, International Journal of Project Managemen, 30(2): 479-489.

- Finke M.R. (1999).window analyses of compensable delays. Journal of Construction Engineering and Management Asce; 125(2):96-100.
- Golenko-Ginzburg, D., Gonik, A., laslo, z. (2003).resource constrained scheduling simulation model for alternative stochastic network projects. Mathematics and computers in simulation ,63(2):105-117.
- Han, S.H., Yun, S., Kim, H., Kwak, Y.H., Park, H. K., Lee, S. H., (2009). Analyzing schedule delay of mega project: lessons learned from Korea train express.ieee ctansaction on engineering management, 56(1):243-256.
- Marzouk, M., El-Dokhmasey, A., El-Said, M. (2008). Assessin: Construction engineering-related delays: Egyptian perspective .journal of professional issues in engineering education and practice, 134(2):315-326.
- Odeh, A. and Battaineh, H. (2002). Causes of construction delay: Traditional Contracts. International Project Management, 20(1):67-73.

وضعیت درآمد- هزینه و رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین و مقایسه آن با کشور

مسعود بسیطی^۱، علی رحمانی^۲، سید منوچهر حیاتی^۳، محمد حسین نیک خصلت^۴، ساناز ستوده^۵
چکیده

از آنجا که مهمترین معیار ارزیابی موفقیت اقتصادی دولت ها، در تحقق عدالت اجتماعی، شناسایی نحوه توزیع درآمد و الگوی مصرف خانوارها است تعیین دقیق وزن، اهمیت و ضرورت کالاها و خدمات در سبد مصرفی خانوار و تعیین سهم هزینه ای از کل هزینه ها و آگاهی از وضعیت امنیت غذایی از اهداف اجرای این تحقیق می باشد. به منظور انجام این تحقیق، شاخصهای عینی (ضریب جینی، سهم گروههای درآمدی و...) محاسبه شده، منحنی لورنز با استفاده از اطلاعات نمونه گیری بودجه خانوار ترسیم و تحلیل شده، کشش درآمدی (هزینه ای) گروههای کالایی با استفاده از روشهای آماری و اقتصاد سنجی و رگرسیون با بکارگیری نرم افزار *evIEWS* محاسبه و تحلیل گردید. از نتایج حاصل از این تحقیق می توان بررسی و مقایسه درصد سهم هزینه دهکها از کل هزینه ها در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت هزینه خوراکی به غیرخوراکی در دهکهای هزینه در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت مجموع هزینه خوراکی به هزینه غیرخوراکی در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت هزینه های خوراکی و دখانی و غیرخوراکی دو دهک بالا به چهار دهک پایین در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه کشش درآمدی کالاهای خوراکی و غیرخوراکی در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، ترسیم منحنی لورنز و محاسبه ضریب جینی و بررسی و مقایسه آنها در مناطق روستایی و شهری استان و کشور، محاسبه و بررسی و مقایسه شاخصهای اتنو و فریکی، شاخص هرفیندال، شاخص نابرابری دهکها، نسبت هزینه ده درصد بالا به ده درصد پایین، خط فقر نسبی، خط فقر مطلق، شکاف (عمق) فقر در خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین و کشور در سالهای دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۳ را برشمرد.

واژه های کلیدی: توزیع درآمد، منحنی لورنز، ضریب جینی، خط فقر نسبی و مطلق، شکاف فقر.

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی توسعه، رئیس تلفیق برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- کارشناسی ارشد آمار، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴- کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی توسعه، رئیس گروه اجرای طرح های آماری و سرشماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۵- کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی توسعه، کارشناس برنامه ریزی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

یکی از شعارهای اصلی و اهداف اساسی انقلاب اسلامی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد بوده است. به گونه ای که نظام جمهوری اسلامی ایران در اصول دوم، سوم، نوزدهم، بیستم و... قانون اساسی موظف به برقراری عدالت به طور عام و عدالت اقتصادی به طور خاص شده است. برای بررسی این که نظام اسلامی ایران تا چه حد به اصلی ترین هدف اقتصادی انقلاب نزدیک شده است شناخت نحوه توزیع درآمد و الگوی مصرف خانوارها ضروری است. همچنین نتایج حاصل از بررسی وضعیت درآمد-هزینه و رفتار مصرفی خانوارهای استان کمک کننده مسئولین در جهت گیری توزیع یارانه ها، تصمیم گیری جهت سامان دادن به الگوی مصرف، ارتقاء رفاه خانوارها، جلوگیری از رشد فقر و عادلانه کردن توزیع درآمد و هدف گذاری سیاستهای منطقه ای خواهد بود. مطالعات متعددی در زمینه تحلیل وضعیت درآمد و مصرف خانوارهای کشور انجام گرفته است که هر یک از روش خاصی در تحلیل مسائل استفاده نموده اند. استان قزوین یکی از استانهای تازه تاسیس است که پایه های اطلاعاتی آن به شکل کامل وجود ندارند. علی رغم اینکه مطالعات منطقه ای در زمینه فقر و توزیع درآمد در استانهای کشور انجام گرفته است، در این استان قزوین مطالعات معدودی انجام گرفته که مطالعه حاضر یکی از اولین مطالعات است. در بررسی مسائل اقتصادی خانوارها تفاوت قابل توجهی بین خانوارهای شهری و روستایی و در زمینه مصرف گروههای مختلف کالایی وجود دارد که این تفاوتها نقش تعیین کننده ای را در پیش گیری سیاستهای مختلف تولیدی و توزیعی ایفا می نمایند. در این مطالعه سعی در بررسی تفکیکی خانوارها از جهت متغیرهای مورد نظر بوده است. این تفکیک ها از نظر شهری و روستایی و همچنین از نظر نوع کالاها و خدمات صورت گرفته است. همچنین سعی شده است که مبانی نظری دقیقی ارائه گردد و سایر محاسبات و تحلیلها بر پایه آن مبانی صورت گیرند. بررسی شاخصهای توزیع درآمد و اندازه گیری خط فقر نیز از دیگر قسمتهای این تحقیق است که همراه با بررسی وضعیت مصرف ارائه می گردد. در این تحقیق، امنیت غذایی خانوارها از جهت کلی با میزان کالری روزانه مصرفی و با معیارهای فقر نسبی و مطلق سنجیده می شود و از دید شاخصهای اقتصادی و توزیعی در قالب فقر دنبال می شود. محقق در این تحقیق به دنبال این است که بداند وضعیت توزیع درآمد در استان قزوین در مقایسه با کل کشور چگونه است؟ آیا توزیع درآمد در مناطق شهری و روستائی استان قزوین تفاوت دارد؟ کشش درآمدی (هزینه ای) اقلام مهم هزینه ای در بین خانوارهای شهری و روستائی به چه میزان است؟ و آیا تفاوت معنی داری با هم نشان می دهند؟ و آیا در مناطق شهری و روستائی استان قزوین کشش درآمدی (هزینه ای) مواد خوراکی و دختانی کمتر از واحد و کشش درآمدی (هزینه ای) پوشاک، کفش و مسکن بیشتر از واحد است؟ در مجموع به نظر می رسد وضعیت استان قزوین با توجه به نزدیکی به مرکز کشور،

صنعتی بودن استان، برخورداری از دشت حاصلخیز قزوین و برخورداری از موقعیت استراتژیک، از لحاظ درآمد و توزیع آن نسبت به متوسط کشور مناسبتر باشد.

مبانی نظری و پیشینه

رشد اقتصادی مهمترین شاخص تعیین جایگاه اقتصادی کشورهاست. کشورهای در حال توسعه به دنبال ارتقاء رشد اقتصادی و افزایش سریع تولید ناخالص داخلی خود هستند در حالی که رشد سریع اقتصادی بدون توجه به توزیع عادلانه درآمد باعث بهره‌مندی قشر خاصی از رفاه و آسایش بیشتر و عدم بهره‌مندی قشر وسیعی از جامعه از مواهب این رشد خواهد شد. رشد سریع اقتصادی بدون توزیع عادلانه درآمد باعث افزایش شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان شده و با وجود رشد اقتصادی به تعداد فقرا افزوده می‌شود. پس از آنکه نابرابری فزاینده در برخی از کشورها موجب بروز تنشهای سیاسی و اجتماعی وسیع شد، الگوهای رشد اقتصادی به سمت توجه به توزیع عادلانه سوق داده شده و الگوهای رشد همزمان با توزیع مجدد درآمد مورد توجه قرار گرفتند.

فقر، توزیع درآمد و رفاه نسبی، یک مجموعه اقتصادی از مسائلی هستند که علاوه بر جنبه اقتصادی از منظر اجتماعی و سیاسی نیز به آنها نگریده می‌شود. اصولاً یکی از اهداف مهم علم اقتصاد کاهش فقر و افزایش مطلوبیت و رفاه افراد جامعه است. پژوهشهای انجام شده در این زمینه را می‌توان به زمینه های اندازه گیری و تحلیل شاخصهای توزیع درآمد، اندازه گیری خط فقر، تعیین میزان شاخصهای رفاه و ارتباط فقر و توزیع درآمد با سایر متغیرهای اقتصادی تقسیم بندی نمود.

علی علی و ابراهیم البدوی (۱۹۹۲) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به بررسی رابطه پویا بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد و ارتباط بین فقر و رشد در کوتاه مدت و بلند مدت با توزیع درآمد پرداخته اند. ژدریک (۱۹۹۸) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) طبقه بندی وسیعی از کشورهای مختلف بر اساس سیاستهای رشد پرشتاب، توزیع مجدد و یا ترکیبی از این دو ارائه داده است. فریرا (۱۹۹۷) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که سیاستهای خصوصی سازی چه در دوره اجرا و چه در دوره پس از آن، ممکن است به افزایش نابرابری درآمد منجر شود. مطالعات کارادو (۲۰۰۰) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) نشان می‌دهد در کشورهایی که برنامه اصلاحات نداشته اند در صورت باقی ماندن عدم تعادلهای خارجی، توزیع درآمد و سطح درآمد فقیران طی دوره اصلاحات اقتصادی بدتر شده است. دنیانگر و اسکر (۱۹۹۸) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) اطلاعات مربوط به نابرابری درآمد در ۱۰۸

کشور بین سالهای (۱۹۹۶-۱۹۹۲) را مورد استفاده قرار داده و دریافتند که در عین حال که مخارج سرمایه گذاری یک مولفه مثبت و مهم برای افزایش درآمد تمامی گروههاست، فقیران بیشترین سود را از آن برده اند ولی نتوانسته اند رابطه محکم و با ثباتی بین هر یک از متغیرهای آموزش، قیمتهای بالاتر در بازار سیاه و توسعه مالی و رشد درآمد گروههای مشخص بیابند و نتیجه گرفته اند که این متغیرها اثر مستقلی بر فقیران نداشته اند. دلای و کرای (۲۰۰۰) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) در مطالعاتشان نشان دادند که رشد درآمد سرانه به رشد درآمد فقیران منتقل می شود. آنان دریافتند که آزاد سازی اقتصادی، مخارج دولت، آموزش و کنترل بازار سرمایه بر رشد درآمد فقیران بی تاثیر بوده اند در حالی که تورم تنها متغیری بوده است که یک اثر منفی و معنی دار بر رشد درآمد فقیران داشته است. بیگستن و لیون (۲۰۰۰) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به رابطه منفی سیستماتیک بین رشد سریع و افزایش نابرابری دست یافته اند.

نتایج بررسی ساختار نابرابری در خلال سالهای اجرای برنامه فقر زدایی در غنا توسط ماز و مدار (۱۹۹۸) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) نشان می دهد که رشد اقتصادی در افزایش فعالیتهای اقتصادی در بخش غیر دولتی در روستاها و شهرها بجز پایتخت سهم اصلی داشته است. جایاراجا و دیگران (۱۹۹۶) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) دریافتند که سیاستهای اقتصادی در کشورهایی که خواهان اجرای اصلاحات اقتصادی بوده اند، عموماً به کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳ کمک کرده است. بررسی اثرات تعدیل اقتصادی بر فقر در شش کشور آفریقایی توسط دمیری و اسکوی (۱۹۹۶) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) نشان داده است که فقر در کشورهایی که عدم تعادلهای کلان اقتصادی خود را بهبود بخشیده اند به مراتب بیش از کشورهایی که به این مهم نایل نیامده اند کاهش یافته است. بر اساس مطالعه جوان لاندانو و میگوئل زکلی (۲۰۰۰) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) که چگونگی توزیع درآمد و تغییرات فقر در ۲۶ سال منتهی به ۱۹۹۵ در منطقه آمریکای جنوبی و حوزه دریای کارائیب را انجام دادند در طول دهه ۱۹۹۰ علیرغم وجود یک دوره ثبات اقتصادی در منطقه، فقر و نابرابری کاهش چندانی نداشته است. سیلایویچ و حوایویچ (۲۰۰۰) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به بررسی تغییر تلقی و استنباط مردم روسیه از خط فقر در دوران بحران اقتصادی این کشور طی سالهای ۹۶-۱۹۹۳ پرداخته اند. در این دوره نابرابری توزیع درآمد با سرعتی بی سابقه افزایش

یافته است. گریر و توریک (۱۹۸۶) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به معرفی روش جدیدی برای اندازه گیری فقر غذایی با توجه به قیمت غذا و ترجیحات غذایی در مناطق مختلف پرداخته اند. گروسن (۱۹۹۸) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به بررسی اثر سیاستهای مالی و اقتصادی بر توزیع درآمد و مقوله فقر در فیلیپین پرداخته است.

خداداد کاشی از طریق محاسبه شاخص سن^۱ که فقر را با توجه به سه عنصر موثر در آن یعنی جمعیت، کمبود امکانات و درآمد و نحوه توزیع درآمد محاسبه می کند و تاثیر این عناصر بر اندازه فقر را که در تدوین سیاستهای ضد فقر اهمیت زیادی دارد تعیین می کند- به بررسی اثرات سیاستهای تعدیل بر فقر و رفاه اجتماعی خانوارهای ایران پرداخته است. فرهاد نیلی (۱۳۷۴) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) با استفاده از شاخص رفاه اجتماعی برای یک دوره دوازده ساله به بررسی وضعیت رفاه اجتماعی و چگونگی توزیع درآمد در ایران پرداخته است. جمشید پژویان (۱۳۷۵) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به تحلیل پدیده فقر در ایران پرداخته است. وی کسانی را فقیر معرفی می کند که قادر به فراهم آوردن نیازهای مادی اساسی خود خصوصاً اولین نیاز که سلامت جسم و تغذیه مناسب است نباشند. کرامت اله زیاری (۱۳۷۵) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) ابتدا به مفهوم فقر و عدم وجود اتفاق نظر در مورد این موضوع پرداخته و در ادامه به روشهای متفاوت اندازه گیری فقر در ابعاد مختلف آن از جمله "فقر ذهنی"، "فقر نسبی" و "فقر مطلق" پرداخته است. علیرضا کازرونی (۱۳۷۵) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) به بررسی روش اندازه گیری خط فقر، عوامل موثر بر شدت فقر و سیاستهای فقرزدایی پرداخته است و روند شدت فقر در ایران را از طریق سه شاخص ضریب جینی، درآمد سرانه واقعی و کسری بودجه خانوارها در سالهای پس از انقلاب مورد تحلیل قرار داده است. تقوی و غروی (۱۳۷۹) (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) پس از تجزیه و تحلیل وضعیت اقتصادی خانوارها به بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر فقر خانوارها پرداخته اند.

تعریف کشش درآمدی^۲: در اینجا کشش به مفهوم حساسیت بکار می رود. کشش درآمدی مصرف یک کالا به مفهوم حساسیت مقدار مصرف آن نسبت به تغییرات درآمد مصرف کنندگان است. (بررسی

1- Amartya Sen

2- Income Elasticity

وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، (۱۳۸۱) این مفهوم متغیر در اقتصاد خرد مورد توجه قرار گرفته و در تبیین رفتار مصرف کننده به آن پرداخته می شود. کشش در رابطه با قیمت خود کالا، قیمت کالاهای مرتبط و درآمد مصرف کننده مورد محاسبه قرار گرفته و مقدار آن در هر مورد دارای تعریف و مفهوم اقتصادی خاصی است. کشش درآمدی مصرف (تقاضا) از اینرو دارای اهمیت است که نوسان مقدار آن در کالاهای مختلف باعث نوسان نسبی در مقدار مصرف آن کالاها در صورت تغییرات درآمد شده و اغلب مورد توجه تصمیم گیران قرار می گیرد. خصوصیت کالاها از جهت پست، نرمال و لوکس و ضروری بودن آنها از طریق اندازه گیری کشش درآمدی آنها مورد ارزیابی قرار می گیرد. در صورتی که کشش درآمدی تقاضا مثبت باشد، کالا بر اساس بزرگتر یا کوچکتر از یک بودن کشش، "لوکس" یا "ضروری و نرمال" است. معمولاً مصرف کالاهای ضروری نسبت به تغییرات درآمد پایین بوده و نزدیک به صفر است. اگر کشش مذکور کوچکتر از صفر باشد کالای مورد نظر را کالای پست می نامند. در صورت افزایش نسبی درآمد، میزان تقاضای کالاهای پست کاهش خواهد یافت. پاره ای از مطالعات تجربی که در قرن نوزدهم توسط انگل آماردان آلمانی انجام شد به نام قانون مصرف شهرت دارد. طبق مطالعات انگل، کشش درآمدی تقاضا برای مواد غذایی بسیار پایین، برای لباس و مسکن در حدود یک، ولی برای تفریحات، مراقبتهای پزشکی خاص و سایر کالاهای لوکس بیش از یک است. بنابراین طبق نظر وی درصد درآمد صرف شده برای مواد غذایی به وسیله یک خانوار یا یک ملت، شاخص بسیار خوبی از رفاه آن خانوار یا ملت است. به طور روشنتر به این مفهوم که هر قدر یک خانواده یا ملت فقیرتر باشد درصد بزرگتری از مخارجش برای مواد غذایی صرف می شود. نمی توان این مطلب را به صورت قاطع و کلی بکار برد ولی می تواند به صورت تقریبی برای اندازه گیری رفاه بکار رود. بعضی اظهارات انگل در ارتباط با کشش درآمدی تقاضا در موارد تجربی مربوط به کشورها و مناطق مختلف پذیرفتنی نیست. در این مطالعه قصد بر این است که صحت این تجربیات در استان قزوین و کشور مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت امکان مقایسه ای بین یافته های وی و وضعیت استان در حال حاضر انجام پذیرد. همان گونه که پیشتر ذکر شد کشش در مفهوم بیانگر حساسیت تغییر تقاضا نسبت به تغییر درآمد است و در اندازه گیری مقدار آن از رابطه:

$$\eta_m = \left(\frac{\Delta q}{q} \right) \bigg/ \left(\frac{\Delta M}{M} \right) = \frac{\Delta q}{\Delta M} \cdot \frac{M}{q}$$

استفاده می شود که در آن η_m کشش درآمدی تقاضا، q میزان مصرف (تقاضا) و M میزان درآمد خانوار است (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، (۱۳۸۱).

در واقع این رابطه از تقسیم تغییرات درصدی مصرف بر تغییرات درآمد حاصل شده که می توان از تقسیم مقادیر مذکور یا از طریق برازش رابطه لگاریتمی به آن دست یافت. در صورت دسترسی به یک رابطه لگاریتمی بین دو متغیر، می توان از ضریب متغیر مستقل (که درآمد است) به مقدار کشش درآمدی تقاضا پی برد. با توجه به این که اطلاعات درآمدی خانوارها چندان قابل استناد نبوده و در اغلب تحقیقات انجام گرفته مشابه از اطلاعات هزینه خانوار به صورت جایگزین اطلاعات درآمد استفاده شده است، در این تحقیق نیز از اطلاعات مربوط به هزینه خانوار به صورت جایگزین مناسب جهت اطلاعات درآمد استفاده می شود. محاسبات مربوط به کشش درآمدی تقاضا در گروه های عمده کالایی انجام شده و به تفکیک برای خانوارهای روستایی و شهری در استان قزوین و کشور بررسی می گردد.

اطلاعات مربوط به هزینه خانوارها در گروه های عمده کالایی و کل هزینه های مصرفی که در این بخش مورد استفاده قرار می گیرند مربوط به نمونه گیری سال ۱۳۹۳ مرکز آمار ایران بوده و از نشریات مرکز آمار ایران و اطلاعات خام هزینه و درآمد استان استخراج گردیده اند. مدل مورد استفاده یک مدل خطی لگاریتمی است که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده می شود.

تعریف و نحوه محاسبه ضریب جینی^۱ و منحنی لورنز^۲: ضریب جینی متداول ترین شاخص اندازه گیری میزان نابرابری توزیع درآمد بین واحدهای دریافت کننده آن است. استفاده از اطلاعات درآمد خانوار جهت انجام تحلیلها و محاسبات مربوط به وضعیت توزیع درآمد آنها به دلیل وجود پاره ای از مشکلات و عدم صحت اطلاعات درآمد به ندرت صورت می گیرد. در محاسبه ضریب جینی مطابق تعریف، نیاز به محاسبه سطح محصور بین منحنی لورنز و خط برابری کامل توزیع درآمد و تقسیم آن بر نصف مساحت جعبه لورنز وجود دارد (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱).

تعریف و نحوه محاسبه شاخصهای اتتو و فریکی^۳: این شاخصها با استفاده از نسبت میانگین های هزینه خانوار در دو گروه با هزینه پایین و با هزینه بالا مورد محاسبه قرار می گیرند. برای محاسبه این شاخصها، ابتدا میانگین هزینه خانوارها محاسبه شده و سپس دهکهای پایین تر و بالاتر از میانگین مشخص شده اند. شاخصهای اتتو و فریکی (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) نسبت میانگین کل جامعه به میانگین درآمدهای (هزینه های

1- Gini coefficient

2- Lorenz curve

3- Atto & Freiki

پایین $(U = \frac{\mu}{\mu_{\min}})$ ، میانگین هزینه های بالا به میانگین هزینه های پایین $(V = \frac{\mu_{\max}}{\mu_{\min}})$ و میانگین هزینه های بالا به میانگین هزینه های کل جامعه $(W = \frac{\mu_{\max}}{\mu})$ را اندازه گیری می کنند.

تعریف و محاسبه شاخص هرفیندال^۱: این شاخص از مجموع توان دوم سهم های خانوارها از کل هزینه بدست می آید. بنابراین در صورتی که به یک نزدیک باشد بیانگر توزیع ناعادلانه تر درآمد و در صورتی که به عکس تعداد اعضاء نمونه نزدیک باشد بیانگر توزیع عادلانه تر درآمد خواهد بود. (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱)

شاخص نابرابری دهکها^۲: شاخص نابرابری دهکها از رابطه زیر که در آن y_i بیانگر سهم درآمدی (هزینه ای) دهک i ام بوده و ۰.۱ سهم دهک در حالت توزیع برابر است به دست می آید (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱).

$$K = \frac{1}{1.8} \sum_{i=1}^{10} |y_i - 0.1|$$

در این رابطه عدد ۱.۸ نشانگر حداکثر انحراف درآمدی است که در تعیین شاخص نابرابری سایر چندکها رقم های متفاوتی را به خود می گیرد. به طور روشنتر شاخص نابرابری دهکها از حاصل جمع قدر مطلق تفاوت سهم های هزینه ای از سهم برابر تقسیم بر رقم حداکثر نابرابری حاصل می گردد.

سایر شاخصهای نابرابری: به جز شاخصهای توزیع درآمد ذکر شده در فوق از شاخصهای متعددی مانند شاخص ویلیامسون^۳، ضریب تغییرات^۴، شاخص تیل^۵، شاخص اتکینسون^۶، ضریب هوور^۷، ضریب کولتر^۸، شاخص شانون^۹ و... می توان نام برد ولی متداول ترین شاخصهای مورد استفاده در بررسی توزیع درآمد شاخصهایی هستند که محاسبات آنها عمدتاً توسط محقق صورت پذیرفته است و استفاده از آنها در سطح جهان متداول بوده و اطلاعات مربوط به محاسبات آنها در ایران و اغلب کشورهای جهان در دسترس است.

-
- 1- Herfindahl index
 - 2- Decile Dispersion Ratio
 - 3- Williamson
 - 4- Coefficient of Variation
 - 5- Theil
 - 6- Atkinson
 - 7- Hoover
 - 8- Coulter
 - 9- Shannon

تعریف فقر نسبی^۱: فقر نسبی عبارتست از سنجش درجه ارضاء نیازهای فرد در رابطه با و نسبت به دیگر افراد جامعه که یا به صورت درصد معینی از میانه یا میانگین درآمد یا به شکل مرز درآمدی که درصدی معین از افراد جامعه پایین تر از آن قرار می گیرند تعریف می شود. در این صورت افرادی که درآمدی کمتر از این حد معین دارند جزء افراد فقیر محسوب می شوند. (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) در این مطالعه برای محاسبه خط فقر نسبی در استان قزوین از نصف میانه درآمد خانوارها استفاده شده و هزینه خالص خانوارها بعنوان جانشینی برای درآمد به کار رفته است.

تعریف خط فقر مطلق^۲: در رویکرد خط فقر مطلق مفهوم احتیاجات اولیه نقش مهمی ایفا می نماید و فرد یا خانواری فقیر محسوب می شود که درآمد کافی برای برآورده ساختن نیازهای اولیه نداشته باشد. (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱) اما در عمل، محاسبه خط فقر مطلق و تعیین خانوارهای زیر خط فقر با مشکلات و محدودیتهای بسیار جدی مواجه است. از جمله این مشکلات، اختلاف نظر در تعیین نیازهای اولیه و کافی، دشواری تعیین مقادیر مصرف کالا و خدمات از طریق آمارگیری از خانوارها، مشکل بودن تعیین قیمت برخی از کالاهای اساسی به علت سوبسید دار بودن آنها و نسبی بودن کالاهای اساسی و غیره را می توان نام برد.

شکاف (عمق) فقر^۳: در محاسبه خط فقر مطلق و نسبی فقط می توان درصد خانوارهایی که زیر خط فقر قرار گرفته و فقیر محسوب می شوند را تعیین نمود. به عبارت دیگر چنین شاخصی نمی تواند عمق فقر را توضیح دهد و در مورد اینکه فقرا چقدر فقیر هستند یا تا چه عمقی زیر خط فقر قرار می گیرند هیچ جوابی ارائه نمی دهد. یکی از شاخصهایی که چنین مشکلی را رفع می کند شکاف فقر است. شکاف فقر سطحی است که از تفاضل سطح زیر خط فقر و منحنی توزیع درآمد زیر خط فقر به دست می آید. به عبارت دیگر این شکاف آن میزان درآمد انتقالی را که افراد فقیر را دقیقاً تا مرز خط فقر بالا می آورد و در نتیجه فقر را حذف می کند اندازه گیری می کند. (بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پروین، سهیلا، ۱۳۸۱)

روش شناسی

روشهای متداول برای بررسی وضعیت درآمد- هزینه و رفتار مصرفی خانوارها معمولاً محاسبه شاخصهای عینی و رسم منحنی لورنز با روشهای ریاضی و بررسی کشش درآمدی (هزینه ای) گروههای کالایی با استفاده از روشهای آماری و اقتصادسنجی و رگرسیون با بکارگیری نرم افزار **eviews** و با استفاده از اطلاعات نمونه گیری طرح هزینه- درآمد خانوار است که هر ساله توسط مرکز آمار ایران در استان و سراسر کشور انجام می شود. با توجه به این که همواره خانوارها و پاسخگویان طرح های هزینه- درآمد بنا به دلایل فرهنگی و اقتصادی تمایل به پایین تر نشان دادن درآمد خود هستند، لذا به منظور بررسی وضعیت درآمد- هزینه و رفتار مصرفی خانوارها از متغیر جایگزین هزینه به جای درآمد استفاده می شود. شاخصهای عینی استفاده شده در این تحقیق ضریب جینی (به منظور اندازه گیری میزان نابرابری توزیع درآمد)، شاخصهای اتنو و فریکی (به منظور محاسبه نسبت میانگین های هزینه خانوار در دو گروه با هزینه پایین و با هزینه بالا)، شاخص هرفیندال (محاسبه مجموع توان دوم سهم های خانوارها از کل هزینه به منظور بررسی توزیع عادلانه درآمد)، محاسبه خط فقر مطلق و نسبی و محاسبه شکاف (عمق) فقر (به منظور بررسی تعداد و روند تغییرات خانوارهای زیر خط فقر) و شاخص نابرابری دهکها (محاسبه حاصل جمع قدر مطلق تفاوت سهم های هزینه ای از سهم برابر تقسیم بر رقم حداکثر نابرابری به منظور بررسی میزان نابرابری توزیع درآمد) و استفاده از روشهای ریاضی و آماری مانند ترسیم منحنی لورنز (به منظور بررسی دقیق تر ضریب جینی) و محاسبه کشش هزینه ای (به منظور بررسی حساسیت مقدار مصرف کالاها نسبت به تغییرات درآمد مصرف کنندگان) می باشد.

یافته های پژوهش

درصد سهم هزینه هر یک از دهکها از کل هزینه های خانوارهای روستایی در استان قزوین: بررسی سهم هزینه هر یک از دهکها از کل هزینه های خانوارهای روستایی در استان قزوین نشان می دهد که در سال ۱۳۹۳ سهم دهکهای اول تا دهم در استان از کل هزینه های خوراکی از ۲۰.۷۸٪ تا ۲۸.۷۳٪ و سهم دهکها از کل هزینه های غیرخوراکی در مناطق روستایی استان از ۲.۰۳٪ تا ۲۵.۴۱٪ تغییر کرده است. نوسان بوده است. همچنین سهم دهکها از کل هزینه های خانوارها از ۲.۴۲٪ تا ۲۵.۴۱٪ تغییر کرده است. سهم دهکهای پردرآمدتر از کل هزینه ها (دهک ششم تا دهم) در کل کشور حدود سه برابر سهم دهکهای کم درآمدتر (دهک اول تا پنجم) و برای استان حدود ۲.۷ است. طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۵ از سهم دهک دهم خانوارهای روستایی استان به نفع سایر دهکها کاسته شده است. به این معنی که علی رغم این که سهم دهکهای هزینه ای اول تا پنجم از کل هزینه دهکها از ۲۶.۷۹٪ در سال ۱۳۸۳ به ۲۶.۹۱٪ در سال ۱۳۹۳ افزایش و سهم دهکهای ششم تا دهم از کل هزینه دهکها از ۷۳.۲۱٪ در سال

۱۳۸۳ به ۷۴.۵۹٪ در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است، از سوی دیگر تفاوت وضعیت اقتصادی از نظر هزینه در تهیه کالاهای خوراکی و غیرخوراکی به صورتی است که در سال ۱۳۹۳ دهک دهم هزینه ای خانوارهای روستایی استان دارای سهم ۲۸.۷۳٪ از کل هزینه های غیرخوراکی و ۲۰.۷۸٪ سهم در کالاهای خوراکی بوده و این سهم ها حدود ۸٪ اختلاف را نشان می دهند.

درصد سهم هزینه هر یک از دهکها از کل هزینه های خانوارهای شهری در استان قزوین:

سهم خانوارهای دهکهای اول تا پنجم در مناطق شهری استان از کل هزینه های خوراکی و غیرخوراکی در سال ۱۳۹۳ به ترتیب برابر با ۳۴.۹۸ و ۲۸.۰۴٪ بوده است. این سهمها در کل کشور در سال مذکور برابر با ۳۴.۹۴ و ۲۳.۸۹٪ می باشند. در مقایسه این ارقام مشاهده می شود که سهم دهکهای پائین درآمدی از کل هزینه خانوارهای شهری در استان قزوین بالاتر از این سهم در مناطق شهری کل کشور بوده و بیانگر موقعیت نسبتاً مناسبتر خانوارهای کم درآمد استان نسبت به خانوارهای کم درآمد کشور در مناطق شهری می باشد. در سالهای ۹۳-۱۳۸۳ سهم خانوارهای دهکهای اول تا پنجم از کل هزینه خانوارها در استان قزوین بین ۲۵.۵۹ تا ۳۱.۵۲٪ و در کشور بین ۲۳.۲۶ و ۲۷.۳۴٪ در نوسان بوده اند. این ارقام برای استان از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ رو به افزایش بوده ولی در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. این ارقام با اینکه اختلاف بسیار اندکی با هم دارند نشانگر دو نکته مهم می باشند. یکی اینکه سهم خانوارهای کم درآمد در طول سالهای مورد بررسی در مناطق شهری استان از کل هزینه خانوارها دارای روندی صعودی است و دوم اینکه این سهم در دوره مذکور همواره بالاتر از ارقام مشابه کشور است. در مناطق شهری استان و کشور می توان مشاهده نمود که سهم خانوارهای پردرآمد از کل هزینه های غیرخوراکی بالاتر از سهم این خانوارها از کالاهای خوراکی بوده و اختلاف چشمگیری بین سهم دهک دهم از کل هزینه ها و سهم سایر دهکها از کل هزینه ها مشاهده می گردد.

مقایسه سهم دهکهای هزینه ای از کل هزینه ها در مناطق شهری و روستایی: در مقایسه

بین خانوارهای شهری و روستایی از نظر سهم دهکها از کل هزینه های خوراکی و غیرخوراکی مشاهده می شود که سهم خانوارهای کم درآمد روستایی از کل هزینه ها کمتر از سهم خانوارهای کم درآمد شهری از کل هزینه ها بوده و این واقعیت در استان در سالهای ۹۳-۱۳۸۵ و در کشور در سالهای ۹۳-۱۳۸۳ قابل مشاهده است. در مجموع سهم خانوارهای پردرآمد روستایی از کل هزینه ها در استان و کشور تقریباً همواره بالاتر یا مساوی سهم خانوارهای پر درآمد شهری از کل هزینه ها بوده است.

نسبت هزینه خوراکی به غیرخوراکی خانوارهای شهری در دهکهای هزینه: در علم اقتصاد

عموماً وقتی فرد دارای درآمد پایین است انتظار می رود که سهم بیشتری از درآمد خود را به سمت مصرف کالاهای ضروری سوق دهد و هنگامی که درآمد بالا رود سهم کمتری صرف کالاهای ضروری که

برای ادامه حیات مورد نیازند خواهد شد. در این تحلیل کالاها به دو قسم لوکس و معمولی طبقه بندی می شوند که البته ارتباط آنها با درآمد موجب این تقسیم بندی می گردد. از آنجا که کالاهای مصرفی ضروری عمدتاً در طبقه بندی کالاهای خوراکی قرار می گیرند در اینجا فرض می شود که این دسته از کالاها سهم بیشتری در سبد هزینه ای خانوارهای کم درآمد داشته باشند. این فرض در سالهای مختلف در نمونه گیری های هزینه و درآمد استان و کشور در خانوارهای روستایی و شهری به آزمون گذاشته شده است. نسبت مجموع هزینه های خوراکی بر مجموع هزینه های غیرخوراکی در مناطق شهری استان قزوین در سال ۱۳۹۳ برابر با ۴۳.۱٪ بوده است. اما توجه به روند تغییر این نسبت از دهک اول تا دهک دهم میانگین هزینه خانوارهای استان نشان می دهد که این رقم در سال ۱۳۹۳ در دهک اول ۱۴۲.۹٪ بوده است که با طی روند نزولی به ۳۵.۸٪ در دهک دهم می رسد به این مفهوم که با افزایش متوسط کل هزینه خانوارها، نسبت هزینه خوراکی به هزینه غیرخوراکی آنها نزول می نماید و سهم کمتری از درآمد خود را صرف هزینه های خوراکی می نمایند. این روند در کل کشور نیز به چشم می خورد با این تفاوت که خانوارهای شهری کل کشور به طور متوسط نسبت کمتری از درآمد خود را در مقایسه با خانوارهای شهری استان در سال ۱۳۹۳ به مصرف کالاهای خوراکی اختصاص داده اند. این تفاوت در مجموع حدود ۸٪ است.

نسبت هزینه خوراکی به هزینه غیرخوراکی خانوارهای روستایی در دهکهای هزینه: در یک نگاه کلی به نسبت هزینه های خوراکی و دخانی به هزینه های غیرخوراکی خانوارهای روستایی استان قزوین می توان بیان نمود که اگرچه این نسبتها در بیشتر سالهای اول دوره در استان نسبت به کشور بیشتر بوده اند و در سالهای آخر دوره در استان نسبت به کشور عدد کمتری داشته اند، تفاوت چندانی با هم نداشته و در مجموع می توان آنها را برابر دانست. ملاحظه این نسبت ها از زاویه دیگر نشانگر نزولی بودن آنها در مناطق روستایی استان و کشور در دهکهای اول تا دهم است به این مفهوم که دهکهای بالاتر درآمدی هزینه های خوراکی و دخانی کمتر نسبت به هزینه های غیرخوراکی خود داشته و با افزایش کل هزینه خانوار، هزینه خوراک سهم کمتری را از کل هزینه ها به خود اختصاص می دهد. این نسبت در استان و کشور روند نزولی ولی نوسانی داشته ولی سرعت کاهش آن در استان قزوین در مقایسه با کشور بیشتر بوده است که دلیلی است بر این مدعا که وضعیت توزیع درآمد در استان دارای سیری نوسانی و نسبتاً مطلوب داشته و خانوارهای روستایی آن در حال تجربه دوران توزیع متعادلتر درآمد می باشند.

نسبت مجموع هزینه خوراکی به هزینه غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی: نسبت هزینه های خوراکی و دخانی به هزینه های غیرخوراکی در قریب به اتفاق سالهای مورد بررسی در

خانوارهای روستایی استان قزوین و کشور بالاتر از این نسبت برای مناطق شهری است. به این مفهوم که خانوارهای روستایی به نسبت خانوارهای شهری سهم بیشتری از کل هزینه های خود را به خوراک اختصاص می دهند. یکی از دلایل این امر، هزینه پایین مواد غیرخوراکی از جمله مسکن در روستاها است. خانوارهای روستایی برای تامین مایحتاج غیرخوراکی خود از جمله حمل و نقل روزانه، مسکن و... هزینه کمتری را نسبت به خانوارهای شهری می پردازند. دلیل دیگر، سطح پایین درآمد خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری است که موجب سوق دادن آنها به سمت مصرف نسبی مواد خوراکی بیشتر می گردد. به طور اجمال می توان از بزرگتر بودن این نسبت برای روستاها نسبت به شهرها نتیجه گرفت که خانوارهای روستایی استان و کشور دارای توزیع نامتعادلترا درآمد نسبت به خانوارهای شهری می باشند اما روند تغییرات این نسبت رو به نزدیکی نحوه توزیع و ترکیب مصرف کالاها در شهرها و روستاهاست.

نسبت هزینه های خوراکی و دخانی دو دهک بالا به چهار دهک پایین : برای بررسی نسبی هزینه های خوراکی و دخانی دهکهای مختلف هزینه ای، شاخصی از نسبت هزینه ۲۰٪ پر هزینه ترین خانوارها به ۴۰٪ کم هزینه ترین خانوارها در استان قزوین و کل کشور در سال ۱۳۹۳ مورد محاسبه قرار گرفته است. این شاخص نشان می دهد که در گروههای غلات و نان و چای، قهوه و کاکائو نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۴۰٪ پایین در مناطق شهری کشور پایین تر از مناطق شهری استان و در سایر گروههای هزینه های خوراکی و دخانی، نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۴۰٪ پایین در مناطق شهری کشور بالاتر از مناطق شهری استان است. این نسبت برای کل هزینه های خوراکی و دخانی در مناطق شهری استان و کشور به ترتیب برابر با ۱.۲۵ و ۱.۲۲ است که نشان می دهد ۲۰٪ خانوارهای ثروتمند جامعه در مناطق شهری استان و کشور ۱.۲۵ و ۱.۲۲ برابر ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد از کالاهای خوراکی و دخانی استفاده می کنند. در تحلیل جزئی این نسبتها به دو نتیجه می توان رسید: یکی اینکه سطح مصرف کالاهای مصرفی و دخانی در خانوارهای واقع در دهکهای بالای درآمدی به مراتب بالاتر از سطح مصرف دهکهای پایین بوده و دوم اینکه در مقایسه مناطق شهری استان و کشور می توان خانوارهای شهری استان را از لحاظ توزیع هزینه های خوراکی و دخانی در وضعیت بدتری قلمداد نمود. این نسبت در خانوارهای روستایی نیز در کلیه اقلام عمده هزینه های خوراکی و دخانی در استان و کشور (بجز گروه چای، قهوه و کاکائو در استان) از نسبت مشابه برای خانوارهای شهری بالاتر است. توجه به این نکته ضروری است که در مقایسه خانوارهای روستایی استان و کشور می توان مشاهده نمود که خانوارهای شهری استان از وضعیت نامناسبتری نسبت به خانوارهای شهری کشور برخوردار بوده است.

نسبت هزینه های غیرخوراکی دو دهک بالا به چهار دهک پایین : در تحلیل نسبتهای اقلام هزینه های کالاهای غیرخوراکی خانوارهای پر درآمد به خانوارهای کم درآمد (دو دهک بالا بر چهار دهک پایین) مشاهده می شود که به جز هزینه های پوشاک و کفش و تعمیرات آنها و حمل و نقل و ارتباطات در مناطق شهری و روستایی و مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آنها و روزنامه، کتاب، لوازم تحریر، خدمات فرهنگی و تفریحات در مناطق روستایی استان، شدت شکاف کمتری بین خانوارهای پردرآمد و کم درآمد استان در مقایسه با کشور وجود دارد اما این نسبت ها بالاتر از نسبت های موجود برای کالاهای خوراکی و دখانی بوده و تفاوت و شکاف بیشتری بین خانوارهای کم درآمد و پردرآمد در این مورد مشاهده می شود. دو دهک بالای خانوارهای شهری کشور و استان به ترتیب ۲۰۷۰ و ۱۰۹۶ برابر چهار دهک پایین از کالاهای غیرخوراکی بهره مند می شوند. این نسبت برای خانوارهای روستایی کشور و استان به ترتیب برابر با ۲۰۷۸ و ۲۰۶۳ است. این نسبت برای خانوارهای روستایی بالاتر بوده و تفاوت خانوارهای شهری و روستایی استان بسیار بیشتر از تفاوت خانوارهای شهری و روستایی کشور است. نسبت مجموع هزینه های دو دهک بالا به چهار دهک پایین برای مناطق شهری کشور و استان ارقام ۲۰۲۶ و ۱۰۸۳ به دست آمده و همچنین برای مناطق روستایی ارقام ۲۰۴۲ و ۲۰۳۶ محاسبه گردیده که نشانگر این واقعیت است که خانوارهای دو دهک بالای شهری و روستایی استان حدود ۱۰۸ و ۲۰۴ برابر خانوارهای چهار دهک پایین هزینه می کنند.

کشش درآمدی کالاهای خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین و کشور: همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود کشش بیشتر کالاهای خوراکی در خانوارهای شهری استان قزوین پایین تر از کشش درآمدی همان کالاهای خانوارهای شهری کشور است. کشش کل هزینه های خوراکی خانوارهای شهری استان نیز در مقایسه با خانوارهای شهری کشور به مقدار جزئی کمتر است که نشان دهنده کمتر ضروری بودن هزینه های خوراکی خانوارهای شهری و توزیع بهتر هزینه ها در مقایسه با کشور است.

جدول ۱- کشش اقلام هزینه ای خانوارهای شهری و روستایی استان

قزوین و کشور در سال ۱۳۹۳

خانوارهای روستایی		خانوارهای شهری		خانوار اقلام هزینه ای
کل کشور	استان قزوین	کل کشور	استان قزوین	
۰.۷۵	۱.۰۷	۰.۴۶	۰.۷۴	غلات، نان، رشته، آرد و فرآورده های آن
۰.۹۹	۰.۸۸	۰.۷۵	۰.۷۱	گوشت
۰.۷۱	۰.۴۵	۰.۵۵	۰.۳۶	شیر و فرآورده های آن (بجز کره) و تخم پرندگان
۰.۶۴	۰.۶۲	۰.۵۰	۰.۴۴	روغنها، چربیها و کره ها
۱.۰۶	۰.۸۸	۰.۹۳	۰.۶۵	میوه ها و خشکبار
۰.۶۹	۰.۶۲	۰.۵۳	۰.۴۰	سبزیهای تازه و خشک شده و حبوب
۰.۸۲	۰.۷۶	۰.۶۳	۰.۵۲	قند، شکر، مرباها و شیرینیها
۰.۷۶	۰.۷۱	۰.۴۶	۰.۶۱	چای، قهوه، کاکائو و نوشابه ها
۱.۶۷	۲.۱۸	۱.۴۳	۱.۵۱	پوشاک و کفش
۰.۵۸	۰.۴۲	۰.۸۱	۰.۳۷	مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی
۱.۲۸	۱.۴۴	۱.۲۵	۰.۹۳	مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها
۱.۱۰	۱.۱۳	۱.۲۶	۰.۷۰	بهداشت و درمان
۱.۳۹	۱.۳۷	۱.۳۵	۱.۷۷	حمل و نقل
۱.۵۴	۱.۸۴	۱.۵۳	۱.۲۶	خدمات فرهنگی و تفریحات
۱.۰۴	۰.۸۵	۰.۹۳	۰.۳۹	هزینه های مذهبی
۰.۸۱	۰.۸۱	۰.۶۲	۰.۶۱	کل هزینه های خوراکی
۱.۰۷	۱.۰۶	۱.۱۰	۱.۱۶	کل هزینه های غیرخوراکی

مأخذ: محاسبات محقق

از لحاظ کشش هزینه های غیرخوراکی اگرچه درجه لوکس بودن کالا برای خانوارهای شهری استان در بیشتر گروههای هزینه به جز حمل و نقل و پوشاک و کفش از کشور پایین تر است، ولی در مجموع درجه لوکس بودن کل هزینه های غیرخوراکی خانوارهای شهری استان از خانوارهای شهری کشور بالاتر است. کشش کلیه کالاهای خوراکی در خانوارهای روستایی استان قزوین به استثنای گروه غلات، آرد و

نان نیز پایین تر از کشتش درآمدی همان کالاها در خانوارهای روستایی کشور است. کشتش کل هزینه های خوراکی خانوارهای روستایی استان نیز با خانوارهای روستایی کشور برابر است. از لحاظ کشتش هزینه های غیرخوراکی اگرچه درجه لوکس بودن کالا برای خانوارهای روستایی استان در گروههای هزینه به جز بهداشت و درمان، حمل و نقل، مبلمان و لوازم خانگی و خدمات فرهنگی و تفریحات از کشور بالاتر است، ولی در مجموع درجه لوکس بودن کل هزینه های غیرخوراکی خانوارهای شهری استان از خانوارهای شهری کشور به مقدار جزئی پایینتر است. در مقایسه خانوارهای شهری و روستایی استان مشاهده می شود که کشتش کلیه اقلام خوراکی برای خانوارهای شهری پایینتر از اقلام خوراکی برای خانوارهای روستایی است. لذا اقلام خوراکی برای خانوارهای شهری ضروری تر و برای خانوارهای روستایی لوکس تر بوده اند. کشتش کل هزینه های خوراکی خانوارهای شهری استان نیز به مقدار معنی داری پایین تر از همین مقدار برای خانوارهای روستایی استان است. کشتش کلیه اقلام غیرخوراکی به استثنای هزینه های حمل و نقل نیز برای خانوارهای شهری پایینتر از اقلام غیرخوراکی برای خانوارهای روستایی است. لذا اقلام غیرخوراکی به استثنای حمل و نقل نیز برای خانوارهای شهری ضروری تر و برای خانوارهای روستایی لوکس تر بوده اند. کشتش کل هزینه های غیرخوراکی خانوارهای شهری استان نیز بالاتر از همین مقدار برای خانوارهای روستایی استان است.

محاسبه ضریب جینی در مناطق روستایی استان قزوین و کشور: روند کلی ضریب جینی در مناطق روستایی استان قزوین طی سالهای ۹۳-۱۳۸۳ در ابتدای دوره صعودی و سپس نزولی بوده است. این ضریب از ۰.۳۳۳ در سال ۱۳۸۳ به ۰.۴۱۰ در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است ولی در سال ۱۳۸۸ کاهش شدیدی (۰.۰۳۱ نسبت به سال قبل از آن) داشته و در سال ۱۳۹۳ به ۰.۳۵۱ (حدود ۰.۰۱۸ بیشتر از ابتدای دوره) رسیده است. این در حالی است که ضریب جینی در خانوارهای روستایی کل کشور طی دوره مشابه اگر چه دارای نوسانات نسبتاً شدیدی بوده، ولی در پایان دوره مقدار آن نسبت به آغاز دوره کاهش یافته است. این ضریب در ابتدای دوره دارای روند صعودی بوده ولی در سال ۱۳۸۶ روند نزولی آن آغاز شده و در سال ۱۳۹۳ به ۰.۳۵۶ رسیده است. با مقایسه این ضرایب مشاهده می شود که در کلیه سالهای این دوره به استثنای سالهای ۱۳۸۷، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ضرایب جینی در مناطق روستایی استان پایین تر از ضرایب مشابه در کل کشور بوده است. در یک دید کلی می توان بیان نمود که اگر چه نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی استان در پایان دوره نسبت به ابتدای آن افزایش یافته ولی در پایان دوره شدت آن در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق روستایی کل کشور تقریباً برابر بوده است. جهت مقایسه دقیق تر وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی استان و کشور، علاوه بر ضریب جینی نیاز به بررسی منحنی لورنز توزیع درآمد نیز وجود دارد. با بررسی منحنی لورنز توزیع درآمد در

چهار سال پایان دوره مورد بررسی و با توجه به این که منحنی لورنز توزیع درآمد خانوارهای روستایی کشور و استان در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ متقاطع بوده و در سال ۱۳۹۱ متقاطع نبوده اند. لیکن در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ منحنی لورنز مناطق روستایی استان در داخل منحنی لورنز مناطق روستایی کشور و در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منحنی لورنز مناطق روستایی کشور در داخل منحنی لورنز مناطق روستایی استان قرار گرفته بنا بر این می توان بیان نمود که در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ توزیع درآمد در مناطق روستایی استان به طور نسبی مناسبتر از توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور و در سالهای ۹۲-۱۳۹۱ توزیع درآمد در کشور مناسبتر از استان بوده است.

محاسبه ضریب جینی در مناطق شهری استان قزوین و کشور: ضریب جینی در مناطق شهری استان قزوین طی دوره ۹۳-۱۳۸۳ در مجموع دارای روند نزولی بوده و از ۰.۳۴۴ به ۰.۳۰۰ در پایان آن رسیده است. ضریب جینی در مناطق شهری کشور نیز در دوره مشابه دارای روندی نزولی است. در مقایسه بین این ارقام در استان و کشور می توان بیان نمود که ضریب جینی توزیع درآمد در مناطق شهری استان در کلیه سالهای مورد بررسی کوچکتر از ضریب جینی کشور بوده است. تفاوت بین این ضرایب در سال ۱۳۸۸ به بیشترین مقدار خود می رسد. منحنی های لورنز چهار سال آخر دوره در مناطق شهری استان و کشور، نشان می دهند که در سال های ۹۳-۱۳۹۰ که منحنی لورنز مربوط به خانوارهای شهری استان داخل منحنی لورنز مربوط به خانوارهای شهری کشور قرار می گیرد و ضریب جینی استان کوچکتر از ضریب جینی کشور می باشد، برخلاف بررسی های مقایسه ای مربوط به توزیع درآمد مناطق روستایی استان و کشور، در مورد مناطق شهری می توان حکم قطعی تری صادر نمود مبنی بر این که توزیع درآمد در مناطق شهری استان نسبت به مناطق شهری کل کشور از حالت متعادلتری برخوردار بوده است. البته نباید از نظر دور داشت که در هیچ یک از این سالها توزیع عادلانه تر درآمد در خانوارهای مناطق شهری در استان یا کشور نمی تواند بیانگر وضعیت مناسبتر اقتصادی این خانوارها باشد.

بررسی مقایسه ای ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی استان قزوین: وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی استان با توجه به ضرایب جینی توزیع درآمد، تا سال ۱۳۸۴ تا حدودی مناسبتر از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان بوده است ولی از سال ۱۳۸۵ به بعد ضریب جینی مناطق روستایی استان بیشتر از مناطق شهری شده است. با توجه به منحنی های لورنز مشاهده می گردد که در دو سال اول دوره منحنی لورنز توزیع درآمد مناطق روستایی استان در داخل منحنی لورنز توزیع درآمد مناطق شهری قرار گرفته و نزدیکتر به توزیع برابر است ولی در سالهای بعد منحنی لورنز مناطق شهری داخل منحنی مناطق روستایی قرار می گیرد.

جدول ۲- ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی استان و کشور

سال	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
۱۳۸۳	۰.۳۴۴	۰.۳۳۳	۰.۳۸۳	۰.۴۰۰
۱۳۸۴	۰.۳۵۶	۰.۳۵۳	۰.۳۸۹	۰.۴۰۳
۱۳۸۵	۰.۳۳۹	۰.۳۸۲	۰.۳۹۷	۰.۴۰۹
۱۳۸۶	۰.۳۴۸	۰.۳۷۸	۰.۳۹۲	۰.۴۰۲
۱۳۸۷	۰.۳۳۴	۰.۴۱۰	۰.۳۶۷	۰.۳۹۵
۱۳۸۸	۰.۳۰۰	۰.۳۷۹	۰.۳۶۶	۰.۴۰۲
۱۳۸۹	۰.۳۲۱	۰.۳۸۸	۰.۳۷۰	۰.۳۹۶
۱۳۹۰	۰.۲۷۹	۰.۳۵۸	۰.۳۴۱	۰.۳۵۹
۱۳۹۱	۰.۲۸۷	۰.۳۶۶	۰.۳۴۰	۰.۳۵۹
۱۳۹۲	۰.۳۰۱	۰.۳۷۵	۰.۳۳۶	۰.۳۴۱
۱۳۹۳	۰.۳۰۰	۰.۳۵۱	۰.۳۴۴	۰.۳۵۶

ماخذ: محاسبات محقق

مقایسه شاخصهای اتنو و فریکی در مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور: برای

محاسبه شاخصهای اتنو و فریکی ابتدا میانگین هزینه خانوارها در استان و کشور محاسبه شده و سپس دهکهای پایین تر و بالاتر از میانگین مشخص شده اند که نتیجه محاسبات انجام شده در جدول ۳ ارائه گردیده اند. عموماً در سالهای ۹۳-۱۳۸۳ تعداد دهکهایی که در مناطق شهری و روستایی دارای میانگین هزینه ای بالاتر از میانگین کل جامعه بوده اند سه یا چهار دهک بوده و تعداد دهکهایی که میانگین هزینه آنها کمتر از میانگین هزینه کل جامعه است شش یا هفت دهک می باشند. این امر نشانگر توزیع نسبتاً نامتعادل درآمد در بین خانوارهاست که با توجه دقیقتر به شاخصهای محاسبه شده می توان به این مهم پی برد. شاخص نسبت میانگین هزینه خانوارها در کل جامعه به میانگین هزینه خانوارهای با هزینه کمتر از میانگین در مناطق شهری استان قزوین از ۱.۵۴ در سال ۱۳۸۳ به ۱.۵۵ در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است که نشانگر کاهش جزیی میانگین هزینه خانوارهای با درآمد پایین در طول این دوره است. این شاخص در مناطق شهری کشور از ۱.۸۶ در سال ۱۳۸۳ به ۱.۷۲ در سال ۱۳۹۳ رسیده که اگرچه مقدار خالص آن نشان دهنده نابرابری بیشتر در کشور در مقایسه با استان است ولی روندی رو به بهبود را طی نموده و بیانگر توزیع عادلانه تر درآمد در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۳ از دید این شاخص در مناطق شهری کل کشور می باشد. شاخص نسبت میانگین هزینه خانوارهای با هزینه بالاتر از میانگین کل به

میانگین هزینه خانوارهای با هزینه پایین تر از میانگین کل (V) در مناطق شهری استان قزوین در دوره مورد مطالعه دارای نوسان ولی رو به کاهش بوده است. این شاخص در سال ۱۳۸۳ برابر با ۲.۸۰ بوده که با رشدی نوسانی طی دوره به ۲.۳۷ در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است. این شاخص در مناطق شهری کل کشور نیز در دوره مورد مطالعه دارای روند نزولی بوده و از ۳.۱۶ در سال ۱۳۸۳ به ۲.۷۹ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. البته نوسانات این شاخص در کشور کمتر از نوسانات آن در استان بوده است.

جدول ۳- شاخصهای اتنو و فریکی مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور

سال	استان									کشور		
	شهری			روستایی			شهری			روستایی		
	W	V	U	W	V	U	W	V	U	W	V	U
۱۳۸۳	۱.۵۴	۲.۸۰	۱.۸۲	۱.۶۸	۲.۷۱	۱.۶۱	۱.۸۶	۳.۱۶	۱.۶۹	۱.۹۳	۳.۳۳	۱.۷۲
۱۳۸۴	۱.۷۵	۲.۸۷	۱.۶۴	۱.۷۳	۲.۸۲	۱.۶۳	۱.۶۸	۳.۲۶	۱.۹۴	۱.۹۵	۳.۳۸	۱.۷۳
۱۳۸۵	۱.۷۱	۲.۷۹	۱.۶۳	۱.۸۶	۳.۱۴	۱.۶۹	۱.۷۱	۳.۳۶	۱.۹۷	۱.۴۷	۳.۴۷	۱.۹۹
۱۳۸۶	۱.۷۴	۲.۸۵	۱.۶۴	۱.۶۶	۳.۲۱	۱.۹۳	۱.۶۸	۳.۲۸	۱.۹۵	۱.۹۵	۳.۳۷	۱.۷۳
۱۳۸۷	۱.۶۸	۲.۶۹	۱.۶۰	۲.۰۲	۳.۵۵	۱.۷۶	۱.۸۰	۳.۰۰	۱.۶۷	۱.۹۱	۳.۲۹	۱.۷۲
۱۳۸۸	۱.۵۷	۲.۴۳	۱.۵۵	۱.۶۵	۳.۱۶	۱.۹۲	۱.۸۱	۳.۰۲	۱.۶۷	۱.۹۵	۳.۳۸	۱.۷۳
۱۳۸۹	۱.۶۴	۲.۵۹	۱.۵۸	۱.۸۹	۳.۲۳	۱.۷۱	۱.۸۱	۳.۰۲	۱.۶۷	۱.۹۲	۳.۳۱	۱.۷۲
۱۳۹۰	۱.۵۰	۲.۲۵	۱.۵۰	۱.۷۶	۲.۹۰	۱.۶۵	۱.۷۰	۲.۷۵	۱.۶۲	۱.۷۶	۲.۹۱	۱.۶۵
۱۳۹۱	۱.۵۲	۲.۳۱	۱.۵۲	۱.۷۷	۲.۹۴	۱.۶۵	۱.۷۰	۲.۷۵	۱.۶۲	۱.۷۷	۲.۹۱	۱.۶۵
۱۳۹۲	۱.۵۷	۲.۴۲	۱.۵۴	۱.۶۴	۳.۱۲	۱.۹۱	۱.۶۹	۲.۷۲	۱.۶۱	۱.۶۹	۲.۷۳	۱.۶۱
۱۳۹۳	۱.۵۵	۲.۳۷	۱.۵۳	۱.۷۴	۲.۸۵	۱.۶۴	۱.۷۲	۲.۷۹	۱.۶۳	۱.۷۵	۲.۸۸	۱.۶۴

ماخذ: محاسبات محقق

با ملاحظه شاخص مذکور می توان بیان نمود که در یازده سال مورد بررسی، میانگین هزینه خانوارهای دارای هزینه بالاتر از میانگین بیش از دو برابر میانگین هزینه خانوارهای دارای هزینه پایین تر از میانگین کل جامعه بوده است که نشانه ای از تفاوت بین سطح زندگی و رفاه در دو طیف از درآمدها در مناطق شهری کل کشور و استان می باشد. در بررسی مقایسه ای استان و کشور در مناطق شهری می توان گفت که موقعیت استان از نظر این شاخص که در ابتدای دوره مناسبتر از کشور بوده است، در انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره مناسبتر از وضعیت مشابه در کل کشور هم شده است.

برای این که به طور نسبی هزینه خانوارهای با هزینه بالا را با هزینه کل جامعه مقایسه نماییم به شاخص بعدی که توسط اتنو و فریکی ابداع گردیده است مراجعه می نماییم. این شاخص با W در جدول ۳ نشان داده شده است. در مناطق شهری کل کشور این شاخص از ۱.۶۹ در سال ۱۳۸۳ به ۱.۹۷ در سال ۱۳۸۵ رسیده و در سالهای بعد مجدداً کاهش یافته و به ۱.۶۳ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. این

شاخص با این که دارای نوسانات نسبتاً شدیدی بوده است در مجموع دارای سیری نزولی است. این شاخص در استان دارای چند نوسان صعودی و نزولی بوده ولی در نهایت در پایان دوره مقدار قابل توجهی از ابتدای آن کمتر بوده است. این امر نشانگر بهبود در وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان در سال ۱۳۹۳ نسبت به سالهای قبل بوده است. همان گونه که دو شاخص قبلی نیز شاهد بر این مدعا بوده اند، این شاخصها بیانگر این واقعیتند که میانگین هزینه خانوارهای پر هزینه بین ۱.۸۲ تا ۱.۵۰ برابر میانگین هزینه کل خانوارها در مناطق شهری استان و بین ۱.۹۷ تا ۱.۶۱ برابر میانگین هزینه کل خانوارها در مناطق شهری کل کشور در نوسان بوده اند. هر قدر اندازه عددی شاخصهای اتتو و فریکی بالاتر باشد نشانگر وضعیت نامناسبتر توزیع درآمد است. بدترین حالت توزیع در این شاخصها هنگامی است که اندازه آنها به بی نهایت رسیده و بهترین حالت توزیع، اندازه یک برای این شاخصهاست. در مقایسه ای بین مناطق شهری و روستایی استان می توان مشاهده نمود که شاخصهای اتتو و فریکی در مناطق روستایی استان عمدتاً در سالهای مورد مطالعه رقمی بالاتر از رقم مشابه مناطق شهری داشته اند. این امر نشانگر توزیع نامناسبتر درآمد در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق شهری در بیشتر سالهای دوره به خصوص سالهای ابتدای دوره است ولی در سالهای پایانی دوره مطابق انتظار از شدت اختلاف در توزیع درآمد بین شهرها و روستاهای استان کاسته شده است. در تحلیل و تفسیر نتایج باید به وضعیت تقسیمات سیاسی استان در نمونه گیری های مورد نظر و تبدیل برخی نقاط روستایی به شهر و همچنین وضعیت اقتصادی و معیشتی روستاییان و شهرنشینان استان توجه ویژه ای مبذول داشت. شاخص U در مناطق روستایی استان در مجموع دارای روند صعودی بوده و از ۱.۶۸ در سال ۱۳۸۳ به ۱.۷۴ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. در مقایسه این شاخص با شاخص مشابه در مناطق روستایی کل کشور مشاهده می شود که به استثناء سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ در بقیه سالهای مورد بررسی شاخص مورد نظر در مناطق روستایی کشور مساوی و یا بالاتر از ارقام مشابه استان بوده و این شاخص در مناطق روستایی کشور دارای روند نزولی می باشد. در یک نتیجه گیری کلی تر می توان بیان نمود که وضعیت مناطق روستایی استان از نظر این شاخص دارای همگرایی بوده است به طوری که این شاخص در طی دوره در استان روند صعودی و در کل کشور روند نزولی داشته تا در پایان دوره به مقدار تقریباً یکسانی رسیده است. شاخصهای V و W نیز تقریباً بیانگر نتیجه ای مشابه شاخص U می باشند. مناطق روستایی استان از دید شاخص V بجز در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و از دید شاخص W بجز در سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ در بقیه سالهای دوره، وضعیت مناسبتری نسبت به مناطق روستایی کشور داشته است.

مقایسه شاخص هرفیندال در مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور: شاخصهای

هرفیندال برای مناطق شهری و روستایی استان و کشور طی دوره ۹۳-۱۳۸۳، مطابق با اطلاعات

دهکهای هزینه ای خانوارها مورد محاسبه قرار گرفته اند. این شاخص برای مناطق شهری استان قزوین در سال ۱۳۸۳ برابر با ۰.۱۴۵ بوده که با نوساناتی در سال ۱۳۹۳ به رقم ۰.۱۳۲ رسیده و کاهش شدید نابرابری توزیع درآمد در شهرهای استان را نشان می دهد. مقایسه کلی بین شاخص هرفیندال برای مناطق شهری استان و کشور به این نتیجه می رسد که توزیع درآمد در مناطق شهری کشور دارای وضعیت نسبتاً نامناسبتری از مناطق شهری استان بوده است در طول دوره وضعیت توزیع درآمد در استان و کشور رو به بهبود بوده است. این شاخص در مناطق شهری کشور برای تمام سالهای مورد مطالعه توزیع بهتر درآمد در شهرهای استان نسبت به کشور را نشان می دهد. شاخص هرفیندال محاسبه شده برای مناطق روستایی استان نیز اگر چه در چهار سال از سالهای دوره در استان مساوی و یا بزرگتر از کشور و در مابقی سالها در کشور بیشتر از استان بوده است ولی در سال پایانی دوره نشانگر وضعیت نسبتاً یکسان توزیع درآمد در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق روستایی کشور بوده است. این شاخص در مناطق روستایی استان در سال ۱۳۸۳ برابر با ۰.۱۳۹ و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۰.۱۴۴ و در کل کشور در سال ۱۳۸۳ برابر با ۰.۱۶۴ و در سال ۱۳۹۳ به ۰.۱۴۵ کاهش یافته است. نتیجه دیگری که در اینجا به آن برخورد می نمایم، توزیع نسبتاً ناعادلانه درآمد در مناطق روستایی استان و کشور نسبت به مناطق شهری در سالهای ابتدای دوره و توزیع عادلانه تر در سالهای پایانی دوره است.

جدول ۴- شاخص هرفیندال مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور

منطقه سال	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
۱۳۸۳	۰.۱۴۵	۰.۱۳۹	۰.۱۵۷	۰.۱۶۴
۱۳۸۴	۰.۱۴۸	۰.۱۴۹	۰.۱۶۰	۰.۱۶۳
۱۳۸۵	۰.۱۴۰	۰.۱۵۸	۰.۱۶۲	۰.۱۶۶
۱۳۸۶	۰.۱۴۲	۰.۱۵۷	۰.۱۶۱	۰.۱۶۳
۱۳۸۷	۰.۱۴۰	۰.۱۶۵	۰.۱۵۱	۰.۱۶۰
۱۳۸۸	۰.۱۳۱	۰.۱۵۹	۰.۱۵۰	۰.۱۶۲
۱۳۸۹	۰.۱۳۷	۰.۱۵۸	۰.۱۵۲	۰.۱۶۱
۱۳۹۰	۰.۱۲۷	۰.۱۴۸	۰.۱۴۳	۰.۱۴۸
۱۳۹۱	۰.۱۲۸	۰.۱۵۳	۰.۱۴۳	۰.۱۴۸
۱۳۹۲	۰.۱۳۳	۰.۱۵۹	۰.۱۴۲	۰.۱۴۳
۱۳۹۳	۰.۱۳۲	۰.۱۴۴	۰.۱۴۴	۰.۱۴۵

ماخذ: محاسبات محقق

مقایسه شاخص نابرابری دهکها در مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور: این شاخص طی دوره ۹۳-۱۳۸۳ برای استان و کشور محاسبه شده و در جدول ۵ آورده شده است. اندازه این شاخص بین صفر (در حالت برابری کامل توزیع درآمد) و یک (در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد) در نوسان است.

جدول ۵- شاخص نابرابری دهکها برای مناطق شهری و روستایی استان قزوین و کشور

منطقه سال	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
۱۳۸۳	۰.۲۷۳	۰.۲۷۰	۰.۳۰۹	۰.۳۲۲
۱۳۸۴	۰.۲۸۶	۰.۲۸۱	۰.۳۱۴	۰.۳۲۵
۱۳۸۵	۰.۲۷۸	۰.۳۰۸	۰.۳۲۲	۰.۳۳۱
۱۳۸۶	۰.۲۸۴	۰.۳۱۰	۰.۳۱۶	۰.۳۲۴
۱۳۸۷	۰.۲۶۹	۰.۳۳۶	۰.۲۹۷	۰.۳۱۹
۱۳۸۸	۰.۲۴۳	۰.۳۰۶	۰.۲۹۸	۰.۳۲۵
۱۳۸۹	۰.۲۵۹	۰.۳۱۴	۰.۲۹۸	۰.۳۲۰
۱۳۹۰	۰.۲۲۲	۰.۲۸۸	۰.۲۷۵	۰.۲۸۹
۱۳۹۱	۰.۲۲۹	۰.۲۹۱	۰.۲۷۵	۰.۲۸۹
۱۳۹۲	۰.۲۴۱	۰.۳۰۳	۰.۲۷۱	۰.۲۷۳
۱۳۹۳	۰.۲۳۶	۰.۲۸۴	۰.۲۷۸	۰.۲۸۶
میانگین	۰.۲۵۶	۰.۲۹۹	۰.۲۹۶	۰.۳۰۹

ماخذ: محاسبات محقق

میانگین شاخص نابرابری دهکها در مناطق شهری استان کمتر از این رقم در مناطق شهری کشور بوده و نشانگر توزیع مناسبتر درآمدها در مناطق شهری استان نسبت به مناطق شهری کشور در سالهای مورد بررسی است. این شاخص در مناطق شهری استان از ۰.۲۷۳ در سال ۱۳۸۳ به ۰.۲۳۶ در سال ۱۳۹۳ رسیده و کاهش شدیدی را نشان می دهد. این شاخص در کل کشور نیز دارای روند نزولی بوده و از ۰.۳۰۹ در سال ۱۳۸۳ به ۰.۲۷۸ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. در مقایسه بین مناطق شهری و روستایی استان نیز در می یابیم که توزیع درآمد از نظر این شاخص در مناطق روستایی استان که در ابتدای دوره به مقدار جزئی نامناسب تر از مناطق شهری بوده است در پایان دوره وضعیت نامناسبتری را نشان می دهد. در مقایسه مناطق روستایی و شهری کشور نیز مشاهده می شود که شاخص نابرابری

دهکهای شهری و روستایی در طول دوره کاهش یافته و در پایان دوره توزیع درآمد مناسبتری نسبت به ابتدای دوره در مقایسه با مناطق شهری استان را نشان می دهد. از نظر این شاخص توزیع درآمد در مناطق روستایی استان در سال ۱۳۹۳ کمی مناسبتر از توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور است.

نسبت هزینه ده درصد بالا به ده درصد پایین در استان قزوین: این شاخص در مطالعات مختلف به صورت مختلف مورد محاسبه قرار می گیرد. در اینجا به طور بسیار ساده از تقسیم هزینه انجام شده توسط بالاترین دهک درآمدی بر هزینه انجام شده توسط پایین ترین دهک درآمدی به ارقامی رسیده ایم که علاوه بر دارا بودن خاصیت مقایسه ای بین روستا و شهر و استان و کشور دارای معانی و تحلیل‌های عمیق تری نیز می باشند. این شاخص نشان می دهد که در سال ۱۳۸۳ هزینه متوسط انجام شده در بالاترین دهک هزینه ای در مناطق روستایی استان قزوین ۱۰۰۰ برابر هزینه انجام شده در پایین ترین دهک هزینه بوده و در سال ۱۳۹۳ به ۱۱۴۹ برابر رسیده است. میانگین این شاخص در یازده سال مورد بررسی در مناطق روستایی استان برابر با ۱۲۹۵ بوده که ۲۸۶ واحد پایینتر از رقم مشابه برای کشور است. شاخص نسبت هزینه بالاترین به پایین ترین دهک در مناطق روستایی کل کشور در سال ۱۳۹۳ برابر با ۱۳۳۵ بوده که نشانگر سیری نوسانی نزولی از سالهای قبل می باشد. این رقم به طور میانگین در سال ۱۳۹۳ در مناطق شهری کشور برابر با ۱۰۴۹ و در مناطق شهری استان ۹۴۳ بوده است. این شاخص بیانگر توزیع مناسبتر درآمد در مناطق شهری استان نسبت به مناطق شهری کشور است و اختلاف ۱۰۶ واحد بین ارقام استان و کشور در مناطق شهری قابل مشاهده است. جالب توجه است که روند تغییرات این شاخص در مناطق شهری استان عکس روند تغییرات آن در مناطق روستایی استان است. میانگین نسبت هزینه دهک پر هزینه به دهک کم هزینه در مناطق شهری استان و کشور برابر با ۹۲۷ و ۱۲۸۴ بوده که به این معنی است که افراد ثروتمند در مناطق شهری استان به طور متوسط ۹۲۷ برابر افراد فقیر و در مناطق شهری کشور ۱۲۸۴ برابر افراد فقیر هزینه می نمایند. اختلاف بین ارقام میانگین نسبتها بین مناطق شهری و روستایی استان (۳۶۸) بیشتر از اختلاف ارقام میانگین نسبتها بین مناطق شهری و روستایی کشور (۲۹۷) است که نشانگر شکاف توزیع درآمد بین مناطق روستایی و شهری استان به نفع مناطق شهری است.

جدول ۶- نسبت هزینه ده درصد بالا به ده درصد پایین در استان قزوین و کشور

منطقه سال	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
۱۳۸۳	۱۱.۷۲	۱۰.۰۰	۱۵.۰۰	۱۷.۴۳
۱۳۸۴	۱۱.۵۴	۱۲.۴۰	۱۵.۰۳	۱۹.۰۵
۱۳۸۵	۹.۷۶	۱۳.۲۷	۱۵.۸۹	۱۸.۰۷
۱۳۸۶	۱۱.۸۶	۱۱.۵۸	۱۵.۶۴	۱۷.۴۲
۱۳۸۷	۹.۶۳	۱۷.۸۳	۱۲.۵۶	۱۷.۱۹
۱۳۸۸	۷.۶۶	۱۳.۱۶	۱۲.۷۵	۱۷.۹۱
۱۳۸۹	۸.۶۵	۱۴.۷۱	۱۳.۴۴	۱۶.۷۵
۱۳۹۰	۶.۸۰	۱۲.۰۰	۱۰.۲۴	۱۲.۵۶
۱۳۹۱	۷.۲۵	۱۳.۶۴	۱۰.۳۰	۱۲.۶۷
۱۳۹۲	۷.۶۴	۱۲.۳۹	۹.۹۱	۱۱.۵۶
۱۳۹۳	۹.۴۳	۱۱.۴۹	۱۰.۴۹	۱۳.۳۵
میانگین	۹.۲۷	۱۲.۹۵	۱۲.۸۴	۱۵.۸۱

ماخذ: محاسبات محقق

محاسبه خط فقر نسبی خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین طی دوره ۹۳-۱۳۸۳: در

اینجا پس از رتبه بندی خانوارها براساس هزینه خانوار، مقدار شاخص متناظر با نصف میانه توزیع (که ۲۵ درصد خانوارهای نمونه پایین تر از آن قرار دارند) انتخاب شده است. جدول ۷ نتایج حاصل از برآورد خط فقر نسبی برای خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین را به صورت سالانه طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۹۳ نشان می دهد. برای انجام این محاسبات از اطلاعات خام طرح هزینه و درآمد خانوارها که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است استفاده می شود. همانطور که در جدول مشاهده می شود، اندازه خط فقر طی دوره مورد بررسی افزایش قابل ملاحظه ای داشته و از حدود دو میلیون و چهارصد و بیست هزار ریال به بیش از هشت میلیون و نهصد هزار ریال در ماه برای خانوارهای شهری و از حدود یک میلیون و هفتصد و پانزده هزار ریال به پنج میلیون و ششصد و بیست هزار ریال در ماه برای خانوارهای روستایی رسیده است. به عبارت دیگر مبلغ خط فقر نسبی طی این یازده سال حدود ۲۷۰ درصد برای خانوارهای شهری و حدود ۲۲۷ درصد برای خانوارهای روستایی رشد داشته است که نشان دهنده افزایش میانه هزینه های خانوار در استان است. با بررسی روند افزایش اندازه خط فقر طی سالهای مزبور در می یابیم که نرخ این افزایش طی دوره یکسان نبوده است به طوری که در سالهای ۸۷، ۹۰ و ۹۲ برای خانوارهای

شهری و در سالهای ۸۶، ۹۰ و ۹۱ برای خانوارهای روستایی بیشترین رشد را نسبت به سالهای قبل داشته است. می توان گفت هر چه این رشد بالاتر باشد و خط فقر نسبی با سرعت بیشتری افزایش یابد، خانوارهای بیشتری در زیر خط فقر قرار گرفته و توزیع درآمد در سطح استان نامتوازن تر می شود. یکی از عواملی که می تواند موجب جهش خط فقر نسبی گردد افزایش سطح عمومی قیمتها (تورم) است که این مسئله به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان و نیز شواهد تجربی متعدد موجب نامتعادل شدن توزیع درآمدها می گردد. به عبارت دیگر تورم به زیان اقشار پایین درآمدی (خانوارهای فقیر) می باشد بنابراین یکی از راهکارهایی که می تواند از سقوط درصد بیشتری از خانوارها به زیر خط فقر جلوگیری نماید، کنترل تورم است.

جدول ۷- خط فقر نسبی خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین طی دوره

۱۳۸۳-۹۳

درآمد سال	ماهانه شهری	ماهانه روستایی
۱۳۸۳	۲۴۱۸۱۰۰	۱۷۱۵۳۰۰
۱۳۸۴	۲۵۷۴۴۰۰	۱۹۵۸۱۰۰
۱۳۸۵	۲۸۱۱۳۰۰	۱۹۱۹۵۰۰
۱۳۸۶	۳۱۴۲۰۰۰	۲۳۹۴۹۰۰
۱۳۸۷	۴۲۶۴۴۰۰	۲۳۲۳۵۰۰
۱۳۸۸	۴۰۶۷۷۰۰	۲۳۴۸۲۰۰
۱۳۸۹	۴۲۹۴۳۰۰	۲۳۳۶۸۰۰
۱۳۹۰	۵۷۷۹۲۰۰	۳۳۴۸۹۰۰
۱۳۹۱	۶۹۱۷۴۰۰	۴۵۲۸۹۰۰
۱۳۹۲	۸۷۳۲۷۰۰	۵۵۹۳۲۰۰
۱۳۹۳	۸۹۰۶۹۰۰	۵۶۱۷۴۰۰

ماخذ: محاسبات محقق

محاسبه خط فقر مطلق ماهیانه شهری و روستایی استان و کشور طی دوره ۹۳-۱۳۸۳: در عمل، محاسبه خط فقر مطلق و تعیین خانوارهای زیر خط فقر با مشکلات و محدودیتهای بسیار جدی مواجه است. از جمله این مشکلات، اختلاف نظر در تعیین نیازهای اولیه و کافی، دشواری تعیین مقادیر مصرف کالا و خدمات از طریق آمارگیری از خانوارها، مشکل بودن تعیین قیمت برخی از کالاهای اساسی به علت سوبسید دار بودن آنها و نسبی بودن کالاهای اساسی و غیره را می توان نام برد. لذا در این

تحقیق مستقیماً به برآورد خط فقر مطلق در استان پرداخته نمی شود و برای بررسی خانوارهای زیر خط فقر مطلق در استان، از برآوردهای انجام شده برای خط فقر در سطح کشور استفاده می شود. در مطالعه ای که توسط دکتر جمشید پژویان (جمشید پژویان، "نقش نظام تأمین اجتماعی در کاهش فقر"، مجموعه مقالات فقر در ایران، ۱۳۷۹) انجام یافته است خط فقر سرانه (شهری و روستایی) کشور برای سالهای ۷۷-۱۳۶۹ برآورد شده است. نتایج این مطالعه پس از تبدیل ارقام به ماهیانه و خانوار و تعدیل کردن آن با استفاده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بانک مرکزی در جدول ۸ ارائه شده است. همان گونه که ملاحظه می شود خط فقر ماهانه شهری کشور از ۱۲۴۷۲۳۴ ریال در سال ۱۳۸۳ به ۷۰۲۰۴۴۲ ریال در سال ۱۳۹۳ رسیده است. یعنی در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۳ از رشدی معادل ۴۶۳ درصد برخوردار بوده است. بر این اساس در سال ۱۳۹۳ خانوارهای شهری با کمتر از ۷۰۲۰۴۴۲ ریال درآمد، فقیر محسوب می شوند. خط فقر محاسبه شده برای خانوارهای روستایی نیز از ۸۵۳۶۵۶ ریال در سال ۱۳۸۳ به ۴۸۰۵۰۶۴ ریال در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.

مرکز آمار ایران بر اساس حداقل نیازهای اساسی زندگی فرد و بر اساس انرژی روزانه مورد نیاز بدن انسان بر حسب سبد غذایی متعارف و مناسب با فرهنگ تغذیه جامعه (حداقل ۲۲۰۰ کالری روزانه) سرانه خط فقر را محاسبه نموده است. اطلاعات مربوط به این برآورد نیز در جدول ۸ درج شده است. بر این اساس کسی که ارزش پولی تهیه و مصرف این سبد غذایی به علاوه دو برابر آن برای تأمین سایر نیازها (بهداشت، درمان، تفریح، مسکن، پوشاک، آموزش و...) را نداشته باشد فقیر است. با برآورد مرکز آمار ایران، یک خانواده شهری و یک خانوار روستایی در سال ۱۳۷۷ با درآمدهای ماهانه ۵۲۰۷۰۰ و ۳۵۱۸۰۰ ریال فقیر بوده است. برای محاسبه خط فقر در سالهای بعد از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بانک مرکزی استفاده شده و نتیجه در جدول آمده است. همان گونه که ملاحظه می شود خط فقر شهری و روستایی طی این یازده سال از رشدی بیش از ۴۶۰ درصد برخوردار بوده است.

جدول ۸- خط فقر مطلق ماهانه خانوار شهری و روستایی استان و کشور طی سالهای ۹۴-۱۳۸۳ (ریال)

خانوار سال	شهری استان*	روستایی استان*	شهری کشور**	روستایی کشور**
۱۳۸۳	۱۲۱۲۷۲۷	۸۱۹۳۵۴	۱۲۴۷۲۳۴	۸۵۳۶۵۶
۱۳۸۴	۱۳۳۷۰۲۳	۹۰۳۳۳۲	۱۳۷۵۰۶۷	۹۴۱۱۴۹
۱۳۸۵	۱۴۹۸۲۷۲	۱۰۱۲۲۷۶	۱۵۴۰۹۰۴	۱۰۵۴۶۵۵
۱۳۸۶	۱۷۷۰۳۸۰	۱۱۹۶۱۲۰	۱۸۲۰۷۵۴	۱۲۴۶۱۹۵
۱۳۸۷	۲۲۲۰۵۳۴	۱۵۰۰۲۵۷	۲۲۸۳۷۱۷	۱۵۶۳۰۶۵
۱۳۸۸	۲۴۵۹۰۴۸	۱۶۶۱۴۰۴	۲۵۲۹۰۱۷	۱۷۳۰۹۵۸
۱۳۸۹	۲۷۶۴۷۴۹	۱۸۶۷۹۴۵	۲۸۴۳۴۱۷	۱۹۴۶۱۴۵
۱۳۹۰	۳۳۵۹۳۵۵	۲۲۶۹۶۷۷	۳۴۵۴۹۴۲	۲۳۶۴۶۹۷
۱۳۹۱	۴۳۸۳۹۵۸	۲۹۶۱۹۲۹	۴۵۰۸۶۹۹	۳۰۸۵۹۲۹
۱۳۹۲	۵۹۰۹۱۰۵	۳۹۹۲۳۶۳	۶۰۷۷۲۴۳	۴۱۵۹۵۰۲
۱۳۹۳	۶۸۲۶۲۰۹	۴۶۱۱۹۸۵	۷۰۲۰۴۴۲	۴۸۰۵۰۶۴

* مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

** مأخذ: مطالعه پژوهان، مجموعه مقالات فقر در ایران و محاسبات محقق- ارقام جدول فوق بر اساس خط فقر سال ۱۳۷۷ و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بانک مرکزی تعدیل شده است.

خانوارهای زیر خط فقر مطلق استان قزوین: اطلاعات مربوط به خانوارهای فقیر شهری و روستایی استان در جدول ۹ ارائه شده است. همان گونه که ذکر شد آمار مربوط به درصد خانوارهای فقیر استان قزوین با استفاده از آمار بودجه خانوار استان و خط فقر مطلق محاسبه شده توسط مرکز آمار ایران به دست آمده است. ملاحظه می شود که درصد خانوارهای زیر خط فقر شهری در سال ۱۳۸۳ حدود ۱۰.۷۸ بوده است در حالی که در سال ۱۳۹۳ این درصد به حدود ۱۷.۳۸ رسیده است. یعنی در سال ۱۳۹۳ به طور متوسط ۱۷.۳۸ درصد خانوارهای شهری کمتر از ۶۸۲۶۲۰۹ ریال درآمد داشته اند. با بررسی درصد خانوارهای فقیر در سالهای مورد بررسی ملاحظه می شود که درصد خانوارهای زیر خط فقر شهری و روستایی استان رو به افزایش بوده است. این افزایش برای بخش روستایی بیشتر بوده است. به طوری که درصد خانوارهای زیر خط فقر در سال ۱۳۸۳ حدود ۹.۲۹ درصد بوده و در سال ۱۳۹۳ به حدود ۱۸.۹۱ درصد رسیده است. این مهم با توجه به رکود اقتصادی و خشکسالی و تغییرات قیمتهای نسبی محصولات کشاورزی به خصوص قیمت تضمینی محصولات کشاورزی خریداری شده بوسیله دولت

قابل توجه است. به طور کلی می توان گفت که علیرغم بهتر شدن نسبی وضعیت روستاییان در کلیه سالهای مورد بررسی، درصد خانوارهای زیر خط فقر روستایی بیشتر از خانوارهای بخش شهری بوده است.

جدول ۹- خانوارهای زیر خط فقر مطلق استان قزوین (درصد)

سال خانوار	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
شهری	۱۰.۷۸	۹.۹۶	۹.۸۷	۱۲.۴۱	۹.۶۳	۱۱.۵۵	۱۲.۵۳	۱۰.۱۱	۱۲.۱۷	۱۳.۰۰	۱۷.۳۸
روستایی	۹.۲۹	۹.۸۰	۹.۸۰	۸.۶۲	۱۴.۶۵	۱۴.۸۰	۱۹.۰۷	۱۴.۸۶	۱۴.۶۳	۱۵.۲۲	۱۸.۹۱

ماخذ: برآوردهای خط فقر توسط مرکز آمار ایران و اطلاعات هزینه درآمد خانوار استان قزوین و محاسبات محقق

محاسبه شکاف (عمق) فقر مناطق شهری و روستایی استان قزوین طی سالهای ۹۳-۱۳۸۳:

به منظور این که تصویر روشنتری از ابعاد فقر و گستره آن در مناطق شهری و روستایی استان داشته باشیم ناگزیر به محاسبه شکاف (عمق) فقر در سطح استان هستیم. این شکاف با استفاده از میزان (سطح) درآمد خانوارها در استان و خطوط فقر مربوط به هر سال برای خانوارهای نمونه محاسبه شده سپس با توجه به جمعیت شهری و روستایی استان و بعد خانوارهای روستایی و شهری به کل استان تعمیم داده شده است. این اطلاعات در جدول ۱۰ نشان داده شده اند. میزان شکاف (عمق) فقر در سال ۱۳۸۳ برای مناطق شهری استان حدود ۳۷.۳۰ میلیارد ریال بوده است. به عبارت دیگر میزان پرداختهای انتقالی که دولت در این سال می توانست به فقرای شهری استان پرداخت نماید تا آنها را به سطح خط فقر برساند حدود ۳۷ میلیارد ریال بوده است. این میزان در سال ۱۳۸۴ با حدود ۳۳ درصد کاهش به ۲۵.۱۶ میلیارد ریال رسیده است. سطر آخر نیز شکاف فقر در سال ۱۳۹۳ را نشان می دهد. در این سال عمق فقر حدود ۹۹۳ میلیارد ریال بوده است که اگر بخواهیم میزان رشد آن را نسبت به سال ۱۳۸۳ محاسبه نماییم به رقم ۲۵۶۴ درصد می رسیم. به عبارت دیگر طی این یازده سال عمق فقر در استان نزدیک به ۲۷ برابر شده است. این مسئله نشان دهنده آن است که خانوارهای شهری استان در سال ۱۳۸۳ نسبت به یازده سال قبل از آن در عمق بسیار بیشتری از فقر فرو رفته اند. یکی از مهم ترین عواملی که باعث افزایش عمق فقر می شود علاوه بر رکود اقتصادی، نابسامانی های مربوط به وضعیت اشتغال و عدم کارایی سیاستهای حمایتی لازم از خانوارهای فقیر و افزایش سطح عمومی قیمتها (تورم) می باشد که همه ساله موجب فقیرتر شدن اقشار کم درآمد می گردد.

جدول ۱۰- شکاف (عمق) فقر مناطق شهری و روستایی استان قزوین طی سالهای ۹۳-۱۳۸۳

سال	شهری	روستایی	جمع
۱۳۸۳	۳۷.۳۰	۵.۱۳	۴۲.۴۳
۱۳۸۴	۲۵.۱۶	۹.۸۴	۳۵.۰۰
۱۳۸۴	۲۶.۹۲	۷.۷۷	۳۴.۶۹
۱۳۸۶	۹۲.۴۳	۲.۰۹	۹۴.۵۲
۱۳۸۷	۳۹.۰۵	۵۳.۲۸	۹۲.۳۳
۱۳۸۸	۸۱.۶۷	۴۸.۵۰	۱۳۰.۱۷
۱۳۸۹	۱۱۰.۵۶	۹۱.۸۶	۲۰۲.۴۲
۱۳۹۰	۷۵.۷۶	۶۷.۵۳	۱۴۳.۲۹
۱۳۹۱	۱۸۵.۱۸	۹۶.۸۸	۲۸۲.۰۶
۱۳۹۲	۲۸۰.۴۴	۱۱۶.۱۹	۳۹۶.۶۳
۱۳۹۳	۹۹۳.۶۴	۲۳۷.۱۵	۱۲۳۰.۷۹

ماخذ: محاسبات محقق

اطلاعات مربوط به بخش روستایی استان در ستون سوم جدول ۹ برای سالهای ۹۳-۱۳۸۳ ارائه شده است. میزان شکاف برآورد شده برای بخش روستایی استان در سال ۱۳۸۳، ۵.۱۳ میلیارد ریال بوده است. این میزان در سال ۱۳۸۴ به ۹.۸۴ میلیارد ریال و نهایتاً در سال ۱۳۹۳ به ۲۳۷.۱۵ میلیارد ریال رسیده است. این رقم رشدی معادل ۴۵۲۳ درصد را نسبت به سال ۱۳۸۳ نشان می دهد. با مقایسه شکاف فقر مناطق شهری و روستایی در می یابیم که میزان شکاف (عمق) فقر در مناطق روستایی بسیار سریعتر از مناطق شهری استان افزایش یافته است. به عبارت دیگر درآمد خانوارهای فقیر روستایی از درآمد مربوط به خط فقر فاصله بیشتری گرفته است و در واقع خانوارهای فقیر روستایی فقیرتر شده اند.

بحث و نتیجه گیری

از نتایج حاصل از این تحقیق می توان بررسی و مقایسه درصد سهم هزینه دهکها از کل هزینه ها در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت هزینه خوراک به غیرخوراک در دهکهای هزینه در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت مجموع هزینه خوراک به هزینه غیرخوراک در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه نسبت هزینه

های خوراکی و دخانی و غیرخوراکی دو دهک بالا به چهار دهک پایین در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، بررسی و مقایسه کشت درآمدهای کالاهای خوراکی و غیرخوراکی در مناطق روستایی و شهری استان با کشور، ترسیم منحنی لورنز و محاسبه ضریب جینی و بررسی و مقایسه آنها در مناطق روستایی و شهری استان و کشور، محاسبه و بررسی و مقایسه شاخصهای اتنو و فریکی، شاخص هرفیندال، شاخص نابرابری دهکها، نسبت هزینه ده درصد بالا به ده درصد پایین، خط فقر نسبی، خط فقر مطلق، شکاف (عمق) فقر در خانوارهای شهری و روستایی استان قزوین و کشور در سالهای دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۳ را برشمرد.

منابع

- مرکز آمار ایران (سالهای ۹۳-۱۳۸۳)، نشریات اطلاعات طرحهای درآمد- هزینه استان قزوین و کشور.
- موسوی جهرمی، یگانه؛ خداداد کاشی، فرهاد؛ موسی پور احمدی، عالمه (زمستان ۱۳۹۳)، ارزیابی عوامل موثر بر نابرابری درآمدی در جامعه، مجله پژوهش های اقتصادی ایران، جلد ۶۱.
- خداداد کاشی، فرهاد؛ شهیکی تاش، محمد نبی (زمستان ۱۳۹۱)، ساختار تقاضای گروه های کالایی در مناطق شهری ایران، مجله راهبرد توسعه، جلد ۳۲.
- علمی، زهرا (دی ۱۳۹۲)، اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، جلد ۶۹.
- ادیب سده، مهدی (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه.
- پروین، سهیلا (۱۳۸۱) بررسی وضعیت درآمد، مصرف و امنیت غذایی خانوارها در استان قزوین، پایان نامه دکتری.
- پروین، سهیلا؛ طاهری فرد، احسان (زمستان ۱۳۸۷)، تأثیر سیاستهای پولی بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی: اقتصاد ایران)، مجله پژوهشهای رشد و توسعه پایدار، جلد ۲۸.
- کنت گالبرایت، جان (۱۳۶۶) ماهیت فقر عمومی، ترجمه محمد حسین عادل، چاپ اول، انتشارات اطلاعات.
- محمودی، وحید (۱۳۸۷) اندازه گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، چاپ اول، انتشارات سمت.
- طبیبیان، محمد (۱۳۷۹) فقر و توزیع درآمد در ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- طبیبیان، محمد (۱۳۷۵) گزارش فقر و فقر زدایی، گزارش کار داخلی مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی توسعه.
- پژویان، جمشید؛ واعظی، ویدا (۱۳۹۰) ارتباط بین شاخص توزیع درآمد و شاخص سلامت در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، جلد ۴۱.

- خداداد کاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل؛ خداداد کاشی، امید (۱۳۸۱) اندازه گیری شاخصهای فقر در ایران، پژوهشکده آمار ایران.
- پژوهیان، جمشید (۱۳۷۸)، بررسی فقر و شرایط اقتصادی خانوارهای استان تهران، سازمان برنامه و بودجه استان تهران.
- رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۴)، اندازه گیری شاخص و پویش فقر در ایران، مجله رفاه اجتماعی، جلد ۱۷.
- رئیس دانا، فریبرز؛ (۱۳۷۹) زیر خط فقر در ایران (مجموعه مقالات فقر در ایران)، نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- “Welfare comparisons of income distributions and family size: An individualistic approach”, Marc Fleurbaey; Cyrille Hagnere, Alain Trannoy; Journal of Mathematical Economics ,51 (2014) 12□27.
- “Income distribution: An adaptive heterogeneous model”, L.C. da Silva Junior, P.H. de Figueiredo; Physica A, 395 (2014) 275 – 282.
- “Parametric and nonparametric income distribution estimators in CGE micro-simulation modeling”, Dorothee Boccanfuso, Patrick Richard, Luc Savard; Economic Modelling ,35 (2013) 892–899.
- “Income distribution, credit and fiscal policies in an agent-based Keynesian model”, Giovanni Dosi, Giorgio Fagiolo, Mauro Napoletano, Andrea Roventini, Journal of Economic Dynamics & Control, 37 (2013) 1598–1625.
- “Evolutionary model of the personal income distribution”, Joachim Kaldasch, Physica A, 391 (2012) 5628–5642.
- “Structural change, competition and income distribution”, Paul Cook, Yuichiro Uchida, The Quarterly Review of Economics and Finance, 48 (2008) 274–286.

تحلیل عدم تعادل فضایی توزیع خدمات

اقتصادی، اجتماعی دهستانهای استان قزوین

فرشته حاجی فتحعلی^۱، علی رحمانی^۲، مرضیه باقر عطاران^۳، مینا کیایی^۴

چکیده

شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در فرآیند برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای است. از این طریق، تنگناها و محدودیت های مناطق مشخص می شود و می توان برای رفع آنها اقدام نمود. چگونگی توزیع امکانات در روستاها بیانگر سطح توسعه یافتگی در مناطق و تعادل در توزیع فضایی امکانات نیز می تواند میزان دسترسی جمعیت روستایی را به آن امکانات بیان نماید. در این تحقیق با بررسی شاخصهای گوناگون بخشهای آموزش، بازرگانی، فرهنگی- ورزشی، سیاسی-اداری، زیربنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات در سطح دهستان های استان، میزان برخورداری و محرومیت روستاها از امکانات، تعیین شده است. در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان توسعه و محرومیت دهستان های استان قزوین با استفاده از روش اسکالوگرام است. در این پژوهش میزان توسعه یافتگی دهستان های استان قزوین از نظر ۴۱ شاخص آموزشی، بازرگانی، فرهنگی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی و ... مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از روش اسکالوگرام ۴۶ دهستان با توجه به امتیاز بدست آمده رتبه بندی شده اند، که در این رتبه بندی دهستان پیر یوسفیان در شهرستان البرز در رتبه اول و دهستان الموت پایین در شهرستان قزوین در رتبه آخر جدول قرار گرفته اند. سپس با توجه به امتیاز بدست آمده، دهستانها به چهار دسته برخورداری، نسبتاً برخورداری، نیمه برخورداری و محروم تقسیم بندی شدند. دهستانهای محروم بیشتر در شهرستان های قزوین و اوج و دهستان های برخورداری در شهرستان بوئین زهرا قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: عدم تعادل، توزیع خدمات، روش اسکالوگرام، دهستان.

۱ - نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد برنامه ریزی اقتصادی، رئیس گروه برنامه ریزی و آمایش سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲ - کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳ - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، کارشناس برنامه ریزی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴ - لیسانس مهندسی کامپیوتر، کارشناس تلفیق سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در فرآیند برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای است. با این کار تنگناها و محدودیتهای مناطق مشخص شده و می‌توان برای رفع آنها اقدام کرد (رضوانی، ۱۳۸۱: ۴۵۹). حصول توسعه یکپارچه در منطقه از طریق توزیع خدمات مختلف به صورت متعادل و متوازن میسر است. بدین منظور، باید ابتدا سطح توسعه فعلی مشخص شود. برای برنامه ریزی بهتر نواحی گوناگون لازم است که نواحی از نظر برخورداری طبقه بندی شده تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری، برنامه ریزی شود. سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش، روند شکل گیری توسعه قطبی مناطق مشخص می‌شود و درنهایت در برنامه‌ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کم توسعه در نظر گرفته می‌شود و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می‌شود (امیدزاده، ۱۳۹۲: ۹۸). کیفیت توسعه و زیرساختهای مورد نیاز آن در اثر برنامه ریزیهای نامطلوب و متمرکز گذشته مسایل عمده ای را در روند توسعه روستاهای کشور ایجاد کرده است، بطوریکه ابعاد گوناگون و پیچیدگی ساختاری این موضوع یکی از تنگناهای اساسی در عرضه مدل مناسب برای توزیع اعتبارات به شمار می‌آید. توزیع اعتبارات در بین بخشهای مختلف و داشتن شیوه و روش مناسب می‌تواند در کاهش سطح نابرابری بین مناطق و ایجاد توسعه موثر باشد. این موضوع ضرورت بکارگیری برنامه ریزی دقیق که کلیه بخشها را پوشش دهد، می‌رساند. به همین جهت بحث توسعه روستایی مطرح می‌شود.

عدم توازن میان مناطق مختلف در جریان توسعه به ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می‌انجامد، که خود مانعی در مسیر توسعه می‌باشد. اصولاً توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است. توسعه اقتصادی پایدار بدون توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی امکانپذیر نمی‌باشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نیز بدون نگرش منطقی و علمی به مساله در بلند مدت راه به جایی نخواهد برد. عدم تعادل در هر ناحیه جغرافیایی، ناشی از دو دسته عوامل، یکی درون ناحیه ای و دیگری برون ناحیه ای: است (مومنی، ۱۳۷۷: ۳۶). عوامل درون ناحیه ای مانند شرایط طبیعی و جغرافیایی حاکم بر ناحیه، آب، خاک، ژئومورفولوژی و اقلیم، که هر جا این شرایط مناسب باشد چنین ناحیه ای برتری محسوسی خواهد داشت: (سرور، ۱۳۸۴: ۷)؛ عوامل برون ناحیه ای نیز در پیشرفت یا عدم پیشرفت نواحی تاثیر بسزایی خواهند داشت، این عوامل ناشی از سیاست گذاریها و نوع استراتژی انتخابی

جهت توسعه است (شکوئی، ۱۳۶۵ - ۶۶ مومنی، ۱۳۸۸). تمرکز شدید و عدم تعادل از جمله ویژگی های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلول نتایج سیاست های رشد قطبی به شمار می آید. در نتیجه این سیاست، تعداد محدودی از مناطق، نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه ای عمل می کنند (فتاحی، ۱۳۸۸: ۴۳ - مومنی و حاتمی، ۱۳۸۹). نتیجتاً تمرکز سرمایه و امکانات در مناطق بزرگتر، رشد روابط سرمایه داری پیرامونی و کمبود زیرساخت ها در نواحی را به دنبال داشته است (اعتماد، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

هدف اکثر برنامه ریزان در کشور های گوناگون نیل به توسعه و هدف نهایی از توسعه نیز نیل به توسعه پایدار است. در فرایند برنامه ریزی برای توسعه روستایی، شناخت ویژگی های ساختاری سطوح توسعه یافتگی و آگاهی از پتانسیل های محیطی هر منطقه اهمیت زیادی دارد. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل های منطقه ای گام نخست شناخت و سطح بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و خدماتی می باشد که روش متغیر های استاندارد شده یکی از الگو های عرضه شده در این زمینه است. چگونگی توزیع امکانات در روستاها بیانگر سطح توسعه یافتگی در این مناطق و تعادل در توزیع فضایی امکانات نیز می تواند میزان دسترسی جمعیت روستایی را در برخورداری از آن امکانات بیان نماید، این امر با استفاده از بررسی شاخصهای مورد نظر در توزیع امکانات و روشهای خاص سطح بندی قابل انجام می باشد. در این تحقیق با بررسی شاخصهای گوناگون بخشهای آموزش، بازرگانی، فرهنگی-ورزشی، سیاسی-اداری، زیربنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات در سطح دهستانهای استان می توان میزان برخورداری و محرومیت روستاها از امکانات را تعیین نمود.

برای ایجاد تعادل نسبی میان همه مناطق، شناخت مناطق محروم و غیر محروم بر اساس معیارهای خاص از وظایف برنامه ریزان جامعه است. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۳ - تقوایی و طباطبایی، ۱۳۸۵) در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان توسعه و محرومیت دهستانهای استان قزوین با استفاده از روش اسکالوگرام است. جهت دستیابی به این هدف در ابتدا وضع موجود امکانات و خدمات با توجه به شاخصهای اجتماعی و اقتصادی مشخص شده و در انتها با استفاده از روش اسکالوگرام رتبه و سطح توسعه یافتگی هریک از دهستانها مشخص و در نهایت به منظور برنامه ریزی و تخصیص منابع و توزیع امکانات در راستای کاستن از شدت ناهمگونی دهستانهای استان راهکارهایی پیشنهاد شده است.

مبانی نظری و پیشینه

دانشمندان از توسعه تعاریف متعددی داده اند: دنیس گولت در تعریف توسعه می گوید: توسعه باید علاوه بر اهداف اقتصادی و اجتماعی، هدفهای فرهنگی و سیاسی هم داشته باشد، توسعه تمام تغییرات سیستم اجتماعی را در برمی گیرد، تغییراتی که جامعه را از وضعیت نامناسب فعلی به سمت یک وضع

انسانی بکشاند. پل استریتن معتقد است که هدف غایی توسعه باید فراهم آوردن بهبود مستمر دروضع افراد باشد و ثمرات خود را نصیب همگان کند.

ویکرد توسعه درونزا و برونزا: در جامعه ی ایران در اثبات رشد و توسعه دو دیدگاه غالب به شرح

ذیل مطمح نظر بوده است :

الف- توسعه ی درون زا: به مجموعه نهادها و سازمان هایی اطلاق می شود که از بطن جامعه و لایه های زیرین و نهادهای آن آغاز می شود و کم کم و با بستر سازی به لایه های بالاتر رسوخ می کند و به تدریج تغییرات مورد نظر را به وجود می آورد .

ب- توسعه ی برون زا: توسعه ای است که از بالا به پائین است و به دنبال شرایطی است که مؤلفه های توسعه را از جوامع صنعتی و پیشرو اخذ نموده و به کشورهای در حال توسعه تزریق نماید .

دیدگاه محافظه کار : این دیدگاه نظرات کلاسیک ها، نئوکلاسیک ها، و نیز مدل های توسعه ی لویی، رستوف و مدل های رشد و اقتصادهای توسعه نیافته را شامل می شود. معروف ترین اقتصاددانان عصر گذشته و حال در این دیدگاه قرار می گیرند. اینان غالبا اقتصاددانان کشورهای صنعتی پیشرفته هستند، اما در قرن بیستم و به خصوص پس از جنگ جهانی دوم خود را با مسئله توسعه کشورهای عقب مانده مشغول داشته اند و مدل ها و استراتژی های توسعه ی فراوانی برای آن ها آفریده اند. شماری چند از توسعه شناسان دیدگاه اول عبارتند از: آرتور لویی، راگنار نرکس، راستوف، پل روزنشتاین -رودن، کولین کلارک و غیره. به نظر این گروه اساس توسعه، رشد اقتصادی است و مقصد وضع فعلی کشورهای پیشرفته ی صنعتی است .

دیدگاه رادیکال: که شامل نظرات یل باران و مکتب وابستگی است. در این دیدگاه نظریات بسیار متنوع و حتی متفاوتی وجود دارد. از لحاظ فلسفی، جهان بینی اقتصادی و سایر زمینه ها شاید اختلافات زیادی بین توسعه شناسان این دیدگاه موجود باشد، اما اساس نظرات آن ها به قرار زیر است: در نظر اینان توسعه فرآیندی است که فارغ از استعمار و استثمار در حالی که سطح زندگی جامعه را بالا می برد، تفاوت ها را نیز کاهش می دهد. تفاوت بین گروه های اجتماعی، بین افراد، بین زن و مرد، بین کار فکری و کار یدی، بین شمال شهر و جنوب شهر، بین شهر و روستا و هکذا. فرآیندی است که نه تنها می کوشد سطح تخصص را بالا ببرد، بلکه امکان آن را نیز برای همه فراهم می نماید. توسعه شناسان معروف این دیدگاه عبارتند از: پل باران، موریس داب، آندره گوندلر فرانک، سلسوفورتا دو، دوس سانتوس جفری کری، سمیرا مین، کاردوسو و...

دیدگاه اصلاح طلب : که شامل نظرات دنیس کولت و آر - پی میسرا می باشد. این دیدگاه توسعه را فقط در رشد کمی متغیرهای اقتصادی نمی بیند، بلکه تغییر محیط اجتماعی انسان را نیز در نظر دارد.

موضوع توسعه قبل از آن که تولید ناخالص، سرمایه و بهره دهی و قدرت اقتصادی باشد، انسان است؛ انسانی که در ضمن نیاز به نان و مسکن و بهداشت و آموزش و تخصص و کارآئی بیشتر دارد. توسعه شناسان این دیدگاه که اغلب از جهان سوم هستند و در سطح بین المللی در سازمان هائی نظیر سازمان ملل، سازمان بین المللی کار، بانک جهانی و غیره فعالیت دارند، دو دیدگاه قبلی را هم از لحاظ درک آن ها از توسعه و هم از نظر ارائه ی مدل ها و سیاست هایشان مورد حمله و انتقاد قرار می دهند. به نظر اینان هر دو دیدگاه بیشتر مفتون رشد اقتصادی و حداکثر کردن سود هستند و انسان کمتر از آن که باید در تئوری هایشان مطرح است.

رویکرد تامین معیشت پایدار: امروزه یکی از بزرگترین چالشهای برنامه ریزی، در جوامع انسانی، به ویژه جوامع روستایی که کانون تمرکز فقرا در کشورهای در حال توسعه‌اند، تامین معیشت است (نزاید، ۲۰۰۲)، زیرا در برخی از موارد بهره برداریهای بی‌رویه و غیراصولی و در موارد دیگر، عدم بهره‌وری مناسب در بهره برداری از منابع موجود در روستاها (مانند آب، و خاک و غیره) سبب مشکلات معیشتی و ایجاد ناپایداریهایی در محیط به عنوان منبع اصلی معیشت روستایی شده است. در این راستا، الگوی معیشت پایدار به عنوان یکی از رویکردهای توسعه روستایی نوین در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد که از ویژگیهای آن، ترکیب عوامل معیشتی جامعه روستایی با توسعه پایدار بود؛ زیرا توسعه اقتصادی علاوه بر تغییر ارزشها و نهادهای توسعه اقتصادی، مستلزم تحولات ساختاری و معیشتی جامعه، متناسب با توان های زیست محیطی و توان بالقوه است. از این رو، برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) نیازمند حرکت سریع از الگوهای معیشتی سنتی به الگوهای معیشتی پایدار در جامعه روستایی است که متناسب با نیازهای جامعه امروزی و ظرفیت های محیطی باشند. دستیابی به معیشت پایدار روستایی بدون توجه به دارایی ها و سرمایه های معیشتی در روستاها امکان پذیر نمی باشد (مرادی و دماوندی، ۱۳۹۳).

نظریه قطب رشد: این نظریه که ابتدا توسط «فرانسوا پرو» مطرح شد، عمدتاً با صنعت سروکار دارد. وی معتقد بود که جوهر و اصل توسعه صنعتی به یکباره و در همه جا ظاهر نخواهد شد، بلکه ابتدا در کانونهایی با شدتهایی مختلف ظاهر شده و از طریق مسیرهایی در نقاط معینی آغاز و پخش می شود، این کانون را وی قطب رشد خواند. بودیل "قطب رشد را می توان به عنوان مجموعه ای از صنایع تعریف کرد که در یک ناحیه شهری واقع شده و باعث توسعه بیشتر فعالیت های اقتصادی در ناحیه حوزه نفوذ خود می شود." نظریه قطب رشد همانند نظریه مکان مرکزی هم برای درک ساختار یک منطقه و هم به عنوان چارچوبی برای پیش بینی تغییرات این ساختار و همچنین به عنوان یک استراتژی برای توسعه منطقه ای بکار رفته است.

مفهوم عدالت: مفهوم عدالت مناقشه برانگیز بوده و تعریف آن وابسته به زمان، مکان و ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه است (آشوری، ۲۰۰۶: ۹) در دهه ۱۹۷۰، مفهوم عدالت در توزیع منابع و خدمات، اولین بار توسط دیوید هاروی ماطر (طبیعیان و دیگران، ۲۰۱۰: ۹) و در دهه های بعد توسط محققانی از جمله رالز، فانشتاین، ساندراکاک و غیره مورد توجه قرار گرفت (رستمی، ۲۰۱۱: ۲۸). اندیشمندان پیرو مکتب لیبرال در تعریف آن بیشتر بر استحقاق و شایستگی اصل تفاوت و آزادی فردی و اندیشمندان پیرو مکتب سوسیالیسم بر نیاز و برابری در توزیع و تولید، تأکید دارند.

عدالت فضایی یا محیطی: سرآغاز عدالت اجتماعی ریشه در عدالت فضایی و محیطی دارد. عدالت محیطی در چارچوبهای علوم اجتماعی به صورت گسترده ای بر شرایط فقر تمرکز کرده است. هدف آن تقاضای مداخلاتی است که موجب رفتار منصفانه به نفع فقرا باشد (دیکسون و راماتسیندل، ۲۰۰۶: ۱۲۹). در واقع عدالت محیطی یا فضایی بیانگر رفتار منصفانه و دربرگیرندگی همه مردم، بدون توجه به قومیت، رنگ، منشأ ملیت یا درآمد، در توسعه، اجرا و بهکارگیری قواعد محیطی است (باس، ۱۹۹۸). عدالت فضایی طبق ایده ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده است به این معناست که باید با ساکنین در هر جایی که زندگی می کنند، به طور برابر رفتار شود (تسو و دیگران، ۲۰۰۵: ۴۲۵).

مطالعات انجام شده در ایران: براتعلی خاکپور و علیرضا باوانپوری (۱۳۸۸)، در مقاله بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، ضمن به تصویر کشیدن میزان و چگونگی توزیع فضائی شاخصهای بهداشتی- درمانی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی، ورزشی- تفریحی، اداری- خدماتی، علمی- پژوهشی در شهر مشهد، به تحلیل سطح برخورداری مناطق شهر مشهد و تشریح تاثیر توزیع عادلانه امکانات و پایداری شهری پرداخته است. بدین منظور، نماگرهای فوق را با استفاده از مدل موریس و نرم افزار ArcGIS به تفکیک مناطق مورد سنجش قراردادده اند. نتایج مطالعات نشان میدهد ۲۵ درصد مناطق شهری مشهد (شامل مناطق ۱، ۸ و ثامن) خیلی برخوردار، ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۷، ۹ و ۱۱) برخوردار، ۸/۳ درصد (فقط منطقه ۴) متوسط، ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۲، ۳ و ۱۰) محروم و بالاخره ۱۶/۷ درصد مناطق (شامل مناطق ۵ و ۶) خیلی محروم بوده اند. همچنین محاسبات ضریب همبستگی بین تعداد جمعیت و درجه توسعه یافتگی مناطق، رابطه ای منفی حدود ۰/۶۵۶- را نشان می دهد. علی سردار شهرکی و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله تعیین سطوح توسعه یافتگی کشاورزی و اقتصادی در بخش روستایی ایران، استان های کشور را، از نظر سطح توسعه یافتگی اقتصادی در بخش شهری و کشاورزی در بخش روستایی رتبه بندی کرده است. بدین

منظور از ۶۸ شاخص اقتصادی و ۴۶ شاخص کشاورزی در بخش روستایی و دو روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی بهره‌گیری می‌شود. طبق نتایج به دست آمده، استان‌های اصفهان، تهران، مازندران، فارس، گلستان، یزد و قم در دسته‌ی استان‌های توسعه یافته از لحاظ کشاورزی در بخش روستایی قرار دارند که از آن میان، تنها سه استان تهران، فارس و یزد دارای توسعه یافتگی اقتصادی اند و اصفهان جزو استان‌های نسبتاً توسعه یافته، گلستان جزو استان‌های کمتر توسعه یافته و همچنین قم و مازندران جزو استان‌های توسعه نیافته از نظر اقتصادی به شمار می‌روند.

مطالعات انجام شده در جهان: سوارز و همکاران (۲۰۰۳)، با استفاده از ۳۳ شاخص اقتصادی و با کاربرد روش‌های آماری چندمتغییره و خوشه‌ای، به رتبه‌بندی مناطق مختلف کشور پرتغال پرداختند. نتایج نشان داد که سطح توسعه یافتگی مناطق ساحلی پرتغال بالاتر از مناطق داخلی این کشور است. راماتو و ژینشن (۲۰۰۷)، با کاربرد روش تحلیل عاملی، به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در کشور غنا پرداخت. نتایج نشان داد که شکاف توسعه یافتگی مناطق شمالی این کشور بیش از مناطق جنوبی آن است. آمبو و نوا نوسانتارا (۲۰۱۴)، به تجزیه و تحلیل اسکالوگرام از عملکرد، اهمیت و فرایند سلسله مراتبی استراتژی بزرگ توسعه کشاورزی - صنعت در جنوب شرقی سولاوسی با سه روش: اسکالوگرام، تجزیه و تحلیل اهمیت- عملکرد و تجزیه و تحلیل فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) پرداخته است. نتایج شامل ۴ عنوان زیر می‌باشد: ۱- رتبه‌بندی توانایی پشتیبانی منطقه‌ای. ۲- با آگاهی از نرخ بهره بالقوه میتوان به شناسایی شکاف بین ویژگیهای عملکرد خدمات عمومی که توسط دولت از طریق سازمانهای مربوطه برای کمک به توسعه پتانسیل کشاورزی-صنعت پرداخت. ۳- آگاهی از نیازهای کشاورزی-صنعت در جنوب شرقی سولاوسی. ۴- در نهایت نتایج پژوهش منجر به تدوین استراتژی بزرگ توسعه کشاورزی-صنعت گردید.

روش شناسی

روش بکار گرفته شده در این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نوع کاربردی می‌باشد. جامعه آماری نیز شامل روستاهای ۴۶ دهستان استان قزوین می‌باشد. داده‌های مورد نیاز تحقیق از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است. سپس اطلاعات شاخصهای بخشهای مختلف برای تعیین میزان برخورداری دهستانها از با استفاده از مدل اسکالوگرام و نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد تحلیل واقع گردیده است. روش اسکالوگرام^۱ یک روش گرافیکی بوده بطور موفقیت آمیزی در برخی کشورها مورد استفاده قرار گرفته است از جمله تایلند، سریلانکا، هندوستان، اندونزی. این روش به منظور تعیین سلسله مراتب سکونتگاهی، سنجش سطح برخورداری،

نقاط شهری، روستایی مورد استفاده قرار می گیرد. این روش به عنوان ماتریس قطری معروف است و برای رتبه بندی خدمات در برنامه ریزی ناحیه ای، فضایی، جغرافیایی مورد استفاده قرار می گیرد. این روش شامل مراحل ذیل است:

- ۱- ابتدا لازم است به انتخاب یک سری متغیر پرداخت، متغیرهایی که نشان دهنده توسعه و پیشرفت در یک ناحیه محسوب میشوند. به همین منظور دهستانهای استان قزوین با ۴۱ شاخص که جنبه های آموزشی، اقتصادی- بازرگانی، فرهنگی- ورزشی، بهداشتی- درمانی، حمل و نقل و ارتباطات را در بر میگیرند به شرح جدول شماره ۱ انتخاب شده اند. در این روش ابتدا شاخصها از بخشهای مختلف بر حسب مناطق جمع بندی می شوند.
- ۲- در مرحله دوم در این روش طبقات همگن بدست آمده که جهت تعیین طبقات همگن از فرمول زیر استفاده شده و سه طبقه بدست می آید (در این فرمول X برابر میانگین داده ها و S نشانه انحراف معیار می باشد):

$$\bar{x} \pm \frac{1}{4} s$$

- پس از محاسبه طبقه بدست آمده خنثی بوده و کمتر از آن را گروه منفی و بیشتر از آن را گروه مثبت گویند و حدود طبقات مختلف مشخص می شود.
- ۳- مرحله سوم جایگاه شاخص بر اساس طبقه، شهرستان و نوع متغیر مشخص می گردد.
 - ۴- مرحله چهارم تنظیم متغیرها در جدول ماتریسی می باشد که در این مرحله هر قدر متغیرها در قطر جدول قرار گیرند دقت رتبه بندی بالاتر می باشد.
 - ۵- مرحله آخر نیز محاسبه ضریب اطمینان اسکالوگرام می باشد که بیانگر میزان اطمینان و مناسب بودن شاخصها انتخاب شده می باشد.

(کل ستاره های(*) ماتریس/مجموع ستاره های(*) خارج از قطر ماتریس) - $KR=1$

بر اساس این روش ما می توانیم موقعیت هر شاخص را در هر دهستان بدست آوریم که در نهایت اولویت سرمایه گذاری را بر اساس دهستان و شاخص می توان معین نمود. از محاسن روش فوق، شامل: سادگی و قابلیت انجام به طور دستی، واحد شاخصها میتواند مختلف در نظر گرفته شود، در فرآیند عملیات، شاخصهای غیر ضروری حذف میشوند، شاخصها را میتوان در حین انجام کار جابه جا و بالا و پایین کرد و علاوه بر مباحث انسانی در مباحث طبیعی برنامه ریزی ناحیه ای نیز کاربرد دارد. معایب این روش عبارتند از: دقت بسیار زیاد در تعیین متغیرها می طلبد و تنظیم نهایی جدول و رتبه بندی نیاز به جابه جایی های بیش تر و اعمال سلیقه دارد (بیرودیان، ۱۳۷۱، ص ۳۶).

یافته های پژوهش

بر اساس آخرین وضعیت تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۹۲ استان قزوین دارای ۶ شهرستان (قزوین، تاکستان، بوئین زهرا، آبیک، البرز و آوج)، ۲۵ شهر (قزوین، اقبالیه، محمدیه، الوند، محمودآباد نمونه، تاکستان، اسفرورین، ضیاء آباد، خرمدشت، آوج، شال، دانشفهان، بوئین زهرا، رازمیان، معلم کلايه، آبگرم، آبیک، کوهین، بیدستان، ارداق، خاکعلی، نرجه، سگزآباد، سیردان و شریفیه)، ۱۹ بخش، ۴۶ دهستان و ۱۱۵۰ آبادی می باشد که ۸۴۲ آبادی آن دارای سکنه و ۳۰۸ آبادی خالی از سکنه است. شهرستان های قزوین با ۵۶۸۹ کیلومتر مربع و بوئین زهرا با ۳۰۳ کیلومتر مربع به ترتیب وسیع ترین شهرستان های استان قزوین می باشند. در این تحقیق از اطلاعات مربوط به بخش خدمات که شامل آموزش، بهداشت و درمان و شبکه مالی و حمل و نقل و ارتباطات می باشد و همچنین شاخص های بخش زیر بنایی شامل برق، آب و فاضلاب و گاز استفاده شده است تا میزان توسعه یافتگی و محرومیت دهستان های استان با توجه به توزیع خدمات و زیر بناها در سطح استان مورد بررسی قرار گیرد. اطلاعات مربوط به شاخصها به تفکیک دهستانها و بر اساس بخشها در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول ۱- شاخصهای مورد بررسی میزان برخورداری دهستانهای استان از امکانات زیر بنایی و خدمات

ردیف	بخش	شاخص
۱	بخش آموزش	تراکم در هر کیلو متر مربع
۲		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس مهد
۳		سهم روستاهای تحت پوشش در مدارس ابتدایی
۴		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی دخترانه
۵		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی پسرانه
۶		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی مختلط
۷		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان دخترانه
۸		سهم روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان پسرانه
۹		سهم روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه
۱۰		سهم روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه
۱۱		سهم روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش پسرانه
۱۲		سهم روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش دخترانه
۱۳	بخش بازرگانی	درصد جمعیت تحت پوشش مراکز خرید
۱۴		درصد جمعیت تحت پوشش جهت خرید از شهر
۱۵		درصد جمعیت دارای دسترسی به بانک
۱۶		درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات کشاورزی
۱۷		درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات غیر کشاورزی
۱۸		درصد جمعیت دارای دسترسی به جایگاه سوخت
۱۹	بخش فرهنگی - ورزشی	درصد جمعیت تحت پوشش کتابخانه های موجود در دهستان
۲۰		میزان دسترسی جمعیت دهستان به فضاهای ورزشی
۲۱	بخش سیاسی و اداری	دسترسی به مراکز خدمات جهاد کشاورزی
۲۲		درصد جمعیت تحت پوشش مروجین کشاورزی
۲۳		دسترسی به شرکت تعاونی روستایی
۲۴	بخش زیر بنایی	درصد جمعیت برخوردار از آب لوله کشی
۲۵		درصد جمعیت برخوردار از گاز
۲۶		درصد جمعیت برخوردار از برق
۲۷	بخش بهداشت و درمان	سهم جمعیت برخوردار از پزشک
۲۸		سهم جمعیت برخوردار از مرکز بهداشتی درمانی
۲۹		سهم جمعیت برخوردار از بهیار و مامای روستایی
۳۰		درصد جمعیت برخوردار از سامانه جمع اوری زباله
۳۱		درصد جمعیت دارای دسترسی به آزمایشگاه و رادیولوژی
۳۲		درصد جمعیت دارای دسترسی به دامپزشک
۳۳	بخش حمل و نقل و ارتباطات	درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر پست
۳۴		درصد جمعیت دارای دسترسی به اینترنت
۳۵		درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر مخابرات
۳۶		درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر فناوری ارتباطات و اطلاعات
۳۷		درصد جمعیت دارای دسترسی به روزنامه و مجله
۳۸		درصد جمعیت دارای دسترسی به راه آسفalte
۳۹		درصد جمعیت (ادیهای) دارای عدم دسترسی به راه (دارای راه مالرو) (شاخص منفی)
۴۰		درصد جمعیت دارای دسترسی به راه آهن
۴۱	طرح هادی	درصد روستاهای برخوردار از طرح هادی روستایی

جدول ۲ - حد تعیین شده هر شاخص با توجه به معیار روش اسکالوگرام در دهستانهای استان

ردیف	نام دهستان	منفی	خنثی	مثبت
۱	تراکم در هر کیلو متر مربع	کمتر از ۲۱.۱۶	۲۱.۱۶-۳۳.۰۳	بیشتر از ۳۳.۰۳
۲	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس مهد	کمتر از ۱۰.۵۹	۱۰.۵۹-۲۰.۹۴	بیشتر از ۲۰.۹۴
۳	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس ابتدایی	کمتر از ۸۲.۰۰	۸۲.۰۰-۹۱.۱۶	بیشتر از ۹۱.۱۶
۴	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی دخترانه	کمتر از ۳۲.۶۸	۳۲.۶۸-۴۷.۶۹	بیشتر از ۴۷.۶۹
۵	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی پسرانه	کمتر از ۳۳.۶۰	۳۳.۶۰-۴۸.۸۶	بیشتر از ۴۸.۸۶
۶	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی مختلط	کمتر از ۹.۶۸	۹.۶۸-۱۶.۷۵	بیشتر از ۱۶.۷۵
۷	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان دخترانه	کمتر از ۱۱.۸۶	۱۱.۸۶-۲۴.۶۷	بیشتر از ۲۴.۶۷
۸	سهم روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان پسرانه	کمتر از ۱۰.۳۲	۱۰.۳۲-۲۰.۸۱	بیشتر از ۲۰.۸۱
۹	سهم روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه	کمتر از ۰.۰۷	۰.۰۷-۰.۸۴	بیشتر از ۰.۸۴
۱۰	سهم روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه	کمتر از ۰.۰۸	۰.۰۸-۰.۸۶	بیشتر از ۰.۸۶
۱۱	سهم روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش پسرانه	کمتر از ۰.۶۱	۰.۶۱-۲.۶۸	بیشتر از ۲.۶۸
۱۲	سهم روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش دخترانه	کمتر از ۰.۱۹	۰.۱۹-۱.۲۵	بیشتر از ۱.۲۵
۱۳	درصد جمعیت تحت پوشش مراکز خرید	کمتر از ۴۰.۷۵	۴۰.۷۵-۵۴.۳۳	بیشتر از ۵۴.۳۳
۱۴	درصد جمعیت تحت پوشش جهت خرید از شهر	کمتر از ۹۴.۷۷	۹۴.۷۷-۹۹.۰۸	بیشتر از ۹۹.۰۸
۱۵	درصد جمعیت دارای دسترسی به بانک	کمتر از ۱۷.۸۶	۱۷.۸۶-۳۱.۰۳	بیشتر از ۳۱.۰۳
۱۶	درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات کشاورزی	کمتر از ۱۰.۱۰	۱۰.۱۰-۱۹.۲۴	بیشتر از ۱۹.۲۴
۱۷	درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات غیر کشاورزی	کمتر از ۱۳.۱۵	۱۳.۱۵-۲۵.۶۷	بیشتر از ۲۵.۶۷
۱۸	درصد جمعیت دارای دسترسی به جایگاه سوخت	کمتر از ۳.۹۱	۳.۹۱-۱۱.۱۶	بیشتر از ۱۱.۱۶
۱۹	درصد جمعیت تحت پوشش کتابخانه های موجود در دهستان	کمتر از ۱۱.۸۱	۱۱.۸۱-۲۴.۶۱	بیشتر از ۲۴.۶۱
۲۰	میزان دسترسی جمعیت دهستان به فضاهای ورزشی	کمتر از ۳۰.۸۸	۳۰.۸۸-۴۲.۶۰	بیشتر از ۴۲.۶۰
۲۱	دسترسی به مراکز خدمات جهاد کشاورزی	کمتر از ۲.۴۲	۲.۴۲-۱۰.۴۶	بیشتر از ۱۰.۴۶
۲۲	درصد جمعیت تحت پوشش مروجین کشاورزی	کمتر از ۱۲.۹۷	۱۲.۹۷-۲۴.۵۲	بیشتر از ۲۴.۵۲
۲۳	دسترسی به شرکت تعاونی روستایی	کمتر از ۳۳.۰۴	۳۳.۰۴-۴۳.۷۹	بیشتر از ۴۳.۷۹
۲۴	درصد جمعیت برخوردار از آب لوله کشی	کمتر از ۹۷.۲۵	۹۷.۲۵-۹۸.۹۷	بیشتر از ۹۸.۹۷
۲۵	درصد جمعیت برخوردار از گاز	کمتر از ۳۶.۱۲	۳۶.۱۲-۵۶.۶۴	بیشتر از ۵۶.۶۴
۲۶	درصد جمعیت برخوردار از برق	کمتر از ۹۸.۳۶	۹۸.۳۶-۹۹.۵۶	بیشتر از ۹۹.۵۶
۲۷	سهم جمعیت برخوردار از پزشک	کمتر از ۲۹.۳۶	۲۹.۳۶-۴۲.۳۵	بیشتر از ۴۲.۳۵
۲۸	مرکز تسهیلات زایمان	کمتر از ۱.۵۵	۱.۵۵-۴.۹۳	بیشتر از ۴.۹۳
۲۹	سهم جمعیت برخوردار از مرکز بهداشتی درمانی	کمتر از ۲۵.۰۵	۲۵.۰۵-۳۶.۵۴	بیشتر از ۳۶.۵۴
۳۰	سهم جمعیت برخوردار از خانه بهداشت	کمتر از ۶۹.۵۷	۶۹.۵۷-۷۹.۱۰	بیشتر از ۷۹.۱۰
۳۱	سهم جمعیت برخوردار از بهیار و مامای روستایی	کمتر از ۱۸.۳۷	۱۸.۳۷-۳۰.۲۷	بیشتر از ۳۰.۲۷
۳۲	درصد جمعیت برخوردار از سامانه جمع اوری زباله	کمتر از ۶۱.۶۸	۶۱.۶۸-۷۳.۵۹	بیشتر از ۷۳.۵۹
۳۳	درصد جمعیت دارای دسترسی به آزمایشگاه و رادیولوژی	کمتر از ۰.۳۰	۰.۳۰-۲.۹۷	بیشتر از ۲.۹۷
۳۴	درصد جمعیت دارای دسترسی به دامپزشک	کمتر از ۴.۳۶	۴.۳۶-۱۰.۳۲	بیشتر از ۱۰.۳۲
۳۵	درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر پست	کمتر از ۴۰.۹۵	۴۰.۹۵-۵۴.۰۰	بیشتر از ۵۴.۰۰
۳۶	درصد جمعیت دارای دسترسی به اینترنت	کمتر از ۲۵.۹۳	۲۵.۹۳-۵۱.۲۴	بیشتر از ۵۱.۲۴
۳۷	درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر مخابرات	کمتر از ۵۵.۴۵	۵۵.۴۵-۶۷.۷۸	بیشتر از ۶۷.۷۸

ادامه جدول شماره ۲ - حد تعیین شده هر شاخص با توجه به معیار روش اسکالوگرام در دهستانهای استان

ردیف	نام دهستان	منفی	خنثی	مثبت
۳۸	درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر فناوری ارتباطات و اطلاعات	کمتر از ۳۱.۵۰	۳۱.۵-۴۵.۸۵	بیشتر از ۴۵.۸۵
۳۹	درصد جمعیت دارای دسترسی به روزنامه و مجله	کمتر از ۴.۴۴	۴.۴۴-۱۲.۴۳	بیشتر از ۱۲.۴۳
۴۰	درصد جمعیت دارای دسترسی به راه آسفalte	کمتر از ۸۷.۵۴	۸۷.۵۴-۹۴.۱۲	بیشتر از ۹۴.۱۲
۴۱	درصد روستاهای برخوردار از طرح هادی روستایی	کمتر از ۶۴.۶۶	۶۴.۶۶-۷۷.۴۵	بیشتر از ۷۷.۴۵

جدول ۳- امتیاز بدست آمده دهستانهای هر شهرستان و رتبه آنها

ردیف	شهرستان	نام دهستان	جمع امتیاز دهستان	رتبه دهستان در شهرستان	رتبه استانی
۱	تاکستان	افشاریه	۳۳	۵	۱۷
۲		اک	۵۱	۲	۹
۳		خرم آباد	۵۱	۲	۹
۴		دودانگه سفلی	۲۹	۶	۱۹
۵		دودانگه علیا	۴۸	۳	۱۰
۶		رامند شمالی	۴۰	۴	۱۴
۷		قافازان شرقی	۶۲	۱	۳
۸		قافازان غربی	۴۰	۴	۱۴
۹		نرجه	۱۴	۷	۲۵
۱۰	بوئین زهرا	ابراهیم آباد	۱۸	۹	۲۳
۱۱		دشتابی شرقی	۴۲	۵	۱۲
۱۲		دشتابی غربی	۳۹	۷	۱۵
۱۳		رامند جنوبی	۶۰	۱	۴
۱۴		زاهرای بالا	۵۴	۴	۷
۱۵		زهرای پایین	۵۶	۳	۶
۱۶		زین آباد	۴۱	۶	۱۳
۱۷		سگز آباد	۳۶	۸	۱۶
۱۸		قلعه هاشم	۵۹	۲	۵
۱۹	قزوین	رودبار شهرستان	۱۲	۷	۲۷
۲۰		رودبار محمد زمانی	۲۸	۳	۲۰
۲۱		کوهگیر	۷	۱۱	۳۱
۲۲		معلم کلایه	۱۵	۶	۲۴
۲۳		نیارک	۲۸	۳	۲۰
۲۴		اقبال شرقی	۵۱	۱	۹
۲۵		اقبال غربی	۴۲	۲	۱۲
۲۶		الموت بالا	۸	۱۰	۳۰
۲۷		الموت پایین	۶	۱۲	۳۲
۲۸		ایلات قافازان	۲۸	۳	۲۰
۲۹		ایلات قافازان غربی	۱۹	۵	۲۲
۳۰		چوقور	۱۰	۸	۲۸
۳۱		خندان	۲۵	۴	۲۱
۳۲		دستجرد	۹	۹	۲۹
۳۳	آبیک	زیاران	۶۲	۱	۳
۳۴		کوهپایه شرقی	۳۹	۳	۱۵
۳۵		کوهپایه غربی	۴۵	۲	۱۵
۳۶		بشاریات شرقی	۳۲	۴	۱۸
۳۷		بشاریات غربی	۳۲	۴	۱۸

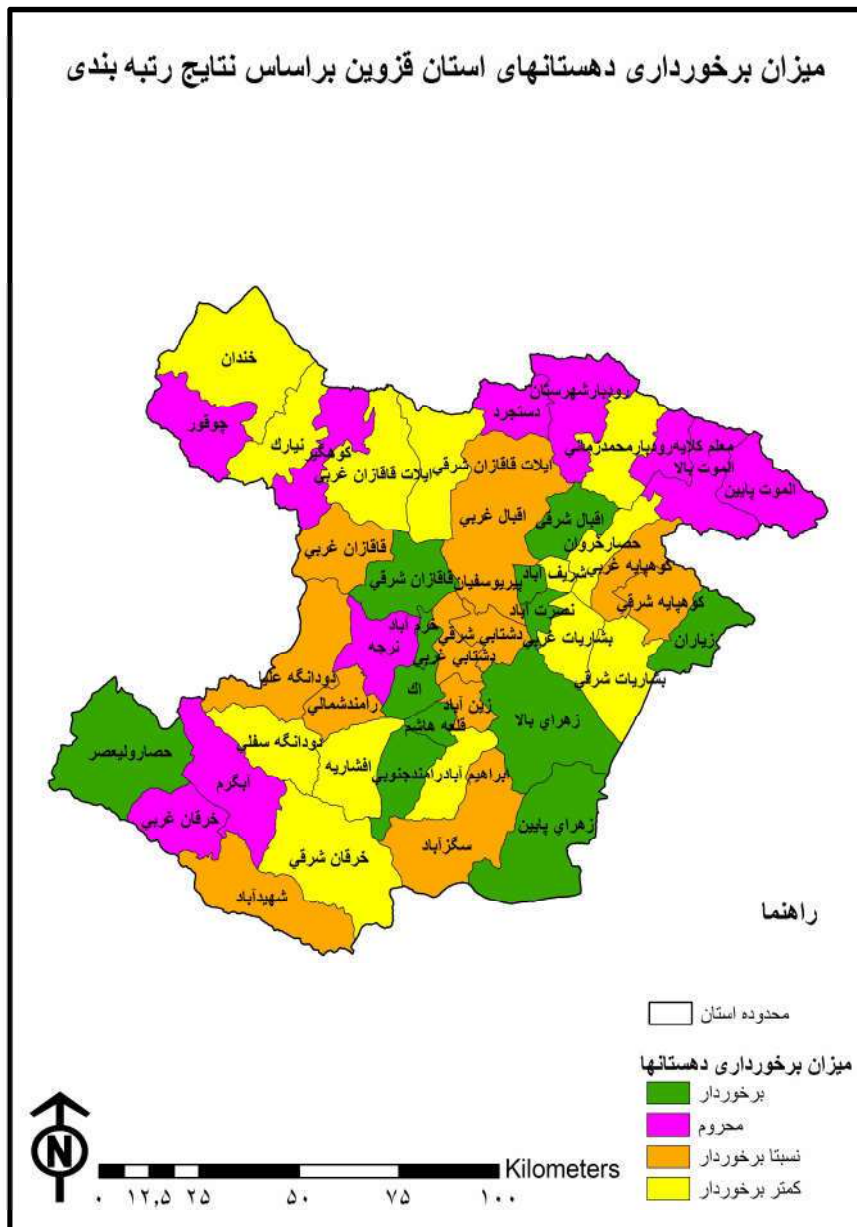
ادامه جدول شماره ۳- امتیاز بدست آمده دهستانهای هر شهرستان و رتبه آنها					
۱۴	۲	۴۰	شهید آباد	اوج	۳۸
۶۳	۱	۶۳	حصار ولیعصر		۳۹
۱۷	۳	۳۳	خرقان شرقی		۴۰
۲۷	۵	۱۲	خرقان غربی		۴۱
۲۶	۴	۱۴	آبگرم		۴۲
۱۹	۴	۲۹	شریف آباد	البرز	۴۳
۸	۲	۵۲	نصرت آباد		۴۴
۱۷	۳	۳۳	حصار خروان		۴۵
۱	۱	۶۹	پیر یوسفیان		۴۶

جدول ۴- امتیاز بدست آمده هر دهستان در شهرستان مربوطه و امتیاز شهرستانها و متوسط امتیاز دهستان

ردیف	نام دهستان	میزان برخورداری	جمع امتیاز دهستان	رتبه استانی
۱	پیرو سفیان	برخوردار	۶۹	۱
۲	حصار ولیعصر		۶۳	۲
۳	قاقازان شرقی		۶۲	۳
۴	زیاران		۶۲	۳
۵	رامند جنوبی		۶۰	۴
۶	قلعه هاشم		۵۹	۵
۷	زهرای پایین		۵۶	۶
۸	زاهرای بالا		۵۴	۷
۹	نصرت آباد		۵۲	۸
۱۰	اک		۵۱	۹
۱۱	خرم آباد		۵۱	۹
۱۲	اقبال شرقی		۵۱	۹
۱۳	دودانگه علیا	نسبتاً برخوردار	۴۸	۱۰
۱۴	کوهپایه غربی		۴۵	۱۱
۱۵	دشتابی شرقی		۴۲	۱۲
۱۶	اقبال غربی		۴۲	۱۲
۱۷	زین آباد		۴۱	۱۳
۱۸	رامند شمالی		۴۰	۱۴
۱۹	قاقازان غربی		۴۰	۱۴
۲۰	شهید آباد		۴۰	۱۴
۲۱	دشتابی غربی		۳۹	۱۵
۲۲	کوهپایه شرقی		۳۹	۱۵
۲۳	سگز آباد		۳۶	۱۶
۲۴	افشاریه	کمتر برخوردار	۳۳	۱۷
۲۵	خرقان شرقی		۳۳	۱۷
۲۶	حصار خروان		۳۳	۱۷
۲۷	بشاریات شرقی		۳۲	۱۸
۲۸	بشاریات غربی		۳۲	۱۸
۲۹	دودانگه سفلی		۲۹	۱۹
۳۰	شریف آباد		۲۹	۱۹
۳۱	رودبار محمد زمانی		۲۸	۲۰
۳۲	نیارک		۲۸	۲۰
۳۳	ایلات قاقازان شرقی		۲۸	۲۰
۳۴	خندان		۲۵	۲۱
۳۵	ایلات قاقازان غربی		۱۹	۲۲
۳۶	ابراهیم آباد		۱۸	۲۳

ادامه جدول شماره ۴- امتیاز بدست آمده هر دهستان در شهرستان مربوطه و امتیاز شهرستانها و متوسط امتیاز دهستان

۲۴	۱۵	محروم	معلم کلایه	۳۷
۲۵	۱۴		نرجه	۳۸
۲۶	۱۴		آبگرم	۳۹
۲۷	۱۲		رودبار شهرستان	۴۰
۲۷	۱۲		خرقان غربی	۴۱
۲۸	۱۰		چوقور	۴۲
۲۹	۹		دستجرد	۴۳
۳۰	۸		الموت بالا	۴۴
۳۱	۷		کوهگیر	۴۵
۳۲	۶		الموت پایین	۴۶



نقشه شماره ۱- میزان برخورداری دهستانهای استان با توجه به شاخصهای مورد بررسی

با توجه به نتایج بدست آمده از روش اسکالوگرام امتیاز هر دهستان اعمال گردیده است (جدول شماره ۴). به طور کل رتبه بندی دهستانهای استان، در ۷ طبقه ۱۱ تا ۱۰ امتیاز، ۱۰ تا ۲۰ امتیاز، ۲۰ تا ۳۰ امتیاز، ۳۰ تا ۴۰ امتیاز، ۴۰ تا ۵۰ امتیاز، ۵۰ تا ۶۰ امتیاز، ۶۰ تا ۷۰ امتیاز قرار دارد. رتبه‌های ۱ تا ۴ استان در طبقه امتیازی ۶۰ تا ۷۰ قرار دارند که شامل دهستانهای پیریوسفیان، حصارولیعصر، قاقازان شرقی و زیاران، و رامند جنوبی می‌باشد.

دهستان پیریوسفیان شهرستان البرز در بین تمامی دهستان‌های استان قزوین با مجموع امتیاز شاخصها ۶۹، رتبه نخست را داراست. رتبه دوم استانی متعلق به دهستان حصار ولیعصر با مجموع امتیاز ۶۳ می‌باشد. هر دود دهستان قاقازان شرقی و زیاران با امتیاز ۶۲ در رتبه سوم قرار دارند. دهستان رامند جنوبی با مجموع امتیاز ۶۰، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. دهستان‌های قلعه هاشم، زهرای پایین، زهرای بالا، نصرت آباد، اک، خرم آباد و اقبال شرقی در طبقه امتیازی ۵۰-۶۰ قرار دارند که به ترتیب رتبه‌های ۵ تا ۹ استان را به خود اختصاص داده‌اند.

رتبه‌های ۱۰ تا ۱۴ استان در طبقه امتیازی ۴۰-۵۰ قرار گرفته‌اند، که شامل دهستانهای دودانگه علیا رتبه دهم، کوهپایه غربی رتبه یازدهم، دشتابی شرقی و اقبال غربی رتبه دوازدهم، زین آباد رتبه سیزدهم، و دهستان‌های رامند شمالی، قاقازان غربی، شهید آباد با رتبه چهاردهم می‌باشد.

رتبه بندی ۱۵ تا ۱۸ در طبقه امتیازی ۳۰-۴۰ قرار گرفته است که شامل دهستانهای دشتابی غربی، کوهپایه شرقی، سگز آباد، افشاریه، خرقان شرقی، حصار خروان، بشاریات شرقی، بشاریات غربی می‌باشد. دهستان‌های دودانگه سفلی و شریف آباد با رتبه ۱۹، دهستانهای رودبار محمدزمانی، نیارک و ایلات قاقازان شرقی با رتبه ۲۰ و دهستان خندان با رتبه ۲۱ در طبقه امتیازی ۲۰-۳۰ قرار دارند.

طبقه امتیازی ۱۰-۲۰ رتبه‌های ۲۲-۲۸ را به خود اختصاص داده است که شامل دهستان‌های ایلات قاقازان غربی، ابراهیم آباد، معلم کلايه، نرجه، آبگرم، رودبار شهرستان، خرقان غربی و چوقور می‌شود.

دهستان‌های دستجرد، الموت بالا، کوهگیر و الموت پایین به ترتیب رتبه‌های ۲۹ تا ۳۲ استان را به خود اختصاص داده‌اند که شامل امتیازهای ۰-۹ می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش میزان توسعه یافتگی دهستان‌های استان قزوین از نظر ۴۱ شاخص آموزشی، بازرگانی، فرهنگی، بهداشتی - درمانی، زیربنایی و .. مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. با استفاده از روش اسکالوگرام ۴۶ دهستان استان با توجه به امتیاز بدست آمده رتبه بندی شده‌اند، که در این رتبه بندی دهستان پیر یوسفیان در شهرستان البرز در رتبه اول قرار داشته و دهستان الموت پایین در شهرستان قزوین در رتبه آخر جدول قرار گرفته است. سپس با توجه به امتیاز بدست آمده به دهستانها

به ۴ دسته برخوردار نسبتاً برخوردار، نیمه برخوردار و محروم تقسیم بندی شده اند. دهستانهای محروم بیشتر در شهرستانهای قزوین و اوج قرار گرفته و دهستانهای برخوردار در شهرستان بوئین زهرا قرار گرفته اند. بر اساس نتایج بدست آمده از روش اسکالوگرام میتوان دهستانها را بر اساس میزان محرومیت در ۴ دسته برخوردار، نیمه برخوردار به سمت بالا و نیمه برخوردار به سمت پایین و محروم به شرح زیر تقسیم بندی نمود:

۱- دهستانهای برخوردار: پیروسیان، حصار ولیعصر، قاقازان شرقی، زیاران، رامند جنوبی، قلعه هاشم، زهرای پایین، زهرای بالا، نصرت آباد، اک، خرم آباد، اقبال شرقی که در امتیاز ۵۰-۷۰ و رتبه ۹-۱ قرار دارند.

۲- دهستانهای نسبتاً برخوردار: دودانگه علیا، کوهپایه غربی، دشتابی شرقی، اقبال غربی، زین آباد، رامند شمالی، قاقازان غربی، شهیدآباد، دشتابی غربی، کوهپایه شرقی، سگزآباد با امتیاز ۴۸-۳۶ که رتبه‌های ۱۰-۱۶ را به خود اختصاص داده‌اند.

۳- دهستانهای کمتر برخوردار: افشاریه، خرقان شرقی، حصار خروان، بشاریات شرقی، بشاریات غربی، دودانگه سفلی، شریف آباد، رودبار محمد زمانی، نیارک، ایلات قاقازان شرقی، خندان، ایلات قاقازان غربی، ابراهیم آباد می‌باشد که با امتیاز ۱۸-۳۳، رتبه‌های ۱۷-۲۳ را به خود اختصاص داده‌اند.

۴- دهستانهای محروم: معلم کلایه، نرجه، آبگرم، رودبارشهرستان، خرقان غربی، چوقور، دستجرد، الموت بالا، کوهگیر و الموت پایین می‌باشد که با امتیازهای ۶-۱۵ رتبه‌های ۲۴-۳۲ را به خود اختصاص داده‌اند.

با استفاده از امتیاز بدست آمده دهستانهای هر شهرستان به رتبه بندی شهرستانهای استان (در برخورداری دهستانهای شهرستان از شاخصهای مورد بررسی) پرداخته شده است. نتایج گویای آن است که شهرستان البرز دارای بالاترین امتیاز بدست آمده در توسعه یافتگی دهستانها میباشد و سپس شهرستان بوئین زهرا قرار گرفته است و در نهایت شهرستان قزوین و اوج در انتهای جدول از نظر توسعه یافتگی دهستانها قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

۱. توزیع اعتبارات استان می‌تواند بر اساس نتایج بدست آمده صورت پذیرد تا توازن منطقه‌ای صورت پذیرد.
۲. با توجه به پراکندگی جمعیت در راستای توزیع اعتبارات جهت بهبود شاخصهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی اقدام نمود.

۳. در راستای توازن منطقه ای می توان ابتدا به شاخصهای زیر بنایی که می تواند در راستای توسعه موثر باشد توجه نموده سپس سایر بخشها را مورد توجه قرار داد.
۴. توجه بیشتر به بخش خصوصی و فعال کردن بخشهای غیر دولتی در راستای توسعه و ایجاد اشتغال و رونق در روستاها .
۵. ترویج افراد خیر در ایجاد زیر ساختهای مورد نیاز و کمکهای فرهنگی و اجتماعی در روستاها در راستای توسعه سرمایه گذاری.
۶. توجه ویژه به صنایع روستایی و صنایع دستی در جهت گسترش اشتغال و توسعه روستایی.
۷. توجه ویژه به بخش گردشگری در روستاهای با قابلیت ایجاد گردشگری و گردشگری مذهبی در راستای ایجاد اشتغال و توسعه روستایی.

منابع

- ابراهیم زاده ، عیسی؛ اسکندری ثانی، محمد و اسماعیل نژاد، مرتضی (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری - منطقه ای در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۸، شماره ۱۷، ص ۷-۲۸.
- اجلالی، پرویز (۱۳۷۰). تحلیل منطقه ای و سطح بندی سکونتگاهها: مبانی نظری، چاپ اول، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- امین بیدخت، علی اکبر (۱۳۸۵). سنجش توسعه یافتگی شهرستانهای استان سمنان، مجله آموزش رشد جغرافیا، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آهنگری، عبدالمجید و سعادت مهر ، مسعود (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای اقتصادی و اجتماعی، نشریه دانش و توسعه، شماره ۲۱، ص ۱۵۹-۱۹۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم: اندیشه های مارکسیستی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- بیات، مقصود (۱۳۸۸). سنجش توسعه یافتگی روستاهای بخش کوار شهرستان شیراز با استفاده از روش تحلیل خوشه ای، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. سال بیستم، شماره ۳۳، ص ۱۱۳-۱۳۱.
- پوپر، کارل (۱۳۸۰). جامعه باز و دشمنان آن. ترجمه ی عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.

- خاکپور، براتعلی و باوان پوری، علیرضا(۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد. مجله دانش و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۲۷، ص ۱۸۲-۲۰۲.
- سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور(۱۳۸۸). دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- زنگی آبادی، علی؛ علی زاده، جابر و احمدیان، مهدی(۱۳۹۰). تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان آذربایجان شرقی، فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی. سال چهارم. شماره ۱۳. ص ۶۹-۸۴.
- معاونت آمار و فناوری اطلاعات(۱۳۹۲). سالنامه آماری استان قزوین.
- سردار شهرکی، علی؛ کریم، محمدحسین و شیخ تبار، مجید(۱۳۹۲). تعیین سطوح توسعه یافتگی کشاورزی و اقتصادی در بخش روستایی ایران، فصلنامه روستا و توسعه. سال شانزدهم. شماره ۱، ص ۳۶-۲۱.
- فنی، زهره(۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای، تهران، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- لطیفی، غلامرضا(۱۳۸۸). دیدگاههایی از توسعه، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ص ۷۴-۸۵.
- محمدی، جمال؛ عبدلی، اصغر و فتحی بیرانوند، محمد(۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای مسکن و خدمات رفاهی-زیربنایی، کشاورزی و صنعت، نشریه تحقیقات کاربردی در علوم جغرافیایی. سال دوازدهم. شماره ۲۵، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- موسوی، سیدنعمت اله؛ روستا، ابوذر و کشاورزی، سلیمان(۱۳۹۰). تعیین درجه توسعه یافتگی کشاورزی شهرستان های استان فارس با استفاده از روش تاکسونومی عددی. مجله اقتصاد و کشاورزی، دوره ۵، شماره ۴، ص ۱۵۹-۱۸۱.
- Ambo Wonua Nusantara(2014).The Analyzes Of Scalogram, Performance-Importance And Hierarchy Process For Grand Strategy Of The Agro Industry Development In Southeast Sulawesi. International Journal of Humanities and Social Science Invention. Volume 3 Issue 10, October.
- Ashori, Mohammad. (2006). Human Rights,Equality, Fairness and Justie, The Faculty Of Law And PolitiaI Science Press, Tehran University.
- Bass, R. (1998). Evaluating environmental justice under the National Environmental Policy Act. Environmental Impact Assessment Review 18: 83-92.

- Cardoso, Ricardo and Isabel Bredavazquez (2007). Social Justie as a Guide to Planning Theory and Practie: Analyzing the Portuguese Planning System, Internatinal Journal of Urban and Regional Research, 31, 400–384 (2).
- Dadashpoor, Hashem and Faramarz Rostami(2012 B). Examining And Analyzing Of Public Rawls, John (1971). A Theory of Justie, Cambridge, Massachusett..
- Dixon J. and Ramutsindela, M. (2006). Urban resettlement and environmental justice in Cape Town, Cities, 23(2):129–139.
- Greer, John Robert (2002). Equity in the spatil distributin of municipal services: how to operatinalize the concepts and instiutinalize a program, The University of Texas at Dallas.
- Laurent E. (2011) . Issues in environmental justice within the European Union, Ecological Economics, 70:1846–1853.
- Mitchel G., and Norman P. (2012). Longitudinal environmental justice analysis: Co-evolution of environmental quality and deprivation in England, 1960–2007 Geoforum, 43:44-57.
- Nahid Hatam, . Shahnaz Kafashi,, MSc; Zahra Kavosi, (2015). Distribution of Health Resource Allocation in the Fars Province Using the Scalogram Analysis Technique in 2011, Iran J Med Sci July 2015; Vol 40 No 4.
- Rostami, Faramarz (2011). Examining And Analysing Of The Way Of Urban Public Service's Distributin With Spatil Justie Approach: The Case Study Of Yasuj City, M.A Thesis In Urban Planning, Tarbiat Modares University.
- Tabibian, Mohammad, Mohammad Saleh, Shekoohi and Parsa, Arbab (2010). Evaluatin Of Social Justie From Urban View- point, Case Study: Khoobbakhat Neighbor- hood Of District ۱۰ Of Tehran, Journal Of Armanshahr, (122-111).
- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting, H. and Yao-Lin C. (2005). An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities, Cities, 22(6): 424-435.

تحولات و شاخص های جمعیتی و پیش بینی

جمعیت رده های سنی استان قزوین در افق ۱۴۰۴

حمیدرضا سامانی پور^۱، سیدمنوچهر حیاتی^۲

چکیده

هدف این تحقیق پیش بینی رده های سنی و تشریح چالش های جمعیتی آینده در استان قزوین است، تا از این رهگذر اقدامات پیشگیرانه لازم در زمینه جلوگیری از بروز بحران های جمعیتی آتی صورت پذیرد. در این پژوهش، برآورد رده های سنی با استفاده از نرم افزار اسپکتروم و روش های آماری و ریاضی مناسب و بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ استان قزوین انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد با فرض مؤثر بودن بسته های تشویقی دولت، در سال ۱۴۱۰ باروری کل به سطح جانشینی ۲/۱ می رسد و پیش بینی شده در سال ۱۴۲۵ به ۲/۵ فرزند افزایش یابد. لذا مشوق های جمعیتی به هیچ وجه باعث افزایش افسار گسیخته جمعیت نخواهد گردید. اگر مدیریت کلان کشور از کلیه پتانسیل ها استفاده نماید، جمعیت ایران می تواند به ۱۵۰ میلیون نفر و استان قزوین به ۲/۵ میلیون نفر افزایش یابد، اما مهم میزان توانمندی ها و کیفیت زیست آنها است؛ لذا همواره باید بین کمیت و کیفیت توازن برقرار کرد. اینکه آیا از جنبه های مختلف سیاست های کاهش جمعیت به نفع کشور و استانها می باشد ممکن است برای برخی استانها کاهش جمعیت مزایا، منافع یا مضراتی داشته باشد که با توجه به نوع جمعیت کاهش یافته، می بایست مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس پیش بینی های صورت گرفته، جمعیت استان قزوین در افق ۱۰ ساله در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۴۲۰ هزار نفر خواهد رسید که ۷۱۸ هزار نفر مردان و ۷۰۴ هزار نفر زنان را تشکیل خواهند داد. همچنین در سال ۱۳۹۰ بیشترین رده سنی جمعیت متعلق به رده های ۲۵-۲۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله می باشد که بر اساس پیش بینی های انجام شده بیشترین رده سنی استان قزوین در افق ۱۰ ساله آینده متعلق به رده های سنی ۳۹-۳۵ ساله و ۴۰-۴۴ ساله خواهد بود. البته ذکر این نکته مهم ضروری است که پیش بینی انجام شده بر اساس شرایط موجود و ادامه آن می باشد و فرض بر آن در نظر گرفته شده که شرایط در این وضعیت باقی بماند.

واژه های کلیدی: رشد جمعیت، شاخص های جمعیتی، آمارهای جمعیتی، پیش بینی جمعیت.

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آمار نظری، رئیس گروه آمارهای ثبتی، پردازش و فرآوری داده های سازمان مدیریت و

برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناس ارشد آمار، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

بطور کلی بررسی وضعیت جمعیت و شاخص های جمعیتی در گذشته و حال و چگونگی آن در آینده همواره از موضوعات مطلوب برنامه ریزان و مدیران و محققان بوده است. چرا که در بسیاری از علوم برای مطالعات و تحقیقات و نتایج آتی نیاز به اطلاعات جامع و کاملی از وضعیت جمعیت، به خصوص به تفکیک رده های سنی نیاز می باشد. بررسی این موضوع که وضعیت حال حاضر جمعیتی در استان و کشور چگونه بوده و در آینده چه وضعیتی خواهیم داشت، نتایج سیاست های جمعیتی بکار رفته در استان و کشور را نیز نشان داده و مشخص می گردد این سیاستها تا چه حدی کارایی داشته و تا چه میزانی می بایست ادامه یافته یا تغییر کند. در هر حال در تحقیق حاضر وضعیت جمعیتی استان قزوین در مقایسه با کشور از گذشته تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته و سعی بر آن شده است که با بکارگیری شیوه هایی نوین (که در فصول بعدی بدان اشاره خواهد شد) به پیش بینی وضعیت جمعیت رده های سنی در استان در افق ۱۴۰۴ پرداخته شود.

اهمیت بحث جمعیت و پیش بینی آن بر کسی پوشیده نیست. یکی از مسائلی که توجه اندیشمندان و صاحب نظران را به خود جلب کرده و از مهم ترین چالش های جهان امروز به شمار می آید، مساله جمعیت است. شمار نفوس جهان در حال حاضر بیش از هفت میلیارد نفر است و از مرز هفت میلیارد گذشته به همین منظور این موضوع بسیار حائز اهمیت و مورد توجه می باشد.

موضوع جمعیت یکی از موارد مورد بحث در دنیای هفت میلیارد نفری فعلی بوده و در طول تاریخ همواره چهره های اندیشمند و متفکر و پژوهشگران و محققانی مسایل اجتماعی جمعیت را دغدغه کار خود می دانستند. با نگاهی به تاریخ خواهیم دید که فلاسفه نیز همیشه رشد جمعیت چه رشد منفی و چه رشد مثبت را متذکر می شدند که از آن جمله می توان به افلاطون و ارسطو اشاره کرد. در این خصوص می توان به نظریه ابن خلدون فیلسوف مسلمان در خصوص جمعیت اشاره نمود که گفت: جمعیتی که به اندازه کافی انبوه باشد، می تواند از نیروی کار خود استفاده بهتر داشته باشد و جمعیت مهم ترین وسیله امنیت سیاسی و نظامی جامعه است. مساله جمعیت همیشه مورد توجه بوده است و خاص امروز نیست؛ از اندیشمندانی مانند ابوریحان بیرونی^۱ تا پژوهشگران دوران اخیر مانند "مالتوسکشیش"^۲ اقتصاددان انگلیسی دارای نظریه های خاص در این زمینه می باشند. جامعه بشری همواره در معرض تحولات مختلف اجتماعی قرار دارد و این تحولات در شرایط زمانی و مکانی خاصی به

1-Al-biruni

2-Thomas Robert Malthus

وقوع می پیوندد به همین دلیل باید تحولات را از نظر کیفی و کمی مورد توجه قرار دهیم به خصوص آنان که برنامه ریز هستند و برای جامعه برنامه ریزی می کنند. برنامه ریزان نمی توانند بدون توجه به آمار و رشد جمعیت برنامه ریزی کنند. فضاهای درمانی، امکانات، سلامت و اشتغال همه اینها با مساله جمعیت ارتباط پیدا می کند پس برای اداره امور جامعه ضرورت دارد تا به موضوع جمعیت بیش از پیش توجه داشته باشیم. جمعیت همیشه یکی از مولفه های قدرت بوده و یکی از ارکان قدرت هر کشوری و جامعه ای جمعیت آن است و به تعبیر دیگر جمعیت یکی از ارکان اقتدار هر نظامی و بسیار مهم است. کاهش جمعیت پیامدهای منفی فراوانی دارد که نخستین پیامد منفی آن پیری و سالخوردگی است. با جامعه پیر نمی توان چرخه تولید را به شایستگی گرداند و امکاناتی را به دست آورد. کاهش نیروی کار جوان و با نشاط از دیگر پیامدهای منفی کاهش جمعیت است بطوری که اگر جمعیت رو به پیری رود، نیروی کار با نشاط کمتر می شود. کاهش نیروی کار پیامد دیگری دارد، چرا که موجب کاهش قدرت اقتصادی جامعه شده و اقتصاد جامعه دیگر نمی تواند رونق خودش را داشته باشد. از آسیبهای کاهش جمعیت به رواج تک فرزندی بی فرزندی و انقطاع نسل نیز می توان اشاره نمود که انحطاط جامعه بشری را در پی دارد. پژوهش های مشابه دیگری در زمینه جمعیت و تحلیل روند آن در کشور انجام شده که هیچ یک از آنها بصورت موردی به انجام پیش بینی های در سطح رده سنی در افق های آینده موضوع اصلی آنها نبوده و بررسی ها در سطح استان قزوین بصورت محدود بوده است. وجه تمایز اصلی این پژوهش با سایر پژوهش ها در این زمینه در این است که در تحقیق حاضر ابتدا شرح تفصیلی وضعیت جمعیت استان در مقایسه با کشور با استفاده از محاسبات شاخص های جمعیتی پرداخته می شود که در طی این بررسی لزوم بازنگری در سیاستگذاری ها در شاخص های جمعیتی مشخص می شود سپس با استفاده از روشهای علمی که عنوان خواهد شد به پیش بینی جمعیت استان قزوین در رده های سنی در افق ۱۴۰۴ پرداخته می شود.

هدف اصلی این مطالعه که رویکرد تحلیل آماری دارد، از یک سو توصیف و تحلیل تغییرات جمعیتی در استان قزوین و کشور را از گذشته تاکنون با توجه به شاخص های جمعیتی مورد مطالعه قرار داده و آنرا با سیاستهای جمعیتی استان و کشور مورد سنجش قرار می دهد که آیا لزومی بر بازنگری این سیاستها وجود دارد یا خیر؟ همچنین در این تحقیق آینده رده های سنی جمعیتی استان قزوین در افق ۱۴۰۴ با استفاده از روشهای نوین برآورد جمعیت و با بکار گیری از نرم افزار اسپکتروم مورد پیش بینی و بررسی قرار می گیرد.

در این تحقیق فرض بر آن است که روند تغییرات جمعیت استان قزوین سیر طبیعی تغییرات را همانند تغییرات جمعیت کشور طی می کند. همچنین فرض شده که در طی ۱۰ سال آینده هیچ اتفاق خارج از حالت عادی رخ نداده و وضعیت سایر شاخص های مربوط به جمعیت از جمله مهاجرت و مرگ و میر و ... طبق روال طبیعی و عادی باشد. سوالاتی نیز مطرح می شوند که سعی در پاسخگویی به آنها را داریم نظیر: ۱- تحولات جمعیتی استان و کشور از گذشته تاکنون چگونه بوده است؟ ۲- سیاستهای جمعیتی کشور در تحولات جمعیتی استان چه تاثیراتی داشته است؟ ۳- آینده جمعیتی استان (ترکیب سنی و جنسی) و رده های سنی در افق ۱۴۰۴ استان چگونه است؟ ۵- عوامل موثر بر جمعیت و شاخص های جمعیتی چیست؟ ۶- آیا لزومی بر تجدید نظر سیاستهای جمعیتی در استان وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه

مالتوس: در این بخش ابتدا به بررسی نظریه مالتوس می پردازیم. مالتوس نظریه‌ی خود را با طرح این پرسش آغاز کرد که اصولاً چه عواملی موجب پیشرفت و ترقی جامعه‌ی انسانی است؟ چگونه و به چه ترتیب می‌توان این علل را پیش‌بینی کرد؟ از نظر مالتوس پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم پاسخ به دو پرسش دیگر بود؛ (۱) چه عللی تا کنون مانع پیشرفت نوع بشر به سوی رفاه و خوشبختی شده است؟ (۲) چقدر احتمال دارد که تمام، یا بخشی از این علل، در آینده از میان برود؟ (مک لری، ۱۹۵۳، ص ۱۷). در پاسخ به پرسش اول، مالتوس یکی از علل بدبختی و عدم پیشرفت نوع بشر را تمایل و توانایی بیش از حد وی به تولیدمثل می‌دانست و می‌گفت در موجودات زنده از جمله انسان یک تمایل دایمی به افزایش نوع خود، بدون توجه به مقدار غذایی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. اما از آنجاکه غذا برای زندگی انسان لازم است، جمعیت هیچ وقت نمی‌تواند جلوتر از عرضه‌ی عادی خوراک گام بردارد و افزایش یابد. از این‌رو، باید یک کنترل‌کننده‌ی قوی برای جلوگیری از افزایش جمعیت به کار افتد. از نظر مالتوس هر یک از میزان‌های رشد هندسی و حسابی فرضیه‌های خاص خود را دارند. تمایلات و علایق جنسی زن و مرد یک عامل فیزیولوژیک ثابت است که علت اصلی رشد هندسی است، درحالی‌که رشد حسابی مبتنی بر قانون بازده نزولی است. نکته‌ی مهم این است که مالتوس پیش‌بینی نکرد که جمعیت‌های انسانی عملاً با تصاعد هندسی افزایش می‌یابند، زیرا در چنین سیستمی کنترل مداوم جمعیت تقریباً غیرممکن خواهد بود. او صرفاً با استفاده از مدل‌های ریاضی به تشریح قدرت و توانایی نابرابر بشر در تولید مواد غذایی و فرزندآوری پرداخت (الول، ۲۰۰۱، ص ۶). در جمعیت‌های انسانی، موانع رشد زیاد را مالتوس کنترل‌کننده نامید و آنها را به دو دسته عمده کنترل‌های مثبت یا سرکوب‌گرو کنترل‌های پیش‌گیرنده تقسیم کرد.

نظریه‌ی مالتوس تحت عنوان مالتویانیسم کلاسیک معروف شده است. این نظریه که در کل می‌خواست کیفیت را بر کمیت ترجیح دهد، با وجود تأثیرگذاری عمیق روی مباحث جمعیتی به دلیل انتقادهایی که از آن صورت گرفت تا حدی فراموش شد، اما از دهه‌ی سوم قرن نوزده گروهی از صاحب‌نظران جمعیتی با الهام از اندیشه‌های مالتوس به حمایت از کنترل جمعیت و جلوگیری از افزایش آن پرداختند. به این ترتیب، معلوم شد که نظریه‌ی مالتوس بری از اشتباه نبوده و نقطه‌ضعف‌هایی در نظریه‌ی او دیده می‌شود. با تمام این‌ها، به هیچ‌وجه از اهمیت و منزلت او به‌عنوان یک جمعیت‌شناس پیشرو کاسته نمی‌شود و این نکته‌ای است که حتی مخالفین مالتوس هم کم و بیش به آن معترف‌اند. علاوه بر این، شمار زیاد مخالفان و منتقدان مالتوس خود بهترین معرف و نشانه‌ی تأثیر فوق‌العاده‌ی نظریه‌ی او بر صاحب‌نظران علوم اجتماعی است.

میرزایی در مقاله‌ی ای با عنوان حد متناسب جمعیت و ارتباط آن با وضعیت ایران چنین عنوان نموده که در بسیاری از منابع جمعیت‌شناسی چنین متداول بوده است که صاحب‌نظران جمعیتی را به چهار گروه تقسیم کنند: طرفداران افزایش جمعیت، مخالفین افزایش جمعیت، طرفداران جمعیت ثابت و طرفداران حد متناسب جمعیت. وضعیت ناشی از میزان رشد بطئی جمعیت تا قبل از مرحله‌ی انقلاب صنعتی عموم صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را واداشته بود که با رشد جمعیت سر سازگاری داشته باشند و افزایش حجم و تعداد جمعیت را موافق رشد و توسعه‌ی جوامع تلقی کنند (میرزایی، محمد؛ ۱۳۷۳، ص ۵۸-۴۹).

ابن خلدون: از جمله دانشمندانی که در زمینه جمعیت و عوامل وابسته به آن نیز نظریات مختلفی را ارائه نموده می‌توان به ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون تونس‌ی اشاره نمود که در ذیل به برخی از نظریات این دانشمند که در زمینه‌های مختلف توسط محققین ارائه گردیده است. ابن خلدون را نیز شاید بتوان از جمله طرفداران جمعیت متناسب (جمعیتی که با امکانات طبیعی و اقتصادی یک جامعه متناسب و هماهنگ باشد) به شمار آورد. و در مقدمه تاریخ معروف خود به مساله جمعیت توجه خاصی مبذول داشته است. ابن خلدون به طور ضمنی، برای تراکم جمعیت حد نصابی قایل شده است؛ منتها این حد نصاب را به طور دقیق و مشخص تعیین و تحدید نکرده است (کتابی، ۱۳۷۷؛ ص ۳۴۲). ابن خلدون معتقد است که جز به وسیله گروه کثیر متشکل که در کارها با یکدیگر همکاری و تعاون داشته باشند تمدن نمی‌تواند ایجاد شود. ابن خلدون عظمت و وسعت دولت و حتی محدوده‌ی مرزهای آنرا با عامل جمعیت پیوند می‌زند. مستندات ابن خلدون در این راستا عمدتاً از تاریخ تحول دولت اسلامی گرفته شده است. او کوشش می‌کند تا چگونگی پیشرفت مسلمین در مصر، شام، آفریقا و سپس توقف

آنها را در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی کشورهای متصرف شده با تکیه بر عنصر جمعیت تبیین نماید . از نظر ابن خلدون در مرحله‌ی اول توسعه دولت ، موارد استفاده در بنای خانه ها و مساکن ساده و از وسایل تزئینی در آن خبری نیست در حالیکه ، توسعه عمران و افزایش جمعیت و پیدایش صنعتگران تغییرات عمده‌ای در ساخت و ساز شهری رخ می نماید. ابن خلدون خود این چنین می گوید: «باید دانست هنگامی که نخست شهرها را بنیان می نهند دارای خانه ها مساکن اندکیست و ابزار (مصلح) و لوازم بنایی از قبیل سنگ و آهک و دیگر وسایلی که مایه‌ی برافراشتن دیوارها از لحاظ بلندی و زیبایی است ، مانند سنگهای تراشیده و صاف و مرمره و کاشی و شبه و صدف و شیشه در آن کمیاب است و این روبناهای آن در چنین وضعی شبیه مساکن بادیه نشینان و ابزار (مصلح) آن تباه و فاسد است. ولی هنگامی که عمران و اجتماعی شهر توسعه یابد و بر جمعیت آن افزوده شود ابزار و وسایل آن هم به سبب کارهای فراوان و بسیاری صنعتگران فرونی می یابد تا به مرحله‌ی نهایی کمال خواهد رسید» (ابن خلدون، ۱۳۵۹؛ ص ۷۱۱-۷۱۰). سوالی که با آن مواجه هستیم این است که آیا کاهش جمعیت در انحطاط یک تمدن موثر است ؟ همانطور که جمعیت موجب توسعه و عمران می شود کاهش آن نیز موجب انحطاط می گردد. با کاهش جمعیت کار و کوشش در آن نقصان می یابد و کمبود مصالح و مواد مانند سنگ و مرمر در آن شهر اندک می شود و بیشتر کاخها و خانه ها به سبب کمی عمران خالی ازسکنه می شود و شهر رونق و آبادی نخستین خود را از دست می دهد و ساختن خانه به دوران بادیه نشینی باز می گردد و به جای سنگ ، خشت در بناها به کار می برند و سبک زیبایی و ظرافت را به کلی از دست می دهد و شهر مانند خانه های دهکده ها و قصبات در روستاها می شوند و آثار بادیه نشینی از آن نمودار می گردد. و آنگاه همچنان رو به نقصان و خرابی می رود تا به آخرین مرحله‌ی ویرانی می رسد. البته ابن خلدون علت اصلی به وجود آمدن تمدن و انحطاط آن را در تغییرات و تحولات افزایش و کاهش جمعیت نمی داند بلکه عللی موجب می شوند که خاک حاصلخیز و زمینهای کشاورزی ، دریاها ، جنگلها و همچنین از حیث آب و هوا معتدل و با توانایی آنها تطابق داشته باشد (رادمنش، ۱۳۵۷؛ ص ۲۱۹).

از دیگر نظرات ابن خلدون راجع به جمعیت و توسعه اقتصادی استبخش اقتصادی تئوری اجتماعی ابن خلدون از بخش های مهم نظریات او است که در آن نقش نیروی انسانی بیشتر از هر جای دیگر ظهور و بروز پیدا کرده است. و جمعیت را عامل افزایش توسعه اقتصادی و سبب به وجود آمدن عمران و آبادانی است. هنگامی که جمعیت مملکتی زیاد باشد و تقسیمات کار و حرفه و تخصص و قوانین کار وجود داشته باشد و مردم امیدوار باشند و به کار خود دلگرم و از نتیجه آن راضی ، نیروهای خود را به کار می اندازند و مسلم است که چه نیروی بزرگی به وجود خواهد آمد و هر چه جمعیت زیاد باشد بازده

کار بیشتر و در نتیجه توسعه شهر بیشتر می شود و بر عکس ابن خلدون می گوید: «از این که پایه گذاری و استوار ساختن شهرها در پرتو همکاری و همدستی آنان نیروی عظیمی را برای بنیان نهادن تشکیل می دهد» (رادمنش، ۱۳۵۷؛ ص ۲۰۷). در واقع یک جمعیت انبوه فعال نسبت به انبوهشان می تواند در ایجاد ثروت مؤثر باشند و جمعیت زیاد، ثروت زیاد و باز خود ثروت، موجب کثرت جمعیت می شود. و می گوید: «جمعیت زیاد که با هم یاری و تعاون دارند و در بین آنها تخصص هست بیشتر تولید می کنند، مازاد آنرا به همسایگان می فروشند پس جمعیت غیر مستقیم، موجب ثروت می شود، زیرا کارهای دسته جمعی دارای ضریب و نتایج و راندمان بسیار زیاد شده و هر چه جمعیت بیشتر باشد این راندمان و ضریب بیشتر خواهد شد پس از جمعیت زیاد ثروت حاصل می شود. و هر گاه قبایل و طوایف به کشورداری و ناز و نعمت برسند در میان آنان توالد و تناسل و خاندانها و خویشاوندی فزونی می یابد» (رادمنش، ۱۳۵۷؛ ص ۲۰۴). نکته کاملاً تازه ای که در نظریه ابن خلدون به چشم می خورد و معروف نبوغ و روشن بینی خاص اوست، این است که وی، برای نخستین بار به مساله آلودگی هوا و محیط زیست، که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است، توجه نموده است. و می گوید: «اگر شهری کم جمعیت باشد، موجبی برای جنبش و تموج هوا یافت نمی شود و در نتیجه، هوا راکد می ماند و عفونت آن فزونی می یابد و زیان بسیار به ساکنان آن می رسد. و هر گاه شهری پر جمعیت باشد و رفت و آمد ساکنان آن فزونی یابد، خواهی نخواهی هوا متموج می شود و بادهایی که هوای راکد را به جنبش در می آورد پدید می آید مثلاً شهر قابس مذکور هنگامی که افریقیه از عمران و اجتماع فراوان بهره مند بوده است، جمعیت بسیار داشته و به سبب جنبش و رفت و آمد ساکنان آن از این سوی بدان سوی، موجبات تموج و حرکت هوای شهر مزبور نیز فراهم می شده است ... لیکن همین که جمعیت آن تقلیل یافته است هوای گندیده ی شهر بر اثر تباهی آن، راکد شده است و در نتیجه، عفونت و بیماری هم در شهر افزایش یافته است» (کتابی، ۱۳۷۷؛ ص ۲۴۲). ابن خلدون درباره عواقب زیادی جمعیت چنین می گوید: «در نتیجه ی توسعه ی اجتماع و افزایش جمعیت، هوا فاسد می شود، زیرا هوای شهرهای پر جمعیت، با مواد گندیده و رطوبت فاسد در می آمیزد و هر گاه هوا که به منزله ی غذای روح حیوانی است و همواره آن را استنشاق می کنند فاسد شود، این فساد به مزاج انسان راه می یابد و اگر این فساد قوی باشد به ریه ی انسان، بیماری سرایت می کند و این گونه بیماریها عبارت از انواع طاعونها می باشند... و علت بسیاری عفونتها و رطوبت فاسد در کلیه ی این گونه حالات، توسعه ی اجتماعی و افزایش جمعیت شهر در اواخر دوران فرمانروایی دولت ها است» (کتابی، ۱۳۷۷؛ ص ۳۴۳).

پژوهش های انجام شده در ایران و جهان: پژوهش های متفاوتی در ایران در زمینه جمعیت، شاخص های جمعیت، ویژگی های جمعیت و برآورد جمعیت در حیطه های مختلف صورت گرفته در این بخش به قسمتهایی از آن اشاره می کنیم.

نواب پور، در مقاله ای با عنوان شبیه سازی جمعیتی در سال های بین دو سرشماری در سه شهرستان نمونه، عنوان می کند که یکی از راهکارهای مناسب برای اندازه گیری متغیرها و پارامترهای گوناگون جمعیتی استفاده از روش سرشماری است. در ایران سرشماری در هر پنج سال انجام می شود. این در حالیکه در بیشتر کشورهای پیشرفته دنیا، مراکز آماری سعی دارند تا با استفاده از روش های نوین آماری و افزایش دقت برآوردهای جمعیتی در سال های بین سرشماری، تعداد سرشماری های دوره ای را تا حد امکان کاهش دهند. در این طرح، ابتدا به بررسی متغیرها و پارامترهای کلیدی در سرشماری ایران پرداخته شده، سپس با استفاده از روش های شبیه سازی جمعیت مجازی این متغیرها و پارامترهای کلیدی در مناطق مختلف جغرافیایی ایران در طول زمان برآورد شده است. در ابتدا با استفاده از اطلاعات موجود در سطح ناحیه ها در سرشماری ۱۳۸۵ و اطلاعات موجود در سطح افراد و خانوار نمونه گیری های مرتبط، بخشی از اطلاعات سرشماری و غیره، جمعیت مجازی در این سال شبیه سازی شده است. متغیرهای مورد نظر در ابتدا عبارتند از: سن، جنس و نوع خانوار. دو روش بازسازی مصنوعی و بهینه سازی ترکیبی برای شبیه سازی جمعیت، مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً روش بهینه سازی ترکیبی بعنوان روش کاربردی تر در این پژوهش به کار گرفته شده است. سپس، جمعیت سال های بعد با استفاده از نرخ های رشد و جابجایی جمعیت (از قبیل تولد، مرگ، ازدواج، طلاق، بیوگی، مهاجرت و ترک منزل پدری) در سطح افراد و خانوار شبیه سازی صورت گرفته است. در نهایت برآوردهای جمعیتی از طریق روش پیشنهادی با نتایج سرشماری ۱۳۹۰ مقایسه و میزان دقت نتایج بررسی شده است (نواب پور، ۱۳۹۳).

روحانی در پژوهشی با عنوان روش های برآورد و پیش بینی جمعیت کشور اشاره می کند که در حال حاضر سرشماری های عمومی نفوس و مسکن که بر پایه تکمیل پرسشنامه بامراجعه حضوری یا پرسشنامه پستی صورت می گیرد، به عنوان کاملترین و قابل اعتمادترین منابع اطلاعاتی جمعیت و مشخصه های مرتبط با آن برای کشورها و زیر تقسیمات جغرافیایی (زیر ناحیه) آن شناخته شده اند. بواسطه تغییرات پیوسته جمعیت که گاهی از شدت بالایی نیز برخوردار است، نمی توان نتایج اینگونه سرشماری ها را برای مقاطع پس از سرشماری و مخصوصاً سالهای دورتر جهت بسیاری از اهداف مورد نیاز، استفاده نمود (روحانی، فرید؛ ۱۳۸۱، ص-۱۰).

برآوردهای جمعیت باتوجه به زمان برآورد و منابع اطلاعاتی مورد استفاده در سه گروه قابل بحث می باشند (شریوک و همکاران، ۱۹۷۶، صفحه ۷۰، ۴۰۱):

۱- برآوردهای بین دوسرشماری: این گروه، برآوردی از جمعیت در حداث فصل دوسرشماری انجام شده ارائه می کنند و بدین منظور از نتایج این دوسرشماری استفاده می کنند.

۲- برآوردهای پس از سرشماری: در این گروه، برآوردهای جاری و گذشته جمعیت در مقطع پس از آخرین سرشماری تا زمان اجرا قرار دارند که از نتایج آخرین سرشماری و احتمالاً سرشماری های قبلی و اطلاعات جاری جمعیت بهره می گیرند.

۳- تصویر: این گروه از برآوردها، اقدام به ارائه برآوردهای جمعیت پس از آخرین سرشماری و برای زمانهای طولانی تر که هنوز اطلاعات جاری تغییر جمعیت به دست نیامده است، می کنند. البته در این گروه برآوردهای جمعیت برای زمان های گذشته که اطلاعات جاری جمعیت موجود نیست نیز قرار می گیرند.

صادقی، در پژوهشی با عنوان روند تحولات جمعیت ایران: گذشته، حال و آینده، به مطالعه روندهای گذشته، حال و آینده جمعیت و همچنین فرصت ها و چالش های ایجاد شده اخیر و آینده جمعیتی ایران پرداخته است. در این مطالعه از پیش بینی ترکیبی و روش مولفه کوهورتی و همچنین از نرم افزار اسپکتروم استفاده شده است. جمعیت پایه پیش بینی جمعیت تعدیل و تصحیح شده سرشماری ۱۳۹۰ می باشد (صادقی، رسول و همکاران، ۱۳۹۲).

فتحی، در پژوهشی با عنوان بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا سال ۱۴۳۰، به پیش بینی جمعیت کشور به روش ترکیبی و با استفاده از نرم افزار اسپکتروم پرداخته اند. جمعیت پایه این پیش بینی سرشماری ۱۳۹۰ بوده و آینده نگاری جمعیت ایران با سه دیدگاه ادامه اجرای سیاستهای تنظیم خانواده (کاهش رشد جمعیت)، سیاست تثبیت میزان باروری و نیز اجرای سیاست تشویق مولید مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه برای بررسی باروری ۴ فرض و برای مرگ و میر یک فرض در نظر گرفته شده است. سناریوی اول ادامه کاهش میزان باروری کل تا سطح ۱/۳ فرزند، سناریوی دوم سیاست ثابت ماندن میزان باروری کل در سطح ۱/۷۵ فرزند، سناریوی سوم اجرای سیاست تشویق مولید و رسیده سطح جانشینی به ۲/۱ فرزند و در نهایت سناریوی چهارم ادامه اجرای سیاست تشویق مولید و رسیدن سطح جانشینی تا سطح ۲/۵ فرزند می باشد. فرضیه مرگ و میر این پیش بینی بر اساس روندهای گذشته و ادامه ی بهبود وضع تغذیه و پیشرفت بهداشت جمعیت کشور بویژه در مناطق روستایی و جوان بودن ساختار سنی کشور استوار بوده است. در این تحقیق امید

به زندگی بدو تولد تا سال ۱۴۳۰ برای مردان ۷۷/۲ سال و برای زنان ۸۱/۱ سال در نظر گرفته شده است. الگوی مرگ و میر مفروض در این پیش بینی مدل غرب از جداول الگویی کول و دمنی برای هر دو جنس و افزایش امید به زندگی بصورت خطی می باشد. خالص مهاجرت نیز برای سال های آتی صفر در نظر گرفته شده است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲).

دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران نیز در سال ۱۳۹۲ با روش ترکیبی و محاسبات نرم افزاری با استفاده از نرم افزار اسپکتروم به پیش بینی جمعیت کشور در قالب چهار سناریو پرداخته است. سناریوی اول، کاهش سطح باروری کل و رسیدن به باروری کل حدود ۱/۵ فرزند در سال ۱۴۰۰، سناریوی دوم؛ تثبیت سطح باروری کل حدود ۱/۷۵ فرزند در سال ۱۴۰، سناریوی سوم افزایش کند سطح باروری کل تا سطح جانشینی ۲ فرزند و سناریوی چهارم؛ افزایش باروری کل به سطح جانشینی ۲/۱ فرزند بوده است.

آینده نگری جمعیت در برنامه های اول تا پنجم توسعه کشور با هدف برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه کشور انجام شده است. این مطالعات با استفاده از روش پیش بینی ریاضی و با تکیه بر مولفه نرخ رشد جمعیت انجام شده است. در برنامه دوم پیش بینی شد که جمعیت کشور طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ بطور متوسط سالانه ۲/۹۵ درصد افزایش خواهد یافت که در مقایسه با دهده ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاهش قابل ملاحظه ای نشان می دهد. توقف مهاجرت های گذشته به داخل کشور و کاهش سریع در میزان مولید، دو عامل اساسی در کاهش نرخ رشد جمعیت کشور در این دوره محسوب می شوند. در پیش بینی جمعیت برنامه سوم توسعه فروض باروری بالایی در نظر گرفته شده است اما کم شماری جمعیت پایه پیش بینی مانع از آن شد که جمعیت پیش بینی شده و عملکرد برنامه، نظیر تفاوتی که با جمعیت اصلاح شده دارد، باشد.

مطالعه ای در مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته است که در آن جمعیت ایران بر پایه دو سناریو پیش بینی شده است. سناریوی اول بر ادامه روند گذشته باروری استوار بوده و میزان باروری در آن همان ۱/۸ فرزند در نظر گرفته شده است. در سناریوی دوم با در نظر گرفتن افزایش میزان باروری تا سطح ۱/۹۶ فرزند روندی افزایشی بری آن در نظر گرفته است. در مورد مرگ و میر نیز سناریوی اول مرگ و میر ثابت و در سناریوی دوم فرض شده امید به زندگی از ۷۱/۳ سال در سال ۱۳۸۵ به ۷۸ سال در سال ۱۴۳۰ افزایش پیدا می کند. در این پیش بینی نیز خالص مهاجرت برابر صفر در نظر گرفته شده است. نتایج این مطالعه جمعیت ایران را با سناریوی اول ۸۲/۹۴

میلیون نفر در سال ۱۴۲۵ پیش بینی نموده و با سناریوی دوم جمعیت ایران به ۸۳/۳۲ میلیون نفر رسیده است.

مشفق، در مطالعه ای با عنوان آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ی ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰، با روشی تحلیلی و اسنادی ابتدا به بررسی جدیدترین پیش بینی جمعیتی (۲۰۱۲) بخش جمعیت سازمان ملل برای کشور ایران پرداخته، سپس یک سناریو تعدیل شده ارائه می نماید. این مطالعه، جمعیت ایران را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰ پیش بینی نموده است. براساس سناریوی حد پایین سازمان ملل که با روند فعلی کاهش میزان باروری کل در کشور همسو است، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸۷/۷ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ خواهد رسید. بر اساس سناریو حد متوسط، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۹۶/۸ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ خواهد رسید و بر اساس سناریو حد بالای سازمان ملل، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۶ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ افزایش خواهد یافت. در پایان دوره ی رشد ۰/۸۹ درصد جمعیتی را تجربه خواهد نمود. بر اساس سناریو تعدیل شده ی نویسندگان تهداد جمعیت ایران در سال ۱۴۲۰ حدود ۸۹ میلیون نفر برآورد شده است (مشفق، ۱۳۹۱).

از دیگر پیش بینی های انجام شده توسط سازمان ملل متحد، توسط امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ می باشد. دو سناریو در مورد پیش بینی جمعیت در نظر گرفته شده است که در سناریوی اول باروری ثابت و مرگ و میر رو به کاهش بوده و در سناریوی دوم باروری و مرگ و میر کاهشی فرض شده است. در این مطالعه جمعیت کشور در سال ۱۳۷۹ بر اساس سناریوی اول ۸۵/۵ میلیون نفر و بر اساس سناریوی دوم ۵۸/۷ میلیون نفر برآورد شده است.

در سال ۲۰۰۰ سازمان ملل، در تحقیقی جمعیت ایران را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ پیش بینی نموده است. وزارت بهداشت و درمان در کتابی با عنوان "پیش بینی های جمعیتی ایران در سال ۲۰۵۰-۲۰۰۰" نتایج بررسی سازمان ملل را به زبان فارسی ترجمه و منتشر نموده است. این پیش بینی به روش ترکیبی بوده و در این پیش بینیها ارقام کل کشور در مقاطع پنج ساله و یکساله از ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ بر حسب سن و جنس و با چهار فرض (باروری بالا، باروری متوسط، باروری پایین و ثابت) محاسبه شده است. فرض عملیاتی این بررسی مشخص نیست. جدول (۱) فرضیه های مختلف سناریوی پیش بینی را نشان می دهد. ملاحظه می شود این چهار نوع پیش بینی (پایین، متوسط، بالا و ثابت) از نظر فرضیه های مرگ و مهاجرت بین المللی مشابه و یکسان هستند و فقط از نظر فرضیه باروری با هم تفاوت دارند.

بنابراین، مقایسه نتایج، امکان ارزیابی اثرات متفاوت باروری بر روی پارامترهای دیگر جمعیتی را نشان می دهد.

جدول ۱- فرضیه های مختلف سناریوهای پیش بینی

پیش بینی / فرضیات	باروری	مرگ	مهاجرت بین المللی
پایین	پایین	معمولی	معمولی
متوسط	متوسط	معمولی	معمولی
بالا	بالا	معمولی	معمولی
باروری ثابت	باروری ثابت	معمولی	معمولی
مرگ ثابت	مرگ ثابت	ثابت	معمولی
مهاجرت صفر	مهاجرت صفر	معمولی	صفر

بر اساس نتایج این مطالعه جمعیت ایران در سال ۲۰۵۰ با فرض باروری پایین حدود ۸۵ میلیون نفر خواهد بود. فرض باروری ثابت، جمعیت ایران را برای سال ۲۰۵۰، ۱۳۱ میلیون نفر بدست می دهد. در فرض باروری متوسط و بالا جمعیت ایران در سال ۲۰۵۰ به ترتیب ۱۰۵ و ۱۲۸ میلیون نفر پیش بینی شده است.

انواع سیاستهای جمعیتی: مروری بر انواع سیاستهای جمعیتی و سیاستهای جمعیتی در ایران اهمیت و ضرورت پژوهش هایی متناظر را در زمینه پیش بینی جمعیت بیشتر نمایان می کند. سیاستهای جمعیتی را میتوان به انواع مختلفی تقسیم نمود. / از نظر / اجرا / سیاستها را میتوان به شرح ذیل تقسیم نمود. یک، سیاستهای مستقیم: تاثیر سیاست بر عوامل جمعیتی بطور مستقیم است مثلاً افزایش مهاجرت به داخل موجب افزایش جمعیت میشود. دو، سیاستهای غیر مستقیم: اجرای سیاست بطور غیر مستقیم بر عوامل جمعیتی تاثیر گذار است مثلاً اگر تشویق خانواده ها برای کنترل زاد و ولد از طریق مستقیم صورت پذیر نباشد ممکن است دولت آن را از طریق افزایش میزان تحصیلات تحت تاثیر قرار دهد.

از لحاظ ماهیت سیاستها را میتوان چنین تعریف کرد. یک، سیاستهای کمی: کاهش زاد و ولد و کاهش مهاجرت به داخل تغییراتی را در تعداد عددی جمعیت بوجود می آورد. سیاستهای کیفی: نظارت بهداشت و افزایش مهارتها باعث پیشرفت کیفی جمعیت میشود. همچنین، سیاستهای جمعیتی را میتوان چنین طبقه بندی نمود. **سیاستهای صریح:** سیاست بطور صریح بیان میشود. **وسایستهای ضمنی:** مثلاً اگر هدف سیاست گسترش تنظیم خانواده باشد دولت ممکن است به طور ضمنی هدف از آن را گسترش خدمات مربوط به بهداشت مادر و کودک اعلام کند.

از نظر حوزه تحت پوشش سیاستهای جمعیتی را میتوان به سیاستهای داخلی، که در داخل یک کشور صورت میگیرد و کشورها ممکن است علاوه بر سیاست ملی دارای سیاستهای محلی هم باشند و سیاستهای خارجی، که کمکهای خارجی از سوی کشورهای دیگر و یا از سوی سازمانهای بین المللی را در بر می گیرد تقسیم بندی نمود.

مروری بر سیاستهای جمعیتی در برنامه های توسعه ایران: تا پیش از سال ۱۳۳۰، دولت سیاستگذاری جمعیتی مشخصی انجام نداده بود و تنها برخی انجمنهای خیریه و مطبهای خصوصی در زمینه تنظیم خانواده فعالیت می کردند. اولین اقدامات در سال ۱۳۳۴ با تأسیس اداره بهداشت مادران و کودکان در وزارت بهداشت آغاز شد. در همان سال انجمن خیریه "راهنمای خانواده" با کمک صندوق بین المللی جمعیت، قرص اسپرم کش و کاندوم در اختیار برخی مراکز دولتی و غیردولتی قرار می داد. اولین بار در سال ۱۳۴۱ برنامه های جمعیتی به طور جدی مورد توجه دولتمردان قرار گرفت. در سال ۱۳۴۳ سیاستهای کنترل جمعیت مورد تأیید برخی مقامات روحانی واقع گردید و فتوائیه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی بدین شرح صادر شد که "طرق مختلف جلوگیری از حاملگی از نظر شرعی در صورت موقت بودن و عدم عقیمی زن مانعی ندارد."

در اواخر ۱۳۴۵ با اعلام نظر کارشناسان شورای جمعیتی مستقر در امریکا، شورای عالی بهداشت و تنظیم خانواده و ستاد عالی هماهنگی با همکاری دستگاههای دولتی تشکیل و حوزه معاونت وزارت بهداشتی برای اجرای این برنامه ها در نظر گرفته شد و بدنبال آن از سال ۱۳۴۶ پس از صدور اعلامیه تهران به اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب حدود ۲۰٪ از زنان واجد شرایط تنظیم خانواده تحت پوشش این خدمات قرار گرفته و رشد جمعیت ایران که در دهه ۴۵-۱۳۳۵ حدود ۳/۲ درصد بود، به میزان ۲/۶ درصد در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ رسید. پس از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عملاً برنامه های تنظیم خانواده تعطیل شد. با توجه به کاهش مرگ و میر به دلیل توسعه شبکه ارائه خدمات بهداشتی و ارتقاء چشمگیر سطح بهداشت عمومی، مهاجرت اتباع کشورهای همسایه به ایران، واگذاری

برخی امتیازات اجتماعی و رفاهی به خانواده‌های پرجمعیت و از طرفی غفلت از برنامه‌های تنظیم خانواده رشد جمعیت در فواصل سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ به رقم ۳/۹ درصد رسید؛ یعنی رشد جمعیت ایران وارد مرحله "انفجار جمعیت" گردید. تعدادی از سیاستهای جمعیتی که از دهه ۷۰ تاکنون به طور هماهنگ و به وسیله وزارتخانه‌ها و دستگاههای مختلف در کشور ما پیاده شده اند به شرح ذیل می‌باشند:

- جوانانی که قصد ازدواج دارند، پس از انجام آزمایشهای لازم، موظف به شرکت در کلاسهای تنظیم خانواده می‌باشند.
- عمل وازکتومی به طور رایگان انجام می‌شود، در حالی که بسیاری عمل‌های ساده تر از آن با قیمت‌های گزافی انجام می‌شود.
- فرزند چهارم به بعد کوپن دریافت نمی‌کند.

جمعیت در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲): پیش‌بینی جمعیت در طول برنامه اول توسعه به‌شدت متأثر از افزایش موالید و رشد جمعیت در دهه پس از انقلاب بود. دهه‌ای که در آن جمعیت کشور، میزان باروری کل را در حد میزان طبیعی و نرخ رشد ۳/۹ درصدی تجربه می‌کرد. در این شرایط بود که لزوم اجرای سیاست‌های کنترل موالید به‌شدت احساس می‌شد و تلاش‌های بی‌وقفه صاحب‌نظران حوزه جمعیت در جهت گنجاندن سیاست‌های کنترل موالید و تنظیم خانواده در برنامه‌های درازمدت توسعه برای نخستین مرتبه به بار نشست و صاحب‌نظران و سیاستگذاران حوزه برنامه‌ریزی به این مهم تأکید کردند. در حقیقت عامل ازدیاد شدید جمعیت در برنامه اول توسعه به عنوان یک عامل منفی و نامطلوب تلقی می‌شد که عاملی بازدارنده در راه توسعه کشور بود و سیاست‌های کنترل موالید در این برنامه پاسخی به این تلقی به‌شمار می‌آمد اما در چنین شرایطی کمتر کسی تصور می‌کرد که نرخ رشد جمعیت کشور با چنین سرعتی کاهش یابد و تصور جمعیت‌شناسان بر این بود که رشد جمعیت کشور در افق درازمدت‌تری کاهش پیدا کند. از این‌رو، در مبحث تحولات آتی جمعیت در برنامه اول توسعه آمده است: «بررسی‌های جمعیت شناختی بر این واقعیت تأکید دارند که چنانچه روند کنونی افزایش طبیعی جمعیت تداوم یابد، حتی با وجود تغییری که در الگوی استقرار جمعیت و به‌ویژه افزایش شهرنشینی صورت خواهد گرفت، تا سال ۱۳۹۰ جمعیت ایران به مرز ۱۰۷ میلیون نفر خواهد رسید و بر اثر آن، الگوی کاربردی منابع و امکانات تولیدی کشور بی‌رویه‌تر و میزان محرومیت‌ها و عدم تعادل‌های اساسی شدیدتر خواهد شد. خاصه آنکه از فرآیند رشد طبیعی بالای جمعیت، بیش از همه، خانوارهای وابسته به قشرهای کم‌درآمد، نواحی و مناطق محروم و بخش‌های سنتی اقتصادی لطمه خواهند دید. (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸).

براساس لایحه برنامه اول، جمعیت سال ۱۳۷۲ (سال آخر برنامه اول توسعه) ۶۱۶۸۴ هزار نفر پیش‌بینی شده است اما عملکرد تعداد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده ۵۹۶۴۰ هزار نفر و براساس سرشماری ۵۷۴۸۸ هزار نفر بوده که براساس این، جمعیت پیش‌بینی شده به ترتیب ۲۰۴۴ و ۴۱۹۶ هزار نفر بیشتر از عملکرد برنامه براساس جمعیت اصلاح شده و سرشماری شده، بوده است. با توجه به اینکه روند کاهش رشد جمعیت در برنامه اول توسعه بسیار کند در نظر گرفته شده، این مسأله باعث شده است که با گذشت زمان تفاوت بین پیش‌بینی و عملکرد برنامه به شدت افزایش یابد و براساس سرشماری به بیش از چهار میلیون نفر در سال پایانی برنامه اول برسد اما باید خاطرنشان کرد که به دلیل احتمال کم‌شماری در سرشماری سال ۱۳۷۵ و آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ رقم واقعی تفاوت باید کمتر از این عدد باشد و در واقع رقم واقعی تفاوت پیش‌بینی و عملکرد باید رقم به دست آمده از جمعیت اصلاح شده، باشد. در نهایت ملاحظه می‌شود که تعداد جمعیت برآورد شده در طول برنامه اول بسیار بیشتر از عملکرد تعداد جمعیت بوده است و همانگونه که ذکر شد، پدیده بیش برآورد پیش‌بینی جمعیت در این سال‌ها به دلیل شرایط خاص جمعیتی و رشد شتابان جمعیت در آن دوره بوده است. (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸).

جمعیت در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸): در مقدمه مدل‌های کلان و الگوی پیش‌بینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم آمده است: «در جریان تدوین دومین برنامه توسعه اقتصادی کشور مطالعات وسیعی پیرامون کم و کیف داده‌های جمعیتی موجود در کشور صورت گرفت و براساس آنها نرم‌افزاری برای برآورد جمعیت و شاخص‌های حیاتی طراحی شد. این نرم‌افزار با استفاده از توزیع سنی و جنسی جمعیت در دو سرشماری متوالی میزان‌های حیاتی را برآورد و سپس با استفاده از آنها جمعیت آتی کشور را پیش‌بینی می‌کرد. در این برنامه پس از برآورد جمعیت کل کشور، توزیع سنی و جنسی جمعیت به تفکیک استان‌های کشور نیز برآورد شد. برآورد اخیر بر مبنای نتایج استانی طرح جاری جمعیت و اصلاحات آن صورت گرفت. در این برآورد، ابتدا سهم هر استان در جمعیت اصلاح شده هر گروه سنی به دست آمد و سپس با این فرض که سهم هر استان در هر گروه سنی تا آخر برنامه ثابت باشد، توزیع سنی جمعیت استان‌های کشور نیز به دست آمد». (مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۲). در مباحث جمعیتی مرتبط با برنامه دوم پیش‌بینی شد که جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ به‌طور متوسط سالانه ۲/۹۵ درصد افزایش خواهد یافت که در مقایسه با دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاهش قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. توقف مهاجرت‌های گذشته به داخل کشور و کاهش سریع در میزان مولید، دو عامل اساسی در کاهش نرخ رشد جمعیت کشور در این دوره محسوب می‌شوند.

همچنین پیش‌بینی شده است که در اواخر برنامه دوم به دلیل ورود جمعیت زنان متولد دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به سنین باروری و فرزند آوری، به‌رغم کنترل موالید، بار دیگر تعداد موالید و نرخ رشد جمعیت افزایش یابد. در واقع در طول برنامه دوم به سرعت به تعداد زنان واقع در سنین باروری افزوده خواهد شد. در طول این برنامه تعداد زنان واقع در سن باروری به‌طور متوسط سالانه ۳/۴ درصد افزایش خواهد یافت. رشد سریع زنان واقع در سن باروری نشان می‌داد که در آینده سیاست‌های کنترل موالید باید با دقت و جدیت پی‌گیری شود. پیش‌بینی جمعیت برنامه دوم متأثر از رشد شتابان جمعیت در سال‌های قبل از برنامه بوده و این امر منجر به اضافه برآورد در پیش‌بینی جمعیت شده و فروض به کار رفته در باروری بسیار بالاتر از واقعیت، در نظر گرفته شده و این امر منجر به اضافه پیش‌بینی جمعیت گروه سنی ۴-۰ ساله در سال ۱۳۷۲ و با شدت بیشتری در سال ۱۳۷۷ شده است. البته عملکرد جمعیت براساس سرشماری متأثر از کم‌شماری جمعیت در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نیز بوده است. در سال ۱۳۷۷، به دلایلی که عنوان شد، اضافه برآورد در گروه سنی ۹-۵ ساله نیز مشاهده می‌شود. از سایر تناقض‌های موجود می‌توان به برآورد پایین جمعیت در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله، ۵۹-۵۵ ساله، ۶۴-۶۰ ساله و ... به شرح جدول شماره ۴ در سال ۱۳۷۲ و یک گروه سنی بالاتر در سال ۱۳۷۷ به شرح جدول شماره ۵ اشاره کرد.

جمعیت در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳): سیاست‌های کنترل موالید برنامه‌های قبل به نوع دیگری در برنامه سوم توسعه نیز پی‌گیری شده و تأکید بر خانواده کوچک، آموزش جمعیت و تنظیم خانواده و برنامه‌های دسترسی به روش‌ها و وسایل پیشگیری دلیلی بر این مدعاست. (مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۷). تعداد جمعیت پیش‌بینی شده در سال اول برنامه (سال ۱۳۷۹)، ۶۳۸۶۰ هزار نفر بوده است در حالی که عملکرد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده، ۶۶۰۴۸ هزار نفر و براساس سرشماری ۶۴۰۳۲ هزار نفر بوده است. تفاوت پیش‌بینی و عملکرد جمعیت در این سال براساس جمعیت اصلاح شده ۲۱۸۶ هزار نفر و براساس سرشماری ۱۷۰ هزار نفر بوده است. در نهایت در سال ۱۳۸۳ (سال پایانی برنامه سوم)، جمعیت پیش‌بینی شده ۶۸۱۶۶ هزار نفر بوده است، حال اینکه عملکرد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده ۶۹۱۷۶ هزار نفر و براساس سرشماری ۶۸۲۷۲ هزار نفر بوده است. بنابراین جمعیت پیش‌بینی شده ۱۰۱۰ هزار نفر کمتر از جمعیت اصلاح شده و ۱۰۶ هزار نفر کمتر از جمعیت سرشماری شده است. (مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۷).

جمعیت در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸): جمعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۴ (سال اول برنامه چهارم) ۶۸۶۲۵ هزار نفر بوده و عملکرد جمعیت ۷۰۰۲۸ هزار نفر براساس جمعیت

اصلاح شده و ۶۹۳۷۵ هزار نفر براساس سرشماری بوده، در نتیجه جمعیت پیش‌بینی شده ۱۴۰۳ هزار نفر براساس جمعیت اصلاح شده و ۷۵۰ هزار نفر براساس سرشماری کمتر از عملکرد جمعیت است. جمعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۸ (آخرین سال برنامه چهارم) ۷۲۵۰۱ هزار نفر بوده است. براساس این، عملکرد جمعیت با توجه به جمعیت اصلاح شده ۷۳۵۴۱ هزار نفر و براساس سرشماری ۷۳۴۹۸ هزار نفر بوده در نتیجه جمعیت پیش‌بینی شده براساس جمعیت اصلاح شده ۱۰۴۰ هزار نفر و براساس سرشماری ۹۹۷ هزار نفر کمتر از عملکرد جمعیت است.

جمعیت در برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳): جمعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۹ (سال اول برنامه پنجم) ۷۳۴۲۸ هزار نفر بوده و عملکرد جمعیت ۷۴۲۱۹ هزار نفر براساس جمعیت اصلاح شده و ۷۵۱۴۹ هزار نفر براساس سرشماری ۱۳۹۰ بوده است.

در پایان این بخش به مرور خلاصه ای از مفاهیم به کار رفته می پردازیم:

جمعیت: جمعیت عبارت است از گروهی از افراد یک گونه که ناحیه جغرافیایی مشترکی را اشغال می کنند. (کاظمی‌پور، شهلا، ۱۳۸۷؛ ص ۳۲-۱۳)

جمعیت شناسی^۱: واژه دموگرافی در ترجمه تحت الفظی آن از واژه یونانی (demous+graphie) به معنای «توصیف مردم» برگرفته شده است. مطالعه علمی جمعیت های انسانی که به بررسی ساختار، رشد و تحول جمعیت می پردازد اطلاق می شود. جمعیت شناسی با استفاده از روشهای تحلیلی، آماری و ریاضی به توصیف ساخت و حرکات جمعیت های انسانی و تبیین عوامل موثر بر آنها می پردازد.

جمعیت میانه سال: حاصل مجموع جمعیت اول سال و آخر سال تقسیم بر ۲.

نسبت جنسی: حاصل تقسیم تعداد مردان بر تعداد زنان ضربدر ۱۰۰.

میزان خام تولد (۲CBR): تعداد کودکان زنده بدنیا آمده به ازای هر هزار نفر جمعیت در وسط یک سال معین. (کاظمی‌پور، شهلا؛ ۱۳۸۷- ص ۶۵).

میزان باروری عمومی (GFR^1): حاصل تقسیم تعداد موالید زنده متولد شده در یک سال معین به تعداد جمعیت در وسط همان سال ضربدر ۱۰۰۰. اگر در فرمول فوق، کلیه متولدین اعم از زنده و مرده در صورت کسر مورد محاسبه قرار گیرند، میزان کل تولد ۲ بدست می آید.

میزان باروری کل (TFR^2): حاصل ضرب میزان باروری عمومی در طول زمان باروری تقسیم بر ۱۰۰۰. (طول زمان باروری معمولاً ۳۰ یا ۳۵ سال در نظر گرفته می شود).

میزان باروری ویژه سنی ($ASFR^4$): حاصل تقسیم تعداد موالید ناشی از یک زن در یک سن یا گروه سنی بر جمعیت زنان همسردار یک سن یا گروه سنی ضربدر ۱۰۰۰.

میزان مرگ و میر خام (CDR^4): این میزان بیانگر تعداد موارد مرگ و میر (بدون در نظر گرفتن عوامل سنی و جنسی و ...) در هر هزار نفر جمعیت در مدت یک سال می باشد. (کاظمی پور، شهبلا؛ ۱۳۸۷ - ص ۳۶).

امید به زندگی^۶: به میزان متوسط عمر که برای هر نوزاد تازه متولد شده پیش بینی می گردد، امید امید به زندگی اطلاق می گردد. محاسبه «امید به زندگی» با توجه به برآوردهای آماری در هر جامعه ای انجام پذیرفته و از جداول آماری مخصوص استخراج می گردد. امید به زندگی زنان و مردان بدلیل اختلاف در خصوصیات فیزیولوژیک جسمانی و اختلاف میزان متوسط عمر بطور جداگانه محاسبه می گردد (بدلیل عوامل مؤثر در میزان مرگ و میر برحسب جنس، (علیرغم تحمل مواردی همچون بارداری و زایمان)، معمولاً امید به زندگی در زنان کمی بیش از مردان می باشد). از آنجایی که امید به زندگی شدیداً به امکانات و تسهیلات رفاهی موجود در جامعه بستگی دارد، لذا میزان این شاخص (که به شدت تحت تأثیر معیارهای تعیین درجه توسعه یافتگی یک کشور قرار دارد) در کشورهای مختلف متفاوت است. بطوری که در برخی کشورهای فقیر و توسعه نیافته امید به زندگی مردم نزدیک به ۳۰ سال کمتر از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته می باشد. مطابق آمار سازمان ملل کشورهای ژاپن، هنگ کنگ، ایسلند، سوئیس و استرالیا به ترتیب در جهان مقام های اول را دارند که با حدود ۸۲ سال از میانگین جهانی ۲۲ درصد بالاتر است. کشورهای سوازیلند، موزامبیک، زیمبابوه، سیرالئون و لسوتو نیز به

1-General Fertility Rate

2-Total Birth Rate

3-Total Fertility Rate

4-Age Specific Fertility Rate

5-Crude Death Rate

6-Life Expectancy

ترتیب در پایینترین رده قرار دارند. امید زندگی در این کشورها حدود ۴۲ سال است که ۳۸ درصد کمتر از میانگین جهانی و نصف کشورهای بالای جدول است. امید زندگی در سال ۱۳۹۰ در ایران برای زنان ۷۴/۶، برای مردان ۷۲/۱ و در کل ۷۳/۴ سال است که ۳/۴ درصد از میانگین جهانی بالاتر است و ایران را در بین ۱۹۵ کشور در رتبه ۱۰۲ قرار می دهد. امید زندگی در سال ۱۳۹۰ در استان قزوین برای زنان ۷۷/۸، برای مردان ۷۴/۷ و در کل ۷۶/۲ سال می باشد.

میزان ناخالص ازدواج: حاصل تقسیم تعداد موارد ازدواج یک سال بر جمعیت همان سال ضربدر ۱۰۰۰. (کاظمی پور، شهلا؛ ۱۳۸۷ - ص ۸۷-۷۸).

میزان ناخالص طلاق: حاصل تقسیم تعداد موارد ازدواج یک سال بر جمعیت همان سال ضربدر ۱۰۰۰.

هرم سنی جمعیت: شکل توزیع جمعیت در گروه های سنی مختلف را هرم سنی جمعیت می گویند. در این هرم فراوانی جمعیت در هفده گروه سنی نشان داده می شود. در هرم سنی هر چه فراوانی جمعیت در قسمت پایین (قاعده) هرم بیشتر باشد، جامعه جوان تر خواهد بود. بر اساس هرم سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵، همانطوری که گروه سنی ۲۰-۲۴ سال به تعداد ۹ میلیون نفر و سهم ۱۲/۷۷ درصد از کل جمعیت کشور بوده و این حکایت از فراوانی جمعیت در این گروه سنی که در دوران جوانی و فعالیت هستند دارد. (۲۴-۲۰ سال) در سرشماری قبلی (سال ۷۵) ۸/۷٪ از جمعیت یعنی ۴ درصد کمتر بوده است. مقایسه هرم های سنی جمعیت در سرشماری گذشته یعنی سال های ۷۵، ۸۵ و ۹۰ نشان می دهد نرخ زاد و ولد از بیست سال گذشته تاکنون کاهش معنی داری داشته است چرا که سهم گروه سنی ۰-۴ سال از کل جمعیت کشور در این سه مقطع به ترتیب ۷۵/۱۸، ۳/۳ و ۷/۱۰ درصد بوده است. (منبع: داده های مورد استفاده از سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور؛ مرکز آمار ایران- فصل جمعیت ص- ۱۲۹).

نسبت جوانی جمعیت کشور (شاخص ورتهایم): شاخص جوانی که همان شاخص ورتهایم است نشانه آن است که سهم جمعیت زیر ۱۵ سال کشور و استان قزوین طی سال های گذشته کاهش یافته است و این به علت کاهش نرخ رشد جمعیت در این سال هاست. میزان جوانی جمعیت را با تست ورتهایم می سنجند. به جمعیتی که رابطه مزبور در آن صدق کند، جمعیت جوان گفته می شود. (سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور و استان قزوین؛ فصل جمعیت).

$$\sum_0^{14} P \geq 40\% \sum_0^w P$$

نسبت سالخوردگی جمعیت: این نسبت حاصل تقسیم جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر به جمعیت زیر ۱۵ سال است. ملاحظه می‌شود با توجه به سیاست‌های دولت‌های وقت، این شاخص افزایش یافته است که نشانه پیرتر شدن جمعیت می‌باشد (سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور و استان قزوین؛ فصل جمعیت).

میزان سالخوردگی جمعیت: این میزان حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت است. ملاحظه می‌شود با توجه به سیاست‌های دولت‌های وقت، این شاخص نیز افزایش یافته است که نشانه پیرتر شدن جمعیت می‌باشد (سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور و استان قزوین؛ فصل جمعیت).

متوسط تعداد افراد در خانوار کشور (بعد خانوار): این شاخص عبارت است از حاصل تقسیم تعداد جمعیت به تعداد خانوارها که از سال ۱۳۶۵ به بعد کاهش یافته است. این کاهش نشانه کاهش تعداد افراد خانوار با توجه به سیاست‌های کاهش جمعیت در طول این سال‌هاست. (سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور و استان قزوین؛ فصل جمعیت).

نرخ بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر: این شاخص عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر. (سالنامه آماری ۱۳۹۳ کشور و استان؛ فصل نیروی انسانی - نتایج طرح نیروی کار).

روش شناسی

جامعه پژوهش مورد نظر افراد ساکن در استان قزوین یا به عبارت دیگر جمعیت استان قزوین می‌باشد که به تفکیک جمعیت ساکن در نقاط شهری و روستایی و همچنین به تفکیک جنسیت مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهد گرفت. برخی از اوقات که مقایساتی با میانگین‌های کشوری صورت می‌گیرد اطلاعات جمعیت کشور نیز با تفکیک‌های یاد شده برای استان قزوین مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای ارزیابی و تحلیل شاخص‌هایی نظیر باروری‌های عمومی و باروری کل و همچنین باروری‌های اختصاصی جامعه آماری مورد نظر تمامی زنان در سن باروری ۱۵-۳۵ ساله استان قزوین و کشور در نظر گرفته شده است. به منظور برآورد رده‌های سنی تفکیک رده‌های سنی ۵ ساله استان که از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ استان قزوین حاصل شده استفاده شده است.

هر نوع پژوهش اصیل به‌منظور کسب دانش علمی و فنی جدید که برای آن کاربرد ویژه‌ای دارد در نظر گرفته شود. از آنجائیکه هدف این پژوهش، در جهت رشد و به‌ترکردن استفاده و کار در جمعیت و رده‌های سنی و همچنین بازنگری در سیاست‌های جمعیتی می‌باشد می‌توان عنوان نمود که این

پژوهش یک پژوهش کاربردی می باشد. بین پژوهش کاربردی و تحقیق عمل یا اقدام پژوهی^۱ وجوه مشترک زیادی وجود دارد، اما درعین حال تفاوت های قابل ملاحظه ای بین آنها وجود دارد. مثلاً در پژوهش کاربردی، تعداد واحدهای مورد مشاهده نسبتاً زیاد بوده و فرایند پژوهش به ویژه در مرحله نمونه گیری به شدت کنترل می شود. علاوه برآن در این نوع پژوهش سعی برآن است که نتایج، تعمیم داده شود. در حالی که در اقدام پژوهی، هرچند که از روش عملی استفاده می شود اما کنترل فرایند پژوهش، شدت یادشده را ندارد. این امر بدان علت است که در اقدام پژوهی، پژوهشگر درصدد یافتن نتایج تعمیم پذیر نمی باشد، بلکه هدف او رسیدن به شناخت علمی در باره مسئله ویژه ای است که خود با آن سروکار دارد.

از نظر ماهیتی روش جمعیت شناسی مورد استفاده در این پژوهش روش پویا می باشد. چون در روش پویا به تحولات تاریخی و زمانی پدیده های جمعیتی پرداخته می شود، یعنی ویژگی های جمعیتی را نه در حالت ایستا و ثابت، بلکه بصورت متحول و در طول زمان مطالعه می کند. استفاده از آمارهای جاری ادارات ثبت احوال و یا مقایسه ای آماری جمعیتی چند سرشماری و آمارگیری، امکان مطالعه ای تحول و دگرگونی جمعیت را در طول زمان فراهم می سازد (امانی، ۱۳۵۲؛ ص-۹). در مطالعه ای نرخ های تولد، مرگ و رشد جمعیت در بستر زمان این روش مورد استفاده قرار می گیرد. از نظر ابعاد جامعه روش جمعیت شناسی مورد استفاده در این پژوهش روش آماری می باشد. در این روش هدف اطلاع بر کلیه ی رویدادها یا جامعه ی بزرگ می باشد. شناخت جامعه در مقیاس وسیع تنها براساس "شناسائی آماری" می تواند استوار باشد. اصولاً هدف آمار به دست آوردن قوانینی برای ارقام بزرگ است.

از موضوعات مهمی که در طی فرآیند انجام پژوهش توسط پژوهشگران مورد توجه قرار می گیرد، تصمیم گیری درخصوص انتخاب روش و ابزار مناسب جهت گردآوری داده های تحقیق می باشد. در این پژوهش از داده های نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کشور و استان قزوین استفاده شده است. همچنین اطلاعاتی از داده های ثبتی دستگاههایی نظیر ثبت احوال و دانشگاه علوم پزشکی به منظور محاسبات و پیش بینی های مورد نیاز در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. البته شایان ذکر است که اطلاعات ثبتی عنوان شده بصورت قابل استناد بوده و در مرکز مهندسی اطلاعات استان نیز به ثبت و تایید دستگاه مربوطه رسیده است. برای پیش بینی جمعیت رده

ای سنی استان قزوین نیز از نرم افزار اسپکتروماستفاده شده و برای تحلیل نتایج نیز از نرم افزارهایی نظیر "اس پی اس اس^۱" و "اکسل^۲" نیز بهره برده شده است.

گردآوری داده ها و اطلاعات در مورد موضوع پژوهش یکی از اصلی ترین مراحل هر کار تحقیقاتی می باشد. دقت، اعتبار، سرعت و هزینه جمع آوری اطلاعات از جمله موارد مهمی است که می بایست در این مرحله مدنظر قرار داد. جمع آوری اطلاعات به صورت منظم و مرتب می تواند پژوهشگر را در اجرای تحقیقات و نتیجه گیری داده ها کمک کند. در این پژوهش اغلب اطلاعات مورد استفاده داده های ثبتی بوده و برخی از آنها نیز از محاسباتی روی داده های ثبتی بدست آمده است. البته می بایست روی کیفیت اطلاعات جمع آوری شده و نحوه ثبت آنها و میزان خطای ثبتی احتمالی آنها تحقیقاتی صورت گیرد تا نتایج حاصل از تحلیل روی داده ها از دقت قابل قبولی برخوردار باشد. در واقع استفاده از اطلاعات و مدارک موجود اصلی ترین روش جمع آوری داده ها در این پژوهش بوده است. این روش مزایا و معایبی دارد که در ذیل بدان اشاره شده و سعی شده برای افزایش دقت تحلیل نتایج معایب تا حد امکان رفع گردد. از مزایای این روش می توان به ارزان و در دسترس بودن، صرفه جویی در وقت و همچنین امکان ارزیابی روند موضوع در گذشته اشاره نمود که در این پژوهش به تفصیل مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته است. از معایب این روش نیز می توان به امکان ناقص بودن و در دسترس نبودن اطلاعات، موانع اخلاقی در دستیابی به اطلاعات و قدیمی بودن اطلاعات اشاره نمود که در این پژوهش تا حد امکان سعی شده از اطلاعات ناقص جلوگیری شده و اطلاعات کامل و بهنگام به منظور تحلیل کامل و صحیح نتایج مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش حاضر در استان قزوین انجام شده است و در برخی شاخص های قابل دسترسی با اطلاعات کشوری مقایساتی انجام شده است. هدف نهایی پژوهش بدست آورده نتایج جمعیتی رده های سنی استان قزوین در افق ۱۴۰۴ می باشد. اطلاعات مورد استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استان و کشور و همچنین سالنامه آماری کشور و استان قزوین از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ می باشد. اطلاعات ثبتی دستگاههای مورد استفاده در این پژوهش نیز از سالهای ۱۳۸۰ تاکنون مورد بهره برداری قرار گرفته است.

در این پژوهش از آنجائیکه بیشتر متغیر های مورد استفاده کمی می باشند ابتدا با استفاده از آمار توصیفی که معمولاً به توصیف داده ها می پردازد از شاخص های گرایش به مرکز و شاخص های پراکندگی برای بیان داده های جمع آوری شده استفاده می شود. برای نمایش و نشان دادن نتایج کار معمولاً از جداول توزیع فراوانی، بر اساس تعداد موارد مطلق و نسبی، درصد و نیز نمودار های مختلف

هیستوگرام، ستونبیا دایره ای استفاده می شود. همچنین در این زمینه استفاده از شاخص های پراکندگی مانند واریانس، انحراف معیار، انحراف استاندارد و... نیز قابل ذکر است. شاخص هایی نظیر ASFR، TFR، GFR، امید به زندگی به تفکیک جنس و نرخ رشد جمعیت در پژوهش حاضر مورد محاسبه قرار گرفته و توصیف می شوند. البته پس از جمع آوری اطلاعات می بایست به کنترل کیفیت داده ها، تفکیک داده ها، پردازش داده ها، دقت در جمع آوری و ثبت داده ها، بازبینی داده های گردآوری شده، رفع خطاهای احتمالی و مواردی از این قبیل توجه شود. در قسمت دوم پژوهش با استفاده از آمار استنباطی برآورد و پیش بینی برای ASFR، TFR و امید به زندگی جمعیت استان در افق ۱۴۰۴ محاسبه می گردد سپس رده های سنی جمعیت استان در افق یاد شده مورد برآورد و پیش بینی قرار می گیرد. پیش بینی های انجام شده در این پژوهش بطور کلی با استفاده از دو روش کلی آماری-ریاضی و روش جمعیت شناختی انجام شده است. که به اختصار این دو روش را شرح می دهیم.

الف-روش آماری-ریاضی: در این روش تغییرات جمعیت از طریق فرمول های آماری و ریاضی توصیف می شوند. از فرمول های مورد نظر می توان به فرمول های زیر اشاره نمود:

$$P_t = c(1+r)^t$$

$$P_t = ce^{rt}$$

$$P_{t+n} = P_t(1+r)^n$$

این روش ها از لحاظ ریاضی مفهوم ساده ای داشته و براحتی قابل اجرا می باشند. در رویکرد ریاضی پیش بینی جمعیت بطور آشکار هیچ گونه تلاشی برای مدل سازی عناصر تغییرات جمعیت صورت نمی گیرد. بطور عادی این روش در مورد کل جمعیت بکار گرفته می شود اما امکان کاربرد آن برای پیش بینی زیرگروه هایی در داخل جمعیت، برای مثال، شمار زنان ازدواج کرده که در آخرین سالگرد تولدشان ۲۰-۲۴ سال سن داشته اند وجود دارد. روشهای ریاضی، سریع، ساده و نیاز به داده های کمتری دارد. این رویکرد در پیش بینی جمعیت کل کشورها بیش تر استفاده می شود. امروزه از روش ریاضی برای پیش بینی کل جمعیت، آن هم در دوره های کوتاه مدت، استفاده می شود. چنانچه جمعیت مورد بررسی ثابت باشد، برای پیش بینی جمعیت به تفکیک سن نیز می توان از روش ریاضی استفاده کرد، زیرا در جمعیت های ثابت میزان رشد هر گروه سنی همان میزان رشد کل جمعیت است. از نظر تئوری، مشخصه ی جمعیت ثابت این است که در طول زمان ساختار جمعیت بدون تغییر باقی می ماند. واقعیت این است که مدل جمعیت ثابت بیش تر جنبه ی انتزاعی و ذهنی دارد و در عالم واقع کمتر دیده می شود. به هر حال، در طول زمان نوساناتی در میزان ها و روندهای باروری، مرگومیر و مهاجرت رخ می دهد که

خود به تغییراتی در ساخت و حالت جمعیت منجر خواهد شد. در مواردی از جمعیت شبه ثابت هم سخن رانده می شود. مشخصه‌ی این جمعیت این است که زادولد و باروری در آن ثابت و مرگ و میر تغییر می کند. این جمعیت ها در عالم واقع وجود دارند اما ساختمان آن ها خیلی تغییر نمی کند. متغیری که ساختمان جمعیت را دگرگون می کند تغییرات زادولد و باروری است. در جمعیت هایی که باروری تغییر می کند دیگر قوانین جمعیت ثابت و شبه ثابت صادق نیست. بنابراین، باید چاره‌ی دیگری برای پیش بینی جمعیت اندیشید. با استفاده از روشهای آماری می توان اقدام به پیش بینی هایی نمود که در مفهوم احتمالی حاوی درج عدم حتمیت پیش بینی های عرضه شده باشند. در حقیقت یکی از مهمترین ویژگی های روش های آماری پیش بینی جمعیت، توانایی ارائه فواصل اطمینانی است که می تواند به نحو مطلوبی درجه عدم حتمیت پیش بینی های ارائه شده را مشخص سازد. در روش آماری پیش بینی جمعیت با بکارگیری پیش بینی کوتاه مدت، نیاز به پیش بینی میزان های خام و همچنین میزان های باروری می باشد که با استفاده از تکنیک های تحلیل سری های زمانی مشاهدات میزان خام مولید و مرگ و میر بصورت مجزا مدل بندی شده و بر اساس مدل برازش داده شده پیش بینی می گردد. به منظور پیش بینی های بلند مدت با استفاده از روشهای یک متغیره و چند متغیره، با بکارگیری میزان های رشد لحظه ای سال های میانی بین افق پیش بینی و سال پایه را برآورد نموده و همچنین با روش های اتورگرسیو و خطوط تصادفی برای پیش بینی های چند متغیره بلند مدت نیز نتایجی حاصل نمود.

ب- روش جمعیت شناختی: این روش شامل روش های مولفه ای و مولفه ای- نسلی می باشد. در روش مولفه ای از میزان های خام مولید و مرگ و میر به عنوان سنجه هایی جهت برآورد تعداد مولید و مرگ و میر استفاده می شوند. از آنجا که ساختار جمعیت، بویژه ساختار سنی- جنسی آن در تعداد مولید و مرگ و میر تاثیر بسزایی دارد لذا جهت اینگونه پیش بینی ها کمتر از میزان های خام استفاده می شود. با وجود این، می توان از این میزان ها با فرض صفر بودن خالص مهاجرت جهت پیش بینی جمعیت کل کشور استفاده نمود.

$$P_t = P_{t-1} + B_{t,t-1} - D_{t,t-1}$$

اصول حاکم بر روش مولفه ای- نسلی پیش بینی جمعیت، بکارگیری تغییرات مولفه های پویایی جمعیت یعنی مرگ و میر، باروریت مهاجرت و ساختار سنی است. در این روش از برآیند اثر مجموعه عوامل موثر در تغییر جمعیت استفاده می شود. در پیش بینی مولفه ای نسلی توجه به نکات ذیل ضروری است:

- تعیین منطقه ی مورد نظر برای پیش بینی؛

-تعیین سال پایه، دوره ی زمانی پیش بینی؛

-جمع آوری داده ها و اطلاع از کیفیت داده های مورد استفاده؛

-در نظر گرفتن برآوردهای شاخص های پویایی جمعیت و تعیین مفروضات و سناریوهای پیش بینی.

در مجموع داده ها و اطلاعات زیر برای انجام پیش بینی مولفه ای- نسلی مورد نیاز است:

-جمعیت سال پایه بر حسب ترکیب سنی و جنسی؛

-میزان های باروری؛

-امید به زندگی در بدو تولد یا میزان های مرگ و میر؛

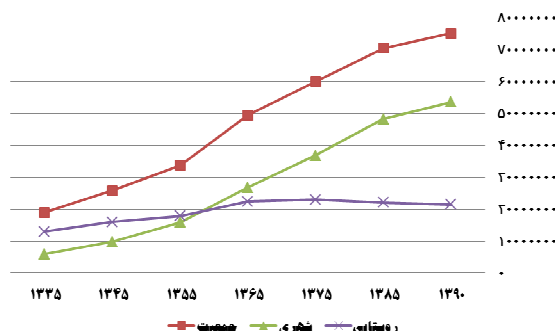
-مهاجرت.

یافته های پژوهش

تحلیل های آماری که در این بخش انجام گرفته اند شامل تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی می باشد که به ترتیب تشریح خواهند شد.

تحلیل های آمار توصیفی شاخص های جمعیت: نمودار (۱) روند تغییرات جمعیت استان قزوین را طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۳۵ نشان می دهد. ملاحظه می شود روند کلی جمعیت در حال رصد بوده ولی همانطور که در شکل دیده می شود شیب این افزایش در سال های اخیر بصورت چشمگیری کاهش یافته است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ نیز جمعیت روستایی رو به کاهش رفته و بر خلاف جمعیت شهری که همچنان در حال افزایش بوده روستا نشینی در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است.

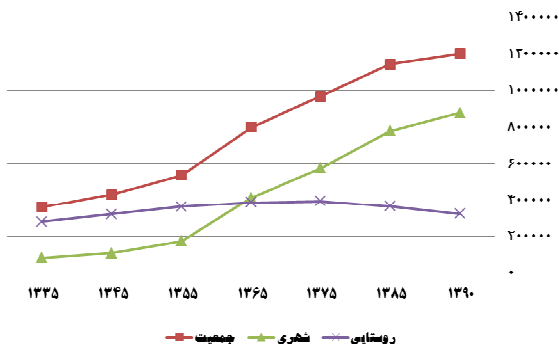
روند تغییرات جمعیت کشور ۱۳۳۵-۱۳۹۰



نمودار ۱- روند تغییرات جمعیت استان طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰

نمودار (۲)، روند تغییرات جمعیت کشور نیز همانند استان بوده و تنها تفاوت آن نزول بیشتر جمعیت روستایی استان نسبت به کشور است. همچنین زمان طلاق جمعیت شهری و روستایی در کشور حدود سالهای ۱۳۵۵ بوده در حالی این موضوع در استان در ۱۰ سال آینده یعنی سال ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است.

روند تغییرات جمعیت استان ۱۳۳۵-۱۳۹۰



نمودار ۲- روند تغییرات جمعیت کشور طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰

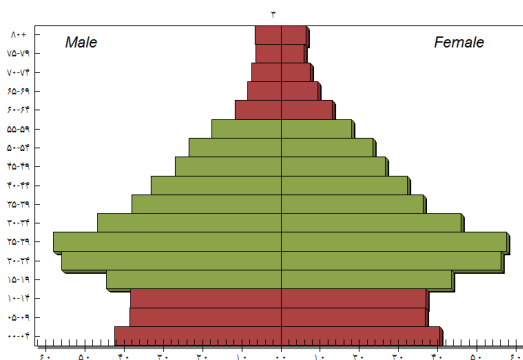
نمودار (۳) که بر مبنای درصد رشد طبیعی جمعیت در کشور و استان قزوین تهیه شده، بخوبی روند رشد را که منطبق با شرایط اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی کشور و استان قزوین می باشد، نشان می دهد. در سال هال ۱۳۴۵-۱۳۶۵ تغییر صعودی سریع در نرخ رشد جمعیت را شاهد بودیم که بدلیل بهبود شرایط رفاهی و همچنین ایجاد امکانات بهداشتی و کنترل بیماریهای واگیردار و کشنده در کشور و استان قزوین می باشد. تا نیمه قرن حاضر رشد جمعیت با همان میزان بالا ادامه یافت تا اینکه با اجرای موقت برنامه های تنظیم خانواده رشد جمعیت کاهش یافت. در فواصل دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ افزایش نسبتاً

سریع نرخ رشد جمعیت را شاهد بودیم که با سیاستگذاری های دولت های وقت، از آن پس رشد جمعیت کندتر شد. اما متأسفانه این نرخ نزولی در رشد جمعیت در صورتی که ادامه یابد نگران کننده خواهد بود و با ایجاد مشکل بزرگ پیری جمعیت و عدم تولید نسل جدید و نیروی کار جوان، باعث خطرات جدی خواهد گردید. دولتمردان ما باید به گونه ای برنامه ریزی کنند تا برای جلوگیری از این خطر بزرگ، نرخ رشد جمعیت را افزایش داده و از کاهش آن جلوگیری نمایند. البته باید به تناسب آن رشد اقتصادی و فرصت های جدید شغلی نیز جهت افزایش سطح رفاه این جمعیت باید به تناسب افزایش یابند.

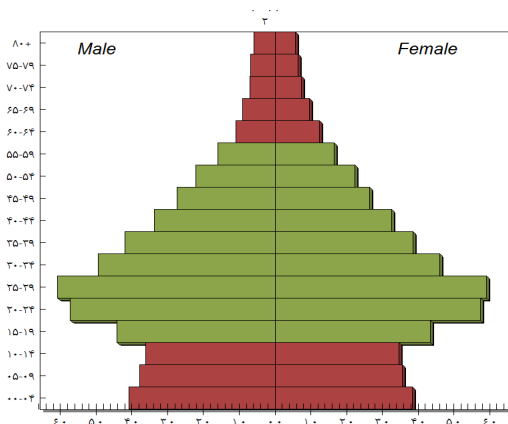


نمودار ۳- روند تغییرات نرخ رشد جمعیت کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰

هرم سنی جمعیت استان قزوین

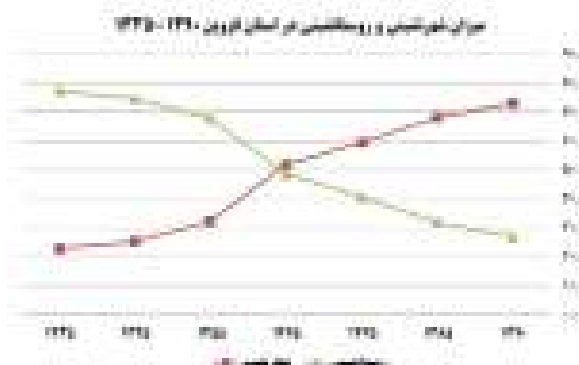


نمودار ۴- هرم سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰



نمودار ۵- هرم سنی جمعیت استان قزوین در سال ۱۳۹۰

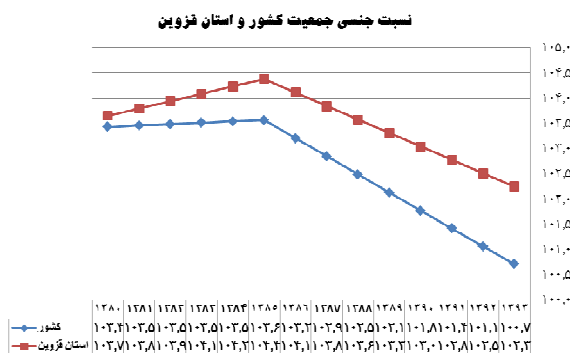
نمودار (۶)، شهرنشینی و روستا نشینی کشور و استان قزوین نیز نشان می دهد که روند افزایش شهرنشینی و کاهش روستانشینی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ ادامه داشته و در استان قزوین طلاق این دو نسبت در سال ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است. این نمودارها خبر از افزایش زندگی های شهری و خصوصیت های خاص خود را داشته که بطور مستقیم بر جمعیت و سیاستهای آن اثر می گذارد.



نمودار ۶- میزان شهرنشینی و روستانشینی در استان قزوین طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰

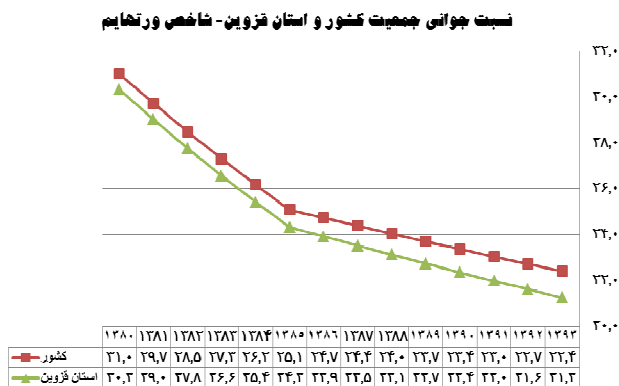
نسبت جنسی جمعیت:

نمودار (۷) نیز نسبت جنسی جمعیت کشور و استان قزوین را طی سالهای اخیر نشان می دهد. ملاحظه می شود این نسبت روندی نزولی داشته و علیرغم بالاتر بودن آن در استان قزوین نسبت به کشور از سال ۱۳۸۵ به بعد این نسبت به سمت ۱۰۰ در حال کاهش می باشد.



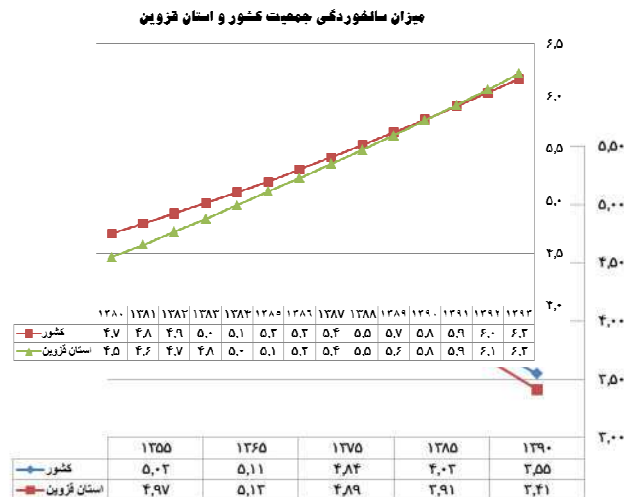
نمودار ۷- روند نسبت جنسی در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

نسبت جوانی جمعیت کشور (شاخص ورتهایم)



نمودار ۸- روند نسبت جوانی در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

نمودار (۸) نسبت جوانی جمعیت کشور و استان قزوین را در قالب شاخص ورتهایم در سالهای اخیر نشان می دهد. ملاحظه می شود که علیرغم پایین تر بودن همواره این نسبت در استان قزوین نسبت به کشور، در سالهای اخیر این نسبت در حال کاهش بوده و نشان از کاهش جمعیت جوان استان قزوین و کشور دارد.



نمودار ۹- روند میزان سالخوردگی در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

نمودار (۹)، میزان سالخوردگی و نسبت سالخوردگی جمعیت کشور و استان قزوین را نشان می دهد. ملاحظه می شود این شاخص ها روندی افزایش داشته و در سال های اخیر خبر از پیشرفت جمعیت کشور و استان قزوین به سوی جمعیتی پیر و سالخورده را دارد.

متوسط تعداد افراد در خانوار (بعد خانوار)

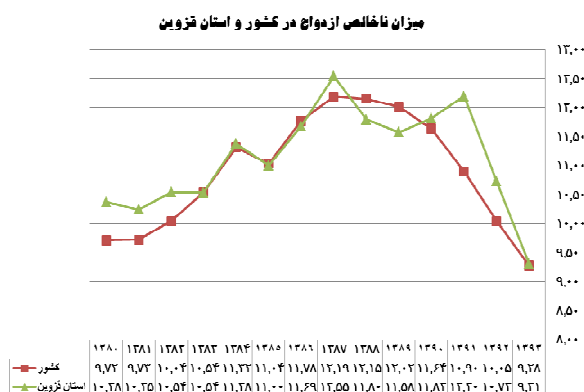
نمودار (۱۰) بعد خانوار کشور و استان قزوین را در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۵۵ نشان می دهد. این شاخص از سال ۱۳۶۵ به بعد تا بحال در حال کاهش بوده و در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. بر اساس نتایج آخرین سرشماری بعد خانوار در استان قزوین نسبت به کشور نیز کمتر بوده است. از جمله دلایل آن می توان به افزایش خانوارهای تک نفره به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی، رشد طلاق، کاهش میل خانوارها به بچه دار شدن و مواردی از این قبیل اشاره نمود.



نمودار ۱۰- روند تغییرات بعد خانوار در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۰

شاخص های مربوط به ازدواج

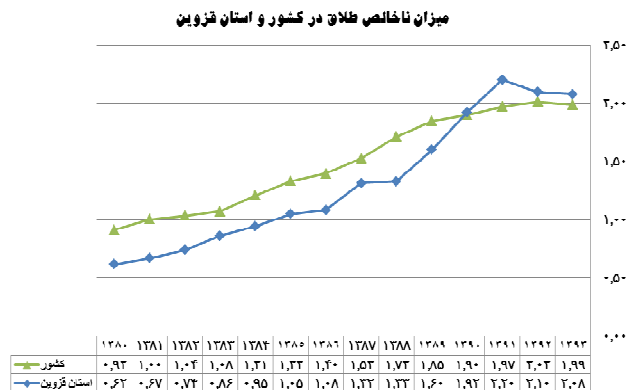
نمودار (۱۱) میزان ناخالص ازدواج را در کشور و استان قزوین در سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۰ نشان می دهد. این میزان تا سال ۱۳۸۷ در کشور و استان قزوین روندی افزایشی و پس از سال ۱۳۸۸ روندی نزولی به خود گرفته و بخصوص در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. شیب نزول این کاهش در استان قزوین از کشور بیشتر می باشد.



نمودار ۱۱- روند تغییرات میزان ناخالص ازدواج در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

شاخص‌های مربوط به طلاق

نمودار (۱۲)، میزان ناخالص طلاق را در کشور و استان قزوین در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که این میزان در کشور و استان قزوین روندی افزایش داشته، و از سال ۱۳۹۰ این میزان در استان قزوین از میزان کشور بیشتر شده است.



نمودار ۱۲- روند تغییرات میزان ناخالص طلاق در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

شاخص‌های زاد و ولد

میزان خام تولد ((CBR))

نمودار (۱۳)، میزان تولد خام در کشور و استان قزوین یا همان شاخص CBR می‌باشد. بعبارت دیگر این نمودار تعداد کودکان زنده بدنیا آمده به ازای هر هزار نفر جمعیت را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که علیرغم افزایشی بودن این شاخص در کشور و استان قزوین، طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳ این میزان در استان قزوین همواره از میزان کشور پایین تر بوده است.



نمودار ۱۳- روند تغییرات میزان تولد خام در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

میزان باروری عمومی (GFR):

نمودار (۱۴)، میزان باروری عمومی در کشور و استان قزوین یا همان شاخص GFR می باشد.. ملاحظه می شود که علیرغم افزایشی بودن این شاخص در کشور و استان قزوین، طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۰ این میزان در استان قزوین همواره از میزان کشور پایین تر بوده است.



نمودار ۱۴- روند تغییرات میزان باروری عمومی در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

میزان باروری کل (TFR):

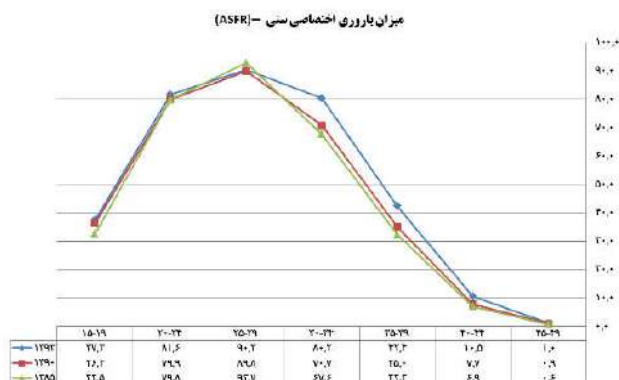
نمودار (۱۵)، روند تغییرات میزان باروری کل کشور و استان قزوین، شاخص TFR را نشان می دهد. ملاحظه می شود که میزان کلی این شاخص در استان قزوین در طی سرشماری های گذشته از کشور پایین تر بوده است.



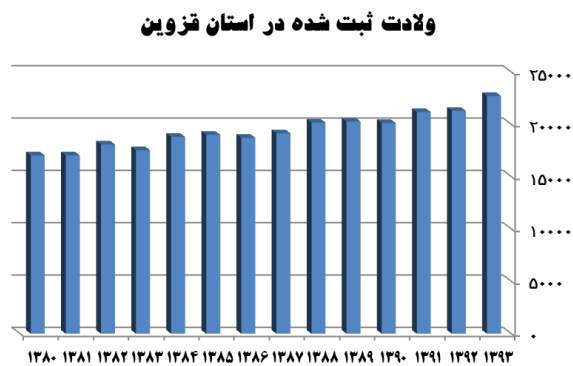
نمودار ۱۵- روند تغییرات میزان باروری در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۳

میزان باروری ویژه سنی ($ASFR$):

نمودار (۱۶)، روند میزان باروری اختصاصی سنی استان قزوین را از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ نشان می دهد. ملاحظه می شود بیشترین باروری در بین زنان در سنین ۲۵-۲۹ سال رخ می دهد. سنین ۲۰-۲۴ ساله و همچنین ۳۰-۳۴ ساله در رده های بعدی قرار دارند.

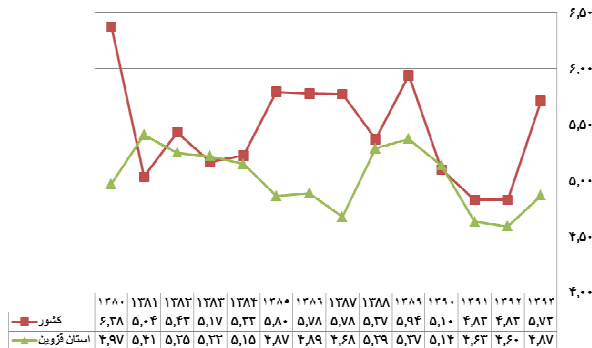


نمودار ۱۶- روند تغییرات میزان باروری ویژه سنی در استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۳



نمودار ۱۷- روند تغییرات میزان ولادت ثبت شده در استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

میزان مرگ و میر خام در کشور و استان قزوین



نمودار ۱۸- روند تغییرات میزان مرگ و میر در کشور و استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

عوامل موثر بر تحرکات جمعیتی: با توجه به شاخص های توصیفی ارائه شده، عوامل ذیل بر

تحرکات جمعیتی موثر شناخته شده اند:

الف) باروری و موالید: باروری توان بالقوه یک جمعیت برای بچه دار شدن بوده و موالید تعداد نوزادان زنده به دنیا آمده در مقطعی از زمان و در یک محدوده جغرافیایی می باشد. عواملی نیز می توانند میزان باروری و موالید در زنان را تحت الشعاع قرار دهند که از آن جمله می توان به شرایط محیطی و اقلیمی، شرایط اقتصادی، شرایط اجتماعی و سیاستهای جمعیتی اشاره نمود که هر یک سهم بسزایی در شکل گیری رفتار باروری و موالید در جامعه زنان گروه مولد دارا هستند.

در بحث شرایط اجتماعی دوره های زندگی مشترک، همه گیر بودن بحث ازدواج، ازدواج های مجدد در حالت های خاص، ازدواج های زود هنگام و دیر هنگام، وضعیت اعتقادات دینی و مذهبی، سنت های و باورهای اجتماعی و سطح سواد و اشتغال زنان از عوامل مهم در رشد جمعیت به شمار می روند.

در بحث سیاست های جمعیتی در کشور نیز کشورهای مختلف بر مبنای رشد جمعیت و شاخص های بهداشتی و اقتصادی موجود، شرایط و سیاست گذاری های خاصی در زمینه باروری برقرار می نمایند. فرضاً در کشوری که رشد جمعیت منفی است، سیاست دولت بر تشویق به تشکیل و دوام خانواده ها و افزایش زاد و ولد می باشد. در حالیکه در کشورهای پر جمعیت سیاست های محدود کننده تعداد جمعیت وضع می گردد که به طرق مختلف از جمله عواملی که در زیر نام برده می شود بر رشد جمعیت جامعه تأثیر می گذارد. (حلم سرشت؛ ۱۳۸۸، ص ۴۹).

ب) مرگ و میر: بررسی وضعیت مرگ و میر و تاثیر آن در جمعیت از پیچیدگی بیشتری برخوردار است چون در بحث مرگ و میر با تمام گروهها و رده های سنی سرو کار داریم. از مهمترین عواملی که در میزان مرگ و میر تأثیر می گذارند می توان به وراثت، نژاد، جنسیت، روش تغذیه و شیوه های زندگی اشاره نمود که هر یک سهم بسزایی در شکل گیری مدل مرگ و میر در جامعه دارند.

ج) مهاجرت: یکی از موارد بسیار مهمی که تحت عنوان تحرکات جمعیتی مورد بررسی قرار می گیرد، تحرکات جغرافیایی جمعیت یا مهاجرت می باشد که تحت تاثیر عوامل مختلفی نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... می باشد و تاثیر مستقیم بر کاهش یا افزایش جمعیت یک منطقه دارد.

د) ازدواج و طلاق: مواردی چون ازدواج و طلاق با تأثیرات مثبت و منفی بر دوره زندگی مشترک زناشویی و موقعیت باروری بر میزان زاد و ولد مؤثر می باشند. طبیعتاً جامعه ای که در آن سن ازدواج پایین، دوره زندگی مشترک طولانی و میزان طلاق در حد کمی باشد، موقعیت باروری مناسب تر بوده و میزان زاد و ولد افزایش می یابد. بنابراین پدیده هایی چون ازدواج و طلاق با تأثیراتی که بر میزان زاد و ولد می گذارند، می توانند منجر به تحرکات جمعیتی و نوسان در تعداد و حتی توزیع جمعیت گردند.

حال قبل از پرداختن به نتایج تحلیلی و استنباطی پژوهش، به بررسی و تاثیر سیاستهای جمعیتی و لزوم بازنگری در آنها در کشور و استان قزوین می پردازیم. سیاستهای جمعیتی^۱ اصطلاحی است در جمعیت شناسی با تعاریف مختلف که همگی این تعاریف اشاره دارند به مجموعه اصول و تدابیر و برنامه های مشتمل بر اقدامات مؤثر بر رشد و ساختار و توزیع جمعیت یعنی تشریح چگونگی و حدود فعالیت دولت در مسائل جمعیتی بطور خلاصه به "کلیه اصول و قوانینی که از سوی دولت در جهت هماهنگ سازی شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در راستای دستیابی به توسعه پایدار تدوین می گردد" سیاست جمعیتی اطلاق می گردد.

نوع برنامه ها و سیاستها برای تاثیرگذاری بر مسأله جمعیت در دوره های مختلف تاریخی متفاوت می باشد. در گذشته که میزان مرگ و میر جمعیتها در حد بالایی بوده معمولاً پیشنهادهای ارائه شده در مورد جمعیت موافق با افزایش زاد و ولد بوده مثلاً در بعضی از طوایف تعداد زیاد جمعیت مردان نشانه قدرت آنها بوده است. در این خصوص، شعار امپراطوری روم عبارت بوده است از "مردان زیاد به معنای فتوحات بیشتر." در هر حال، پس از انقلاب صنعتی ماهیت چنین سیاستهایی تغییر میکند. امروزه دامنه

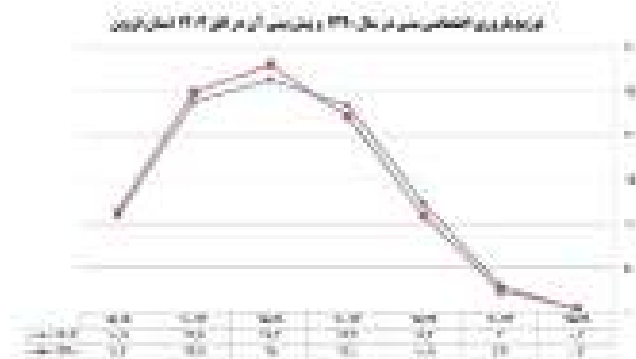
این سیاستها بسیار وسیع و فراتر از مسائل خاص جمعیت بوده و بسیاری از موازین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در برمیگیرد.

تحلیل های آمار استنباطی: در نمودار- جدول (۱۹)، میزان باروری کل در استان قزوین در سال ۱۴۰۴ با بکارگیری فرضیات کارشناسی و با استفاده از نرم افزارهای تس^۱، فرت^۲ و اسپکترومیرآورد شده است. ملاحظه می شود که میزان باروری کل در استان قزوین در سال ۱۳۹۰ برابر ۱/۷ بوده است که با پیش بینی صورت گرفته این میزان در سال ۱۴۰۴ به ۱/۹۷ خواهد رسید.



نمودار ۱۹- پیش بینی میزان باروری کل استان قزوین در افق ۱۴۰۴

در نمودار- جدول (۲۰)، توزیع باروری اختصاصی سنی در استان قزوین در سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۴ با بکارگیری فرضیات کارشناسی و با استفاده از نرم افزارهای تس، فرتو اسپکترومیرآورد شده است. ملاحظه می شود که بیشترین باروری در سنین ۲۵-۲۹ سال و بعد از آن ۲۴-۲۰ سال رخ می دهد. همچنین ملاحظه می شود که با گذشت زمان میزان باروری در این سالها کاهش پیدا کرده و به سنین بالاتر منتقل می شود به عبارت دیگر سن باروری در حال افزایش می باشد



نمودار ۲۰- پیش بینی میزان باروری سنی استان قزوین در افق ۱۴۰۴

در نمودار- جدول (۲۱)، پیش بینی میزان امید به زندگی مردان و زنان در سال ۱۴۰۴ استان قزوین آورده شده است. این پیش بینی با بکارگیری فرضیات کارشناسی و با استفاده از نرم افزارهای تس، فرت واسپکترومانجام شده است. ملاحظه می شود که امید به زندگی برای مردان و زنان در استان در حال افزایش بوده و این میزان بطور کلی در بین زنان بیشتر از مردان می باشد.



نمودار ۲۱- پیش بینی میزان امید به زندگی مردان و زنان استان قزوین در افق ۱۴۰۴

در نمودار- جدول (۲۲)، پیش بینی میزان نسبت جنسی در سال ۱۴۰۴ استان قزوین آورده شده است. این پیش بینی نیز با بکارگیری فرضیات کارشناسی و با استفاده از نرم افزارهای تس، فرت واسپکترومانجام شده است. ملاحظه می شود که نسبت جنسی در استان در حال کاهش بوده و از میزان ۱۰۳ در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۲ در سال ۱۴۰۴ کاهش می یابد.



نمودار ۲۲- پیش بینی میزان نسبت جنسی استان قزوین در افق ۱۴۰۴

پیش بینی جمعیت استان قزوین به تفکیک جنسیت در افق ۱۴۰۴: جداول (۲) و (۳)، نتایج پیش بینی جمعیت استان قزوین به تفکیک جنسیت در سال ۱۴۰۴ و همچنین برآورد جمعیت استان به تفکیک جنس و رده های سنی در سال ۱۴۰۴ را ارائه می کند. این پیش بینی نیز با بکارگیری فرضیات کارشناسی و با استفاده از نرم افزارهای تس و فرتو اسپکتروم انجام شده است. با استفاده از نتایج حاصل شده نمودار هرم سنی جمعیت استان در سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۴ در ادامه مورد مقایسه قرار گرفته است.

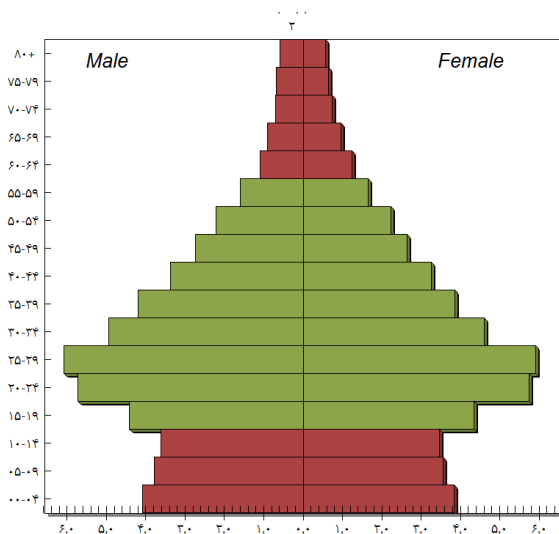
جدول ۱- برآورد جمعیت استان به تفکیک جنسیت- (هزار نفر)

سال	زن	مرد	جمعیت کل
۱۳۹۰	۵۹۲	۶۱۰	۱۲۰۲
۱۳۹۱	۵۹۹	۶۱۷	۱۲۱۵
۱۳۹۲	۶۰۶	۶۲۳	۱۲۲۹
۱۳۹۳	۶۱۳	۶۳۰	۱۲۴۳
۱۳۹۴	۶۲۰	۶۳۷	۱۲۵۸
۱۳۹۵	۶۲۹	۶۴۵	۱۲۷۴
۱۳۹۶	۶۳۷	۶۵۳	۱۲۹۰
۱۳۹۷	۶۴۵	۶۶۱	۱۳۰۷
۱۳۹۸	۶۵۴	۶۷۰	۱۳۲۴
۱۳۹۹	۶۶۳	۶۷۸	۱۳۴۱
۱۴۰۰	۶۷۱	۶۸۷	۱۳۵۸
۱۴۰۱	۶۸۰	۶۹۵	۱۳۷۵
۱۴۰۲	۶۸۸	۷۰۳	۱۳۹۱
۱۴۰۳	۶۹۶	۷۱۱	۱۴۰۷
۱۴۰۴	۷۰۴	۷۱۹	۱۴۲۳

جدول ۲- برآورد جمعیت استان به تفکیک جنس و رده های سنی در سال ۱۴۰۴- (نفر)

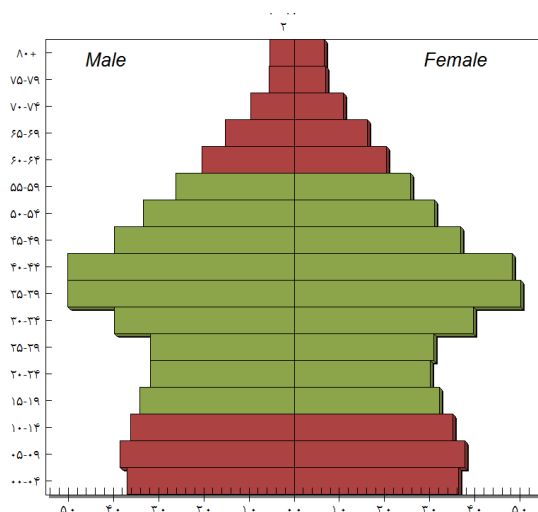
۱۴۰۴			۱۳۹۰			گروه سنی
زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	
۵۱۶۹۶	۵۲۷۲۶	۱۰۴۴۲۲	۴۶۱۷۶	۴۸۹۹۸	۹۵۱۷۴	۰-۴ ساله
۵۳۷۵۰	۵۴۸۴۱	۱۰۸۵۹۱	۴۲۷۰۰	۴۵۴۹۰	۸۸۱۹۰	۵-۹ ساله
۴۹۹۵۲	۵۱۴۲۱	۱۰۱۳۷۳	۴۱۶۵۶	۴۳۵۵۰	۸۵۲۰۶	۱۰-۱۴ ساله
۴۵۶۹۶	۴۸۵۲۶	۹۴۲۲۱	۵۲۲۹۰	۵۳۰۶۴	۱۰۵۳۵۴	۱۵-۱۹ ساله
۴۲۸۰۳	۴۵۳۴۱	۸۸۱۴۴	۶۸۹۵۷	۶۸۸۸۳	۱۳۷۸۴۰	۲۰-۲۴ ساله
۴۳۸۵۰	۴۵۳۵۳	۸۹۲۰۳	۷۰۹۸۱	۷۳۱۳۷	۱۴۴۱۱۸	۲۵-۲۹ ساله
۵۶۳۷۰	۵۶۷۱۵	۱۱۳۰۸۵	۵۵۲۹۷	۵۹۴۰۶	۱۱۴۷۰۳	۳۰-۳۴ ساله
۷۱۲۰۵	۷۱۳۰۲	۱۴۲۵۰۷	۴۶۲۹۵	۵۰۳۷۷	۹۶۶۷۲	۳۵-۳۹ ساله
۶۸۷۱۵	۷۱۳۲۲	۱۴۰۰۳۶	۳۹۲۱۸	۴۰۵۴۵	۷۹۷۶۳	۴۰-۴۴ ساله
۵۲۴۷۹	۵۶۷۰۴	۱۰۹۱۸۳	۳۱۷۳۴	۳۲۹۲۵	۶۴۶۵۹	۴۵-۴۹ ساله
۴۴۱۵۰	۴۷۵۵۲	۹۱۷۰۲	۲۶۷۴۳	۲۶۷۰۸	۵۳۴۵۱	۵۰-۵۴ ساله
۳۶۵۵۲	۳۷۲۰۲	۷۳۷۵۳	۱۹۷۹۹	۱۹۲۰۲	۳۹۰۰۱	۵۵-۵۹ ساله
۲۸۹۵۴	۲۹۰۷۴	۵۸۰۲۸	۱۴۹۳۸	۱۳۱۸۰	۲۸۱۱۸	۶۰-۶۴ ساله
۲۳۰۳۳	۲۱۶۶۵	۴۴۶۹۸	۱۱۵۵۹	۱۰۸۸۳	۲۲۴۴۲	۶۵-۶۹ ساله
۱۵۴۸۴	۱۳۵۹۲	۲۹۰۷۷	۸۸۱۵	۸۳۴۱	۱۷۱۵۶	۷۰-۷۴ ساله
۹۹۷۲	۷۷۹۳	۱۷۷۶۵	۷۸۳۷	۸۰۹۷	۱۵۹۳۴	۷۵-۷۹ ساله
۹۴۱۱	۷۷۸۴	۱۷۱۹۴	۶۷۶۶	۷۰۱۸	۱۳۷۸۴	۸۰ ساله و بیشتر
۷۰۴۰۷۱	۷۱۸۹۱۲	۱۴۲۲۹۸۴	۵۹۱۷۶۱	۶۰۹۸۰۴	۱۲۰۱۵۶۵	کل

نمودار (۲۳)، هرم سنی جمعیت استان در سال ۱۳۹۰ را نشان می دهد. ملاحظه می شود قاعده هرم در سنین ۲۵-۲۹ سال قرار دارد. پس از رده سنی ۲۵-۲۹ سال، رده های سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۳۰-۳۴ ساله و همچنین ۱۵-۱۹ ساله و ۳۵-۳۹ ساله بیشترین رده های جمعیتی استان را به خود اختصاص داده اند که نشان از جمعیت جوان استان در سال ۱۳۹۰ دارد.



نمودار ۲۳- هرم سنی جمعیت استان قزوین در سال ۱۳۹۰

نمودار (۲۴)، هرم سنی پیش بینی جمعیت استان در سال ۱۴۰۴ را نشان می دهد. ملاحظه می شود قاعده هرم در سنین ۳۵-۴۵ سال قرار دارد. پس از رده سنی ۳۵-۴۵ سال، رده های سنی ۴۵-۴۹ ساله و ۳۰-۳۴ ساله و همچنین ۵۰-۵۴ ساله بیشترین رده های جمعیتی استان را به خود اختصاص خواهند داد، که زنگ خطر پیری جمعیت استان در ۱۰ سال آینده را به صدا در می آورد.



نمودار ۲۴- پیش بینی هرم سنی جمعیت استان قزوین در افق ۱۴۰۴

بحث و نتیجه گیری

روند تغییرات جمعیت استان قزوین طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۳۵ نشان می دهد که شیب افزایش جمعیت در سال های اخیر بصورت چشمگیری کاهش یافته است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ نیز جمعیت روستایی رو به کاهش بوده و بر خلاف جمعیت شهری که همچنان در حال افزایش است روستا نشینی در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. روند تغییرات جمعیت کشور نیز همانند استان قزوین بوده و نکته قابل تامل آن نزول بیشتر جمعیت روستایی استان قزوین نسبت به کشور است. همچنین زمان طلاق جمعیت شهری و روستایی در کشور حدود سالهای ۱۳۵۵ بوده در حالی این موضوع در استان در ۱۰ سال آینده یعنی سال ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است.

روند تغییرات نرخ رشد جمعیت استان قزوین و کشور نیز در سالهای اخیر روندی نزولی پیش گرفته و از حدود ۴ درصد در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به حدود ۱ درصد در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۵ رسیده است.

بررسی هرم سنی جمعیت کشور و استان قزوین در سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ نشان می دهد که قاعده هرم سنی که در سال های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ در رده های پایین قرار داشته در حال حاضر در سنین ۳۰-۲۵ سال قرار دارد و پیش بینی می شود در ۱۰ سال آینده قاعده هرم سنی در سنین ۴۵-۳۵ قرار بگیرد که این موضوع نیز موید بالا رفتن سن جمعیت سالخوردگی جمعیت می باشد.

میزان شهرنشینی و روستا نشینی کشور و استان قزوین نیز نشان از روند افزایش شهرنشینی و کاهش روستا نشینی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ داشته و در استان قزوین طلاق این دو نسبت در سال ۱۳۶۵ اتفاق

افتاده است. این پدیده افزایش زندگی های شهری و خصوصیت های خاص خود را داشته که بطور مستقیم بر جمعیت و سیاستهای آن اثرگذار خواهد بود. نسبت جنسی جمعیت نیز در حال کاهش بوده و پیش بینی می شود این نسبت در سالها آینده به ۱۰۰ نزدیک شود.

نسبت جوانی جمعیت نیز در قالب شاخص ورتهایم در استان قزوین در سال ۱۳۹۳ کاهش ۴۲ درصدی را نسبت به سال ۱۳۸۰ نشان می دهد که زنگ خطر کاهش جمعیت جوان استان را به صدا درمی آورد. نسبت سالخوردگی در سال های مشابه نیز موید این موضوع بوده که در استان قزوین طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۸۰ تقریباً دو برابر شده است و نشان از افزایش جمعیت پیر و سالخورده استان دارد.

بعد خانوار کشور و استان قزوین نیز از سال ۱۳۶۵ به بعد تا بحال در حال کاهش بوده و در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. بر اساس نتایج آخرین سرشماری بعد خانوار در استان قزوین نسبت به کشور نیز کمتر بوده است. از جمله دلایل آن می توان به افزایش خانوارهای تک نفره به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی، رشد طلاق، کاهش میل خانوارها به بچه دار شدن و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

بررسی میزان ناخالص ازدواج در کشور و استان قزوین در سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۰ نشان می دهد که این میزان تا سال ۱۳۸۷ در کشور و استان قزوین روندی افزایش داشته، سپس از سال ۱۳۸۸ روندی نزولی به خود گرفته و بخصوص در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. شیب نزول این کاهش در استان قزوین از کشور بیشتر می باشد. همچنین میزان ناخالص طلاق در کشور و استان قزوین روندی افزایش داشته، و از سال ۱۳۹۰ این میزان در استان قزوین از میزان کشور بیشتر شده است.

میزان خام تولد، باروری عمومی و باروری کل نیز در استان قزوین همواره از میزان کشوری پایین تر بوده است.

تحلیل نتایج سرشماری های جمعیتی صورت گرفته در تاریخ استان قزوین از یک سو و همچنین کالبدشکافی هرم سنی جمعیت مبتنی بر آخرین سرشماری جمعیتی در سال ۹۰ از منظر نگاه کوتاه مدت بیانگر آن است که گرچه قاعده هرم سنی جمعیتی هم اکنون در سنین ۳۰-۲۰ سال بوده، پیش بینی ها نشان می دهد که قاعده هرم سنی جمعیت استان در ده سال آینده در سنین ۴۵-۳۵ سال قرار می گیرد و لذا از این منظر پاسخگویی به نیازهای متنوع این طیف جمعیتی بزرگترین چالش اساسی استان به شمار می رود، لذا سیاست های کنترل جمعیتی که پس از دوران انفجار جمعیت کشور در اواخر سال های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ رخ داده، موجب شده نرخ رشد جمعیت بشدت کاهش یابد.

تداوم این کاهش نرخ رشد جمعیت با توجه به اینکه این روند کاهشی تبدیل به یک ارزش و هنجار اجتماعی می‌شود، از نظر ملاحظات استراتژیک و آینده‌شناختی بحران فرارویکشورها یاروپایی را در آینده برایکشور و استان قزوین به ارمغان خواهد آورد. تحلیل شاخص‌های ضریب جوانی، میانگین و میانه سنی جمعیت و... نشان از تداوم حرکت به سوی میانسالی و پیری جمعیت در آینده برایاستان قزوینمی باشد. شایان توجه است که در تحلیل مناسبات جمعیتی با توجه به رویکرد سیستمی و با نگاه به روندهای جهانی و شواهد موجود در استان قزوین، میزان عکس‌العمل مردم به قبول کاهش جمعیت به مراتب بیشتر از واکنش آنها به افزایش جمعیت است. تغییر روندهای تولیدی از اقتصاد مبتنی بر خانواده و کشاورزی به اقتصاد صنعتی و سپس مبتنی بر دانش و کاهش نقش انسان در فرایندهای تولیدی، مؤید این نکته است (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵).

از سوی دیگر وجود انواع جاذبه‌های مصنوعی و تکنولوژی‌های سرگرم‌کننده نیز به تدریج جایگزین انسان و مناسبات خانوادگی شده است. برآیند این تحولات به همراه تداوم روند کنونی کاهش نرخ جمعیت و از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و تحلیل به عدم فرزندآوری از سوی خانواده‌های جدید، هرم سنی پیش‌بینی شده در ۱۰ سال آینده را یک هرم پیر جمعیتی نشان می‌دهد. به صدا درآوردن این زنگ خطر از هم‌اکنون توسط کارشناسان و ارکان عالی حکومت اقدام شایسته‌ای است که در صورت توجه خانواده‌ها به آن، شاید بتوان نتایج آن را در دهه‌های آتی شاهد بود.

بدون تردید این مسأله نافی توجه به نیازهای جمعیتی امروز از نظر ملاحظات سیستمی و توجه به شاخص‌های چندجانبه جمعیتی از جمله اشتغال، رفاه خانوارها، درآمد سرانه، ترکیب هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی و... نخواهد بود و این مسأله عزم جدی مسئولان در تأمین نیازهای امروزی جمعیت را طلب می‌کند.

همچنین باید به این امر مهم توجه نمود که در وضعیتی که تمایل به باروری کاهش یافته، افزایش سطح باروری به سطوح بالاتر کار آسانی نبوده، و تجربه کشورهای اروپایی نیز موید این مسئله می باشد. آنها در حدود دو دهه در تلاش هستند که سطح باروری خود را با اتخاذ تدابیر مختلفی افزایش دهند، اما به نظر می‌رسد در این زمینه موفقیت چندانی کسب نکرده اند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ رشد جمعیتی کشور ۱/۳ و میزان باروری کل کشور ۱/۸ و برای استان قزوین نرخ رشد جمعیتی ۱ درصد و میزان باروری کل ۱/۷ اعلام شده است. این انحرافات از قانون برنامه توسعه ضرورت تجدید نظر در سیاستهای جمعیتی را بیشتر می‌کند.

در صورت مؤثر بودن بسته‌های تشویقی در افزایش جمعیت، در سال ۱۴۰۴ باروری کل در استان به حدود ۱/۹۷ (سطح جانشینی) می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۲۵ به ۲/۵ فرزند نیز افزایش یابد. بنابراین مشوق‌های جمعیتی به هیچ عنوان باعث افزایش بی‌رویه جمعیت نخواهد شد.

با بکارگیری مدیریت صحیح در رشد جمعیت در سطح کلان کشور و استان قزوین و در صورت استفاده از کلیه قابلیت‌ها و پتانسیل‌های استان قزوین به نحوه احسن، جمعیت استان قزوین می‌تواند حتی به دو میلیون و پانصد هزار نفر نیز افزایش یابد، اما مهم این است که این جمعیت دارای چه کیفیت و توانمندی‌هایی خواهند بود و با چه کیفیتی زندگی خواهند کرد. لذا همواره باید توازن بین کمیت و کیفیت را نیز در نظر گرفت.

جمعیت استان در سال ۱۳۹۰ بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در حدود ۱۲۰۲ هزار نفر بوده که حدود ۶۰۹ هزار نفر آن را مردان و در حدود ۵۹۲ هزار نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند. بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته جمعیت استان قزوین در افق ۱۰ ساله در سال ۱۴۰۴ بحدود ۱۴۲۰ هزار نفر خواهد رسید که ۷۱۸ نفر مردان و ۷۰۴ هزار نفر آنان را زنان تشکیل خواهند داد.

همچنین در سال ۱۳۹۰ بیشترین رده سنی جمعیت متعلق به رده‌های ۲۹-۲۵ ساله و ۲۴-۲۰ ساله می‌باشد که بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده بیشترین رده سنی استان قزوین در افق ۱۰ ساله آینده متعلق به رده‌های سنی ۳۹-۳۵ ساله و ۴۴-۴۰ ساله خواهد بود. البته ذکر این نکته مهم ضروری است که پیش‌بینی انجام شده بر اساس شرایط موجود و ادامه آن می‌باشد و فرض بر آن در نظر گرفته شده که شرایط در این وضعیت باقی بماند. بر اساس پژوهش حاضر چهار عامل شامل باروری و مولید، مرگ و میر، مهاجرت و ازدواج و طلاق بر جمعیت و شاخص‌های جمعیتی مؤثر شناخته شده‌اند.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادات ذیل را ارائه نمود:

- ۱- افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی جهت ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت استان؛
- ۲- فراهم آوردن تسهیلات برای ازدواج، رفع مشکلات و موانع مربوطه، تشویق و ترویج افزایش فرزندآوری، تشویق به کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی؛
- ۳- حمایت و تخصیص تسهیلات مناسب به مادران بخصوص در دوره بارداری و شیردهی بویژه شاغلین؛
- ۴- فراهم آوردن امکانات درمان ناباروری در استان و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری؛

- ۵- ارائه آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزند پروری و آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای جهت تحکیم بنیان خانواده؛
- ۶- راه اندازی نظام تأمین اجتماعی همگانی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری؛
- ۷- تلاش در جهت ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌ها و بیماری‌های جسمی و روحی؛
- ۸- بهره‌گیری از تجارب سالمندان در عرصه‌های زندگی و تلاش در جهت افزایش کیفیت سالمندان و تکريم آنان؛
- ۹- آموزش جمعیت در سن کار و توانمند سازی آنان در جهت کشف استعدادها، کارآفرینی و ایجاد اشتغال موثر؛
- ۱۰- هدایت جمعیت با توجه به نقاط جغرافیایی مناسب استان با هدف افزایش کیفیت متناسب زندگی، کاهش فشارها و فراهم آوردن تعادل همه جانبه؛
- ۱۱- تشویق به زندگی و ماندن در روستاها و نقاط کم تراکم با ظرفیت، با ایجاد و حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه شبکه‌های زیربنایی مناسب و ایجاد اشتغال در نقاط مربوطه؛
- ۱۲- کنترل و تشویق و جذب مهاجران برای حضور و سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی از توانایی‌های آنان در استان؛
- ۱۳- تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخشی استانی و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در میان اقوام مختلف درون استان و همچنین مهاجران؛
- ۱۴- رصد دائم و مستمر جمعیت در ابعاد کمی و کیفی استان با شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی متناسب.

منابع

- شستلند، کلود، شنه، کلود(۱۳۷۸). جمعیت جهانی، چالش ها و مسائل، ترجمه، سیدمحمد سیدمیرزایی، تهران، انتشارات، شهید بهشتی.
- زنجانی، حبیباله ؛ میرزایی، محمد ؛ شادپور، کامل و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۱). جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: نشر بشری، صفحه ۵۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳). درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۷). روش های مقدماتی تحلیل جمعیت. تهران، دانشگاه پیام نور.
- حلم سرشت، پریوش (۱۳۸۸). جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، چهر.
- زارع، بیژن (۱۳۸۴). جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- شیر، محمد و همکاران (۱۳۹۳). مروری بر پیش بینی های جمعیت انجام شده در ایران. پژوهشکده آمار ایران.
- رادمنش، عزت اله (۱۳۵۷). کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه، تاریخ و تمدن. تهران، قلم.
- سالنامه آماری کشور (۱۳۹۳). تهران، مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری استان قزوین (۱۳۹۳). قزوین سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۳). جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کتابی، احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گی روشه (۱۳۸۷). تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی، تهران، نشر نی.

- لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). تهران، انتشارات وزارت برنامه و بودجه (سابق).
- مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مدل‌های کلان و الگوی پیش‌بینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم (۱۳۷۲). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، روند گذشته، جاری و آینده‌نگری ده ساله جمعیت ایران (۱۳۷۷). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- شستلند، کلود، شنه، کلود (۱۳۷۸). جمعیت جهانی، چالش‌ها و مسائل، ترجمه، سیدمحمد سیدمیرزایی، تهران، انتشارات، شهید بهشتی.
- زنجانی، حبیب‌اله؛ میرزایی، محمد؛ شادپور، کامل و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۱). جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: نشر بشری، صفحه ۵۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۷). روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت. تهران، دانشگاه پیام نور.
- حلم سرشت، پریوش (۱۳۸۸). جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، چهر.
- زارع، بیژن (۱۳۸۴). جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- شیر، محمد و همکاران (۱۳۹۳). مروری بر پیش بینی های جمعیت انجام شده در ایران. پژوهشکده آمار ایران.
- رادمنش، عزت اله (۱۳۵۷). کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه، تاریخ و تمدن. تهران، قلم.
- سالنامه آماری کشور (۱۳۹۳). تهران، مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری استان قزوین (۱۳۹۳). قزوین سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۳). جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کتابی، احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گی روشه (۱۳۸۷). تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). تهران، انتشارات وزارت برنامه و بودجه (سابق).
- مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مدل های کلان و الگوی پیش بینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم (۱۳۷۲). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، روند گذشته، جاری و آینده نگری ده ساله جمعیت ایران (۱۳۷۷). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مستندات برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

- Bongaarts, John. (1994). "Population policy options in the developing world," Science, 263: 771-776.
- Cassen, Robert and contributors. (1994). Population and Development: Old Debates, New Conclusions. Washington, DC: Overseas Development Council.
- Casterline, John B. and Steven W. Sinding. (2000). "Unmet need for family planning in developing countries and implications for population policy," Population and Development Review, 26:691-723.
- McIntosh, C. Alison and Jason L. Finkle. (1995). "The Cairo conference on population and development: A new paradigm?" Population and Development Review 21:223-260.
- National Security Study Memorandum (NSSM ۲۰۰), Implications of Worldwide Population Growth for U.S. Security and Overseas Interests (1974) (THE KISSINGER REPORT) December 10.
- Teitelbaum, Michael S. and Jay M. Winter. (1985). The Fear of Population Decline. San Diego: Academic Press.
- Warwick, Donald P. (1982). Bitter Pills: Population Policies and Their Implementation in Eight Developing Countries. New York: Cambridge University Press.

بررسی مزیت نسبی فعالیت‌های عمده اقتصادی

استان قزوین طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹

نعمت اله عالیمنش^۱، سید منوچهر حیاتی^۲، مریم مسعود نیا^۳، شاهین باوفا^۴

چکیده

این تحقیق طی دوره زمانی ۹۲-۱۳۷۹ با هدف تعیین فعالیت‌های اقتصادی برتر و دارای مزیت استان از طریق ارزیابی شاخص‌های مهم بخش‌های اقتصادی صورت پذیرفت. تا بدین وسیله جهت گیری برنامه ریزی، حمایت و تشویق سرمایه گذاری در بخش‌های اقتصادی به درستی صورت پذیرد. برای شناسایی مزیت نسبی روش‌های متعددی وجود دارد یکی از مهم‌ترین این روش‌ها محاسبه شاخص ضریب مکانی (LQ) می باشد. این شاخص ابزاری برای اندازه گیری درجه تخصص تولیدی یک منطقه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی محسوب می شود. از این رو در این پژوهش ضریب مکانی برای تمام ۷۲ بخش اقتصادی استان طی دوره مورد نظر محاسبه شد و مشخص گردید که چه بخش‌های اقتصادی استان نسبت به کشور دارای مزیت نسبی می باشند. این شاخص از تقسیم سهم ارزش افزوده یک بخش اقتصادی از استان به سهم ارزش افزوده همان بخش اقتصادی از کشور بدست می آید. اگر مقدار این شاخص برای یک بخش اقتصادی بزرگتر از یک باشد استان مزیت نسبی بیشتری نسبت به سطح متوسط کشور دارد، اگر مقدار آن مساوی با یک باشد استان در سطح متوسط کشور می باشد و اگر آن کوچکتر از یک باشد استان مزیت نسبی کمتری نسبت به سطح متوسط کشور دارد. مقایسه این شاخص نشان می دهد که ۳۷ فعالیت اقتصادی استان (که بیش از ۵۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی استان هستند) متوسط سهم ارزش افزوده آنها نسبت به کل کشور بیشتر از یک بوده و از مزیت نسبی بیشتری نسبت به کل کشور برخوردار می باشند. بنابراین، چنین فعالیت‌هایی برای سرمایه گذاری جایگاه مناسب‌تری نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی استان دارند. لذا مسئولین برنامه‌ریزی اقتصادی استان می‌توانند با استفاده از این نتایج، مسیر روشن‌تری برای سرمایه گذاری بخش خصوصی انتخاب نمایند.

واژه های کلیدی: ضریب مکانی، ارزش افزوده، برنامه ریزی اقتصادی، مزیت نسبی اقتصادی.

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد آمار، رئیس گروه حساب‌های منطقه‌ای سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد آمار، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- لیسانس آمار، کارشناس حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات قیمت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴- لیسانس مدیریت بازرگانی، کارشناس حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات قیمت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی مناطق (استان های) یک کشور یکی از مهم ترین مباحث اقتصاد منطقه ای در دهه های اخیر محسوب می شود به نحوی که بررسی رشد و توسعه مناطق به عنوان یکی از اهداف مهم دولت های محلی (استانی) مورد توجه قرار گرفته است. با مروری بر اقتصاد استان های مختلف، مشخص می شود که برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر دارای عملکرد اقتصادی بهتری هستند و در مقایسه با میانگین کشور، رشد اقتصادی بالاتری دارند. این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت های نسبی در فعالیت های مختلف و سیاست گذاری و برنامه ریزی منطقه ای صحیح است. نادیده گرفتن استعدادها، توانایی ها و مزیت های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت های اقتصادی باعث می شود که سرمایه گذاری ها متناسب با امکانات و ظرفیت های بالقوه مناطق صورت نگیرد و با وجود اجرای برنامه های متعدد توسعه ملی و منطقه ای، همچنان روند توسعه نیافتگی مناطق ادامه یابد. بنابراین در صورتی که عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مناطق شناسایی شود و درک درستی از توانمندی ها و تنگناهای آن مناطق فراهم شود، می توان زمینه ارتقای سطح سیاست گذاری های مرتبط با مناطق، تصمیم گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاست گزاران ملی و محلی فراهم کرد. واقعیت های موجود در ایران نشان دهنده آن است که در مناطق مختلف کشور نابرابری هایی در امر تولید وجود دارد. تهیه و تدوین حساب های منطقه ای در استان و محاسبه تولید ناخالص داخلی استانی تواند به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تامین نیازهای آماری در فرآیند برنامه ریزی و سیاست گذاری اقتصاد مناطق باشد. به عبارت دیگر حساب های منطقه ای در استان می تواند همان نقش کلیدی و کاربردی که این حساب در سطح ملی داراست را در منطقه عهده دار باشد به گونه ای که تحقق اهداف برنامه ریزی منطقه ای در گرو تعیین شاخصها و یافته های این حسابها می باشد. بنابراین در این مقاله سعی خواهد شد بر اساس شاخص ضریب مکانی (سهم ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی استان به ارزش افزوده کل استاندارد مقایسه با سهم ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی کشور به ارزش افزوده کل کشور) روند مزیت نسبی استان در فعالیت های عمده اقتصادی طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه

نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت^۱: آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را که ثروت یک کشور به میزان دارائی آن کشور (طلا و نقره) بستگی دارد و کشورها فقط به

ضرر سایر کشورها می‌توانند از تجارت سود ببرند را زیر سؤال برد (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص ۸۱) او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزان تر تولید شود در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می‌برند. او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است (یعنی آن کالا را با کارایی بیشتر نسبت به کشورهای دیگر تولید کند) و کالایی را وارد کند که در آنها مزیت مطلق ندارد (یعنی دارای کارایی لازم برای تولید آن نیست) بدین ترتیب با تخصص بهینه عوامل تولید در سطح جهان، تولید جهان افزایش می‌یابد و رفاه همه کشورهای افزایش می‌یابد. از اینرو دیگر یک کشور به ضرر سایرین منتفع نگردیده و همه کشورها منتفع خواهند شد. براساس نظر آدام اسمیت تجارت بین دو کشور تنها براساس اصل مزیت مطلق انجام می‌شود. وقتی یک کشور کالائی را با کارائی بیشتر نسبت به کشور دیگر تولید می‌کند (یا مزیت مطلق دارد) و کالای دوم را نسبت به کشور دیگر با کارائی کمتر تولید می‌کند (عدم مزیت مطلق دارد) در این صورت هر دو کشور با تخصص در تولید کالائی که در آن مزیت مطلق دارند و مبادله آن با یکدیگر منتفع می‌شوند. واضح است که نظریه مزیت مطلق فقط بخش کوچکی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که مزیت مطلق در آن وجود دارد.

نظریه ارزش نسبی دیوید ریکاردو^۱: او اساساً یکی از اولین اقتصاددانانی است که کاربرد الگوی اقتصادی را به‌طور جدی مطرح ساخت. همچنین در طراحی نظریه ارزش کار و در ترسیم سیاست آزادی تجاری و مزیت نسبی، نقش پیش‌تاز را داشت. شاید او اولین اقتصاددانی است که قانون بازدهی نزولی را مطرح کرد. وی در مقوله توزیع درآمد و رشد اقتصادی، از پیشاهنگان محسوب می‌شود. او چگونگی تقسیم منافع کل را بین اجاره، دستمزد و سود ترسیم کرد. وی به‌کارگیری ماشین را عامل بیکاری می‌دانست. سرانجام، ریکاردو نظامی را طراحی کرد، که عناصری مانند تقاضا و مطلوبیت، نقش بسیار کمی در تعیین قیمت نسبی داشتند و برعکس هزینه تولید، اصلی‌ترین نقش را در این رابطه داراست. (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹). ارزش از نظر ریکاردو، تنها براساس مقدار کاری که برای تولید یک کالا صرف شده و در آن نهفته است، تعیین می‌شود. او دو عامل دیگر تولید، یعنی سرمایه و زمین را که در نظریه ارزش اسمیت در تعیین ارزش مؤثر بود، کنار می‌گذارد. ریکاردو، تئوری ارزش کار را به‌صورت نسبی ارائه می‌کند؛ زیرا اولاً مقدار کاری که برای تولید یک کالای معین لازم است، متفاوت است؛ چراکه تولیدکنندگان برای تولید یک کالای معین، اوقات متفاوتی صرف می‌کنند؛ ثانیاً یک کالا در بازار اجباراً براساس ارزش، مبادله نمی‌شود؛ بلکه مبادله، تحت تأثیر قانون عرضه و تقاضا انجام می‌شود.

نظریه تعادل ریکاردو: ریکاردو معتقد است که اقتصاد، همیشه به‌طور اصولی تمایل به تعادل دارد. او تنها سه عامل را نام می‌برد، که می‌تواند در جریان اقتصاد اختلال ایجاد کرده و موجب از بین رفتن تعادل شود. این سه عامل عبارتند از: (الف) انباشت سرمایه؛ با انباشت سرمایه، مازاد تولید به‌وجود می‌آید. با مازاد تولید، تقاضایی در بازار برای کالاهای مصرفی، وجود نخواهد داشت. (ب) پیش‌بینی نادرست کارفرما؛ کارفرما ممکن است در برنامه‌ریزی تولید، به‌خاطر برآورد غلط، در پیش‌بینی میزان تقاضا اشتباه کند. (ج) عوامل خارجی؛ اختلالات سیاسی، مانند جنگ و مقررات مالیاتی و گمرکی و یا عوامل طبیعی، مانند خشکسالی و حوادث طبیعی، می‌تواند مانع جریان طبیعی اقتصاد شود. (نمازی، ۱۳۸۷، چاپ پنجم ص ۶۲).

نظریه مزیت نسبی لیندر^۱: لیندر در سال ۱۹۶۱ نظریه فراوانی عوامل تولید را ارائه نمود. بر اساس این نظریه فراوانی عوامل تولید فقط در مورد کالاهای اولیه مصداق دارد و در مورد کالاهای صنعتی کاربردی ندارد. وی معتقد بود که یک کشور در ابتدا کالاهای خود را برای بازارهای وسیع داخلی تولید می‌کند، و این تولیدات شامل کالاهایی است که از طرف اکثر مردم تقاضا می‌شود و بعد از آن است که آن کشور تجربه لازم را برای صادرات آن کالاها به سایر کشورها حتی با وجود درآمد سرانه یکسان و نسبت یکسان سرمایه و نیروی کار به دست می‌آورد و شروع به تجارت با آن کشورها می‌نماید. این نظریه بر خلاف نظریه هکشر و اوهلین است زیرا که آنها معتقد بودند که دو کشور با مشخصات فوق دارای هزینه‌های نسبی یکسانی هستند لذا حجم تجارت بر خلاف نظریه لیندر پایین است. نظریه لیندر فقط در کشور سوئد مورد تأیید واقع شد و از نظر کاربردی ضعیف است. (اصغری، ابراهیم؛ ۱۳۸۷).

نظریه توزیع ثروت دیوید ریکاردو: در جامعه اقتصادی ریکاردو سه طبقه وجود دارد:

الف- سرمایه‌داران؛ که در مقابل ارائه سرمایه، سود دریافت می‌کنند و از محل سود به تراکم سرمایه می‌پردازند.

ب- کارگران؛ که از نظر تعداد، بزرگترین طبقه را تشکیل می‌دهند و چون مالک عامل تولید نیستند، مجبورند با درآمدی به‌نام دستمزد، زندگی کنند.

ج-مالکان زمین؛ که با داشتن زمین و عرضه آن برای کشت و زرع، از زارعان، بهره مالکانه دریافت می‌دارند و به‌مرور زمان، غنی می‌شوند.

ریکاردو برای تشریح این نظریه به تجزیه و تحلیل سه نظریه دیگر می‌پردازد:

نظریه بهره مالکانه؛ او چنین نتیجه می‌گیرد که با افزایش جمعیت و ثابت ماندن سطح زمین‌های مرغوب و به‌علت ایجاد بازده نزولی، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، حجم بهره مالکانه بالا رفته و سهم مالکان زمین افزایش می‌یابد. تمایل به افزایش بهره مالکانه، برای آینده دستمزد و سود، اهمیت اساسی دارد. بر مبنای این تمایل بود، که ریکاردو به آینده نظام سرمایه‌داری بدبین بود و آن را در ایجاد اختلاف طبقاتی مؤثر می‌دانست و معتقد بود که بهره مالکانه، ناشی از خست طبیعت است. از آنجایی که بهره مالکانه تنها در صورت افزایش جمعیت و ثابت ماندن شیوه فنی تولید صورت می‌گیرد، معتقد است که منافع مالکان، با منافع سرمایه‌داران و کارگران تضاد دارد. (تفضلی، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۱۲۹).

نظریه دستمزد (نظریه نوسان دستمزد)؛ دستمزد یا قیمت بازار کار، پیوسته تمایل دارد، به‌سوی حداقل فیزیولوژیکی که قیمت طبیعی کار است، نوسان یابد. چنانچه دستمزدها افزایش یابد، سطح زندگی ارتقاء یافته و در نتیجه میزان ازدواج بیشتر و رشد جمعیت افزون‌تر می‌شود. نتیجه بعدی افزایش عرضه کار و کاهش دستمزد است. همچنین در صورت کاهش دستمزد به کمتر از حداقلی که برای ادامه زندگی و کار کردن لازم است، عرضه نیروی کار به‌دنبال مرگ و میر کارگران کاهش یافته موجب افزایش دستمزد در سطح حداقل یا قیمت طبیعی کار می‌شود. (نمازی، ۱۳۸۷، چاپ پنجم ص ۶۱).

نظریه سود؛ اگر دستمزدها براساس بعضی قوانین طبیعی تعیین می‌گردد، سود از نظر ریکاردو پس‌مانده درآمدی است؛ که پس از توزیع مزد و رانت، عاید سرمایه‌دار می‌گردد و در این صورت لزومی نمی‌بیند که در جستجوی قانون تعیین کننده میزان سود باشد. ریکاردو، سود کافی را شرط لازم و کافی رشد اقتصادی می‌داند و می‌گوید: اگر درآمد سرمایه کافی باشد حجم پس‌انداز افزایش یافته و توسعه اقتصادی رخ خواهد داد؛ بنابراین آهنگ رشد اقتصادی تحت سیطره نرخ سود قرار خواهد گرفت. (قدیری اصل ۱۳۶۴، ص ۹۳) از طرف دیگر، سود با دستمزد، رابطه عکس داشته و با توجه به رشد جمعیت و قانون بازده نزولی، مقدار بهره مالکانه افزایش می‌یابد و باقیمانده آن که مقدار ثابتی است، برای تقسیم

میان دستمزد و سود اختصاص می‌یابد. بنابراین هرگاه دستمزد افزایش یابد، لزوماً باید مقدار سود کاهش یابد.

آزمون تجربی لئونتیف: پیشنهاد اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا به کار برد و محصولی را وارد کند که عامل تولید نسبتاً کمتری را در تولید آن محصول به کار گیرد. لئونتیف به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص ۷۸۸) و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که بجای آنکه صادر کننده کالاهای کاربر باشد می‌بایست صادر کننده کالاهای سرمایه‌بر باشد. این نتیجه به معمای لئونتیف شهرت یافت. لئونتیف علت این نتیجه‌گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارفرمایی برتر آمریکائیان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پرکیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود.

روش ارزیابی مزیت نسبی: توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار است. این در حالی است که در دهه‌های گذشته اکثر دانشگاه‌های کشور فقط به پرورش متخصصین پرداخته‌اند و به ندرت به فکر پرورش دانشجویان کارآفرین بوده‌اند. توانمندسازی این دانشجویان برای ایجاد کسب و کار جدید نیاز به آموزش در زمینه مهارت‌های کسب و کار و مهارت‌های کارآفرینی دارد. اما ازطرفی عدم تناسب آموزش نیروی متخصص و فارغ التحصیلاناستانو کشور با نیاز بازار کار نیز در اثربخشی آموزشهای کارآفرینی تاثیر بسزایی داشته است لذا جهت اثربخشی آموزشهای کارآفرینی، توجه به مزیت نسبی فعالیت‌های مختلف اقتصادی استان ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد. اصولاً مزیت نسبی که در ارتباط با تجارت بین الملل و ملی مطرح می‌شود، اولین بار از سوی "آدام اسمیت" مطرح شد و به این معنی است که چنانچه کشوری یک کالا را نسبت به دیگر کالاها ارزانتر تولید کند، این کشور در تولید چنین کالایی مزیتنسبی دارد وبنابراین با وارد شدن به صحنه تجارت جهانی می‌تواند از صدور کالاهایی که در آن مزیت نسبی دارد منتفع گردد. بنابر این توجه به مزیت نسبی فعالیتهای مختلف یکی از جنبه‌های برنامه ریزی اقتصادی است که اهمیت زیادی دارد برای شناسایی مزیت‌های نسبی روشهای متعددی وجود دارد یکی از مهم ترین این

روشها محاسبه ضریب مکانی (LQ)^۱ می باشد شاخص ضریب مکانی درمداول ترین شکل خود ابزاری برای اندازه گیری درجه تخصص تولیدی یک منطقه در فعالیت های مختلف اقتصادی محسوب می شود.

روش شناسی

ارزیابی مزیت نسبی بخش های مختلف اقتصادی یکی از جنبه های برنامه ریزی اقتصادی است ، برای شناسایی مزیت‌نسبی روشهای متعددی وجود دارد یکی از مهم ترین این روشها محاسبه ضریبمکانیمی باشد شاخص ضریب مکانی درمداولترین شکل خود ابزاری برای اندازه گیری درجه تخصص تولیدی یک منطقه در فعالیت های مختلف اقتصادی محسوب می شود. با ارزیابی ضریب مکانی مشخص گردید چه بخشهای اقتصادی استان نسبت به کشور دارای مزیت نسبی می باشند. این شاخص از تقسیم سهم ارزش افزوده یک بخش اقتصادی از استان به سهم ارزش افزوده همان بخش اقتصادی از کشور بدست می آید. رابطه مورد نظر برای محاسبه ضریب مکانی بصورت زیر می باشد:

$$LQ = \frac{\frac{\text{ارزش افزوده یک بخش اقتصادی استان}}{\text{ارزش افزوده کل استان}}}{\frac{\text{ارزش افزوده یک بخش اقتصادی کشور}}{\text{ارزش افزوده کل کشور}}}$$

برای ارزیابی مزیت نسبی بخش های اقتصادی استان از شاخص ضریب مکانی به صورت زیر استفاده می کنیم.

۱- اگر مقدار این شاخص برای یک بخش اقتصادی بزرگتر از ۱ باشد استان مزیت نسبی بیشتری نسبت به سطح متوسط کشور دارد.

۲- اگر مقدار این شاخص برای یک بخش اقتصادی مساوی با ۱ باشد استان در سطح متوسط کشور می باشد.

۳- اگر مقدار این شاخص برای یک بخش اقتصادی کوچکتر از ۱ باشد استان مزیت نسبی کمتری نسبت به سطح متوسط کشور دارد.

یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل آماری: امروزه ابزارهای متعددی برای تحلیل داده ها وجود دارد که تحلیل آماری یکی از آنها است. کاربردهای این تحلیل در طول زمان بررسی شده است. تجزیه و تحلیل آماری یک روش موثر ریاضی برای جمع آوری، تجزیه و تحلیل و ارائه اطلاعات است. اطلاعات لازم برای انجام این تحلیل از طریق نمونه گیری ها، پرسشنامه ها و جداول آماری و سایر روش های جمع آوری داده، تهیه و جمع آوری می شود. سپس اطلاعات جمع آوری شده بطور کامل مورد مطالعه قرار می گیرند و در نهایت یک گزارش برای ارائه نتایج حاصل از تحلیل تهیه شده و بر اساس آن نتیجه گیری لازم انجام می شود. یکی دیگر از اهداف تحلیل آماری شناسایی روندها است. در این مقاله ما از روش تحلیل روندها استفاده می نماییم. بدین ترتیب که پس از محاسبه شاخص های سهم ارزش افزوده بخشهای عمده اقتصادی از کل ارزش افزوده استان و سهم ارزش افزوده بخش های عمده اقتصادی از کل ارزش افزوده کشور و محاسبه مزیت نسبی برای بخش های عمده اقتصادی به بررسی روند این شاخص ها در سال های ۹۲-۱۳۷۹ می پردازیم.

بررسی روند بخشهای اقتصادی کشاورزی : بررسی رشته فعالیت کشاورزی، شکار و جنگلداری طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در همه سالها بیشتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت ، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل داشته است. همچنین سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان به ارزش افزوده رشته فعالیت کشور درمقایسه با سهم جمعیتی و نیز سهم محصول ناخالص داخلی استان از کشور (حدود ۱/۶ درصد) از سهم بیشتری برخوردار است. اما بررسی رشته فعالیت ماهیگیری طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در همه سالها کمتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت ، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل نداشته و همچنین سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان به ارزش افزوده رشته فعالیت کشور درمقایسه با سهم جمعیتی و نیز محصول ناخالص داخلی استان از کشور (حدود ۱/۶ درصد) از سهم کمتری برخوردار است. (جدول ۱).

جدول ۱- کشاورزی، شکار و جنگلداری

ضریب مکانی			سال
ماهگیری	کشاورزی، شکار و جنگلداری	کل بخش کشاورزی و ماهگیری	
۰,۰۵	۲,۰۴	۱,۹۸	۱۳۷۹
۰,۰۵	۱,۶۸	۱,۶۴	۱۳۸۰
۰,۰۹	۱,۷	۱,۶۷	۱۳۸۱
۰,۱۲	۱,۷	۱,۶۷	۱۳۸۲
۰,۱۵	۱,۸۵	۱,۸۲	۱۳۸۳
۰,۱۸	۱,۹۶	۱,۹۲	۱۳۸۴
۰,۲۲	۱,۹۸	۱,۹۴	۱۳۸۵
۰,۳۷	۱,۸۲	۱,۷۹	۱۳۸۶
۰,۵۸	۱,۹۸	۱,۹۵	۱۳۸۷
۰,۷۹	۱,۵۸	۱,۵۶	۱۳۸۸
۰,۶۵	۱,۸۱	۱,۷۷	۱۳۸۹
۰,۷۴	۱,۷۳	۱,۶۹	۱۳۹۰
۰,۶۶	۱,۶۱	۱,۵۸	۱۳۹۱
۰,۷۱	۱,۵۵	۱,۵۲	۱۳۹۲

بررسی روند بخش اقتصادی معدن و صنعت: بررسی رشته فعالیت سایر معادن بجز نفت و گاز طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در همه سالها کمتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت ، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل نداشته است. همچنین سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان به ارزش افزوده رشته فعالیت کشور در مقایسه با سهم جمعیتی و نیز محصول

ناخالص داخلی استان از کشور (حدود ۱/۶ درصد) از سهم کمتری برخوردار است. اما بررسی رشته فعالیت صنعت طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در همه سالها بیشتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت ، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل داشته و همچنین سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان به ارزش افزوده رشته فعالیت کشور درمقایسه با سهم جمعیتی و نیز محصول ناخالص داخلی استان از کشور (حدود ۱/۶ درصد) از سهم بیشتری برخوردار است (جدول ۲).

جدول ۲- صنعت و معدن

سال	ضریب مکانی		
	کل بخش صنعت و معدن	معدن	صنعت
۱۳۷۹	۰,۹۸	۰,۰۱	۲,۲۱
۱۳۸۰	۱,۱۶	۰,۰۷	۲,۳۹
۱۳۸۱	۱	۰,۰۴	۲,۲۴
۱۳۸۲	۰,۹۳	۰,۰۱	۲,۱۲
۱۳۸۳	۰,۸	۰,۰۱	۲
۱۳۸۴	۰,۷۵	۰,۰۱	۲,۰۳
۱۳۸۵	۰,۸۷	۰,۰۱	۲,۲۷
۱۳۸۶	۰,۷۹	۰,۰۱	۲,۱۴
۱۳۸۷	۰,۹۲	۰,۰۱	۲,۲۸
۱۳۸۸	۱,۱۳	۰,۰۱	۲,۴۳
۱۳۸۹	۰,۹۸	۰,۰۱	۲,۱۱
۱۳۹۰	۰,۹۶	۰,۰۱	۲,۰۸
۱۳۹۱	۱,۲۱	۰,۰۲	۲
۱۳۹۲	۱,۱۹	۰,۰۱	۲,۰۹

بررسی روند بخشهای اقتصادی ساختمان، آب، برق و گاز : بررسی رشته فعالیت بخشهای اقتصادی آب، برق و گاز طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در برخی از سالها کمتر از ۱ بوده و در برخی از سالها بیشتر از ۱ می باشد. مقدار این ضریب تا سال ۱۳۸۷ بیشتر از ۱ بوده بنا

براین استان در این رشته فعالیت، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل داشته است. متأسفانه مقدار این ضریب از سال ۱۳۸۸ به بعد کمتر از ۱ بوده بنا براین استان در این رشته فعالیت، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل نداشته است و با توجه به سهم جمعیتی و نیز سهم محصول ناخالص داخلی استان (حدود ۱/۶ درصد)، سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان از ارزش افزوده رشته فعالیت کشور سهم مطلوبی نمی باشد. اما بررسی رشته فعالیت ساختمان طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ نشان می دهد که مقدار ضریب مکانی در همه سالها بیشتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل داشته و همچنین سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان به ارزش افزوده رشته فعالیت کشور درمقایسه با سهم جمعیتی و نیز محصول ناخالص داخلی استان از کشور (حدود ۱/۶ درصد) از سهم بیشتری برخوردار است (جدول ۳).

جدول ۳- ساختمان، آب، برق و گاز

سال	ضریب مکانی		
	کل بخش ساختمان، آب، برق و گاز	تامین آب، برق و گاز	ساختمان
۱۳۷۹	۰,۹۸	۰,۵۷	۱,۱۷
۱۳۸۰	۱,۱۱	۰,۸۶	۱,۲۱
۱۳۸۱	۱,۰۲	۱,۰۱	۱,۰۲
۱۳۸۲	۱,۳	۰,۶۹	۱,۶
۱۳۸۳	۱,۳۹	۰,۷۸	۱,۶۸
۱۳۸۴	۱,۴۷	۰,۵۶	۱,۹۳
۱۳۸۵	۱,۰۵	۰,۶۱	۱,۲۶
۱۳۸۶	۱,۲۵	۰,۶۶	۱,۵
۱۳۸۷	۱,۰۱	۰,۶۴	۱,۱۶
۱۳۸۸	۰,۸۹	۰,۷۳	۰,۹۴
۱۳۸۹	۰,۷۷	۰,۵۱	۱,۱
۱۳۹۰	۰,۹۹	۰,۸۵	۱,۱۸
۱۳۹۱	۰,۸۵	۰,۶۶	۱,۰۸
۱۳۹۲	۰,۹۴	۰,۵۸	۱,۴۹

بررسی روند بخشهای اقتصادی خدمات: در خصوص رشته فعالیت بخشهای اقتصادی خدمات ضریب مکانی با توجه به اینکه از سال ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۹۲ دارای روندی متفاوت بوده است به طوریکه از ابتدای

دوره تا سال ۱۳۸۹ دارای افزایش و سپس دچار کاهش شده یافته است و در تمام سال ها ضریب مکانی کمتر از ۱ بوده است. بنا براین استان در این رشته فعالیت ها، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل نداشته است و با توجه به سهم جمعیتی و نیز سهم محصول ناخالص داخلی استان (حدود ۱/۶ درصد)، سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استان از ارزش افزوده رشته فعالیت کشور سهم مطلوبی نمی باشد. بررسی نشان می دهد که فقط رشته فعالیت های هتل ، رستوران و آموزش طی سالهای ۹۲-۱۳۷۹ که مقدار ضریب مکانی در اکثر سالها بیشتر از ۱ می باشد. بنا براین استان در این رشته فعالیت ، نسبت به کشور مزیت نسبی بالفعل داشته است (جداول ۴).

جدول ۴- ضریب مکانی بخشهای اقتصادی خدمات

سال	کل بخش خدمات	عمده فروشی خرده و کالاهای	هتل و رستوران	حمل و نقل، ارتباطات و ارتباطات	واسطه مریهای مالی	استعداد	آموزش و تفریح خدمات شهری و خدمات کسب و کار	آموزش	پیداکنند و بهداشت اجتماعی	سایر خدمات عمومی اجتماعی شخصی و خانگی
۱۳۷۹	۰.۷۷	۰.۹۵	۰.۹۲	۰.۵۳	۰.۵	۰.۷۳	۰.۷۱	۰.۹۱	۰.۷۶	۰.۶۷
۱۳۸۰	۰.۷۵	۰.۸۶	۰.۹۱	۰.۵۱	۰.۴۵	۰.۷۶	۰.۶۹	۰.۸۹	۰.۷۹	۰.۸۶
۱۳۸۱	۰.۸۴	۰.۹۵	۱.۰۸	۰.۶۱	۰.۵۷	۰.۷۹	۰.۷۸	۱.۰۹	۰.۹۱	۰.۹۶
۱۳۸۲	۰.۸۵	۰.۹۱	۱.۱۷	۰.۶۳	۰.۶۸	۰.۹	۰.۷۵	۱.۱۳	۰.۹۱	۱.۱
۱۳۸۳	۰.۹۲	۱	۱.۲۲	۰.۶۵	۰.۴۸	۱.۰۱	۰.۷۹	۱.۲۱	۰.۹۸	۱.۱
۱۳۸۴	۰.۹۵	۰.۹۸	۱.۲	۰.۷۱	۰.۶۶	۰.۹۷	۰.۷۸	۱.۵۸	۰.۹	۱.۲
۱۳۸۵	۰.۹۲	۰.۹۵	۱.۱۳	۰.۷۱	۰.۵۵	۰.۹۴	۰.۸۴	۱.۳۹	۰.۸۴	۱.۰۶
۱۳۸۶	۰.۹۶	۱.۰۴	۱.۱۴	۰.۷۹	۰.۶	۰.۹۹	۰.۹۳	۱.۱۷	۰.۸۹	۱.۰۴
۱۳۸۷	۰.۸۹	۰.۹۳	۱.۰۳	۰.۷۲	۰.۴۴	۱.۰۲	۰.۸۴	۱.۰۹	۰.۸۱	۰.۹۹
۱۳۸۸	۰.۸۵	۰.۹۱	۰.۹۸	۰.۷۳	۰.۴۲	۰.۹۳	۰.۷۷	۱.۰۴	۰.۷۹	۰.۹۸
۱۳۸۹	۰.۹۲	۰.۸۶	۱.۱۵	۰.۸	۰.۴۹	۱.۰۲	۰.۸	۱.۲۱	۱.۰۴	۱.۳۱
۱۳۹۰	۰.۸۹	۰.۸۶	۱.۰۴	۰.۷۹	۰.۵۹	۰.۹۸	۰.۸۷	۱.۱۱	۰.۹۱	۰.۹۸
۱۳۹۱	۰.۸	۰.۷۹	۱	۰.۷۵	۰.۵۵	۰.۸	۰.۸	۱	۰.۹	۰.۷۹
۱۳۹۲	۰.۷۷	۰.۷۶	۰.۹۶	۰.۶۵	۰.۴۸	۰.۸۳	۰.۷۸	۰.۹۸	۰.۸۸	۰.۸۳

نتیجه گیری و پیشنهادات

۱- ضریب مکانی شاخص بسیار مهم برای بررسی و ارزیابی عملکرد بخش های اقتصادی در سطح استان طی دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ می باشد. مقایسه این شاخص نشان می دهد که رشته فعالیت های عمده اقتصادی کشاورزی و صنعت استان بیشتر از ۱ بوده و لذا این فعالیت های اقتصادی استان از مزیت نسبی بیشتری نسبت به کل کشور برخوردار می باشند. بنابر اینمی توان نتیجه گرفت که این فعالیت ها برای سرمایه گذاری جایگاه مناسبتری نسبت به سایر فعالیت های اقتصادی در استان دارند. گزارشات اقتصادی و پژوهشهای انجام شده در استان طی سالها، همگی مؤید این مطلب است که در باب اول به دلیل موقعیت مناسب خاک و آب دشت قزوین، استان از ویژگی خاص و مناسبی در بخش کشاورزی برخوردار می باشد و در باب دوم به دلیل وجود صنایع قدیمی و شهرک های صنعتی متعدد و فعال، بخش صنعت استان دارای جایگاه ویژه ای در بین بخشهای اقتصادی می باشد. و همین موضوع در نتیجه این پژوهش تایید گردیده است.

۲- با استفاده از این نتایج می توان در آموزش های کارآفرینی متناسب با مزیت های نسبی زیر بخش های اقتصادی و نیاز بازار کار استان سرمایه گذاری مطلوب تری صورت پذیرد.

۳- از فعالیت های اقتصادی استان که مزیت نسبی بیشتری نسبت به کل کشور برخوردار می باشند ۲ فعالیت اولویت دارمربوط به بخش کشاورزی بوده، ۱۲ فعالیت اولویت دار مربوط به بخش صنعت معدن بوده و ۳ فعالیت اولویت دارمربوط به بخش آب، برق، گاز و ساختمان بوده و ۴ فعالیت اولویت دارمربوط به بخش خدمات می باشند.

فعالیت های اقتصادی اولویت دار بخش کشاورزی استان عبارتند از :

۱- زراعت و باغداری؛

۲- دامداری، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل و شکار.

فعالیت های اقتصادی اولویت دار بخش صنعت ومعدن استان عبارتند از:

۱- ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیک، ابزار دقیق و انواع ساعت؛

۲- ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل ؛

۳- ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی؛

- ۴- ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک؛
 - ۵- ساخت ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر؛
 - ۶- ساخت سایر محصولات کانی غیر فلزی؛
 - ۷- ساخت کاغذ و محصولات کاغذی؛
 - ۸- ساخت منسوجات؛
 - ۹- ساخت ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر؛
 - ۱۰- ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات؛
 - ۱۱- ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی؛
 - ۱۲- ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی.
- فعالیت های اقتصادی اولویت دار بخش آب، برق، گاز و ساختمان استان عبارتند از :

- ۱- آب؛
 - ۲- سایر ساختمان ها؛
 - ۳- ساختمان های مسکونی.
- فعالیت های اقتصادی اولویت دار بخش خدمات استان عبارتند از:

- ۱- آموزش عالی خصوصی؛
- ۲- دامپزشکی؛
- ۳- رستوران.

منابع

- تفضلی، فریدون (۱۳۸۱). تاریخ عقاید اقتصادی، ویراست دوم، تهران، نشر نی.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳). تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

- ژید، شارل. و ریست، شارل. (۱۳۷۰). تاریخ عقاید اقتصادی. ترجمه کریم سنجابی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶). سیر اندیشه اقتصادی، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه کشور مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). حسابهای ملی ایران، حسابهای منطقه ای، حساب تولید استانهای کشور ۸۰-۱۳۷۹، تهران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی مرکز آمار ایران.
- نمازی، حسین (۱۳۸۷). نظامهای اقتصادی، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- نور بخش، میم. (۱۳۷۵). بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات، رساله کارشناسی ارشد.
- نوایی، اسفندیار (۱۳۷۵). نگرشی بر نظامهای اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات منصوری.
- نهاوندی، هوشنگ (۱۳۵۲). تاریخ مختصر عقاید اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- Alhowaish ,A.K.; Alsharikh, M.A.; Ala smail, M.A & Alghamdi, Z.A. (2015). Location Quotient Technique and Economy Analysis of Regions: Tabuk Province of Saudi Arabi a as a Case Study, International Journal of Science and Research (IJSR), volume: 4, issue: 12, 1756-1761.
- Malte ,J. (2015). A Location Quotient-based Interregional Input-Output (IRIOLQ) Framework, Hamburg Institute of International Economics(HWWI Research), 161.

بررسی و تعیین میزان بلوغ سازمانی

سرمایه انسانی در بخش دولتی استان قزوین

اسماعیل عبدالعلی^۱، حمید حبیبی^۲، محمد فاضل صابونی^۳، سید جلال حسینی^۴، داریوش عنادی^۵

چکیده

یکی از مهمترین اقدامات در زمینه توسعه و ارتقای سرمایه های انسانی، ارزیابی مجموعه عوامل و شرایط موثر بر توانمندی منابع انسانی در راستای تحقق اهداف سازمان می باشد که از این طریق بتوان بلوغ سازمانی سرمایه انسانی را سنجید. هدف این پژوهش ارزیابی و سنجش بلوغ سازمانی سرمایه انسانی تعدادی از سازمانهای دولتی مهم و تاثیرگذار در رشد و توسعه استان قزوین بر مبنای مفهوم مدل های بلوغ قابلیت کارکنان و بلوغ مدیریت دانش در سازمان می باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش، از نوع توصیفی پیمایشی بوده که بعد از تعیین حجم نمونه برای سازمانهای مورد مطالعه (۹ سازمان دولتی) داده های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه با روایی مناسب و پایایی ۸۵ درصد جمع آوری و بوسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق بر اساس محرک های مدیریت سرمایه انسانی که شامل شیوه های اعمال رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری می باشند، میزان بلوغ سازمانی، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد درصد بلوغ سازمانی دستگاه های اجرایی مورد مطالعه بطور میانگین در محرکهای شیوه های اعمال رهبری ۶۲ درصد، مشارکت کارکنان ۵۷ درصد، دسترسی به دانش ۶۲/۱۵ درصد، بهینه سازی نیروی کار ۵۸/۲۵ درصد و ظرفیت یادگیری ۵۹/۷۶ درصد می باشد. هر کدام از محرکهای مورد تحقیق از مجموعه ای از عوامل تشکیل شده اند که درصد تاثیرگذاری آنها در سازمانهای مورد مطالعه، محاسبه گردید. بر اساس نتایج آزمون فریدمن، رتبه بندی بازده هریک از محرکها در سازمانهای مورد مطالعه از دیدگاه پاسخگویان به ترتیب رتبه، دسترسی به دانش، شیوه های اعمال رهبری، ظرفیت یادگیری، بهینه سازی نیروی کار و مشارکت کارکنان می باشند. در نهایت رتبه سازمانها بر اساس شاخص های مربوطه محاسبه و پیشنهادات بهبود جهت ارتقای بلوغ مدیریت سرمایه انسانی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، ظرفیت یادگیری و بلوغ سازمانی.

۱- نویسنده مسئول : کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، رئیس گروه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- لیسانس اقتصاد بازرگانی، مدیر امور اداری، مالی و پشتیبانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، رئیس گروه جهاد کشاورزی استان قزوین .

۵- لیسانس حقوق، کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

مدیریت سرمایه انسانی و توجه به دارایی های نامشهود در سالهای اخیر مورد توجه ویژه سازمانهای سرآمد قرار گرفته و در عمل به عامل موفقیت و بهره وری تبدیل شده است و در کشورهای پیشرفته سهم سرمایه انسانی در شرکت ها ۷۰ درصد است ولی در ایران این سهم فقط ۳۴ درصد است (ابوالعالی، ۱۳۸۶: ۴). دارایی های نامشهود به عنوان دانشی که در سازمان وجود دارد و مزیتی متفاوت تولید می کند، تلقی می شود. دارایی های نامشهود زمانی تبدیل به سودآوری می شود که بتوان به نحو مطلوب آن را مدیریت نمود. برای مدیریت سرمایه های انسانی روشهای متفاوتی وجود دارد، یکی از روشها محرک های پنجگانه اقدامات رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری می باشد که می توان با مجموعه عوامل هر یک از محرکها برای مدیریت سرمایه انسانی استفاده کرد، بطوریکه از طریق پیاده سازی محرک های مذکور می توان سطح بلوغ و اثربخشی سرمایه های انسانی را ارتقاء و عملکرد سازمان را بهبود بخشید. مدیریت صحیح سرمایه های انسانی از طریق فراهم آوردن فرصت برای رشد کارکنان، ایجاد انگیزه های پایدار، مشارکت دادن کارکنان در تصمیم گیری ها، ایجاد فضای کار تیمی و اطلاع رسانی به موقع به کارکنان، تعهد و وفاداری آنها را به دنبال دارد. پژوهش حاضر مؤلفه های اصلی مرتبط با مدیریت سرمایه انسانی را مورد مطالعه قرار داده تا ضمن تعیین وضعیت بلوغ آن، نقاط قوت و ضعف شناسایی و در جهت بهبود آن گامهای لازم برداشته شود.

بسیاری از سازمانها توجه کمی به سرمایه گذاری روی نیروی انسانی دارند توجه به این مساله در بخش دولتی که تامین کننده نیازهای اساسی جامعه است، بسیار حیاتی می باشد. در طول دهه های گذشته سازمانهای پیشرو بر روی ایجاد سیستمی برای ارزیابی مدیریت سرمایه انسانی، پیش بینی عملکرد سازمانی و راهنمایی سرمایه گذاری سازمانها بر روی افراد کار کرده اند که در این حوزه سازمانها بیش از پیش به ارزش بلند مدت سرمایه گذاری سازمانها بر روی سرمایه انسانی پی برده اند، بنابراین سؤال اساسی این تحقیق این است که توجه به مدیریت سرمایه انسانی در سازمانهای بخش دولتی در چه سطحی قرار دارد. امروزه سرمایه انسانی اهمیت فراوانی پیدا کرده است به طوری که آن را ابزاری ارزشمند برای توسعه دارائی های کلیدی یک سازمان می دانند. سرمایه انسانی، زاده عرصه علم و دانش است. هنوز این واژه در دوران تکوین خود به سر می برد و این سرمایه استراتژیک بعنوان عامل کلیدی رشد و توسعه هر سازمانی محسوب می شود. با توجه به ویژگیهای منابع انسانی در مدیریت دولتی سنتی اعم از تمرکزگرایی، هزینه زا بودن کارکنان و ... امروزه ویژگی اصلی مدیریت دولتی نوین توجه به قابلیت و توانمندیهای کارکنان، ارزش سرمایه انسانی و نوآوری و ابتکارات کارکنان بالاخص در سازمانهای

دولتی می باشد. با توجه به اهمیت مزیت رقابتی در اداره سرمایه های انسانی، کلید عملی ساختن و تحقق چنین هدفی توجه به رویکرد مدیریت سرمایه انسانی می باشد که به تحقق اهداف کلان دستگاههای دولتی منجر می شود. از سوی دیگر ساختهای سازمانی و رفتار مدیریت باید پاسخگوی تفاوتهای فرهنگی و آموزشی موجود در نیروی کار باشند. کارکنان بالغ و مسئول به یک سازمان انعطاف پذیر، رهبری تحول آفرین و کنترل هدایت گرا نیاز دارند تا توانائیهای بالقوه خود را بکار گیرند. کارکنان نابالغ و تعلیم نیافته به یک سازمان ساخت دار، توجه فردی و کنش متقابل شخصی توأم با سرپرستی و نظارت مستقیم نیاز دارند تا استعدادهای خود را پرورش دهند. شاید آگاهی فزاینده مدیریت از تغییرات فرهنگی بتواند ساختهای سازمانی و رفتار مدیریت را متناسب کارکنان ساخته از این طریق به سازمانها کمک کند تا قابلیت بالقوه خود را برای تولید به حداکثر برسانند و تاثیر خود را بر مشکلات نوپدید جامعه افزایش دهند. (هرسی و بلانچارد، ۱۳۹۴).

از آنجایی که هر تحقیق علمی باید دارای اهداف از پیش تعیین شده ای باشد لذا در تحقیق حاضر نیز هدف اصلی پژوهش تعیین سطح بلوغ و اثر بخشی مدیریت سرمایه انسانی در سازمانهای بخش دولتی قزوین براساس محرکهای مدیریت سرمایه انسانی از طریق بررسی و محقق ساختن این اهداف می باشد: ۱- تعیین سطح اثربخشی و بلوغ شیوه های اقدامات رهبری ۲- تعیین سطح اثربخشی و بلوغ مشارکت کارکنان ۳- تعیین سطح اثربخشی و بلوغ دسترسی به دانش ۴- تعیین سطح اثربخشی و بلوغ ظرفیت یادگیری ۵- تعیین سطح اثربخشی و شیوه های بهبود نیرو کار .

این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به این سوالات می باشد: ۱- میزان بلوغ و اثربخشی محرک شیوه های اقدامات رهبری چقدر است؟ ۲- میزان بلوغ و اثربخشی محرک مشارکت کارکنان چقدر است؟ ۳- میزان بلوغ و اثربخشی محرک دسترسی به دانش چقدر است؟ ۴- میزان بلوغ و اثربخشی محرک ظرفیت یادگیری و رشد و بهینه سازی نیروی کار چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه

مفاهیم و تعاریف سرمایه انسانی: تعاریف متعددی از سرمایه انسانی مطرح شده که هر یک ویژگیهای متفاوتی را از سرمایه انسانی مورد تاکید قرار می دهند که به تعدادی از این تعاریف اشاره می گردد:

- سرمایه انسانی ثروت مولد مجسم در کار، مهارت و دانش است (سازمان ملل متحد نیویورک، ۱۹۹۷).

- پیتر هوتز (۱۹۹۸) سرمایه انسانی را در زمان، تجربه، هدف و توانایی‌های یکی از افراد خانوار که می‌تواند در فرایند تولید نقش داشته باشد معرفی می‌کند. در اغلب موارد موفقیت سازمانی به افرادی بستگی دارد که سطح بالاتری از شایستگی‌ها را دارا هستند در چنین شرایطی است که این افراد تبدیل به سرمایه‌های با ارزشی برای سازمان می‌شوند به عبارت دیگر سرمایه انسانی را می‌توان به عنوان یکی از عوامل تولیدی که می‌تواند ارزش افزوده بالایی را برای سازمان و اجتماع داشته باشد قلمداد کرد.

- تعریف جدیدی که از سرمایه انسانی شده است سرمایه انسانی را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، تجارت زندگی، دانش، خلاقیت، نوآوری و انرژی معرفی می‌نماید که افراد آن را جهت سرمایه‌گذاری در کار خود انتخاب می‌کنند (لسلی و ذرلی، ۲۰۰۳).

- سرمایه انسانی عبارت است از سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی جهت افزایش بازدهی آنها که این هزینه‌ها با هدف بهره‌برداری در آینده انجام خواهد شد. از این رو است که سازمان یادگیرنده سرمایه‌گذاری بر روی افراد را انتخاب می‌کنند به این خاطر که افراد در واقع سرمایه‌های انسانی با ارزشی می‌باشند که دارای کیفیت‌های متفاوتی هستند (بورود و تومولو، ۲۰۰۴).

به طور کلی می‌توان گفت که سرمایه سازمانی مجموعه‌ای منسجم از ویژگی‌های کیفی تحصیلی مهارتی و فرهنگی افراد سازمانی است که سبب ایجاد ارزش افزوده برای سازمان گردد.

اندازه‌گیری مدیریت سرمایه انسانی: برای ارزیابی مدیریت سرمایه انسانی مدل‌ها و روشهای متعددی وجود دارد که یکی از روشهای موجود در این خصوص، روش محرک‌های پنجگانه‌ای که توسط باسی و مک مورر^۱ ارائه شده است و مجموعاً دارای بیست و سه ساز و کار اجرایی است در پژوهشهای مختلف از آنها استفاده شده است و در زمینه الگوی سنجش سرمایه‌های انسانی، رویکردهای متفاوتی وجود دارد که می‌توان آنها را به این شرح خلاصه نمود. الف) رویکرد هزینه‌های پرسنلی (اواسط دهه ۱۹۶۰) که دنبال بهره‌گیری مالی از جذب کارکنان می‌باشد. ب) رویکرد حسابداری منابع انسانی (اواخر دهه ۱۹۶۰) که به دنبال ارزش‌گذاری مالی سرمایه انسانی بوده است. ج) رویکرد مدیریت سرمایه انسانی (اواخر دهه ۱۹۷۰) که به دنبال یادگیری و انتشار دانش بعنوان استراتژی مدیریت می‌باشد (خاکی، ۱۳۸۴: ۱۴۸). فرآیند اندازه‌گیری آمادگی سرمایه انسانی با شناسایی شایستگی‌هایی آغاز می‌شود که افراد برای اجرای فرآیندهای کلیدی نقشه استراتژی سازمان به آنها نیاز دارند. شغل‌های استراتژیک موقعیت‌هایی است که در آن کارکنان واجد شایستگی‌های لازم بوده و بیشترین تأثیر را بر تقویت فرآیندهای داخلی هم دارند.

مراحل سنجش سرمایه های انسانی : برای سنجش سرمایه های انسانی طی مراحل زیر لازم

است:

گام اول شناسایی شغل های استراتژیک: برخی شغل ها نسبت به بقیه، تأثیر بیشتری بر توفیق استراتژی سازمان دارند. در فرآیند مدیریت سرمایه انسانی باید چندین شغل استراتژیک را که بر استراتژی سازمان تأثیر فوق العاده ای دارند شناسایی نموده و بر آنها متمرکز شد. (کاپلان و نورتون، ۱۳۸۴: ۲۴۸).

گام دوم ایجاد پروفایل شایستگی: پروفایل شایستگی دانش، مهارت ها و ارزش های لازم برای موفقیت در یک پست شغلی را توصیف می کند. پروفایل شایستگی مرجعی برای واحد منابع انسانی است که می تواند برای انتصاب، استخدام، آموزش و توسعه افراد در پست های مشخص به کار رود. پروفایل شایستگی دارای سه جزء دانش، مهارت ها و ارزش ها هستند.

گام سوم ارزیابی آمادگی سرمایه انسانی: در این گام سازمانها قابلیت ها های فعلی کارکنان خود را در شغل های استراتژیک ارزیابی می کنند. ارزیاب ها از رویکردهای کلی تا ارزیابی عملکرد و قابلیت افراد استفاده می کنند. در یک سوی طیف هر فردی از خود ارزیابی در مقایسه با نیازهای شغلی استفاده و سپس با مدیر یا راهنما درباره آن بحث می شود. گاهی نیز ارزیاب از بازخورد ۳۶۰ درجه استفاده و از همکاران، مدیران ارشد و زیردستان درباره موضوع های مرتبط با عملکرد فرد سؤال می کند.

گام چهارم برنامه توسعه سرمایه انسانی: برای توسعه سرمایه انسانی دو رهیافت ارائه شده است، یکی مدل شغل های استراتژیک که سازمان برنامه های منابع انسانی خود را به چند شغل مهم متمرکز می کند و دیگری مدل ارزش های استراتژیک است که بر این منطق استوار است که استراتژی شامل ارزش ها و اولویت هایی است که در پیشبرد آن تمام افراد سازمان نقش دارند، بهتر آن است که هر دو مدل به تناسب شرایط مورد استفاده قرار گیرد (کاپلان و نورتون، ۲۵۶: ۲۵۴). نظریه پردازانی که در زمینه توانمندسازی سرمایه های انسانی تحقیق کرده اند عوامل مختلفی را به عنوان عوامل مؤثر در توانمندسازی سرمایه انسانی ذکر کرده اند که از آن جمله بلانچارد (اطلاعات، کار تیمی، سبک رهبری، مسئولیت و مشارکت) اسکاف (کار تیمی، مسئولیت، مشارکت، هدایت گری مدیر، روشن بودن چشم انداز) راندولف (اطلاعات، مشارکت، تعلق سازمانی، غنی سازی شغل، هدایت گری مدیر) را عوامل توسعه سرمایه های انسانی دانسته اند (منوریان، ۱۳۸۵، ۱۹۳) برای توانمندسازی و توسعه سرمایه های انسانی نیاز است نظام کیفیت زندگی کاری آنها مورد توجه قرار گیرد مدل کیفیت زندگی کاری برای توسعه سرمایه های انسانی از چهار بعد تشکیل شده است: ۱- بعد ساختاری: که به مؤلفه هایی از قبیل سیاست های سازمانی، نظام حقوق و مزایا، شرایط کار ایمنی، زمان کار انعطاف پذیر و امنیت شغلی اشاره دارد.

۲- بعد مدیریتی: که به مؤلفه های کیفیت مدیریت و سرپرستی، نظام بازخوردی، پرورش استعدادها و مهارت ها (آموزش و توسعه)، امکان رشد و پیشرفت در کار و مشارکت در تصمیم گیری اشاره دارد. ۳- بعد روان شناختی: که به مؤلفه هایی از قبیل اهمیت و معنی داری، چالش برانگیز بودن شغل، هویت و استقلال در کار و تنوع فعالیتها اشاره دارد. ۴- بعد اجتماعی: که این بعد به مؤلفه انسجام اجتماعی در محیط کار، سازگاری و تعادل مناسب بین شغل و جنبه های فردی اشاره دارد (بزاز جزایزی، پرداختچی، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

مفهوم بلوغ: مفاهیم پایه ای و زیربنای بلوغ متضمن این موضوع می باشند که سازمان های بالغ به شکل سازمان یافته عمل می کنند، در حالی که در سازمان های نابالغ دستیابی به نتایج در نتیجه تلاش های قهرمانانه افراد در استفاده از رویکردهایی است که کم یا زیاد به طور خود انگیزه یا خود جوش آنها را به وجود آورده اند. در بعضی از مراجع مدل بلوغ فرآیندی و در توضیح مفهوم بلوغ از واژه هایی مانند پیش بینی پذیری، کنترل و یا اثربخشی استفاده می شود. پیش بینی پذیری به استفاده از برنامه های زمان بندی شده، معیارها و اهدافی که محقق شده اند اشاره دارد. سازمان های نابالغ غالباً برنامه زمان بندی برای انجام فعالیتها و ماموریت خود تدوین می کنند، اما بعدها غالباً در عمل با انحراف زیاد از معیارها و شاخص ها از اهداف پیش بینی شده خود دور می شوند. سازمان های بالغ برنامه های زمان بندی شده را تنظیم می کنند و دائماً آن را محقق می سازند. در این رابطه کنترل که به ساز و کارهایی اشاره دارد، عامل مهمی است که سازمان ها با استفاده از آن به اهداف خود نائل می شوند. سازمان های بالغ کاملاً، مستمراً و با کمترین انحراف اهداف خود را محقق می سازند. سازمان های نابالغ هرگز این اطمینان را ندارند که کدام اهداف محقق می شود؟ و احتمال تحقق معیارهای مورد نظر در دامنه زمانی معین و مشخص چه مقدار است. سازمان های بالغ به اهدافی دقیق دست می یابند که تعهد کرده بودند به دست می آورند. سازمان های نابالغ غالباً به بعضی از اهداف نائل شده و به بعضی از اهداف نمی رسند. علاوه بر این در بسیاری از موارد، کیفیت ممکن است به اندازه کافی خوب نباشد و هزینه ها ممکن است فراتر از آنچه که مدیریت می خواهد باشند. از نظر دیگر، سازمان های بالغ دارای فرآیندهای سازمان یافته و نظام مند بوده و شیوه های انجام کار مستند شده دارند. داده های گذشته را جمع آوری می کنند و برای پیش بینی نتایج تلاش های مشابه در آینده مورد استفاده قرار می دهند. در این بخش از تحقیق به معرفی تعدادی از مهمترین الگوها و مدل های گوناگون بلوغ که معمولاً مبنای سنجش و ارزیابی بلوغ قرار می گیرد، به شرح جدول ۱ زیر می پردازیم:

جدول ۱- الگوها و مدل‌های گوناگون بلوغ

ردیف	عنوان مدل	نماد	شرح نماد	توضیحات
۱	مدل بلوغ قابلیت	CMM	Capitable Maturity Model	مدل بلوغ قابلیت برای توسعه فرآیندهای سازمانی، چهارچوبی را برای بهبود فرآیندهای سازمان ارائه می‌دهد که توسط آن سازمان می‌تواند بهبود را به شکل مرحله‌ای و پله‌ای به پیش ببرد. این مدل امروزه بیشترین کاربرد را در سازمانهای تولید نرم‌افزار دارد.
۲	مدل بلوغ مدیریت پروژه	OPM ^۳	Organizational Project Management Maturity Model	هدف این مدل، کمک به سازمانها برای درک مدیریت پروژه سازمانی و سنجش میزان بلوغ آنها در مقایسه با معیارهایی است که از آنها با عنوان راهکارهای برتر (Best Practices) مدیریت پروژه سازمانی یاد می‌شود
۳	مدل بلوغ قابلیت کارکنان	P-CMM	People Capitable Maturity Model	این مدل، نقشه مسیر و راهنمایی است برای تشخیص، طراحی و پیاده سازی و اجرای فرآیندهای مرتبط با منابع انسانی که به گونه‌ای مستمر منجر به ارتقای قابلیت‌های منابع انسانی می‌شود
۴	مدل بلوغ مدیریت دانش	KM ^۳	Knowledge Management Maturity Model	هدف این مدل، اشتراک دانش، جریان مطمئن اطلاعاتی بالا به پایین، سیستم اندازه گیری، یادگیری سازمانی، دانش محوری سازمانی، فرایند محوری در اشتراک دانش، بهبود مستمر فرآیند و خودشکوفایی سازمانی است
۵	مدل بلوغ فرآیندی	PMF	Process Maturity Framework	این مدل چارچوبی برای بلوغ فرآیندهای سازمانی ارائه می‌نماید.
۶	مدل بلوغ معماری سرویس‌گرا	SOAMM	Service Oriented Architecture Maturity Model	هدف این مدل پشتیبانی از فرایند تدریجی پذیرش SOA و ارائه روشهای نمونه برای این فرآیند است. تمرکز این مدل روی بلوغ سرویس‌ها در SOA است.
۷	مدل بلوغ یکپارچگی سرویس‌ها	SIMM	Service Integration Maturity Model	هدف این مدل مانند SOAMM پشتیبانی از فرایند تدریجی پذیرش SOA و ارائه روشهای نمونه برای این فرآیند است. اما توجه به این مسئله مهم است که این مدل درباره بلوغ SOA بحث نمی‌کند، بلکه تمرکز این مدل روی بلوغ یکپارچگی سرویس‌ها است.

مدلهای فوق الذکر تنها برگزیده ای تعداد بیشماری از مدلهای بلوغ در زمینه های مختلف است و امروزه سازمانها و بنگاههای اقتصادی در هر حوزه فعالیتی مجموعه ای از بهترین عملها^۱ را در اختیار دارند که انتخاب مدل یا مدلهای نزدیک و همسو با کسب و کار و چشم اندازهای آنها کمک کننده در ارتقاء آن سازمانها می باشد که به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

در اکثر این مدلها سطوح ۵ گانه سطح بلوغ تعریف شده است که از سطح ۱ تا ۵ مطابق جدول (۲) نامگذاری می گردد و در هر یک از مدل ها برای هر سطحی یک عنوان منحصر به مدل نیز وجود دارد که به لحاظ تعریف دستاوردها کاملاً نزدیک به هم می باشند، البته این ۵ سطح قانون نیست و در برخی مدلها مانند مدل KM ۳ تعداد سطوح به ۸ سطح می رسد.

جدول ۲- سطوح پنج گانه بلوغ

سطح	عنوان سطح	توضیحات عمومی
۱	Firefighter or Initial	این اولین مرحله است که ممکن است هر سازمانی در آن قرار داشته باشد در این مرحله هیچ قانونی حکمفرما نیست و حتی گاهی هرج و مرج نیز برقرار می باشد لذا برای رسیدن به این مرحله احتیاج به انجام هیچ فرآیند اصل (Key Process) نمی باشد.
۲	Repeatable	مرحله ای است که سازمان تا حدی قانونمند شده است به عبارتی سازمان در این مرحله می تواند میتواند موفقیت های قبلی خود را در شرایط مشابه تکرار کند. لازم به ذکر است اگر مشتری درصدد انتخاب سازمانی برای پشتیبانی محصولات خریداری شده می باشد این مرحله Minimum Level برای انتخاب می باشد.
۳	Defined	در این مرحله بر اساس قانونمندی نسبی که در سطح سازمان حکمفرماست دستورالعمل ها و رویه و استانداردهایی در سطح سازمان تعریف و مستند سازی می شود و می توان در این مرحله سرویسهای ارائه شده را به طور منسجم سازماندهی کرد و ارتقا داد.
۴	Managed	در این مرحله سازمان در جایگاهی قرار دارد که می تواند اهداف کیفی کمیت پذیر را شناسایی کرده و ارتقا دهد، به عبارتی می تواند نسبت به کیفیت ارزیابی کمیتی داشته باشد.
۵	Optimized	در این مرحله سازمان می تواند برنامه ریزی های کوتاه مدت و میان مدت داشته و اهداف خاصی را بر اساس این برنامه ها تعیین کند. در این جایگاه سازمان میتواند تکنولوژی و یا سرویس جدید ارائه دهد و ارتقاء مداوم داشته باشد.

در این پژوهش ضمن بررسی مدلها و الگوی مختلف سنجش بلوغ سازمانی، از مفهوم الگوی قابلیت بلوغ کارکنان و مدل بلوغ مدیریت دانش در تعیین و سنجش بلوغ سازمانی مدیریت سرمایه انسانی

استفاده شده است. با توجه به بررسی های صورت گرفته در سطح داخل کشور، پژوهش های قابل توجه ای در این خصوص صورت نگرفته است.

روش شناسی

روش تحقیق مجموعه ای از قواعد، ابزارها و راه های معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیت ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است. اتخاذ روش تحقیق علمی تنها راه دستیابی به دستاوردهای قابل قبول علمی است (خاکی، ۱۳۸۴).

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی-پیمایشی است از آن جا که به بررسی وضع موجود می پردازد در قلمرو تحقیقات توصیفی قرار دارد و از طرف دیگر به بررسی نظرات کارکنان در خصوص میزان بلوغ مدیریت سرمایه انسانی می پردازد، از نوع تحقیقات پیمایشی قلمداد می گردد.

روایی و پایایی: مقصود از روایی یا اعتبار آن است که وسیله اندازه گیری به واقع بتواند خصیصه مورد نظر را بسنجد. به عبارت دیگر، مفهوم روایی به این سؤال پاسخ می دهد که ابزار اندازه گیری تا چه حد می تواند خصیصه مورد نظر را بسنجد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

پرسشنامه پژوهش حاضر دارای قابلیت اعتماد بالایی است زیرا ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده $(\alpha = 0.97)$ بیشتر از 0.70 می باشد، بنابراین قابلیت اعتماد پرسشنامه تحقیق حاضر در حد قابل قبولی ارزیابی می شود.

مؤلفه های پرسشنامه پژوهش شامل این موارد می باشد: ۱- ساز و کار های محرک شیوه های اعمال رهبری با چهار سوال شامل ارتباطات، همکاری مدیریت و کارکنان، مهارتهای مدیریتی و سرپرستی و سیستم ها ۲- ساز و کار های محرک مشارکت کارکنان با چهار سوال شامل طراحی شغل، تعهد نسبت به کارکنان، تعادل بین کار و زندگی (زمان) و سیستم های ارزیابی مداوم مشارکت کارکنان ۳- ساز و کار های محرک دسترسی به دانش با چهار سوال شامل همکاری و کار تیمی، تسهیم اطلاعات، تعادل بین کار و زندگی (زمان) و دسترسی به اطلاعات از طریق سیستم ۴- ساز و کار های محرک بهینه سازی نیروی کار با پنج سوال شامل بهینه سازی نیروی کار، فرایندهای تعریف شده، شرایط کار خوب، پاسخگویی، استخدام بر مبنای مهارت، سیستم های اثر بخشی مدیریت عملکرد ۵- ساز و کار های محرک ظرفیت یادگیری با پنج سوال شامل نوآوری، آموزشی، توسعه، ارزش قائل شدن و حمایت، سیستم های یادگیری خودکار می باشد. پرسشنامه مذکور به صورت طیف لیکرت طراحی و دارای ۵ گزینه (کاملاً موافق ۵)، (موافق ۴)، (نظری ندارم ۳)، (مخالف ۲) و (کاملاً مخالف ۱) است. داده های

مورد نیاز پژوهش با استفاده پرسشنامه مذکور از نمونه های تعیین شده با استفاده از فرمول کوکران (۹ دستگاه اجرایی استان) جمع آوری و با بهره گیری از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

در این بخش از تحقیق، نتایج و یافته پژوهش بر اساس داده های جمع آوری شده ارائه می گردد. ابتدا جمع بندی توصیفی مختصری از متغیرهای زمینه ای میزان تجربه و پست سازمانی با توجه به نقش و اهمیت آنها در نتایج بدست آمده پژوهش به این شرح ارائه می گردد: براساس اطلاعات جدول ۳ که نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان تجربه می باشد، مشاهده می شود، اکثریت نمونه های تحقیق (۹۲ نفر) یعنی ۳۱ درصد بیش از ۱۵ سال و (۷۸ نفر) یعنی ۲۶/۳ درصد دارای سابقه ۵ تا ۱۰ سال می باشند. بنابراین میزان تجربه نمونه های مورد بررسی یکی از متغیرهای تعدیل کننده مهم این پژوهش می باشد که شدت و میزان تاثیر گذاری متغیرهای مستقل بر وابسته نشان می دهد.

جدول ۳- آماره های توصیفی مربوط به متغیر میزان تجربه

میزان تجربه پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵ سال	۵۷	۱۹/۲
بین ۵ تا ۱۰ سال	۷۸	۲۶/۳
بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۶۷	۲۲/۶
بیش از ۱۵ سال	۹۲	۳۱
کل معتبر	۲۹۴	۹۹
پاسخ داده نشده	۳	۱
حجم کل نمونه	۲۹۷	۱۰۰

از دیگر متغیرهای تعدیل کننده، عنوان شغلی یا پست سازمانی می باشد که جدول ۴ نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس عنوان شغلی می باشند. همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می شود، اکثریت نمونه های تحقیق (۲۲۵ نفر) یعنی ۷۵/۸ درصد کارمندان و کارشناسان و (۴۳ نفر) یعنی ۱۴/۵ درصد روسا و سرپرستان می باشد. این متغیر نشان نقش و مسئولیت کارکنان در انجام فرایندهای کاری است.

جدول ۴- آماره های توصیفی مربوط به متغیر نوع شغل

عنوان شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
مدیران	۱۵	۵/۱
روسا و سرپرستان	۴۳	۱۴/۵
کارمندان و کارشناسان	۲۲۵	۷۵/۸
کل معتبر	۲۸۳	۹۵/۳
پاسخ داده نشده	۱۴	۴/۷
حجم کل نمونه	۲۹۷	۱۰۰

بررسی سطح اثر بخشی و بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در سازمانهای استان قزوین نشان می دهد بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق، اثر بخشی مدیریت سرمایه انسانی در سازمانهای دولتی مورد مطالعه در سطح استان قزوین پس از یکسان نمودن وزن هر یک از محرک های پنجگانه سرمایه انسانی (شیوه های اعمال رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری) برابر با ۰/۵۹۹۹ از ۱۰۰ یا ۶۰ درصد است. جداول زیر نشان دهنده میانگین و انحراف معیار هر یک از محرکهای مدیریت سرمایه انسانی و اقدامات و شیوه های اعمال آن در سازمانهای دولتی مورد تحقیق در سطح استان قزوین می باشد (میانگین طیف برابر ۳ است).

جدول ۵- جدول ساز و کار های محرک شیوه های اعمال رهبری

شیوه های اعمال رهبری	میانگین	انحراف معیار
ارتباطات	۳/۱۰۱	۱/۱۸۱۲
همکاری مدیریت و کارکنان	۳/۲۳۲	۱/۱۵۲۲
مهارت های مدیریتی و سرپرستی	۳/۰۷۱	۱/۱۴۱۲
سیستم ها	۳/۰۰۳	۱/۱۴۰۵
شاخص اقدامات رهبری	۳/۱۰۲۲	۰/۹۷۱۲۴

جدول ۶- جدول ساز و کار های محرک مشارکت کارکنان

مشارکت کارکنان	میانگین	انحراف معیار
طراحی شغل	۲/۷۲۷	۱/۱۴۶۲
تعهد نسبت به کارکنان	۲/۸۹۲	۱/۲۳۱۰
تعادل بین کار و زندگی (زمان)	۲/۹۵۳	۱/۲۱۵۵
سیستم های ارزیابی مداوم مشارکت کارکنان	۲/۹۲۳	۱/۱۷۸۷
شاخص مشارکت کارکنان	۲/۸۷۲۵	۰/۹۹۱۷۳

جدول ۷- ساز و کار های محرک دسترسی به دانش

دسترسى به دانش	میانگین	انحراف معیار
همکاری و کار تیمی	۳/۲۸۶	۱/۰۷۳۷
تسهیم اطلاعات	۳/۰۲۷	۱/۰۶۵۱
تعادل بین کار و زندگی (زمان)	۲/۹۷۹	۱/۰۶۵۲
دسترسى به اطلاعات از طریق سیستم	۳/۱۴۸	۱/۰۳۷۵
شاخص دسترسی به دانش	۳/۱۰۷۹	۰/۸۴۳۲۹

جدول ۸- ساز و کار های محرک بهینه سازی نیروی کار

بهینه سازی نیروی کار	میانگین	انحراف معیار
فرایندهای تعریف شده	۲/۹۹۰	۱/۰۵۷۴
شرایط کار خوب	۳/۱۲۱	۱/۰۴۴۲
پاسخگویی	۲/۷۵۲	۱/۱۸۴۶
استخدام بر مبنای مهارت	۲/۹۰۰	۱/۱۵۳۹
سیستم های اثر بخشی مدیریت عملکرد	۲/۸۰۸	۱/۱۶۷۲
شاخص بهینه سازی نیروی کار	۲/۹۱۴۱	۰/۸۸۴۱۰

جدول ۹- ساز و کار های محرک ظرفیت یادگیری

ظرفیت یادگیری	میانگین	انحراف معیار
نوآوری	۳/۰۰۳	۱/۱۸۶۹
آموزشی	۲/۹۹۰	۱/۱۴۳۴
توسعه	۲/۹۵۲	۱/۱۳۲۰
ارزش قائل شدن و حمایت	۳/۰۰۷	۱/۲۱۰۹
سیستم های یادگیری خودکار	۲/۹۵۲	۱/۱۱۰۹
شاخص ظرفیت یادگیری	۲/۹۸۸۱	۰/۹۵۳۹۴

همانطوریکه جدول فوق نشان می دهند وضعیت دستگاه های مورد مطالعه در محرکها و عوامل موثر بر بلوغ سازمانی مدیریت سرمایه انسانی بطور متوسط ۶۰ درصد است و حدود ۴۰ درصد از وضعیت مطلوب فاصله دارند. این موضوع از حیث حائز اهمیت است که دستگاه ها و سازمان مذکور لازم است اقدامات جدی برای ارتقاء وضعیت محرکها در راستای ارائه خدمات مطلوب و بهینه به ارباب رجوعان انجام دهند. محرک مشارکت کارکنان در انجام وظایف و مسئولیتهای محوله دستگاه ها نقش بسیار مهمی دارد و می تواند زمینه های رشد و بالندگی سازمانی را فراهم سازد که بر اساس اطلاعات جدول ۶ بطور متوسط ۵۶ درصد است که وضعیت مطلوبی نمی باشد و یا محرکهای بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری به ترتیب ۵۸/۲ و ۵۹/۶ درصد می باشد که نیازمند برنامه ریزی و اقدامات لازم جهت بهبود و ارتقاء آنها می باشد. رتبه بندی محرکهای سرمایه انسانی در سازمانهای مورد مطالعه استان قزوین بر اساس نتایج آزمون فریدمن هریک از محرکهای سرمایه انسانی در سازمانهای مورد مطالعه از دیدگاه پاسخگویان در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است:

رتبه اول: دسترسی به دانش، رتبه دوم: شیوه های اعمال رهبری، رتبه سوم: ظرفیت یادگیری، رتبه چهارم: بهینه سازی نیروی کار و رتبه پنجم: مشارکت کارکنان. رتبه بندی انجام شده، نشان می دهد نقش دانش و مدیریت آن در سازمانها اهمیت دارد و مدیریت دانش یکی عوامل مهم و تاثیر گذار در حرکت سازمانها بسوی سازمان یادگیرنده است و سایر عوامل هم در اولویت های بعدی در بلوغ سازمانی دارند.

جدول ۱۰- نتایج آزمون فریدمن برای محرکهای سرمایه انسانی

میانگین رتبه	محرکهای سرمایه انسانی
۳/۲۲	شیوه های اعمال رهبری
۲/۶۶	مشارکت کارکنان
۳/۳۰	دسترسی به دانش
۲/۷۵	بهینه سازی نیروی کار
۳/۰۷	ظرفیت یادگیری

جدول ۱۱- میانگین و انحراف معیار محرکهای مورد مطالعه به تفکیک دستگاه های اجرایی

ظرفیت یادگیری	بهینه سازی نیروی کار	دسترسی به دانش	مشارکت کارکنان	اقدامات رهبری	شرح
۲.۹۴۴۰	۲.۸۵۶۰	۳.۱۱۳۳	۲.۷۸۵۰	۳.۱۱۰۰	میانگین دستگاه ۱
۰.۷۲۸۴۸	۰.۷۸۰۴۱	۰.۸۰۶۶۸	۰.۹۲۸۵۹	۰.۸۲۷۰۹	انحراف معیار دستگاه ۱
۳.۱۹۵۰	۳.۲۳۳۳	۳.۲۸۳۳	۳.۱۰۸۳	۳.۴۵۰۰	میانگین دستگاه ۲
۰.۹۱۳۵۳	۰.۸۰۱۸۷	۰.۶۹۹۴۸	۱.۰۷۴۱۵	۱.۰۳۶۸۲	انحراف معیار دستگاه ۲
۲.۶۸۶۷	۲.۷۲۰۰	۳.۰۲۵۰	۲.۷۰۸۳	۲.۹۵۸۳	میانگین دستگاه ۳
۱.۱۰۱۳۳	۰.۹۶۳۶۱	۰.۸۶۶۹۰	۱.۰۰۸۷۶	۱.۰۵۶۷۶	انحراف معیار دستگاه ۳
۲.۷۲۲۶	۲.۷۶۱۳	۳.۱۷۷۴	۲.۶۹۳۵	۲.۹۷۵۸	میانگین دستگاه ۴
۰.۸۸۱۹۳	۰.۷۵۰۸۶	۰.۷۷۷۸۰	۰.۸۶۷۷۳	۰.۸۴۷۴۳	انحراف معیار دستگاه ۴
۲.۹۰۹۷	۲.۹۷۹۰	۳.۰۵۳۸	۲.۷۳۴۴	۲.۹۹۲۲	میانگین دستگاه ۵
۱.۰۱۱۷۲	۰.۷۶۱۳۳	۰.۷۶۶۹۵	۰.۹۳۳۱۲	۱.۰۰۰۹۸	انحراف معیار دستگاه ۵
۲.۷۱۴۳	۲.۶۲۶۲	۲.۹۲۸۶	۲.۷۵۲۹	۲.۹۳۹۷	میانگین دستگاه ۶
۰.۹۷۵۹۰	۰.۹۵۳۹۸	۰.۸۵۲۱۷	۱.۰۶۰۰۷	۱.۰۹۹۲۲	انحراف معیار دستگاه ۶
۳.۲۶۶۷	۳.۰۸۵۲	۳.۲۸۰۹	۲.۹۷۵۰	۳.۱۸۳۳	میانگین دستگاه ۷
۱.۱۶۰۹۰	۱.۲۰۹۱۶	۱.۱۳۹۳۷	۱.۰۲۸۳۷	۱.۰۰۴۱۶	انحراف معیار دستگاه ۷
۲.۳۹۸۹	۲.۳۱۲۶	۲.۳۹۶۶	۲.۴۵۰۰	۲.۵۲۵۰	میانگین دستگاه ۸
۰.۵۴۸۱۹	۰.۵۴۸۰۴	۰.۵۶۵۰۴	۰.۸۶۷۰۲	۰.۶۹۲۷۹	انحراف معیار دستگاه ۸
۳.۸۵۷۱	۳.۵۵۴۳	۳.۵۵۰۰	۳.۷۰۰۰	۳.۶۸۵۷	میانگین دستگاه ۹
۰.۷۳۳۳۶	۰.۷۴۳۷۴	۰.۸۱۹۷۹	۰.۸۳۰۹۳	۰.۸۴۹۶۲	انحراف معیار دستگاه ۹
۲.۹۷۹۴	۲.۹۱۲۹	۳.۱۱۱۴	۲.۸۸۵۰	۳.۱۰۱۹	میانگین کل
۰.۹۷۲۰۸	۰.۸۹۵۷۴	۰.۸۶۰۵۵	۱.۰۰۱۱۵	۰.۹۷۱۲۶	انحراف معیار کل

بر اساس نتایج بدست آمده میانگین و انحراف معیار نمرات محرکهای مدیریت سرمایه انسانی به تفکیک در سازمانهای مورد مطالعه استان قزوین به شرح جدول ۱۱ می باشد. میانگین ها نشانگر شرایط حاکم بر میزان بلوغ سازمانی مدیریت سازمانی در دستگاه های مورد مطالعه می باشد. طبق نتایج به دست آمده، دستگاه مورد مطالعه نیازمند اقدامات جدی جهت بهبود عوامل مورد مطالعه می باشند. همچنین اطلاعات جدول مذکور نشان می دهد دستگاه شماره ۹ در تمام محرک رتبه اول و دستگاه شماره ۸ در تمام محرک رتبه آخر را دارد.

همچنین یافته های پژوهش نشان می دهد ۱- F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بوده بنابر این بین میانگین بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در زمینه شیوه اعمال رهبری در سازمانهای مختلف تفاوت وجود دارد. ۲- F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار نبوده بنابر این بین میانگین بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در زمینه مشارکت کارکنان در سازمانهای مختلف تفاوت وجود ندارد. ۳- F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بوده بنابر این بین میانگین بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در زمینه دسترسی به دانش در سازمانهای مختلف تفاوت وجود دارد. ۴- F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار نبوده بنابر این بین میانگین بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در زمینه بهینه سازی نیروی انسانی در سازمانهای مختلف تفاوت وجود ندارد. ۵- F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار نبوده بنابر این بین میانگین بلوغ مدیریت سرمایه انسانی در زمینه ظرفیت یادگیری در سازمانهای مختلف تفاوت وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق در خصوص بررسی و تعیین میزان بلوغ و اثر بخشی مدیریت سرمایه انسانی بر اساس محرک های مختلف در ۹ مورد از سازمانهای دولتی استان قزوین طراحی و اجرا گردید. در این پژوهش برای بلوغ مدیریت سرمایه انسانی ۵ شاخص تحت عنوان شیوه های رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری در نظر گرفته شد. این مطالعه تصویر کاملا مشخصی از وضعیت اثربخشی مدیریت سرمایه انسانی در سازمانهای دولتی مورد مطالعه استان قزوین را نشان داد و زمینه را برای مداخله موثر جهت اثر گذاری بیشتر مدیریت سرمایه انسانی بر عملکرد و افزایش بهره وری در حوزه های مختلف فراهم نمود. بطوریکه بر اساس امتیازات بدست آمده در مجموعه هر یک از محرکهای مدیریت سرمایه انسانی، دستگاه های مورد مطالعه به میزان شکاف و فاصله با وضعیت مطلوب آگاهی پیدا می کنند و می توانند برای ارتقاء و بهبود هریک از محرکها و عوامل مذکور اقدامات لازم و مقتضی را انجام دهند. در واقع بازخور و فیدک بسیار حیاتی برای دستگاه های مزبور در راستای خدمات رسانی مطلوب فراهم شده است.

همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که میزان اثربخشی مدیریت سرمایه انسانی در محرکهای پنجگانه سرمایه انسانی (شیوه های رهبری، مشارکت کارکنان، دسترسی به دانش، بهینه سازی نیروی کار و ظرفیت یادگیری بطور متوسط ۶۰ درصد است. این نتیجه بیانگر فوریت مداخله و اتخاذ تصمیمات لازم در جهت ارتقاء و بهبود مدیریت سرمایه انسانی بر عملکرد در حوزه های مختلف است. در ادامه به ارائه نتایج بدست آمده در هریک از شاخص ها و محرکهای مورد مطالعه می پردازیم:

ساز و کار های محرک شیوه های اعمال رهبری: بررسی میانگین نمرات در شیوه های اعمال رهبری با توجه به نتایج بدست آمده، بیشترین میزان اثر گذاری در بعد شیوه های اعمال رهبری مربوط به ارتباطات و همکاری مدیریت و کارکنان با میزان ۶۲/۰۲۰ و ۶۴/۶۴۰ است.

ساز و کار های محرک مشارکت کارکنان: بیشترین اثر گذاری در بعد مشارکت کارکنان مربوط به تعادل بین کار و زندگی و سیستم ارزیابی مداوم مشارکت کارکنان با میزان ۵۹/۰۶۰ و ۵۸/۴۶۰ است.

ساز و کار های محرک دسترسی به دانش: و بیشترین اثر گذاری در بعد دسترسی به دانش مربوط به همکاری و کار تیمی و دسترسی به اطلاعات از طریق سیستم با میزان ۶۵/۷۲۰ و ۶۲/۹۶۰ است.

ساز و کار های محرک بهینه سازی نیروی کار: بیشترین اثر گذاری در بعد بهینه سازی نیروی کار مربوط به فرایند های تعریف شده و شرایط کار خوب با میزان ۵۹/۸۰۰ و ۶۲/۴۲۰ است.

ساز و کار های محرک ظرفیت یادگیری: بیشترین اثر گذاری در ظرفیت یادگیری مربوط به نوآوری و ارزش قائل شدن و حمایت با میزان ۶۰/۰۶۰ و ۶۰/۱۴۰ است.

میانگین کل محرکهای پنجگانه نیز نشان می دهد که دسترسی به دانش با میانگین ۳/۱۰۷۹ و مشارکت کارکنان با میانگین ۲/۸۷۲۵ به ترتیب بالاترین و پایین ترین اثرگذاری مدیریت سرمایه انسانی را داشتند. این نتایج بیانگر اثر گذاری بالای دانش و توجه به دسترسی به دانش در سازمانها است و بایستی در سایر زمینه ها نیز با تحلیل زیر مجموعه های محرکهای پنجگانه شرایط مناسبی برای اثرگذاری مدیریت سرمایه انسانی بر عملکرد فراهم شود. در نهایت با بررسی و تحقیقات آماری بدست آمده، به این نتیجه می رسیم که وضعیت بلوغ سرمایه انسانی در سازمانهای دولتی در سطح ضعیف قرار دارد که با توجه به نتایج موجود باید راهکار ها و اقدامات لازم در دستگاه های مورد مطالعه به تفکیک ۱- شیوه ها و اقدامات رهبری ۲- مشارکت کارکنان ۳- میزان دسترسی به دانش ۴- بهینه سازی نیروی کار و آموزش کارکنان ۵- ظرفیت یادگیری بر اساس بررسی ها و کاوش های لازم تعیین و به مرحله اجرا در آید.

منابع

- هرسی، پال و بلانچارد، کنث (۱۳۹۴). مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع انسانی. ترجمه علی علاقه بند، چاپ سی و نهم، تهران: امیر کبیر.
- اسکات، ریچارد (۱۳۸۷). سیستم های عقلانی، طبیعی و باز. ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی، چاپ ششم. تهران: سمت.
- اخوان، پیمان (۱۳۸۶). مدیریت دانش مشتری، رویکردی برای کسب مزیت رقابتی. مدیریت فردا، شماره ۱۸، ۳۸-۲۴.
- جاودانی، ناصر (۱۳۸۸). مدل های ارزیابی سطح بلوغ مدیریت دانش. همایش مدیریت تکنولوژی و نوآوری.
- خلیلی شورینی، سیوش (۱۳۸۹). روش تحقیق آمیخته (با تاکید بر بومی سازی). چاپ اول، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- آذر عادل، مؤمنی منصور (۱۳۸۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت. جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت .
- عیسیایی، محمد تقی، حمیدرضا افضلی (۱۳۸۹). ارائه چارچوبی برای ارزیابی سطح و میزان بلوغ از منظر مدیریت دانش در سطح بین سازمانی: بازسازی واحدهای مسکونی در شهرستان بم. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۱۰۲-۸۱.
- ابوالعلائی، بهزاد (۱۳۸۶). سهم سرمایه های انسانی در شرکت های ایرانی، پایگاه اطلاع رسانی تخصصی فناوری اطلاعات. صفحه اصلی.
- بزاز جزایری، احمد و پرداختچی، محمدحسن (۱۳۸۶). تدوین مدل ارزیابی کیفیت زندگی کاری کارکنان در سازمانها، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۵، بهار، ص ۱۳۴.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۴). چالش های استقرار کاربرد حسابداری منابع انسانی در بنگاه. مجموعه مقالات دومین کنفرانس توسعه منابع انسانی، اردیبهشت ماه، ص ۱۴۷.
- کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید (۱۳۸۴). نقشه استراتژی تبدیل دارایی های نامشهود به پیامدهای مشهود، ترجمه حسین اکبری و دیگران تهران، انتشارات آسیا، چاپ اول.

- کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید (۱۳۸۶). همسویی/استراتژیک. ترجمه بابک زنده دل، انتشارات آسیا، چاپ اول.

- Arling, P.A. & Chun, M.W.S. (2011). Facilitating new knowledge creation and obtaining KM maturity. *Journal of Knowledge Management*, V.15, P. 250-231.
- Alhawari, S & Karadshehb, L., Talet, A.N and Mansoura, E, (۲۰۱۲). Knowledge-Based Risk Management Framework for Information Technology, *International Journal of Information Management*, V.32, P.52.
- Nonaka, I. (1991). The knowledge-creating company. *Harvard Business Review*, V.65, P.96-104.
- Kruger, C, J. & Johnson, R.D (2011). Is there a correlation between knowledge management maturity and organizational performance? *VINE*, V. 41, P.265-295.
- Khatibian, N.& Hasan Gholoi Pour, T. Jafari, H, A (2010). Measurement of knowledge management maturity level within organizations. *Business Strategy Series*, V.11, P. 54-70.
- Robinson, H.S.& Anumba, C.J. Carrillo, P.M. Al-Ghassani, A.M(2006). STEPS: a knowledge management maturity roadmap for corporate sustainability. *Business Process Management Journal*, Vol.12, P. 793-808.

بررسی و برآورد درآمدهای استان قزوین طی دوره ۹۳-۱۳۸۰

ولی اله عرب^۱، علی رحمانی^۲، لیلا پیاها^۳، مهناز معصومی فر^۴، نسترن مریدزاده^۵

برای آگاهی از کارایی نظام مالیاتی استان، بررسی درآمدهای مالیاتی و مقایسه آن با کل درآمدها و تولید ناخالص داخلی استان از یک طرف و شناخت اجزای مالیاتی از سوی دیگر ضروری است. به همین منظور برای مطالعه درآمدهای مالیاتی استان که به دو بخش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تفکیک شده از تولید ناخالص داخلی و کشش های درآمدی استفاده می شود. معمولاً تمایل به افزایش هزینه های دولت بیشتر از افزایش درآمدهاست. هر قدر نظام مالیاتی کارآیی بیشتری در جذب درآمدهای اضافی داشته باشد تأثیر آن در ثبات اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. به همین منظور بررسی اهمیت و انعطاف پذیری اقلام مختلف مالیاتی در رشد اقتصادی استان و کشش این منابع نسبت به تولید ناخالص داخلی استان برآورده می شود. روش انجام تحقیق از نوع کاربردی می باشد، نوع تحقیق برآورد الگوی اقتصاد سنجی ارتباط بین کل درآمد های مالیاتی، مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم برای استان است. قلمرو موضوعی تحقیق بررسی کارایی درآمد های مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی استان طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ است. در این تحقیق، داده های سری زمانی متغیرهای کلان اقتصادی استان در دوره (۹۳-۱۳۸۰) استفاده می شود تا با بهره گیری از سیستم معادلات روش تخمین حداقل مربعات معمولی به سوالات پژوهشی پاسخ داده شود. در این مطالعه سه معادله، نهایی شده است که عبارتند از: نرخ رشد درآمدهای مالیاتی، نرخ های رشد درآمد های مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان که به عنوان کشش های مالیاتی و تولید ناخالص داخلی استان جهت انجام مراحل مختلف بویژه پردازش داده ها، اندازه گیری و برآورد الگو با استفاده از نرم افزار Eviews انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که نرخ رشد کشش های درآمدی مالیاتی ها در سطح استان دارای تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان داشته است. در مجموع با وجود برخورداری از منابع درآمدی، نقش دولت از کارآمدی لازم برخوردار بوده زیرا نتایج نشان داده است که نرخ رشد مالیات ها بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد (تولید ناخالص داخلی) استان تأثیر گذار بوده است.

واژه های کلیدی: نظام مالیاتی، درآمد، کشش درآمدی، تولید ناخالص داخلی.

-
- ۱ - نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد برنامه ریزی اقتصادی، کارشناس بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.
 - ۲ - کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.
 - ۳ - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، رئیس گروه علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.
 - ۴ - لیسانس مهندسی کامپیوتر، کارشناس بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.
 - ۵ - لیسانس مدیریت دولتی، کارشناس بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

در تمامی کشورها، دولت‌ها جهت انجام مخارج خود نیاز به درآمدهای پایداری هستند که در یک دوره مالی باید به تمامی هزینه‌های خود جوابگو باشند. در ایران مانند بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت، دسترسی به منابع درآمدی سرشار و سهل الوصول حاصل از نفت، در طی سالها مانع از توجه جدی به نقش مالیاتها در اقتصاد و سیاستهای مالی گردیده است. طی سالهای اخیر، بروز نوسان‌هایی در بازار نفت که عمدتاً با کاهش قیمت آن همراه بوده تنگنانهایی و اجرای بودجه کشور ایجاد نموده سبب گردیده تا مالیات‌ها حداقل با هدف تأمین منبع مطمئن در آمدی که دارای ثبات بیشتری است مورد توجه جدی قرار گیرد.

مالیات می‌تواند نقش و عملکرد گسترده‌ای در تعدیل ثروت و درآمد، بهبود عدالت اجتماعی و اقتصادی و جلوگیری از تشدید نابرابریهای درآمدی، از طریق توزیع مجدد آن داشته و از بازارهای مهم و قوی در اجرای سیاستهای دولت در مقابله با بحرانهای اقتصادی به شمار رود.

با توجه به تبصره‌های موجود در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور در سنوات گذشته و حال به منظور حرکت در جهت سیاست عدم تمرکز، افزایش نقش استانها در تأمین درآمد‌های محلی، ایجاد ارتباط بیشتر بین درآمد‌های وصول شده و اقتصاد استان و در نهایت تخصیص بهتر منابع، درآمد‌های استانی در قوانین بودجه سنواتی منظور شده است. به موجب تبصره‌های موجود و روشن شدن تصویر درآمد‌های دولت در برنامه ریزی، بررسی و برآورد درآمد‌های استان (به ویژه درآمد‌های مالیاتی) در این مقاله مطالعه شده است. به همین دلیل در این بخش به بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف تحقیق، فرضیه یا سؤال‌های پژوهشی پرداخته شده است.

برای آگاهی از کار نظام مالیاتی استان، بررسی درآمد‌های مالیاتی و مقایسه آن با کل درآمدها و تولید ناخالص داخلی استان از یک طرف و شناخت بافت و اجزای مالیاتی از سوی دیگر ضروری است. به همین منظور درآمد‌های مالیاتی در دو بخش به تفکیک درآمد‌های مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم و هر یک را با تولید ناخالص داخلی و بخش‌های درآمدی استان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از نگرشهایی که در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد توافق اغلب اقتصاد دانان است، بسیج منابع داخلی و به ویژه درآمد‌های عمومی دولت برای افزایش رشد اقتصادی آنان است. به عبارت دیگر برای تحقق رشد اقتصادی لازم است منابع درآمد‌های عمومی دولت و از جمله مالیات که از اجزاء مهم آن است از آهنگ رشد بالنسبه سریعتری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی که در حقیقت شاخص

اقتصاد کلان برای اندازه گیری رشد اقتصادی است، برخوردار باشد. بنابراین یکی از وجود مهم مالیاتی، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است، که در واقع واکنش نظام مالیاتی را به تغییرات در تولید ناخالص داخلی در استان را نشان دهد.

در مرحله رشد اقتصادی، وجود یک نظام با کشش مالیاتی از مزایای بسیاری برخوردار بوده و چون معمولاً تمایل به افزایش هزینه های دولت بیشتر از افزایش درآمدهاست. هر قدر این حساسیت بیشتر باشد، نظام مالیاتی کارآیی بیشتری در جذب درآمدهای اضافی داشته و تأثیر آن در ثبات اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود.

تولید ناخالص داخلی استان به عنوان مهمترین متغیر کلان اقتصادی به شمار می آید. به طوری که از شاخصه های مهم توسعه اقتصادی، بهبود و افزایش رشد اقتصادی منطقه و ثبات آن است و بررسی و تحلیل این شاخص، ابعاد کلان اقتصاد را نمایان می سازد. در بررسی ارتباط بین تولید ناخالص داخلی با درآمد های مالیاتی استان پرسش هایی به شرح ذیل مطرح می گردد که باید به آنها پاسخ داد:

- ۱- آیا رشد تولید ناخالص داخلی استان باعث افزایش درآمد های مالیاتی مستقیم می گردد.
 - ۲- آیا رشد تولید ناخالص داخلی استان باعث افزایش درآمد های مالیاتی غیر مستقیم می گردد.
 - ۳- آیا رشد تولید ناخالص داخلی استان باعث افزایش کل درآمد های مالیاتی استان می گردد.
- با توجه موارد ذکر شده اهمیت و انعطاف پذیری اقلام مختلف مالیاتی در رشد اقتصادی استان، کشش انواع درآمدهای مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی استان طی دوره ۹۳ - ۱۳۸۰ از روش برآورد گر حداقل مربعات معمولی با استفاده از نرم افزار Eviews برآورد و نتایج در بخش های بعدی این مقاله ارائه گردیده است.

مبانی نظری و پیشینه

بررسی روند و ترکیب درآمد های مالیاتی کشور طی سال های گذشته نشان می دهد که ترکیب وصولی های مالیاتی بر حسب مالیاتی های مستقیم و غیر مستقیم در این سال ها، جهت گیری خاصی نداشته و اساساً "نظام مالیاتی ایران تاکنون در رابطه با بهبود توزیع درآمد و ثروت جهت دار عمل نکرده است. گرچه در سالهای پس از انقلاب گرایش نظام مالیاتی به سمت افزایش وصولی مالیات های مستقیم بوده اما این گرایش همراه با تغییرات لازم در ترکیب هر یک از انواع مالیات ها نبوده است. استان قزوین نیز از این روند مستثنی نبوده است. این مساله لزوم بررسی و برآورد درآمدهای استان را بیشتر مطرح

می کند. از اینرو در این بخش به بررسی درآمد های مالیاتی به تفکیک مالیات های مستقیم و غیر مستقیم پرداخته می شود.

مالیاتهای مستقیم: مالیات های مستقیم شامل مالیات بر شرکت ها (مالیات بر شرکتهای دولتی و غیر دولتی) ، مالیات بر درآمد (مالیات بر حقوق ، مالیات بر مشاغل و مالیات بر مستغلات) و مالیات بر ثروت (مالیات بر ارث ، مالیات بر نقل و انتقالات و مالیات بر اراضی) می باشد. مالیات بر درآمد شرکتهای در کشورهای در حال توسعه ، از مالیات بر درآمد فردی اهمیت بیشتری دارد . در حالی که در کشورهای توسعه یافته ، عکس این مطلب صادق بوده و مالیات بندی بنگاههای بزرگ یک هدف پر جاذبه به شمار می رود . سود این بنگاهها ، اغلب بسیار قابل توجه است و ناچارند از الزامهای حسابداری قانونی پیروی کنند. در مقابل اکثریت کشاورزان و بازرگانان کوچک و خرده پا از این معاف اند یا آنها را بدرستی رعایت نمی کنند .

اصولاً "افراد جامعه باید به تناسب بهره مندی از نعمات و مواهب جامعه و خدمات فرهنگی ، اجتماعی و سایر خدمات ارائه شده توسط دولت ، در تأمین هزینه آن نیز سهیم باشند . هر چه نسبت بهره مندی از امکانات جامعه ، با میزان مالیات پرداختی نسبتی معقول تر داشته باشد ، به عدالت اجتماعی در آن جامعه ، بیشتر عنایت شده است .

مسائلی از قبیل اندازه گیری درآمد ، قابلیت اداری و اجرایی ، سطح پایین سواد و حسابداری ضعیف ، محدودیتهایی هستند که کشورهای در حال توسعه ، جهت مالیات بندی بر درآمد شخصی ، پیش رو دارند . در نتیجه ، درآمد مالیاتی از آن منبع در کشورهای در حال توسعه ، بطور گسترده از مالیات بر حقوق کارکنان بخش دولتی و شرکتهای خارجی ، که قوانین مالیات را با سهولت بیشتری در مورد آنها می توان اعمال کرد ، تأمین می شود .

مالیات هایی که در بالا ذکر شد ، از انواع مالیات بر جریان درآمد بود . اما ثروت یا ثروت خالص ارزش هر آن چیزی (پس از کسر بدهیها) است که در مالکیت شخص قرار دارد . یعنی اگر در مقطع زمانی ، کلیه داراییهای شخص شامل واحد مسکونی ، ماشین ، املاک ، اوراق سهام و انواع دیگر داراییهای دیگر به قیمت جاری به فروش برسد و بدهیها و وامهای دریافتی پرداخت گردد ، آنچه باقی می ماند ، ثروت خالص نام می گیرد . به دلیل اینکه توانایی مالی واقعی خود از طریق درآمد یکسال او قابل برآورد نبوده و مجموع ثروت او معیار توانایی مالی و توانایی پرداخت او محسوب می شود ، باید مالیات بر مبنای ثروت نیز اخذ شود یعنی بطور مستقیم به ثروت انباشته شده توجه دارد . از ابعاد مهم اقتصادی این مالیات ، محدود کردن فعالیتهای سود گرانه ، خاصه خرید و فروش زمین و ساختمان و نیز تشویق سرمایه

گذاریهایی که کاربری اقتصادی دارند می باشد. به کار بردن این نوع مالیات در تغییر ترکیب سرمایه گذاری به سود فعالیت های مورد نظر و همچنین ایجاد تحرک سرمایه در کشور نیز بسیار مؤثر است.

اجرای این شیوه مالیات گیری بار سنگین مالی در پی دارد و در بسیاری مواقع تشخیص یا موضوعیت مالیات بر افزایش ارزش سرمایه و ثروت به دلیل نبود اطلاع دقیق از میزان در این افراد، مدت زمان در اختیار داشتن آن و نیز بی اطلاعی از هزینه تولید و قیمت فروش آنها بسیار دشوار است (کردپچه، ۱۳۷۵).

مالیاتهای غیر مستقیم: مالیاتهای غیر مستقیم سهم عمده ای در ترکیب وصولیهای مالیاتی کشور و استان را دارند که بصورت مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش وصول می گردد.

مالیات بر واردات یکی از قدیمیترین و متداولترین اقسام مالیات در ایران است. این نوع مالیات که از لحاظ نظام اداری و نحوه وصول آن بسیار سهل الوصول بوده و هزینه های اجرایی و اداری آن در مقایسه با سایر مالیاتها اندک است اساساً بر واردات متکی است. با توجه به این که واردات در اقتصاد ایران از طریق درآمدهای ارزی حاصل از درآمدهای نفتی انجام می شود، قبل از هر چیز به شدت بر قیمت نفت و میزان درآمد نفتی متکی بوده و از این جهت یک مالیات مناسب و مطلوب نیست. درآمد حاصل از مالیات بر واردات در بودجه عمومی فعلی دولت، شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، عواید جایگزین دروازه ای، حق الثبت سفارش کالا و عوارض اتومبیلهای وارداتی است.

مالیات بر مصرف و فروش بیشتر بر کالاهایی وضع می شود که مصرف وسیع و عمومی برای مردم دارد. در این نوع مالیات پرداخت کننده مالیات فروشنده نمی باشد. بلکه با توجه به شرایط بازار و حساسیت عرضه و تقاضای کالا، سهم عمده ای از آن به مصرف کننده نهایی منتقل می شود. ضمناً مالیات بر کالاهای که مصرف عام دارند، طبقات کم درآمد سهم بیشتری از درآمدهای خود را صرف خرید این کالاها می کنند و عملاً به نسبت درآمدهای خود سهم بیشتری از این مالیاتها را پرداخت می کنند. افزایش مالیات بر مصرف و فروش می تواند اثرات منفی بر توزیع درآمد و ثروت کشور داشته باشد (کردپچه، ۱۳۷۵). بنابراین ترکیب درآمدهای مالیاتی طی دوره مورد بررسی بر حسب مستقیم و غیر مستقیم نشان می دهد که درآمدهای مالیاتی فاقد هر گونه جهت گیری مشخصی در طی این سالها بوده و روند آن همگام با صدور نفت (سهم استان از درآمد های نفتی) با نوسانات همراه بوده است.

تولید ناخالص داخلی استان: تولید ناخالص داخلی استان نشانگر نتیجه نهایی فعالیتهای اقتصاد واحدهای تولیدی مقیم یک منطقه (کشور و یا استان) است و از جمع ارزش افزوده های ناخالص کلیه

واحدهای تولیدی مقیم بدست می آید. به عبارت دیگر، تولید ناخالص داخلی از جمع مصارف نهایی کالاها و خدمات پس از کسر عوامل داخلی برابر جمع درآمدهای اولیه توزیع شده بوسیله واحدهای تولیدی مقیم بدست می آید.

طبق طبقه بندی استاندارد (ISIC) جهت گروه بندی فعالیت های اقتصادی از سال ۱۹۵۳ سه مرتبه اصلاح گردیده، کلیه فعالیت های اقتصادی برحسب نوع فعالیت به هفده بخش عمده به شرح ذیل طبقه بندی و به استانها هم تعمیم داده شده است: کشاورزی، شکار و جنگلداری- ماهیگیری -استخراج معدن- صنعت -تأمین برق، گاز و آب -ساختمان -عمده فروشی و خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، موتور سیکلت، کالاهای شخصی و خانگی -هتل و رستوران- حمل و نقل، انبار داری و ارتباطات -واسطه گری های مالی -مستغلات، اجاره و فعالیتهای کسب و کار -اداره امور عمومی و دفاعی و تأمین اجتماعی -آموزش -بهداشت و مددکاری اجتماعی- سایر فعالیتهای خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی - خانوارهای خصوصی دارای مستخدم-سازمانها و هیئت های برون مرزی . لازم به ذکر است که برای استفاده از تولید ناخالص داخلی استان که در این مقاله ارائه شده به صورت سری زمانی می باشد. (عرب ۱۳۸۳).

درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی: یکی از نگرش هایی که در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد توافق اغلب اقتصاد دانان است، بسیج منابع داخلی و به ویژه درآمدهای عمومی دولت برای افزایش رشد اقتصادی آنان است . به عبارت دیگر برای تحقق رشد اقتصادی لازم است منابع درآمدهای عمومی دولت و از آن جمله مالیات که از اجزاء مهم آن است از آهنگ رشد بالنسبه سریعتری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی که در حقیقت شاخص اقتصاد کلان برای اندازه گیری رشد اقتصادی است، برخوردار باشد ، بنابراین یکی از وجوه مهم مالیاتی ، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است ، که در واقع واکنش نظام مالیاتی را به تغییرات در تولید ناخالص داخلی نشان می دهد.

در مرحله رشد اقتصادی ، وجود یک نظام با کشش مالیاتی از مزایای بسیاری برخوردار بوده و چون معمولاً تمایل به افزایش هزینه های دولت بیشتر از افزایش درآمدهاست . هر قدر این حساسیت بیشتر باشد ، نظام مالیاتی کارآیی بیشتری در جذب درآمدهای اضافی داشته و تأثیر آن در ثبات اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. برای بررسی اهمیت و انعطاف پذیری اقلام مختلف مالیاتی در رشد اقتصادی استان کشش این منابع نسبت به کشش تولید ناخالص داخلی واقعی استان برآورد می گردد. لازم به ذکر است که روابط مربوط به الگو نیز در بخش روش شناسی آمده است.

مروری بر مطالعات انجام شده: برنامه ریزی و تلاش برای تنوع بخشی و رشد منابع درآمدی از اهداف آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران است، که این یکی از وظایف اصلی دست اندرکاران امور اقتصادی اعم از خصوصی و دولتی می باشد. زیرا نیروی محرکه اصلی در هر حرکت اقتصادی درآمدهای حاصل از آن می باشد تا علاوه بر پوشش هزینه ها متضمن سود مورد انتظار و معقول برای آن حرکت باشد.

قابل پیش بینی است که اقتصاد ایران برای بازسازی و توسعه و تغذیه جمعیت جوان نیاز به منابع درآمدی بیشتری دارد. تک محصولی بودن اقتصاد ایران در چند دهه گذشته موجب پیامدهای منفی و ناگواری در ساختار اقتصادی کشور شده و باعث گردیده که در برابر ناملایمات و فشارهای خارجی از ساختار ضعیف و شکننده ای برخوردار باشد. لذا در این قسمت باتوجه به اهداف تحقیق در این راستا، به بررسی مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور به تفکیک پرداخت.

الف- مطالعات انجام شده در کشورهای خارجی : در تحقیقات انجام شده پیرامون برآورد ظرفیت مالیاتی در کشورهای در حال توسعه معمولاً درآمد سرانه و سهم برخی از بخشهای تولیدی در تولید ناخالص داخلی ، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی ، نرخ باسوادی ، ترکیب بخشهای اقتصادی ، درصد واحدهای بزرگ (از لحاظ مقیاس تولید و تعداد کارکنان) و اهمیت بنگاههای بزرگ خرده فروشی به عنوان عوامل موثر بر ظرفیت مالیاتی در نظر گرفته شده اند . برای مثال در تحقیقی تحت عنوان ” روند مالیات در کشورهای در حال توسعه “ سهم تولیدات مصرفی و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی را به عنوان متغیرهای مستقل در تابع ظرفیت مالیاتی در نظر گرفته و نسبت مالیاتی در ۵۰ کشور نمونه را برآورد کرده است (چلاه، ۱۹۷۱) .

مطالعات دیگری نیز وجود دارند که هدف اساسی آنها بررسی تاثیر تغییرات درآمدهای مالیاتی بر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان بوده و تاثیر درآمد های مالیاتی بر تولید ناخالص ملی پرداخت شده است. در برخی از کشور ها رابطه بین آنها مثبت و در برخی از کشور ها رابطه بین آنها منفی بوده است (راتز و دیگران، ۱۹۹۱).

تحقیق دیگری با هدف و موضوعاتی از قبیل نرخ های موثر مالیاتی و ساختار مالیاتی برخی از کشور ها و مالیات رقابتی بین مناطق انجام گرفته و تاثیر درآمد های مالیاتی بر متغیر های اصلی کلان اقتصادی مورد بررسی قرار داده اند . باتوجه به این مطالعه درآمد های مالیاتی را به عنوان کم هزینه

ترین و بادوام ترین درآمد های دولت که بایستی پاسخگو به هزینه های دولت باشد، به نتیجه رسیده است (گودسپید، ۲۰۰۰).

در تحقیقی که در کشور هندوستان در مورد ارزش افزوده انجام شده است بهاین نتایج رسیده است که مشکلات اجرایی ارزش افزوده در هندوستان عبارت است از:

- عدم آگاهی از سیستم های جدید حسابداری مالیات بر ارزش افزوده؛
 - فقدان اطلاعات کافی و گسترده در مورد روال کار؛
 - عدم اعمال مالیات بر ارزش افزوده بر خدمات؛
 - کلیه مالیات های ایالتی در ارزش افزوده گنجانده نمی شوند.
- مالیات بر ارزش افزوده با توجه به دلایل زیر موجب رشد سریع تر و قوی تر هند خواهد شد:
- هند به یک بازار مشترک تبدیل خواهد شد. کالاهای بدون پرداخت مالیات محلی اضافی انتقال می یابند که باعث کاهش قیمت ها، تقاضای زیاد، و تولید بیشتر خواهد شد؛
 - مالیات کمتر باعث کاهش قیمت های هندی در بازارهای جهانی خواهد شد و باعث رشد صادرات و توسعه صنعتی و درآمد بیشتر خواهد شد؛
 - وصول مالیات توسط واحدهای مالیاتی افزایش می یابد، در ایالت هاریانا که از سال ۲۰۰۳ ارزش افزوده را به کار برده است طی ۲ سال درآمد آن تا ۲۷/۵ درصد افزایش یافته است (کوبال، ۲۰۰۵).
- همچنین تجربیات برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر اندونزی، کره، برزیل، کرواسی و مکزیک نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است و در نهایت نتیجه گرفته است که اجرای مالیات بر ارزش افزوده دستیابی به هدف اصلی نظام مالیاتی را که افزایش درآمدهای مالیاتی است، تسهیل می کند.

ب- مطالعات انجام شده در ایران: بطور کلی تحقیقات و مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران در ارتباط با مالیات را می توان در قالب گروههای مشخصی دسته بندی نمود. این مطالعات عمدتاً در دربرگیرنده موضوعاتی از قبیل عوامل موثر بر مالیات (نظیر مطالعات شهشهانی، حیدری فر، تقی پور و علیخانی، قمی)، ترکیب و ظرفیت مالیات در اقتصاد ایران (مطالعات کردبچه ۴، عظیمی ۵ جسمانی و فخرالدینی ۶)، سیستمهای مختلف مالیاتی (مالیات بر ارزش افزوده و ثروت) و ظرفیت مالیاتها (نظیر مطالعات آقایی ۷، تجلی ۸، زمانی ۹)، نقش و تاثیر مالیات (مطالعات پروین و قره باغیان ۱۰، قربانی ۱۱ و پروین ۱۲) و اندازه گیری وقفه های مالیاتی (مطالعه زمانی و کلانتری ۱۳) می باشند. با توجه به اهمیت هر یک از موضوعات مذکور در مقاله حاضر، این مطالعات به طور خلاصه در ذیل مورد بررسی قرار گرفته اند:

در تحقیقی به برآورد دو معادله مالیاتی شامل مالیاتهای مستقیم و مالیاتهای گمرکی در اقتصاد ایران، طی دوره ۱۳۵۳-۱۳۳۸ اقدام شده است. این برآورد، طی دوره زمانی ۵۳-۱۳۳۸ انجام شده و معادلات آن از طریق معادلات خطی ساده براساس دو روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS) برآورد گردیده است. نتایج حاصله از برآورد این معادلات، رابطه مثبت بین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم با تولید ناخالص ملی را مورد تایید قرار می دهد (شهباشی، ۱۳۵۴).

در تحقیقی تحت عنوان "بررسی و برآورد درآمد های استان گیلان طی دوره ۸۳-۱۳۷۰" به بررسی تاثیر معادلات مخارج جاری و عمرانی را بر درآمد های مالیاتی و درآمد های نفتی پرداخت شده است. معادلات مزبور از طریق معادلات خطی ساده براساس دو روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS) برآورد گردیده است. نتایج حاصله از برآورد این معادلات، رابطه منفی بین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم با تولید ناخالص ملی را مورد تایید قرار داده است. (علی نوری: ۱۳۷۸).

کردجه، عظیمی، جسمانی و فخرالدینی، فهیم یحیایی و کميجانی، آقایی، تجلی، پروین، قربانی، زمانی و کلانتری و صالح نژاد به بررسی شاخصهای نسبت مالیاتی، ظرفیت مالیاتی و کشش مالیاتی، راههای افزایش درآمدهای غیر نفتی، ظرفیت مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات و منابع درآمدی، آثار توزیعی بار مالیاتی در بخش صنعت و اندازه گیری وقفه های قانونی مالیاتی پرداخته اند. همچنین، تقی پور و علیخانی قمی در مقاله ای به تحلیل عوامل موثر بر مالیات و پیش بینی آن در ایران طی دوره ۷۸-۱۳۵۲ پرداخته اند. در این تحقیق عوامل موثر بر مالیاتها و پایه آنها مورد بررسی قرار گرفته است و کل منابع به پنج بخش شامل مالیات بر شرکتها، مالیات بر درآمد (مالیات بر حقوق، دستمزد، مشاغل و مستغلات)، سایر مالیاتهای مستقیم، مالیات بر مصرف و فروش و مالیات بر واردات طبقه بندی شده است. با توجه به مطالب عنوان شده در بخش های مبانی نظری و پیشینه، در بخش بعدی بررسی وضع موجود درآمد های استان ارائه می گردد.

بررسی وضعیت درآمدهای عمومی استان: یکی از مهم ترین اهداف ایجاد شده نظام درآمد-هزینه استان استفاده از درآمد های استانی برای افزایش زیر ساخت های استانی است و انتظار می رود تا برای حصول به این امر، مدیریت استانی سعی در وصول منابع مشخص شده برای استان داشته باشد. برای بررسی این موضوع بایستی به عملکرد منابع استانی نگاه کرد.

مجموع درآمد های مصوب عمومی استان در سال ۱۳۸۵، مبلغ ۸۵۳۱۵۴ میلیون ریال بوده که با نرخ رشد متوسط سالانه ۲۸.۸ درصد به ۱۰۵۶۱۲۲۷ میلیون ریال در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. در صورتی که عملکرد درآمدهای عمومی استان قزوین طی سالهای مورد مطالعه (۹۴-۱۳۸۵) حاکی از افزایش چشمگیر طی ده سال گذشته میباشد.

طبق جدول شماره (۱) عملکرد درآمدهای استان در سال ۸۵ مبلغ ۱۰۱۳۱۹۵ میلیون ریال بوده که این رقم در سال ۹۴ به ۱۰۲۹۸۳۷۱ میلیون ریال رسیده و بیش از ۱۰.۱۶ برابر افزایش داشته است. درصد تحقق نسبت به وصولی این درآمدها در سال ۱۳۸۵، حدود ۱۱۹ درصد و در سال ۱۳۹۴، حدود ۸ درصد بوده است که نزدیک به ۲۱ درصد از نظر درصد تحقق نسبت به وصولی درآمدها کاهش اما از نظر میزان درآمد های وصولی نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش را نشان می دهد (جدول ۱).

مطالعه آمار درآمدهای استان (به ویژه درآمد های مالیاتی) طی سالهای مورد نظر، بیانگر این موضوع است که درآمدهای مالیاتی در مقایسه با درآمد سایر دستگاههای اجرایی استان، به مراتب بیشتر می باشند. مطالعه روند درآمدهای استانی طی سالهای ۹۴-۱۳۸۵ نشان دهنده این مطلب می باشد که درآمدهای استانی از روند صعودی و مثبتی برخوردار می باشد.

در سال ۱۳۹۴ نزدیک به ۹۳ درصد عملکرد درآمدهای استانی را درآمد های مالیاتی و مابقی را در آمد های غیر مالیاتی تشکیل داده است. در این سال در حدود ۱۰۰.۳ درصد از درآمد های مصوب مالیاتی و ۷۰ درصد درآمد های مصوب غیرمالیاتی تحقق پیدا کرده است. درآمد های عمومی استان از مجموع درآمد های مالیاتی و غیر مالیاتی تشکیل و در ذیل آمده است (جدول ۱).

جدول ۱- مصوب و عملکرد درآمد های استان طی دوره ۹۴-۱۳۸۵ (ارقام به میلیون ریال)

۸۹			۸۸			۸۷			۸۶			۸۵			شرح
درصد تحقق	عملکرد	مصوب	درصد تحقق	عملکرد	مصوب	درصد تحقق	عملکرد	مصوب	درصد تحقق	عملکرد	مصوب	درصد تحقق	عملکرد	مصوب	
۱۵۷٪	۲,۶۶۴,۱۹۲	۱,۵۳۳,۸۱۹	۱۱۵٪	۱,۳۴۴,۸۸۲	۱,۲۸۲,۳۳۵	۱۱۳٪	۱,۳۷۸,۶۸۶	۱,۱۳۹,۱۸۷	۱۱۸٪	۱,۱۲۹,۰۰۳	۹۵۶,۲۴۴	۱۳۱٪	۹۰,۸۹۰۰	۷۵۲,۶۶۴	درآمدهای مالیاتی
۱۳۷٪	۱,۴۴۸,۱۰۷	۹۸۴,۶۱۳	۹۹٪	۱,۱۳۶,۳۶۴	۱,۱۵۳,۳۹۰	۹۸٪	۹۹۵,۶۲۰	۱,۰۱۵,۸۰۰	۱۱۶٪	۸۲۶,۰۹۳	۷۲۱,۳۳۱	۱۲۰٪	۶۶۴,۸۳۲	۵۵۴,۰۴۸	درآمدهای مالیاتی غیر مستقیم
۱۱۳٪	۱,۰۱۶,۰۸۵	۵۸۸,۳۰۶	۴۵٪	۵۸۸,۵۱۸	۱۲۹,۰۴۵	۳۳٪	۲۸۲,۰۶۶	۱۳۳,۳۸۷	۱۲۵٪	۲۹۲,۹۱۰	۲۳۵,۰۰۳	۱۱۳٪	۲۴۴,۰۷۸	۱۹۸,۶۱۶	درآمدهای مالیاتی غیر مستقیم
۲۸۳٪	۴۷۵,۰۶۱	۱۶۷,۵۸۴	۹۳٪	۱۳۸,۷۰۵	۱۵۰,۰۰۱	۸۳٪	۱۴۱,۳۸۱	۱۶۹,۴۳۳	۱۱۹٪	۱۹۵,۵۶۸	۱۰۹,۰۰۲	۱۳۷٪	۱۳۷,۳۳۵	۱۰۰,۴۹۰	جمع درآمدهای غیر مالیاتی
۷۴٪	۲,۹۶۴	۴,۰۰۰	۱۰۱٪	۳,۶۹۴	۳,۶۷۵	۷۷٪	۳,۴۵۴	۴,۵۰۰	۱۵۳٪	۳,۹۳۶	۲,۵۸۰	۳۹۹٪	۴,۴۹۸	۱,۵۰۶	درآمدهای انحصارات مالکیت دولتی
۱۳۱٪	۱۳۴,۹۷	۹۴,۹۸۶	۱۲۸٪	۹۱,۶۰۸	۷۱,۴۰۸	۸۳٪	۷۱,۵۷۹	۸۶,۳۹۳	۱۶۷٪	۱۱۰,۳۳۹	۶۵,۹۰۹	۱۵۸٪	۸۸,۷۶۱	۵۶,۲۶۲	درآمدهای خدمات و فروش کالا
۴۷٪	۳۹,۳۵۷	۶۳,۶۷۳	۶۰٪	۳۴,۳۳۳	۵۷,۴۱۵	۱۰۰٪	۴۸,۶۹۷	۴۸,۸۸۰	۳۳۳٪	۵۱,۸۰۳	۳۲,۲۰۰	۸۷٪	۲۶,۸۹۵	۳۰,۹۶۰	درآمدهای حاصل از جرائم و خسارات
۵۶۶٪	۳۱۶,۷۵۹	۵,۸۰۰	۴۶٪	۸۰,۷۴	۱۷,۵۰۰	۶۷٪	۱۶,۷۹۹	۲۵,۱۰۰	۲۲۴٪	۱۶,۵۶۳	۷,۰۸۳	۶۶٪	۲,۹۷۲	۴,۵۲۳	درآمدهای متفرقه
۵۸۰٪	۱,۸۸۴	۳۲۵	۳۶۵۳۳٪	۱,۰۹۶	۳	۱۹٪	۸۵۲	۴,۵۵۰	۱۱۶٪	۱۳,۰۴۹	۱۱,۲۳۰	۱۹۵٪	۱۴,۱۰۹	۷,۲۴۰	واگذاری داراییهای سرمایه ای
۱۶۹٪	۲,۹۳۹,۲۵۳	۱,۷۴۰,۴۰۳	۱۲۰٪	۱,۸۶۳,۵۸۷	۱,۴۳۳,۳۳۶	۱۰۹٪	۱,۴۳۰,۶۷	۱,۳۰۸,۶۱۰	۱۲۴٪	۱,۳۳۴,۵۷۱	۱,۰۶۵,۲۴۶	۱۲۳٪	۱,۰۴۶,۱۳۵	۸۵۳,۱۵۴	جمع کل درآمد های عمومی استان

مآخذ: سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قزوین : ارقام سال ۱۳۹۴ به صورت پیش بینی می باشد.

فصلنامه جدول شماره (۱) (ارقام به میلیون ریال)

۹۴			۹۳			۹۲			۹۱			۹۰			شرح
درصد تحقق	عسلکرد	هسوب	درصد تحقق	عسلکرد	هسوب	درصد تحقق	عسلکرد	هسوب	درصد تحقق	عسلکرد	هسوب	درصد تحقق	عسلکرد	هسوب	
۱۰۰٪	۹,۶۳۳,۶۳۳	۹,۶۴۶,۶۶۳	۱۰۹٪	۷,۱۱۶,۵۹۳	۶,۵۵۶,۶۶۳	۱۰۶٪	۵,۲۵۹,۹۵۶	۴,۹۶۹,۳۶۷	۸۷٪	۳,۲۵۶,۸۷۸	۴,۰۸۱,۰۸۶	۱۱۳٪	۲,۸۰۳,۸۷۱	۲,۰۸۴,۷۳۶	درآمدنی مالیاتی
۱۲۸٪	۴,۵۶۱,۷۵۳	۳,۵۷۷,۷۸۱	۱۱۵٪	۳,۳۳۹,۵۱۰	۲,۸۹۵,۳۳۸	۹۸٪	۲,۶۱۰,۸۷۸	۲,۶۶۳,۸۸۴	۷۵٪	۲,۰۰۱۴,۰۵۰	۲,۶۹۰,۹۹۷	۱۱۶٪	۱,۸۴۰,۳۳۶	۱,۵۳۳,۹۹۵	درآمدنی مالیاتی مستقیم
۸۴٪	۵,۰۷۳,۱۸۰	۶,۰۳۷,۷۸۳	۱۰۶٪	۳,۸۰۷,۰۸۳	۳,۶۵۹,۰۳۴	۱۱۵٪	۲,۶۶۸,۱۰۸	۲,۳۰۶,۶۸۳	۱۱۰٪	۱,۵۳۶,۸۷۸	۱,۴۱۰,۱۱۹	۱۱۸٪	۹۹۳,۵۳۴	۵۴۰,۷۸۱	درآمدنی مالیاتی غیر مستقیم
۷۳٪	۶,۹۱۳,۶۱۱	۹,۵۶۰,۵۵۶	۱۰۵٪	۸۴,۰۵۰	۷,۸۴,۶۱۱	۱۱۵٪	۶,۸۸۲,۰۶	۶,۷۳,۶۵۴	۱۱۴٪	۶۶,۹۰۴۷	۳۱۶,۳۱۶	۱۵۳٪	۳۱۵,۹۱۸	۲,۰۵۸,۸۰۰	جمع درآمدهای غیر مالیاتی
۳۷٪	۷۱	۲۶۰	۱۴٪	۶۹	۵۰۰	۷۹٪	۴۳,۶۶۶	۵۵,۴۳۳	۶۹٪	۷,۰۰۹	۱۱,۰۰۰	۴۰٪	۳,۵۷۸	۸,۹۳۷	درآمدنی اعصابت مالیاتی دولتی
۷۵٪	۳,۳۸,۵۳۳	۳,۱۹۰,۶۹	۱۰۳٪	۳,۳۳,۱۹۷	۳,۱۶,۶۹۳	۱۶۵٪	۲,۸۸,۵۵۴	۱,۷۸,۱۳۳	۱۳۳٪	۱,۶۶,۸۵۳	۱,۴۱,۵۵۵	۱۵۱٪	۱,۱۶,۸۸۸	۱,۱۶,۱۲۷	درآمدنی خدمات و فروش کالا
۷۴٪	۳۴,۰۹۳	۵۹۴,۳۳۵	۱۰۴٪	۴۹,۰۶۰	۴۵۳,۳۳۶	۱۳۲٪	۳,۸۸,۳۳۳	۳,۳۳,۹۹۱	۲۰۹٪	۲۵۸,۰۴۹	۱,۳۳,۳۱۱	۱۷۷٪	۱۱۱,۶۱۰	۶۴,۱۱۳	درآمدنی حمل و جابجایی و خدمات
۳۳٪	۱۴,۳۳۵	۴۳,۰۰۰	۱۹۴٪	۳,۷۵۹۷	۱۴,۱۹۳	۶۱٪	۱۳,۹۰۴	۳,۳,۸۷۸	۳۳٪	۱۶,۱۹۸	۴۸,۴۶۰	۱۵۱٪	۳۳,۸۲۵	۱۶,۳۶۸	درآمدنی ستره
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴۶٪	۹۳۹	۲,۰۳۰	۸۰٪	۱,۰۳۴	۱,۲۸۵	والتی داراییهای سرمایه ای
۹۸٪	۱,۰۳۷,۰۵۴	۱,۰۵۹,۳۳۷	۱۰۸٪	۷,۵۴۹,۱۸۳	۷,۳۳۷,۶۹۳	۱۰۶٪	۵,۹۶۸,۱۶۳	۵,۶۶۳,۸۶۱	۹۱٪	۴,۰۳,۹۲۵	۴,۴۰,۶۶۳	۱۱۳٪	۳,۱۸۸,۷۸۹	۲,۳۹,۰۵۶	جمع کل درآمدهای عمومی استان

مختص سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قزوین: «۱۳۹۳ به صورت پیش بینی می باشد.

درآمدهای مالیاتی : در خصوص ارتباط سیستم مالیاتی و سطح رقابتی بودن اقتصاد می توان استدلال کرد که هرچه سیستم مالیاتی کشور مناسب تر باشد سطح رقابت پذیری در کشور بالاتر خواهد بود. ارتباط سیستم مالیاتی و رقابت پذیری را می توان از دو بعد مالیات برآمد و مالیات بر شرکت ها مورد بررسی قرار داد. به طوری که هر گاه مالیات بر درآمد منجر به توزیع بهتر درآمد جامعه شود و مالیات بر شرکت ها در سطح پایین تری قرار بگیرد قدرت رقابت پذیری در اقتصاد افزایش می یابد.

با توجه به موارد مذکور ، در استان قزوین مجموع درآمد های مالیاتی در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۹۶۳۳۴۳۳ میلیون ریال بوده که نسبت به ردیف های مشابه درآمدی سال ۱۳۸۵، ۲۶۶ درصد به طور متوسط سالانه رشد را نشان می دهد. در این سال مبلغ ۴۵۶۱۲۵۳ میلیون ریال از درآمد های مالیاتی از محل درآمد های مالیاتی مستقیم و مبلغ ۵۰۷۲۱۸۰ میلیون ریال از محل درآمد های مالیاتی غیر مستقیم وصول شده است. به عبارت دیگر درآمد های مالیاتی مستقیم سهم ۴۷.۳ درصدی و درآمد های مالیاتی غیر مستقیم سهم ۵۲.۷ درصدی از مجموع درآمدهای مالیاتی را دارا می باشند. سهم تحقق درآمد های غیر مستقیم مالیاتی در استان از سال ۱۳۹۲ به بعد نسبت به درآمد های مالیاتی مستقیم رو به افزایش بوده و آن هم مربوط به برقراری مالیات بر ارزش افزوده است که مهم ترین جزء مالیات بر کالا و خدمات می باشد.

درآمد های غیر مالیاتی (سایر درآمدها): درآمد های غیر مالیاتی استان از درآمد های حاصل از انحصارات و مالکیت دولت ، خدمات و فروش کالا، جرایم و خسارات ، درآمد های متفرقه و واگذاری دارایی های سرمایه ای تشکیل شده است. مجموع درآمد های غیر مالیاتی استان در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۶۶۴۹۳۸ میلیون ریال بوده که نسبت به ردیف های مشابه درآمدی سال ۱۳۸۵، ۲۰.۴ درصد به طور متوسط سالانه رشد را نشان می دهد. سهم درآمد های غیر مالیاتی از کل درآمد های عمومی استان در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۴ به ترتیب از ۱۰.۴ درصد به رقم ۶.۴ درصد رسیده است. که این رقم به میزان ۴.۷ درصد به طور متوسط سالانه کاهش را نشان می دهد. میزان تحقق درآمد های غیر مالیاتی در سال ۱۳۸۵، حدود ۱۰۴ درصد بوده و در سال ۱۳۹۴ به ۷۰ درصد رسید که تاثیر ۳.۸ درصد به طور متوسط سالانه در درصد تحقق را نشان می دهد.

بررسی ترکیب درآمد های غیر مالیاتی استان نشان می دهد که درآمد حاصل از خدمات و فروش کالا با ۲۳۸۵۳۲ میلیون ریال وصولی و رشد متوسط سالانه ۱۵.۶۳ درصد نسبت به سال ۱۳۸۵ را دارد، پس از آن درآمد حاصل از جرائم و خسارات در سال ۱۳۹۴ با مبلغ ۴۱۲۱۰۹ میلیون ریال وصولی و رشد متوسط سالانه ۳۱.۳۸ درصدی افزایش داشته است. درآمد های انتقالی متفرقه از ۲۹۷۲ میلیون

ریال بارشد متوسط سالانه ۱۶.۹۵ درصد به رقم معادل ۱۴۲۳۵ میلیون ریال افزایش را نشان می دهد. از سال ۱۳۹۲ به بعد درآمد های واگذاری دارایی های سرمایه ای در سطح استان به صفر رسیده است. درآمد حاصل از انحصارات مالکیت دولتی از ۴۴۹۸ میلیون ریال در سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد متوسط سالانه ۳۳.۹۵ درصد کاهش به رقم ۷۱ میلیون ریال رسیده است. (جدول ۱)

روش شناسی

این تحقیق در این مقاله از لحاظ ماهیت کار از نوع کاربردی می باشد، نوع تحقیق برآورد الگوی اقتصاد سنجی ارتباط بین کل درآمد های مالیاتی ، مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم برای استان است . قلمرو موضوعی تحقیق بررسی کارایی درآمد های مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی استان طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ است. زیرا در سنوات گذشته اطلاعات برخی از متغیرها وجود ندارد. قلمرو مکانی تحقیق حاضر نیز ادارات سازمان امور اقتصادی و دارایی و امور مالیاتی استان می باشد .

کلیه ارقام مربوط به درآمد های مالیاتی و تولید ناخالص داخلی استان به صورت سری زمانی طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ برای استان بوده و جامعه آماری مورد نظر را تشکیل می دهند.

گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و اسنادی می باشند، از روش کتابخانه ای برای جمع آوری نظریه ها و تحقیقات انجام شده استفاده گردیده است. از اسنادی که از طرف اداره کل امور مالیاتی و سازمان اموراتصادی و دارایی استان در اختیار گذاشته شده است برای تجزیه و تحلیل و جمع آوری داده ها استفاده می شود. از قانون های مالیاتی بالآخص قانون مالیات بر ارزش افزوده هم برای آگاهی از چگونگی اجرا و عملکرد آن استفاده شده است.

ابزار های گرد آوری اطلاعات نیز از طریق ادارات فوق الذکر ، مرکز آمار و اطلاعات و کتابخانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و فیش برداری از کتب، مجلات، سایت ها، قانون ارزش افزوده، اسناد و آرشیو پرونده های موجود در ادارات مربوطه در سطح استان می باشند.

در این مقاله ، داده های سری زمانی متغیرهای کلان اقتصادی استان در دوره ۹۳- ۱۳۸۰ (جدول شماره ۲) استفاده می شود تا با بهره گیری از سیستم معادلات روش تخمین حداقل مربعات معمولی به سوالات مطرح شده در این تحقیق پاسخ داده شود . در الگوی تجربی مورد مطالعه سه معادله نهایی شده است که عبارتند از :نرخ رشد کل درآمدهای مالیاتی، نرخ های رشد درآمد های مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی استان که به عنوان کشش های مالیاتی و تولید

ناخالص داخلی استان جهت انجام مراحل مختلف بویژه پردازش داده ها، اندازه گیری و برآورد الگو نیز از نرم افزار Eviews استفاده شده است.

در تمامی کشورها، دولت ها جهت انجام مخارج خود نیاز به درآمدهای پایدار هستند که در یک دوره مالی باید به تمامی هزینه های خود جوابگو باشند. در ایران مانند بسیاری از کشورهای صادر کننده نفت، دسترسی به منابع درآمدی سرشار و سهل الوصول حاصل از نفت، در طی سالها مانع از توجه جدی به نقش مالیاتها در اقتصاد و سیاستهای مالی گردیده است. طی سالهای اخیر، بروز نوسانهایی در بازار نفت که عمدتاً با کاهش قیمت همراه بوده تنگنانهایی در اجرای بودجه کشور ایجاد نموده که سبب گردیده تا مالیاتها حداقل با هدف تأمین منبع مطمئن در آمدی که دارای ثبات بیشتری است مورد توجه جدی قرار گیرد.

درآمد مالیاتی، همواره به عنوان کم هزینه ترین منابع مالی در استان و کشور ما تلقی گردیده و پیشرفته ترین نظامهای اقتصادی به رغم توانمندی در ایجاد درآمد از بخشهای متنوع اقتصادی، همچنان در اخذ مالیات از همه اجزای درآمدی جامعه مصمم بوده و در این زمینه، به هر گونه ابزار قانون و اجرایی که مورد نیاز باشد، توسل می جویند. در نهایت مخارج دولت تابع مستقیم درآمدهای مالیاتی می باشد.

اگر چه مخارج دولتها از منابع دیگری مانند نفت، استقراض از بانک مرکزی و غیره می تواند تأمین شود، اما تجربیات کشورها نشان می دهد که تکیه بر درآمدهای غیر مالیاتی نامعقول، زیان بخش و ناپایدار است. در حالی که اتکاء به درآمدهای مالیاتی یکی از سالمترین روش های تأمین خواسته های دولتها می باشد. به عبارت دیگر برای تحقق رشد اقتصادی لازم است منابع درآمدهای عمومی دولت و از آن جمله مالیات که از اجزاء مهم آن است از آهنگ رشد بالنسبه سریعتری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی که در حقیقت شاخص اقتصاد کلان برای اندازه گیری رشد اقتصادی است، برخوردار باشد. بنابراین یکی از وجوه مهم مالیاتی، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است، که در واقع واکنش نظام مالیاتی را به تغییرات در تولید ناخالص داخلی نشان می دهد.

در مرحله رشد اقتصادی، وجود یک نظام با کشش مالیاتی از مزایای بسیاری برخوردار بوده و چون معمولاً تمایل به افزایش هزینه های دولت بیشتر از افزایش درآمدهاست هر قدر این حساسیت بیشتر باشد، نظام مالیاتی کارایی بیشتری در جذب درآمدهای اضافی داشته و تأثیر آن در ثبات اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود.

برای بررسی اهمیت و انعطاف پذیری اقلام مختلف مالیاتی در رشد اقتصادی استان کشش این منابع نسبت به کشش تولید ناخالص داخلی واقعی استان برآورده می شود. رابطه (۱) در حقیقت رابطه ای است که در ارتباط درآمدهای مالیاتی (T) و تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ را نشان می دهد. b,a پارامترهای الگوی فوق را بیان می کنند.

در اینجا هدف اصلی برآورد پارامتر b و تفسیر اقتصادی آن است برای تخمین پارامتر b با توجه به رابطه (۶) باید گفت که این الگو یک الگوی غیر خطی است. ولی با استفاده از تبدیل لگاریتمی می توان رابطه (۱) را به این صورت نوشت:

$$\ln T = a + b \ln (GDP)$$

پارامترهای الگو در رابطه (۱) را می توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی را با استفاده از نرم افزار Eviews برآورد کرد. (کامبیز هژبرکیانی : ۱۳۹۴).

با استفاده از برآورد، این کشش (b) را می توان انعطاف پذیری و حساسیت اقلام مختلف درآمدهای مالیاتی در ارتباط با تغییرات تولید ناخالص داخلی را بررسی و تفسیر کرد.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که نرخ رشد کشش های درآمدی مالیاتی ها در سطح استان دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان داشته است. در مجموع با وجود برخورداری از منابع درآمدی، نقش دولت از کارآمدی لازم برخوردار بوده است زیرا نتایج نشان می دهد که نرخ رشد مالیات ها بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد استان تاثیر گذار بوده است.

با توجه به مطالب ارائه شده در بخش های گذشته که در راستای سیاست تمرکز زدائی و استانی نمودن درآمدهای ملی اقدام شده است که باتوجه به موارد ذکر شده در بخش بعدی به برآورد و تجزیه و تحلیل نتایج الگو طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ پرداخته می شود.

یافته های پژوهش

با توجه به معادله (۱) کشش انواع درآمدهای مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی استان طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ که در بخش روش شناسی آمده و از روش برآورد گر حداقل مربعات معمولی برآورد و نتایج مورد نظر در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد. (جدول شماره ۲). لازم به ذکر است که داده ها برای دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰ از اداره کل مالیاتی، سازمان دارایی و امور اقتصادی استان، معاونت آمار و

اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان جمع آوری و در این مطالعه به صورت سری زمانی می باشد. لذا قبل از هر اقدامی برای برآورد روابط میان آنها، مسأله پایداری و عدم پایداری هریک از متغیرها بایستی بررسی گردد. بنابراین جهت بررسی حساسیت متغیرها از آزمون خود همبستگی استفاده شده است. در اقتصاد سنجی یک سری زمانی وقتی پایا است که میانگین، واریانس، کوواریانس و در نتیجه ضریب همبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند و مهم نباشد که در چه مقطعی از زمان مورد بررسی قرار می گیرد. بعد از آزمون ایستایی متغیرها، به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به بررسی رابطه رگرسیونی متغیرها پرداخته می شود، سپس با استفاده از آزمون دوربین-واتسون^۱ (آماره DW یکی از بهترین روش ها جهت کشف وجود خود همبستگی^۲ می باشد) خود همبستگی آنها را مورد بررسی قرار می گیرد. مفهوم اقتصادی خود همبستگی آن است که وقتی دو یا چند متغیر سری زمانی بر اساس مبانی نظری با یکدیگر ارتباط داده می شوند تا یک رابطه تعادلی بلندمدت را شکل دهند. در مرحله بعد از الگوی خود در جهت بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه متغیرها استفاده می شود، برای انجام این تحقیق از نرم افزار Eviews استفاده می شود.

پس از تعیین ساختار خود همبستگی (که فرآیند اتورگرسیو مرتبه اول^۳ یا فرآیند میانگین-متحرک^۴ مرتبه اول باشد) می توان مشکل مدل خود همبستگی را (با وارد کردن ساختار خود همبستگی در برآورد نتایج الگو) از روش حداقل مربعات (OLS) برطرف نمود. (کامبیز هژبر کیانی ۱۳۹۴). کشش انواع درآمدهای مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) استان دوره ۹۳ - ۱۳۸۰ از روش برآورد گر حداقل مربعات معمولی برآورد و نتایج در ذیل آمده است:

کشش درآمدهای کل مالیاتی استان: الگو را با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره (۲) از روش برآورد گر حداقل مربعات معمولی برای دوره ۹۳ - ۱۳۸۰ برآورد و به شرح ذیل می باشد:

$$\text{LnTT} = - ۳۰/۹ + ۴/۲۹ \text{ Ln GDPr} + e_1$$

$$(۴/۹) \quad (-۳/۹)$$

$$R^2 = ۰/۹۳$$

$$R - 2 = . / ۹۱$$

$$F = ۴۶/۱۲$$

$$D-W = ۱/۷۲$$

1-Ordinary Least Squares

2-Durbin – Watson Test

3-Atuocorrelation

4-Autoregressive

5-Autoregressive Moving – Average

ضریب کشش درآمدی کل درآمدهای مالیاتی برابر با ۴/۲۹ است. این نشانه کارایی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می باشد. به عبارت دیگر اگر تولید ناخالص داخلی واقعی استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر شرایط درآمد های مالیاتی استان به میزان ۴/۲۹ برابر در استان افزایش خواهد یافت.

کشش درآمد های مالیات مستقیم: الگو یا روش برآوردگر حداقل مربعات معمولی برای دوره ۹۳ - ۱۳۸۰ برآورد گردیده و ضریب کشش مالیاتهای مستقیم برابر ۳/۴۷ است که در قبال رشد تولید ناخالص داخلی انعطاف لازم را نشان داده است و نتایج در ذیل آمده است:

$$\text{LnITD} = - ۲۴/۰۸ + ۳/۴۷ \text{ Ln GDPr} + e_1$$

$$(۷/۲۴) \quad (-۵/۵۶)$$

$$R^2 = ۰/۹۲$$

$$R - 2 = . / ۹۰$$

$$F = ۴۱/۵۶$$

$$D-W = ۱/۸۰$$

ضریب کشش درآمدی مالیات های مستقیم برابر با ۳/۴۷ است. این نشانه کارایی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می باشد. به عبارت دیگر اگر تولید ناخالص داخلی واقعی استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر شرایط درآمد های مالیاتی استان به میزان ۳/۴۷ برابر در استان افزایش خواهد یافت.

کشش درآمدهای مالیاتی غیر مستقیم: الگو یا روش برآوردگر حداقل مربعات معمولی برای دوره ۹۳ - ۱۳۸۰ برآورد گردیده و ضریب کشش مالیاتهای غیر مستقیم برابر ۸/۸۷ است که در قبال رشد تولید ناخالص داخلی انعطاف لازم را نشان داده است و نتایج در ذیل آمده است:

$$\text{LnITD} = - ۷۲/۹ + ۸/۷۸ \text{ Ln GDPr} + e_1$$

$$(۴/۳۲) \quad (-۴/۰۷)$$

$$R^2 = ۰/۸۶$$

$$R - 2 = . / ۸۲$$

$$F = ۲۰/۸۶$$

$$D-W = ۱/۳۴$$

ضریب کشش درآمدی مالیات های غیرمستقیم برابر با ۸/۸۷ است . این نشانه کارآیی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می باشد. به عبارت دیگر اگر تولید ناخالص داخلی واقعی یا (به قیمت ثابت) استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر متغیرها درآمدهای مالیاتی استان به میزان ۸/۸۷ برابر در استان افزایش خواهد یافت. با توجه به محاسبات انجام شده ضرایب کشش ها ، نشان می دهند که سیستم مالیاتی در استان از کارایی لازم برای جذب درآمدهای مازاد را دارد و بسیاری از ظرفیت های مالیاتی جذب و مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۲ - درآمدهای کل مالیاتی، مالیات های مستقیم، غیرمستقیم و تولید ناخالص داخلی واقعی
استان ۹۳-۱۳۸۰ (ارقام به میلیارد ریال)

سال	عناوین	مالیات های مستقیم (DT)	درصد	lnDT	مالیاتهای غیرمستقیم (IDT)	درصد	lnIDT	کل مالیاتها (TT)	lnTT	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (GDP)	lnGDP
۱۳۸۰		۴۶۵.۲	۰.۹۸	۶.۱۴۲۵	۹.۴۰۶	۰.۰۱۹۸	۲.۲۴۱۳۵	۴۷۴.۶	۶.۱۶۲۴۸۷	۶۰۱۲	۸.۷۰۱۵۱۳
۱۳۸۱		۴۷۲	۰.۹۷۹	۶.۱۵۷	۱۰.۳۱۵	۰.۰۲۱۴	۲.۳۳۳۶	۴۸۲.۳	۶.۱۷۸۶۲۹	۵۷۷۵	۸.۶۶۱۲۹۴
۱۳۸۲		۴۰۰.۱	۰.۷۹۸	۵.۹۹۱۶	۱۰.۱۴۶۱	۰.۲۰۲۳	۴.۶۱۹۶۷	۵۰۱.۵	۶.۳۱۷۶۵۹	۶۰۲۹	۸.۷۰۴۳۳۶
۱۳۸۳		۴۶۳.۷	۰.۷۴۲	۶.۱۳۹۲	۱۶۱.۵۴	۰.۲۵۸۴	۵.۰۸۴۷۵	۶۲۵.۲	۶.۴۳۸۱۳۲	۶۰۷۰	۸.۷۱۱۱۱۴
۱۳۸۴		۷۱۳.۷	۰.۸۰۳	۶.۵۷۰۵	۱۷۵.۵۷۸	۰.۱۹۷۴	۵.۱۶۸۰۸	۸۸۹.۳	۶.۷۹۰۴۲۷	۶۵۱۵	۸.۷۸۱۸۶۲
۱۳۸۵		۶۶۴.۸	۰.۷۸۳	۶.۴۹۹۵	۱۸۴.۳۵۳	۰.۲۱۷۱	۵.۲۱۶۸۵	۸۴۹.۲	۶.۷۴۴۲۶۵	۷۱۸۰	۸.۸۷۹۰۵۵
۱۳۸۶		۸۳۶.۱	۰.۷۸۵	۶.۷۲۸۷	۲۲۸.۳۳۳	۰.۲۱۴۵	۵.۴۳۰۸۱	۱۰۶۴	۶.۹۷۰۱۹۱	۷۳۲۹	۸.۸۹۹۵۹۴
۱۳۸۷		۹۹۵.۶	۰.۸۰۵	۶.۹۰۳۴	۲۴۱.۵۷۳	۰.۱۹۵۳	۵.۴۸۷۱۷	۱۲۳۷	۷.۱۲۰۶	۸۲۳۹	۹.۰۱۶۶۳۴
۱۳۸۸		۱۱۳۶	۰.۶۵۹	۷.۰۳۵۶	۵۸۸.۵۱۸	۰.۳۴۱۲	۶.۳۷۷۶۱	۱۷۲۵	۷.۴۵۲۹۱۴	۸۶۹۹	۹.۰۷۰۹۶۳
۱۳۸۹		۱۴۴۸	۰.۶۳۵	۷.۲۷۸	۸۳۱.۹۲۵	۰.۳۶۴۹	۶.۷۲۳۷۴	۲۲۸۰	۷.۷۳۱۹۴۵	۸۳۹۶	۹.۰۳۵۵۱۱
۱۳۹۰		۱۸۴۰	۰.۶۵۷	۷.۵۱۷۷	۹۶۲.۵۳۴	۰.۳۴۳۴	۶.۸۶۹۵۷	۲۸۰۳	۷.۹۳۸۳۹۹	۸۸۸۲	۹.۰۹۱۷۸۲
۱۳۹۱		۲۰۱۴	۰.۵۶۶	۷.۶۰۷۹	۱۵۴۶.۸۳	۰.۴۳۴۴	۷.۳۴۳۹۶	۳۵۶۱	۸.۱۷۷۷۶۲	۹۲۵۱	۹.۱۳۲۴۸۷
۱۳۹۲		۲۶۱۱	۰.۴۹۶	۷.۸۶۷۴	۲۶۴۸.۱۱	۰.۵۰۳۵	۷.۸۸۱۶	۵۲۵۹	۸.۵۶۷۶۸۸	۹۴۵۳	۹.۱۵۴۰۸۷
۱۳۹۳		۳۳۲۰	۰.۴۶۶	۸.۱۰۷۶	۳۸۰۷.۰۸	۰.۵۳۴۲	۸.۲۴۴۶۲	۷۱۲۷	۸.۸۷۱۵۸۸	۹۶۵۹	۹.۱۷۵۶۴۵

* مأخذ : آمار واطلاعات استان ،سازمان امور اقتصادی و دارایی استان و اداره کل مالیاتی استان قزوین

بحث و نتیجه‌گیری

از زمانی که دولت‌ها نقش موثری را در اقتصاد به عهده گرفتند، ساختار بودجه دولت نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. ساختار بودجه دولت بعنوان عاملی اثر گذار بر متغیرهای کلان اقتصادی خود متاثر از نحوه تامین منابع مورد نیاز دولت و همچنین چگونگی مصارف آنها است. مالیات بهترین ابزار برای تامین درآمدهای عمومی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، ایجاد انضباط مالی و مدیریت اقتصادی است.

همانطور که در بخش‌های قبل عنوان شد رابطه بین درآمد‌های مالیاتی و رشد اقتصادی استان وجود دارد، می‌توان به عنوان یکی از نگرشهایی که در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد توافق اغلب اقتصاد دانان است، بسیج منابع داخلی و به ویژه درآمدهای عمومی دولت برای افزایش رشد اقتصادی آنان است. به عبارت دیگر برای تحقق رشد اقتصادی لازم است منابع درآمدهای عمومی دولت و از جمله مالیات که از اجزاء مهم آن است از آهنگ رشد بالنسبه سریعتری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی که در حقیقت شاخص اقتصاد کلان برای اندازه گیری رشد اقتصادی است، برخوردار باشد. بنابراین یکی از اجزای مهم مالیاتی، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است، که در واقع واکنش نظام مالیاتی را به تغییرات در تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد.

با توجه به برآورد الگو نتایج ذیل حاصل شده است:

الف- ضریب کشش درآمدی کل درآمدهای مالیاتی استان برابر با ۴/۲۹ است. این نشانه کارایی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می‌باشد. به عبارت دیگر اگر تولید ناخالص داخلی واقعی استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر شرایط درآمد‌های مالیاتی استان به میزان ۴/۲۹ برابر در استان افزایش خواهد یافت.

ب- ضریب کشش درآمدی مالیات‌های مستقیم برابر با ۳/۴۷ است. این نشانه کارایی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می‌باشد. به عبارت دیگر اگر تولید ناخالص داخلی واقعی استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر شرایط درآمد‌های مالیاتی استان به میزان ۳/۴۷ برابر در استان افزایش خواهد یافت.

ج- ضریب کشش درآمدی مالیات‌های غیرمستقیم برابر با ۸/۸۷ است. این نشانه کارایی نظام مالیاتی استان در پاسخگویی به تغییرات در تولید ناخالص داخلی استان می‌باشد. به عبارت دیگر اگر تولید

ناخالص داخلی واقعی یا (به قیمت ثابت) استان به میزان یک واحد افزایش یابد، به شرط ثابت بودن سایر شرایط درآمد های مالیاتی استان به میزان ۸/۸۷ برابر در استان افزایش خواهد یافت.

با توجه به محاسبات انجام شده ضرایب کشش ها، نشان می دهند که سیستم مالیاتی در استان از کارایی لازم برای جذب درآمدهای مازاد را دارد و بسیاری از ظرفیت های مالیاتی جذب و مورد استفاده قرار گرفته است.

نهایتاً درآمدهای مالیاتی به عوامل زیادی از جمله، درآمد ملی، توزیع درآمد، جمعیت و ساختار سنی آن و فرهنگ مالیاتی، نوسانات اقتصادی، عوامل سیاسی، سرمایه، تورم، سیاستهای اقتصادی، در حد توسعه یافتگی، قوانین و مقررات مالیاتی، آزاد سازی تجارت، نرخ باسوادی و درجه شهر نشینی وابسته می باشد. با توجه به اینکه برخی از این عوامل کیفی هستند و غیر قابل اندازه گیری و برخی دیگر در دیگری مستتر می باشد. برای میزان وصول درآمد های مالیاتی استان قزوین از برخی از شاخص ها از جمله، توزیع درآمد، قوانین و مقررات مالیاتی استفاده شده است.

بطور کلی می توان شکاف بین میزان بالقوه و وصولی مالیات ها را به سه موضوع نسبت داد، اولاً منابعی که شناسایی شده اند ولی عملاً مالیات نمی پردازند، ثانیاً منابعی که شناسایی شده اند ولی از معافیت های قانونی برخوردار می باشند و ثالثاً منابعی که دارای پرونده مالیاتی هستند ولی پرونده آنها در سیستم مالیاتی فعال نیست. فعال نبودن این پرونده ها عمدتاً به دلیل حجم زیاد آنها و عدم توانایی رسیدگی دقیق کادر مالیاتی تشخیص مالیات واقعی و در برخی موارد تشخیص علی الرأس می باشد که باعث می گردد اخذ مالیات متناسب با ارزش افزوده هایی که این منابع ایجاد کرده اند، نباشد. به منظور تشریح دلایل موارد مطرح شده فوق به قسمتی از مشکلات و نارسائی ها اشاره می شود: ۱- فرهنگ مالیاتی ۲- مشکلات قوانین مالیاتی و تشخیص علی الرأس ۳- عدم استفاده گسترده از تکنولوژی های جدید و آموزش ناکافی کارمندان وصول مالیات ۴- عملکرد معکوس قانون جریمه دیرکرد پرداخت مالیات ۵- مشکلات مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی (شرکت ها) ۶- سایر پیشنهادات.

بمنظور کاهش کاغذ بازی و رسیدگی های متعدد و جایگزین نمودن اعتماد و اطمینان بجای تردید و بی اعتمادی، باید رابطه مؤدی و ممیز مالیاتی به حداقل کاهش یابد و روشهای رسیدگی تغییر یافته و از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران رسمی استفاده گردد و با استفاده از علم نمونه گیری و طبقه بندی پرونده ها برحسب اهمیت، نظام خود اظهاری و خود تشخیصی باید جایگزین نظام پرهزینه فعلی بررسی تمام پرونده ها گردد و قانون ۱۵۸ قانون مالیاتهای مستقیم به اجرا درآید.

لازم است حسابرسان مالیاتی بر طبق قانون ماده واحده مصوبه مجلس شورای اسلامی فعال گردند، ضمن اینکه پیشنهاد می شود گزینش، نصب و عزل این حسابرسان در اختیار وزارت دارائی نباشد بلکه مانند سایر کشورها توسط مراجع حرفه ای و تخصصی صورت پذیرد.

توصیه می شود مالیات شرکتهای دولتی نیز مانند شرکتهای غیر دولتی به طور سرجمع در لایحه بودجه درج گردد و از ذکر ارقام مربوط به مالیات شرکتهای دولتی به تفکیک نام هر شرکت اجتناب شود. دلیل ارائه این پیشنهاد این است که وقتی مالیات سال آینده شرکت مشخص می شود شرکتهای فرصت این را دارند که در لابلای حسابهای هزینه خود رقم مالیات را ملحوظ نمایند و به این ترتیب به نوعی مالیاتها را در حسابهای مربوط به قیمت تمام شده محصول خود منتقل ساخته و طوری عمل نمایند که نهایتاً پس از پرداخت مالیات، به هدف و سود مورد انتظار خود دست یابند، حال چنانچه شرکت از مالیات خود اطلاع نداشته باشد، فرصت انجام این کار از او سلب خواهد شد. در این بخش برخی پیشنهادات در جهت افزایش درآمدهای جدید در استان عبارتند از: ۱- فعال کردن صنعت توریسم ۲- آموزش های عالی آزاد ۳- ترانزیت و خدمات گمرکی ۴- استفاده از اماکن ورزشی ۵- استفاده از اماکن دولتی برای برگزاری مراسم ها و همایش ها ۶- فروش خانه های سازمانی دولتی ۷- استفاده از مراتع و جنگلها ۸- فعال نمودن مراکز تحقیقات کشاورزی ۹- واگذاری مراکز درمانی و خدماتی روستایی به پزشکان.

از آنجایی که مالیات نقش مهمی در ساماندهی اقتصاد استان در راستای دستیابی به رشد و توسعه پایدار و تخصیص بهینه منابع با هدف اثرگذاری بر بخشهای مختلف اقتصاد دارد، بنابراین با وصول مالیات عادلانه از مؤدیان می توان بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی استان از جمله کسری بودجه سالانه، تورم و بیکاری رفع و زمینه های ایجاد عدالت اجتماعی را از طریق توزیع دوباره درآمدها، فراهم کرد. آمار نشان می دهد با توجه به موضوع مالیات در سال گذشته درآمدهای دولت از نفت و مالیات با تفاوت کمی به هم نزدیک شده، به طوری که توجه بیشتر به آن، درآمدهای مالیاتی را زیاده تر خواهد کرد. با توجه به مشکلات موجود در مسیر اخذ مالیات در استان، در مرحله رشد اقتصادی، وجود یک نظام مالیاتی با کسش از مزایای بسیاری برخوردار بوده مورد نیاز است. چون معمولاً تمایل به افزایش هزینه های دولت بیشتر از افزایش درآمدهاست. هر قدر این حساسیت بیشتر باشد، نظام مالیاتی کارایی بیشتری در جذب درآمدهای اضافی داشته و تأثیر آن در ثبات اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود.

منابع

- اسدا...زاده بالی ، میررستم (۱۳۷۸). اثر بخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران ، فصلنامه مالیاتی، شماره اول، تابستان .
- جعفری صمیمی، احمد(۱۳۷۷). ارائه سیستم حسابداری مالیات بر ارزش افزوده و اجرای آن برای شرکتها وصاحبان مشاغل در استان مازندران، مالیاتی، شماره اول، تابستان .
- فلیحی ، نعمت(۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر تلاش مالیاتی و پیشنهاد تدوین الگوی سیستم دینامیکی تلاش مالیاتی، فصلنامه مالیاتی، شماره اول، تابستان .
- بوشال ،کول (۲۰۰۵) مالیات بر ارزش افزوده در هند ، مترجم علی عابدی ، تهران ، نشر ققنوس.
- سعیدی و نهتانی، حسینعلی (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده (VAT) بجای مالیات بر درآمد شرکتهای غیر تولیدی ،مالیات ، ص ۱۱۹-۱۲۰.
- نوروژی، علی (۱۳۸۷). بررسی و برآورد درآمد های استان گیلان طی دوره ۸۳-۱۳۷۰ ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان .
- عرب ، ولی اله (۱۳۸۱). بررسی وضعیت درآمد های عمومی کشور طی دوره ۷۷-۱۳۵۷ ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین، پ.
- کرد بچه ، محمد(۱۳۷۵). بررسی درآمدهای مالیاتی ایران، (قسمت دوم)، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶ ، مهر .
- جعفرصمیمی، احمد(۱۳۶۹). منابع درآمدهای عمومی دولت و رشد اقتصادی در ایران، اقتصاد و مدیریت، شماره ۷، زمستان.
- هژبرکیانی ، کامبیز (۱۳۹۴). اقتصاد سنجی و کاربرد آن ، نشر نور علم.
- تقی پور، انوشیروان و علیخان قمی، روزبه، (۱۳۷۸)تحلیل عوامل مؤثر بر مالیات و پیش بینی آن: مورد مطالعه ایران (۱۳۵۲-۱۳۷۸)، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۱-۴۰، ص ۸۹-۶۱.
- پروین، سهیلا و قره باغیان، مرتضی(۱۳۷۵) . آثار توزیعی مالیات در ایران ، مجله علمی و پژوهشی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی شهید بهشتی، شماره ۵، بهار.

- زمانی، احمد (۱۳۷۸). بررسی سیستم عملیات بر ثروت در ایران و برآورد ظرفیت مالیاتی برخی از اجزای آن، پژوهش ها و سیاستهای اقتصادی، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، پائیز، ص ۶۶-۳۹.
- جسمانی، محمدعلی و فخرالدینی، علی (۱۳۶۸). بررسی راههای افزایش درآمدهای غیر نفتی استان یزد «بخش مالیاتها و درآمدهای اختصاصی»، سازمان برنامه و بودجه استان یزد، شماره ۱۰۷، آذر ماه.
- کرد بچه، محمد (۱۳۶۴). نسبت مالیاتی، ظرفیت مالیاتی و کوشش مالیاتی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی دفتر اقتصاد کلان، مجموعه مقالات تحقیقی درباره مالیاتها.
- پروین، سهیلا (۱۳۷۸). آثار توزیعی بار مالیاتی در بخش صنعت و تأثیر آن بر رشد تولید، پژوهش ها و سیاستهای اقتصادی، سال هفتم، شماره ۳، پائیز، ص ۳۸-۵.
- زمانی، احمد و کلانتری، محسن (۱۳۷۸). اندازه گیری وقفه های قانونی مالیاتی و آثار صنفی آن در ایران، پژوهش ها و سیاستهای اقتصادی، سال هفتم شماره ۳، ص ۸۷-۶۷.
- شهشهانی، احمد (۱۳۵۷). الگوی اقتصاد سنجی و کاربردهای آن در ایران. تهران، دانشگاه تهران.
- کیمجانی، اکبر، فهیم یحیایی، فریبا (۱۳۷۰). برآورد ظرفیت مالیاتی کشور، مجله اقتصاد و مدیریت شماره ۸ و ۹، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کیمجانی، اکبر (۱۳۷۲). "مالیات برارزش افزوده تجربه عملی آن در برخی از کشورها برآورد میزان مالیات برارزش افزوده در ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس..
- ابراهیمی، محسن (۱۳۹۴). قانون مالیات های مستقیم، تهران، انتشارات رسام.
- سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قزوین (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی اقتصاد استان قزوین طی سالهای ۱۳۷۹-۸۵، تهران، انتشارات حدیث امروز.
- سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قزوین (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی اقتصاد استان قزوین طی سالهای ۱۳۸۴-۸۹، قزوین، انتشارات اندیشه زرین، سال ۱۳۸۷.
- سازمان امور اقتصادی و دارایی استان قزوین (۱۳۹۲). گزارش اقتصادی استان قزوین سال ۱۳۹۰، قزوین، انتشارات اندیشه زرین.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین (۱۳۸۳). مجموعه مقالات طرحهای تحقیقاتی استان قزوین، قزوین، ناشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

- Chelliah, R. J. (1971). "Trends in taxation in developing countries", I.M.F, staff paper, pp.245-331.

- Wilson, J.d. (1991). "Tax competition with interregional differences in factor endowments", Regional science and urban economics, North – Holland, vol.21, pp.423-451.

- Mendoza, E.G., Razin, A., Tesar, L.L (1997). "Effective tax rates in macroeconomics", Journal of monetary Economics, Vol.34(3), pp.297-323.

- Engel Eduardo M.R.A., Galetovic A., Raddatz C.E., (1991). "Taxes and income distribution in Chile: some unpleasant redistributive arithmetic" "Journal of Development Economics, vol.59. pp.155-192.

- Godspeed T. j (2000). "Tax structure in a federation", Journal of public Economics, vol.75(3), pp.409-493.

- Lin sh., (1998), "Labor income taxation", Journal of public Economics, Vol,68(2), pp..291-302.

بررسی جایگاه توسعه صنعتی

استان قزوین در کشور طی دوره ۹۲-۱۳۸۹

احمد فتحی زاده^۱، علی رحمانی^۲، جلال کبیری^۳، مرتضی قضایی^۴، مرتضی یوسفی^۵

چکیده

وضعیت کنونی صنعت در استان قزوین می تواند بازخوردی از سیاست های پیشین و راهنمای سیاست گذاری های آتی باشد. لذا مقایسه توسعه صنعتی استان با سایر استانهای کشور در طول سالهای پیشین از اهداف این تحقیق بوده است تا برآیند آن مسیر راه آینده را مشخص نماید. الگوی کلی این مطالعه روش اسنادی است. این پژوهش از نوع کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی می باشد. این پژوهش با تعیین شاخص ها و یا معیارهای توسعه صنعتی آغاز و با گرد آوردی آمارها و داده های لازم ادامه و سپس با بهره مندی از مدل رتبه بندی *Topsis*، استانهای کشور را از بعد توسعه صنعتی رتبه بندی خواهد کرد. در این تحقیق یازده شاخص با استفاده از تجارب مطالعات قبلی و نیز در نظر گرفتن محدودیتهای آماری و با این نگرش که از جامعیتی نیز برخوردار باشند انتخاب گردیده اند. البته باید یادآور شد شاخص های انتخابی تنها روش سنجش توسعه صنعتی استانهای کشور نبوده و علاوه بر این شاخص ها، عواملی همچون عوامل طبیعی، زیربنایی، اقتصادی و .. در این امر تاثیر غیر قابل انکاری دارند. گرچه بدلیل محدودیتهای خاص، این تحقیق صرفا معطوف به معیارهای صنعتی است و هم اینکه مطالعات مختلف شاخص های متفاوتی را به عنوان معیارهای وسعت صنعت در نظر گرفته اند. نتایج حاصله از تحقیق گویای تغییر متناوب رتبه ی استان قزوین در بین استان های کشور از دید توسعه صنعتی می باشد. بر اساس این نتایج مشاهده می شود که پایین ترین رتبه توسعه صنعتی (رتبه هشتم کشوری) استان در طی سالهای مورد بررسی (۹۲-۱۳۸۹) مربوط به سال آخر یعنی ۱۳۹۲ می باشد. در بررسی علل کاهش رتبه کشوری استان قزوین به تحلیل وضعیت این استان در هریک از شاخصهای منتخب پرداخته شد. نتایج نشان داد در مقوله متوسط ارزش کارگاه و نیز متوسط ارزش بهره وری نیروی انسانی؛ استان دچار ضعف شدیدی است و می بایست در صنایع هایتک (*High-Tech*) و صنایع با ارزش افزوده بالا از جمله صنایع پتروشیمی و نفت و گاز، سرمایه گذاری لازم، صورت پذیرد.

واژه های کلیدی: توسعه ، توسعه صنعتی ، روش تاپسیس، رتبه بندی.

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد ریاضی، رییس گروه اموراتصادی و سرمایه گذاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- لیسانس مدیریت بازرگانی، کارشناس امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴- لیسانس مهندسی کشاورزی، کارشناس بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۵- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، کارشناس بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

بدلیل اهمیت انکار ناپذیر بخش صنعت در ساختار اقتصادی کشورها، مدیران و برنامه ریزان همواره تلاش می کنند تا با رصد اوضاع آن در بین سایر بخش ها، گروه ها و جوامع، با اتخاذ سیاست ها و اجرای برنامه های مناسب و اصولی، تحولی عظیم در ساختار صنعتی خود به وجود آورند که این موضوع مادیون اتخاذ استراتژی بلند مدت توسعه صنعتی مبتنی بر تخصیص بهینه منابع و عوامل تولید و جهت دهی آنها در اهداف مشخص و در نهایت افزایش سطح رفاه اجتماعی است. در واقع رشد و توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای پیشرفته تنها در سایه رشد و توسعه صنعت در این کشورها بوده است.

آنچه که امروز باعث تفاوت در درجه توسعه یافتگی کشورهای جهان گشته میزان فعالیت های صنعتی این کشورها و توان نیروی کار آنها در ارتقای کمی و کیفی تولیدات کارخانه ای است. به تبع این موضوع و تاثیر پذیری استان های کشور از توسعه و یا عدم توسعه کشور های مربوطه، بررسی درجه توسعه یافتگی استان های کشور در مقایسه با سایر استانها می تواند نمادی از درستی یا عدم درستی راه پیموده شده و چراغ راه آینده باشد. اهمیت این بازخود از جمله دلایل و الزامات مطالعات موردی در این زمینه است. به همین لحاظ همواره بین اقتصاددانان بحث و مجادله مفصلی بر سر تعریف صنعتی شدن در جریان است. به عقیده بعضی از آنان "صنعتی شدن عبارت است از قدرت یک دسته از افراد در تجدید ساختار همه جانبه اقتصادی و اجتماعی با استفاده از ماشین به منظور افزایش فزاینده توان فردی و سیر کاهنده هزینه به قصد دستیابی به اهدافی که برایشان سودمند است".

صنعتی شدن مفهومی است نسبی که به تدریج تکامل می یابد. شکافی که از لحاظ تولید بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی رو به افزایش است، تجدید ساختار و جهش سریع و محسوس را ایجاب می کند تا از وقفه و سکون و حتی سیر قهقریایی جلوگیری کند. در نتیجه می توان گفت که تعریف فوق به تجدید ساختار سیستماتیک توجه نکرده است.

موضوع شایان توجه دیگر در این حوزه توزیع متوازن صنعت در عرصه سرزمینی است، چراکه توزیع متعادل سرمایه گذاریهای زیربنایی و صنعتی، حداقل از سه منظر زیر اهمیت دارد:

الف - از نظر اقتصادی: بطور خلاصه می توان گفت تمرکز صنایع در یک یا چند منطقه موجب استفاده بیش از ظرفیت امکانات آن منطقه و بلا استفاده ماندن پتانسیل مناطق دیگر می شود. استفاده بیش از توان منطقه در ابعاد مختلف منابع طبیعی (به خصوص منابع تجدید ناپذیر، امکانات زیربنایی شامل جاده ها، راه آهن و فرودگاهها، انرژی، برق، نیروی انسانی و ...)، نه تنها موجب استهلاک سریع تر امکانات ایجاد شده می شود، بلکه به تخلیه منابع تجدید ناپذیر سرعت بخشده و موجبات عدم استفاده مطلوب از نهاده ها را نیز فراهم می کند آلودگی زیاد هوا، زمین و آبها عوارض سوء تمرکز صنایع در بعضی مناطق است.

ب- دیدگاه اجتماعی: شاید بتوان گفت اولین پیامد اجتماعی گریز ناپذیر عدم تعادل منطقه ای صنعت، مهاجرت های غیر طبیعی با نرخ های بالا از شهرهای غیر برخوردار به شهرهای بزرگ می باشد. نتیجه این امر، رشد سریع شهرنشینی در یک یا چند منطقه و بروز پدیده حاشیه نشینی در سایر مناطق می باشد. گسترش بخش غیر رسمی اقتصاد از نتایج این پدیده می باشد اولین تاثیر اجتماعی نابرابری های مورد بحث، بروز اختلافات عمیق از نظر سطح در آمد و دسترسی به تسهیلات زندگی در مناطق صنعتی با سایر مناطق می باشد. ایجاد یک یا چند شهر در کشور با جمعیت های چند میلیونی از یک سو و روستاهای تخلیه شده از جمعیت و شهرهای بی رونق از سویی دیگر، از جمله آثار تمرکز منطقه ای می باشد.

ج- بعد سیاسی: اختلافات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اثر تمرکز فعالیتهای صنعتی در یک یا چند منطقه باعث سرازیر شدن جمعیت روستاها و شهرها به سمت این مناطق می شود و نابرابری های اجتماعی ناشی از آن و تشدید پدیده های حاشیه نشینی می توانند التهابات سیاسی جدی را در کشور به همراه بیاورند. لذا حتی اگر دولتی از جهات اقتصادی و اجتماعی اهمیت زیادی برای عدم تمرکز قایل نباشد، حفظ حاکمیت و جلوگیری از بروز ناآرامی ها برایش مهم است چرا که بروز ناآرامی های کشور های در حال توسعه در دهه های اخیر ریشه در عدم تعادل منطقه ای داشته است (سلیمی فر، ۱۳۸۸: ۸۰-۷۹)؛ به همین جهت این مطالعه سعی دارد زمینه شناخت توسعه صنعتی در کلیه استانهای ایران را در حد امکان فراهم آورد و وضعیت استان ها را از بعد توسعه صنعتی مورد مذاقه قرار دهد، شکاف موجود بین آنها را به چالش کشیده و در نهایت جایگاه توسعه صنعتی استان قزوین در بین سایر استانهای کشور را مشخص نماید. به عبارت دیگر هدف اصلی این مطالعه تعیین موقعیت مکانی صنعت استان قزوین در بین سایر استانهای کشور در نتیجه تعیین شکاف صنعتی و صنعتی شدن استانهای کشور می باشد، تا بدین وسیله بازخوردی از سیاستگذاری های استانی در چند سال منتهی به سالهای مورد بررسی مطالعه حاصل آید. با حصول این بازخورد است که می توان در برنامه ریزی های آتی به رفع نواقص موجود پرداخت و در جهت ارتقاء و یا حداقل حفظ جایگاه فعلی صنعت استان قدم برداشت. علاوه بر آن دوهدف فرعی شناسایی موقعیت سایر استان های کشور و سطح بندی استانهای کشور از نظر شاخص های تعیین شده و با دید توسعه صنعتی را نیز دنبال خواهیم نمود.

سئوالات تحقیق: در تحقیق پیش رو تلاش شده است از طریق انتخاب شاخص های مرتبط با توسعه صنعتی و تعیین جایگاه استانها نسبت به همدیگر، پاسخی به این سؤال داده شود که آیا جایگاه صنعتی استان قزوین در طی سالهای مورد بررسی (۹۲-۱۳۸۹) ارتقاء یا کاهش یافته است؟

فرضیه های تحقیق به نظر می رسد موقعیت و جایگاه توسعه صنعتی استان قزوین در بین سایر استانهای کشور و طی سالهای مورد بررسی تنزل یافته است. همچنین به نظر می رسد مسایلی نظیر استراتژی ها، سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها در این تنزل منزلت نقش اساسی را به خود اختصاص داده اند و دیدگاه بهره مندی استان قزوین از موقعیت جغرافیایی در توسعه صنعتی آن چندان موضوعیت نداشته است.

مبانی نظری و پیشینه

شناخت هر پدیده ای به درجه شناخت ما از فرایند تاریخی آن پدیده بستگی دارد، چرا که به مدد درک فرایند تاریخی و تحول هر پدیده ای می توان به مسائل، تنگناها و سوالات مطروحه در وضع موجود آن پاسخ گفت و یا به سخنی دیگر، عوامل چرایی وضع موجود را شناسایی نمود. بدین ترتیب، در این قسمت به بررسی منابع نظری و تحولات توسعه صنعتی خواهیم پرداخت. با توجه به اهداف تحقیق ضرورت دارد که در این قسمت بر مفاهیم، نظریات توسعه و تاریخچه صنعت استان قزوین اشاره کرد.

اصطلاحات صنعتی شدن، صنعت، توسعه یافتگی، توسعه نیافتگی همگی در حقیقت در بطن یک مجموعه واحد قابل درک و فهم هستند و با یکدیگر ارتباط ارگانیک و درون زا دارند. صنعتی شدن و توسعه ارتباط مستقیمی با مسئله وابستگی و سلطه اقتصادی دارد به عبارت دیگر، صنعتی شدن با مبحث رها شدن از وابستگی و یا سلطه بر کشورهای جهان سوم ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. صنعتی شدن، توسعه یافتن، عقب ماندن، دچار وابستگی شدن و رها شدن از وابستگی همه اینها مقولاتی پویا و هارمونیک هستند. به این معنی که اولاً در لحظه ای از زمان اتفاق نمی افتند بلکه حاصل یک پروسه و روند طولانی در تحولات جامعه هستند و ثانیاً، از مکانیسم های بسیار پیچیده ای برخوردارند. در صورت عدم شناخت این مکانیسم ها دچار ساده اندیشی خواهیم شد (عظیمی، ۱۳۷۳: ۳۶۵).

توسعه اقتصادی: توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. در تعاریفی که از توسعه اقتصادی ارائه شده به طور ضمنی به مفهوم بهبود و گسترش وضع اقتصادی کشورها اشاره شده است. توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی محدود نمی شود بلکه در بعد گسترده تری مسائل مربوط به فقر، نابرابری، شهرنشینی، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد و شاخص های اجتماعی را نیز در بر می گیرد. در مورد توسعه اقتصادی تعاریف متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم: شومپیتر توسعه را تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست داده اند، تعریف می کند. پروفیسور جرالدمی یر توسعه اقتصادی را چنین تعریف می کند: "فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طویل

المدت افزایش یابد. " می یر معتقد است افزایش درآمد ملی واقعی سرانه به تنهایی شرط کافی برای توسعه نیست زیرا توسعه اقتصادی باید همراه با افزایش رفاه اقتصادی باشد و افزایش درآمد ملی سرانه تنها یکی از عوامل رفاه اقتصادی است نه همه آن. افزایش رفاه اقتصادی علاوه بر افزایش در درآمد واقعی سرانه به توزیع مناسب و مطلوب درآمد نیز بستگی دارد. امکان دارد درآمد ملی افزایش یابد ولی توزیع نامناسب آن منجر به تجمع درآمد در دست عده ای خاص شود که این به معنای توسعه و افزایش رفاه اقتصادی نیست. (محمود توسلی، ۱۳۸۲: ۱۲).

توسعه نیافتگی: به طور کلی توسعه نیافتگی را وضعیتی دانسته اند که ناشی از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته می باشد. بنابراین توسعه یافتگی را در پیوند با پویایی هایی که از خارج به کشورهای توسعه نیافته تحمیل شده و نمود عینی عنصر وابستگی و نظام سرمایه داری جهانی است در نظر گرفته اند.

در ادامه برخی از مهمترین نظریه های توسعه مورد بررسی قرار می گیرد:

تئوری میردال: گونار میردال اقتصاددان سوئدی بود، که در زمینه توسعه اقتصادی ، مسئله فقر و نابرابری های اجتماعی در کشورهای آسیایی و خاورمیانه تحقیقات بسیاری انجام داده است. در نظریه میردال نابرابری های منطقه ای و بین المللی به عنوان مهم ترین عوامل در بحث توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تاکید شده است.

۱) نابرابری های منطقه ای : به نظر میردال همگن نبودن توزیع امکانات و ثروت در مناطق کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد نابرابری در مناطق مختلف این کشورها شده است.

۲) بین الملل: به عقیده میردال به کارگیری تئوری های تجارت بین الملل باعث افزایش نابرابری های بین المللی میشود. زیرا تجارت بین دو کشور که یکی توسعه یافته و صنعتی و دیگری توسعه نیافته است ، سبب تقویت کشور اول و تضعیف کشور دوم می شود. (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

نظریه مرکز - پیرامون: بر اساس این نظریه، هر نظام فضایی از دو زیرنظام یکی مرکز - هسته یا کانون که مرکز پویایی - تحول و پیچیدگی است و دیگری پیرامون که وابسته به هسته است تشکیل شده است. مرکز کانون، خاصیت دینامیک و رهبری کننده و خصلت صنعتی و خدماتی دارد اما پیرامون، خصلت کشاورزی - فرمانبردار را داراست. به عقیده وی هر کشوری از یک بخش هسته ای و نواحی پیرامونی تشکیل می شود و این حقیقت نظام شهری است که مناطق هسته ای را تشکیل می دهد و نواحی پیرامونی نیز براساس روابطی که با هسته مربوطه دارند تعریف می شوند. مناطق هسته ای اثر تعیین

کننده‌ای بر پیرامون داشته و برتری خود را بر آنها اعمال می‌کنند. در چنین چارچوبی دو نیرو از مرکز به پیرامون وارد می‌شود که یکی برای رشد پیرامون مساعد و دیگری نامساعد است. کار این دو نیرو منجر به ایجاد مراکز جدید در پیرامون می‌شود. نیروی دوم که برای رشد پیرامون نامساعد است همان جریان یافتن نیروی کار و سرمایه از پیرامون به مرکز، به خاطر بازده مطلوب‌تر و مطمئن‌تر آن، ناتوانی فعالیت‌های اقتصادی پیرامون در رقابت با محصولات مرکز و آثار روانی و افسردگی و انزوای طلبی در فرهنگ پیرامون بخاطر عقب ماندگی آن که توأم با رد ارزش‌های مرکز است، می‌باشد (مرکز پژوهش دانشگاه علم و صنعت ۱۳۹۳: ۱۸).

استراتژی جانشینی واردات: استراتژی جایگزینی واردات، مجموعه راهبردهایی است که به جای واردات و به ویژه واردات کالاهای صنعتی، شرایط را برای تولید داخلی کالاها و توسعه صنایع داخلی فراهم می‌کند. این استراتژی، مبتنی بر تحلیل «رابطه نابرابر شاخص قیمت کالاهای صادراتی و شاخص قیمت کالاهای وارداتی» است. طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که به علت عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیک و به طور کلی وجود روابط نامناسب تولیدی و توسعه نیافتگی ساختارهای اقتصادی- اجتماعی کشورهای در حال توسعه، همیشه قیمت کالاهای وارداتی از کشورهای پیشرفته ارزان‌تر از قیمت تولیدات داخلی آن کشورها بوده و در نتیجه، صنایع داخلی امکان رشد و توسعه و رقابت در بازار را به دست نمی‌آورند. به عبارت دیگر، تحت روابط آزاد تجاری، توسعه صنعتی و اقتصادی اتفاق نمی‌افتد و از این‌رو بایستی بر سر صنایع داخلی یک چتر حمایتی کشید و از طریق نظام تعرفه‌ها و شبه تعرفه‌ها، شرایط شکل‌گیری و بلوغ صنایع نوزاد داخلی را فراهم کرد. استراتژی جایگزینی واردات، راهی برای توسعه اقتصادی است که در چارچوب راهبرد گرایش به درون یا روش حمایتی قرار می‌گیرد. (فرهادی، ۱۳۸۴: ۳۶).

استراتژی توسعه صادرات: از دهه ۱۹۷۰ شک و تردیدهای زیادی درباره موفقیت سیاست جایگزینی واردات در حل مسائل توسعه کشورها ایجاد شد و موجب تقویت موضع اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک شد که صادرات را علت رشد و توسعه انتظاری می‌دانستند. راهنمایی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، همچنین سیاستهای تجاری نئولیبرال، باعث افزایش پذیرش این نظریه در مدار توسعه شده‌اند. سیاست توسعه صادرات در چارچوب، سیاست "نظر به خارج" مطرح است. توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین‌الملل است. این سیاست نشان می‌دهد که ملت تا چه اندازه ای متوجه بازار خارجی و تابع نیازهای آن است. کشوری که سیاست جانشین صادرات راهنمای آن است تقریباً در خلاف جهت جانشینی واردات باید حرکت کند. به طور خلاصه استدلال شده که رشد

"برونگرا" و مبتنی بر صادرات به رشد بیشتر " بهره وری کل عوامل تولید " بینجامد. تجربه نشان داده که عملکرد رشد در استراتژی های توسعه صادرات، در مقایسه با استراتژی های جایگزینی واردات، رضایت بخش تر بوده است. کشورهایی که سیاست های برونگر خود را با تعدیلات مناسب در نرخ ارز، آزادسازی تجارت و بازار سرمایه، اتخاذ سیاست های مناسب کلان اقتصاد و ایجاد ثبات در نرخ تورم آغاز کرده اند، توانسته اند با شتاب بخشیدن در رشد صادرات خود، امکان تخصیص بهینه منابع، استفاده بیشتر از ظرفیت های موجود و افزایش اشتغال رافراهم سازند. در مقابل کشورهای با سیاست درونگر مواجه با بازارهای موازی ارز، کنترل قیمت ها، جیره بندی ارز، تورم بالا، داشتن سقف برای اعتبارات بانکی و نهایتاً رشد کم بوده اند (فرهادی، ۱۳۸۴: ۳۷).

مروری بر مطالعات پیشین: در مقاله ارایه شده توسط صادق بختیاری (۱۳۸۱)، با انتخاب بخش صنعت به عنوان محور توسعه در مستندات برنامه سوم و با استفاده از اطلاعات سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۶ سطح توسعه صنعتی استانهای کشور به کمک دو روش تلفیقی تحلیلی عاملی و تاکسونومی عددی و نیز روش تحلیل عاملی به تنهایی، تعیین گردیده است. یافته ها بیانگر این واقعیت اند که تفاوت فاحشی در سطح توسعه صنعتی استان های مختلف کشور وجود دارد (صادق بختیاری، ۱۳۸۱).

در مطالعه دیگر از تلفیق روش های تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه ای؛ در سطح مناطق روستایی ۳۰ استان و با استفاده از ۲۴ شاخص به رتبه بندی استانهای کشور پرداخته شده است. بر اساس نتایج اولیه روش تاکسونومی عددی و در مرحله اول استانهای "تهران" و "سیستان و بلوچستان" و در مرحله دوم استان "قزوین" ناهمگن تشخیص داده شده اند. نتایج نهایی پژوهش نشان از وجود شکاف در سطح مناطق روستایی استانها دارد (مسعود تقوایی، ۱۳۸۹).

مصطفی سلیمی در مطالعه سال ۱۳۸۸ به بررسی سطوح توسعه صنعتی و منطقه ای و چگونگی توزیع امکانات صنعتی، فرهنگی، زیربنایی و بهداشتی- درمانی در بین شهرستان های استان های خراسان رضوی، جنوبی و شمالی پرداخته و با انتخاب شاخصهای مناسب معرف جنبه های مختلف توسعه، از روش های مختلف آماری و تکنیک های تصمیمگیری چند شاخصه ای (MADM)، SAW، TOPSIS، تاکسونومی کلاسیک و تاکسونومی غیرکلاسیک به رتبه بندی توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای شهرستان های مذکور در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نتایج بدست آمده نشان می دهند که اختلاف فاحشی در سطح توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای شهرستان های مذکور در سال مورد مطالعه وجود داشته است. همچنین ارتباط مثبت و معنی داری بین توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای در استانهای مذکور وجود دارد. هرچند که این ارتباط ضعیف راز رابطه مشابه در سطح ملی می باشد (مصطفی سلیمی، ۱۳۸۸).

محمود مهدوی در پایانامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۰)، به بررسی و سنجش سطح توسعه استانهای ایران از بعد صنعتی بر اساس معیارهای صنعتی، برای مقطع زمانی سال ۱۳۸۵ با هدف شناخت از میزان شکاف استانها از بعد توسعه صنعتی پرداخته‌است. و با ۱۱ شاخص انتخابی و بهره‌گیری از تکنیک شاخصبندی و مدل TOPSIS به سنجش و رتبه‌بندی توسعه صنعتی استانهای کشور پرداخته و برای سطح بندی استانها از تحلیل خوشه‌ای استفاده نموده‌است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر وجود اختلاف بالا بین استانهای ایران از حیث درجه توسعه یافتگی صنعتی است. بر اساس محاسبات تحقیق استانهای تهران و اصفهان در بالاترین سطح توسعه یافتگی و استانهای سیستان و بلوچستان و کردستان در رتبه‌های پایین قرار داشته‌اند (محمود مهدوی، ۱۳۹۰).

تاریخچه صنعت استان قزوین شهری تاریخی و یکی از مراکز عمده داد و ستد بوده و همواره در نظر حکمرانان اهمیت خاصی داشته‌است. مهمترین رخداد تاریخی این شهر انتخاب آن به عنوان پایتخت کشور به مدت حدوداً نیم قرن می‌باشد. به دلیل اهمیت و امنیت حاکم بر آن، در این شهر سکه ضرب می‌شده‌است. نخستین اقدام ایجاد یک کارخانه در قزوین به سال ۱۹۰۷ میلادی برمی‌گردد. در این سال با ماشین آلات روسی اقدام به ایجاد یک آسیاب بخاری در بیرون دروازه راه کوشک می‌شود. در بهار سال ۱۹۱۳ میلادی دومین کارخانه آسیاب بخاری با ظرفیت تولید ۸ پوند آرد در قزوین دایر می‌گردد. یک سال بعد در سال ۱۹۱۴ میلادی نخستین کارخانه ریسندگی توسط آلمانی‌ها پایه‌گذاری می‌شود.

علاوه بر موارد بیان شده کارخانه نختابی و پارچه بافی با ماشین الات آلمانی (۱۳۰۶)، کارخانه ریسندگی کوراوغلی با ماشین الات آلمانی، آمریکایی (۱۳۱۲)، کارخانه آرد ماشینچیان با ماشین الات آلمانی (۱۳۱۱) کارخانه روغن کشی با ظرفیت تولید ۳۰۰ تن روغن در سال (۱۳۰۹)، کارخانه پنبه پاک کنی با ظرفیت ۱۲۲۰ تن تصفیه (۱۳۱۴)، کارخانه های قالی بافی اعتماد و سلامت، تولید سالانه ۳۷۰۰ متر مربع و ... ایجاد گردید. با عنایت به دوران مذکور و ایجاد کارخانه های مورد اشاره می‌توان نتیجه گرفت کارخانه ها در پیوند با فعالیت و تولیدات اصلی منطقه - محصولات کشاورزی - ایجاد شده‌اند. کارخانجاتی چون آرد سازی، روغن کشی، پنبه پاک کنی، پشم ریزی، نخ تابی، بافندگی، مشروب سازی، تولید خشکبار، قالی بافی همه در راستای ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی منطقه به شمار می‌رفت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی قزوین، مطالعات و برنامه ریزی استان قزوین بخش صنعت، ۱۳۸۰: ۴۹-۴۶).

روش شناسی

همانگونه که اشاره شد در این مطالعه، با انتخاب شاخص هایی از سی و یک استان کشور به رتبه بندی آنها از لحاظ توسعه صنعتی طی سالهای ۹۲-۱۳۸۹ خواهیم پرداخت. علت انتخاب دوره زمانی مذکور، ایجاد سی و یکمین استان کشور در سال ۱۳۸۹ (استان البرز) و آخرین اطلاعات در دسترس از وضعیت صنعت استانهای کشور یعنی سال ۱۳۹۲ می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع کاربردی با روش توصیفی - تحلیلی می باشد. به منظور نیل به مقصود و به عنوان نقطه شروع مطالعه ناگزیر از انتخاب شاخص های مربوط به هر استان بوده ایم. در انتخاب شاخص های مذکور هدف اصلی در دسترس بودن آنها به اتکای سندیت بوده است به همین لحاظ سعی شده برای جمع آوری اطلاعات و آمار از منابع رسمی کشور که عمدتاً سالنامه آماری کشور و استانها بوده و در مواردی (شاخص میزان مصرف برق) از سامانه جمع آوری خودکار اطلاعات آماری شرکتهای توزیع نیروی برق کشور^۱ بهره گرفته شود. در ابتدا شاخص های محض که نمایی از وضعیت کلی استانها هستند انتخاب و بعد از بدست آوردن مقادیر اقلام اطلاعاتی مربوطه، شاخص های ترکیبی بصورت محاسبه ای از شاخص های اولیه حاصل و در نظر گرفته شدند. بدلیل تاثیر به سزایی که انتخاب این شاخص ها در نتایج حاصله خواهد داشت سعی شده است شاخص های ترکیبی به صورتی تدوین گردیدند که از حالت مطلق در آمده و بصورت نسبی، نسبت به جمعیت، تعداد کارگاه و ... محاسبه شوند، تا امکان مقایسه وضعیت های خاص استانها نسبت به همدیگر فراهم گردد.

متغیرهای تحقیق: به منظور تعیین جایگاه توسعه صنعت استان قزوین بین استانهای کشور، این موضوع به عنوان یک متغیر وابسته تعیین و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. عوامل موثر بر توسعه صنعتی استانها به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شده و در این فرآیند وارد خواهند شد.

بدلیل فقدان استاندارد خاص در تعیین شاخص های مورد استفاده از لحاظ تعداد و نوع، در مطالعات گذشته شاخص های متفاوتی را به عنوان معیارهای توسعه صنعتی مورد استفاده قرار داده اند. گرچه بررسی مطالعات گذشته منتج به این نتیجه شد که این شاخص ها همواره از لحاظ تعداد محدود و با تعداد اندک (حد اکثر پانزده شاخص) تعیین گردیده اند. به عنوان مثال گراور^۲ (۱۹۳۳) اشتغال در صنعت کارخانه ای را، استرانگ^۳ (۱۹۶۸) میزان مصرف برق و رایت^۴ (۱۹۳۸) ارزش افزوده را معیار صنعتی شدن

1-<http://wamp.tavanir.org.ir>

2-Grover

3-Strong

4-Wright

معرفی می کنند. تامپسون^۱ (۱۹۵۵)، لینگ^۲ (۱۹۶۰) و کانت^۳ (۱۹۶۸) یک شاخص ترکیبی مشتمل بر سه شاخص: دستمزد نیروی کار، اشتغال و ارزش افزوده را برای اندازه گیری توسعه صنعتی استفاده کرده اند. در مستندترین تحقیق، سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد در تحقیقی، کشورهای جهان را از نظر شاخص رقابت صنعتی رتبه بندی کرده است. بر طبق این تحقیق که «توسعه صنعتی سال ۲۰۰۹» نام دارد فاکتورهایی از جمله سرانه ارزش افزوده بخش صنعت، سرانه صادرات صنعتی، سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی، سهم صادرات صنعتی در کل صادرات، سهم تولیدات با تکنولوژی بالا و متوسط در ارزش افزود، و سهم صادرات با تکنولوژی بالا و متوسط در صادرات صنعتی مورد ارزیابی قرار گرفته است و برآیند این فاکتورها، سازنده شاخص توسعه صنعتی سازمان ملل گردیده است که مبنای طبقه بندی کشورهای مختلف جهان است. در نهایت می توان گفت که بسیاری از محققین و اندیشمندان این حوزه اعتقاد دارند که بدلیل وجود همبستگی قوی بین شاخص های صنعتی شدن، انتخاب یک یا ترکیبی از شاخص های مذکور نتایج حاصله را به طور معنی داری تحت تاثیر قرار نخواهد داد (سلیمی فر و دیگران ص ۱۸۱). لذا در این مطالعه به منظور سنجش توسعه صنعتی استانهای کشور، ده متغیر استانی و یازده شاخص متناظر محاسبه گردیده است. متغیرهای استانی بیانگر وضعیت مطلق و انحصاری استانهای کشور در عرصه صنعت می باشند. این متغیرها بدون هیچ گونه مقایسه ای تنها وضعیت مطلق خود را در استان مورد نظر، به نمایش می گذارند. متغیر تعداد جوازهای تأسیس صادره، تعداد پروانه های بهره برداری صادره و یا ... فقط گویای مقدار مطلق خود در سال و استان مورد بررسی می باشند. از آنجائیکه این متغیرها امکان مقایسه بین دو یا چند استان را فراهم نمی کنند، لذا ناگزیر از انتخاب شاخص هایی از روی آنها می باشیم، بطوریکه این شاخص مقداری صرف و مطلق نداشته و وضعیت آن متغیر را نسبت به متغیر دیگر از استان و یا کشور بیان کنند، با این روش شاخص ها در استانهای مختلف قابلیت مقایسه خواهند یافت. بعنوان مثال متغیر میزان مصرف برق صنعتی در یک استان با استانی دیگر قطعاً متفاوت و از مقایسه مقدار مطلق آنها نمی توان به توسعه صنعت در آن استان دست یافت به همین جهت مقدار آنرا بصورت سهمی از میزان کل برق مصرفی استان و یا سهمی از میزان کل برق مصرفی صنعت کشور در نظر گرفته ایم تا قابلیت مقایسه در استانهای مختلف را به خود گرفته و سنجه ای از توسعه صنعت در آن استان باشد. متغیرهای کشوری با هدف نیل به شاخص های توسعه صنعتی در استان های کشور و تبیین جایگاه استان در عرصه توسعه صنعتی کشور سعی شده است شش متغیر با حوزه های بیان شده در متغیرهای استانی در سطح کشور در نظر گرفته شوند.

1-Thompson

2-Ling

3-Kant

شاخص های استانی: همانگونه که اشاره شد، ماحصل انتخاب متغیرهای استانی و کشوری شاخص هائی است که وضعیت توسعه صنعتی در استانها را بصورت مقایسه ای مشخص خواهد کرد. شاخص های مورد نظر در این مطالعه و نحوه محاسبه آنها در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱- شاخص های منتخب در استانهای کشور

ردیف	نام شاخص	روش محاسبه
۱	سهم بهره برداری	نسبت تعداد پروانه های بهره برداری صادره به تعداد جوازهای تاسیس صادره
۲	سهم تاسیس	نسبت تعداد جوازهای تاسیس صادره استان به تعداد جوازهای تاسیس صادره کشور
۳	متوسط ارزش نیروی کار	نسبت ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی به تعداد کل شاغلان صنعتی کارگاه های ۱۰ نفر کارکن و بیشتر
۴	متوسط ارزش کارگاه	نسبت ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی به تعداد کل کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر
۵	صرفه های تجميع	نسبت ارزش افزوده فعالیتهای صنعتی استان به ارزش افزوده فعالیتهای صنعتی کشور
۶	ارزش آفرینی صنعت	نسبت ارزش افزوده فعالیتهای صنعتی استان به کل ارزش افزوده استان
۷	ارزش آفرینی کارگاه	نسبت ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی استان به ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی کشور
۸	سهم اشتغال صنعتی	نسبت شاغلان کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استان به شاغلان کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر کشور
۹	اشتغال آفرینی صنعت	نسبت شاغلان کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استان به جمعیت استان
۱۰	سهم برق مصرفی از استان	نسبت برق صنعتی مصرفی استان از کل برق مصرفی استان
۱۱	سهم برق مصرفی از کشور	نسبت مصرف برق صنعتی استان از برق صنعتی کشور

گام بعدی در پردازش شاخص های ترکیبی که از شاخص های محض اولیه حاصل شده اند، بی مقیاس کردن آنهاست، چرا که شاخص های ترکیبی هریک دارای واحدهای اندازه گیری متفاوت مانند نفر واحد کارگاه، میلیون ریال، مگاوات ساعت و ... می باشند که امکان مقایسه آنها با همدیگر را تحت شعاع قرار داده است. لذا به منظور فراهم نمودن شرایط مقایسه آنها، باید از روش های همچون روش بی مقیاس نمودن نرم اقلیدسی، بی مقیاس نمودن خطی، بی مقیاس نمودن فازی و ... استفاده نمود. ما در این مطالعه از روش بی مقیاس نمودن نرم اقلیدسی بهره خواهیم برد تا به واسطه آن امکان ادامه مسیر محقق شود.

بنابراین در کل می توان گفت که با بکار بردن روش بی مقیاس سازی نرم اقلیدسی، ماتریس ۱۱ در ۳۱ بعدی تصمیم گیری به یک ماتریس بی مقیاس تبدیل شده و در ادامه میسر آماده وزن دهی می باشد. تعیین اهمیت هر کدام از شاخص ها را عمل وزن دهی گویند. همانند روش بی مقیاس سازی در این مرحله نیز باید از بین روشهای این عمل که عمدتاً به روشهای آنتروپی شانون^۱، لاین مپ^۲، کمترین مجذورات موزون^۳ و بردار ویژه خلاصه می شود یکی را انتخاب نمود. بدلیل اینکه روشهای کمترین مجذورات موزون و بردار ویژه برای ارزیابی ماتریس مقایسات زوجی که مقدار آنها از مقایسه با همدیگر حاصل می شود کاربرد دارند، روش آنتروپی شانون برای وزن دهی مقادیر ماتریس تصمیم نهایی استفاده گردیده است.

پس از تعیین وزن مقادیر ماتریس تصمیم گیری، به منظور رتبه بندی استانهای کشور از روش رتبه بندی Topsis^۴ (شیخی، غفور (۱۳۸۸) و ال انین، (۲۰۱۳)) که یکی از روش های استاندارد و مورد تایید رتبه بندی می باشد استفاده کرده و مکان و موقعیت تمامی استانها نسبت به همدیگر و بویژه استان قزوین نسبت به سایرین در طول سالهای مورد بررسی تعیین و مشخص می شود.

جامعه آماری: جامعه آماری مورد نظر در این مطالعه، تقسیمات سیاسی کشور از سال ۱۳۸۹ به بعد می باشد که در آن استان البرز به عنوان آخرین و سی و یکمین استان کشور مصوب و موجودیت یافت. حجم نمونه: حجم نمونه مورد بررسی برابر کلیه استانهای رسمی کشور از سال ۱۳۸۹ می باشد. این نمونه که برابر کل جامعه آماری است یک جامعه با بعد ۳۱ است.

نحوه جمع آوری اطلاعات و ابزار سنجش تحقیق: در جمع آوری اطلاعات و ارقام آماری مورد نیاز، سعی بر این است که سندیت ارقام آماری، مورد تاکید ویژه قرار گیرد، به همین منظور منابع مکتوب و اسناد منتشره مرکز آمار ایران و در صورت فقدان قلم آماری مورد نیاز در انتشارات مذکور، منابع و مستندات سایر مراکز تولید آمار مانند شرکت توزیع نیروی برق کشور برای تعیین میزان برق مصرفی، مدنظر قرار گرفته است.

1-Shannon entropy

2-Linmap

3-Weighted least squares method

4-Technique for Order-Preference by Similarity to Ideal Solution

اعتبار وسیله اندازه گیری: منظور از اعتبار یک مقیاس یا یک وسیله اندازه گیری پاسخ به این سؤال است که ابزار اندازه گیری چه چیزی را مورد سنجش قرار می دهد و تا چه اندازه از لحاظ سنجش موضوع موفق بوده و آیا کارایی لازم را دارد یا نه؟ به عبارتی اعتبار به معنای میزان انطباق بین تعریف مفهومی متغیر با تعریف عملیاتی آن است. با توجه به اینکه در مطالعات قبلی از این شاخص ها بهره گرفته شده است و از سویی مورد تایید اساتید و متخصصین فن در حوزه صنعت قرار گرفته است، ابزار سنجش دارای اعتباری سوری است.

پایایی وسیله اندازه گیری: پایایی، به معنی آنست که آیا روش انتخاب شده موضوع مورد نظر را به طور دقیق مورد سنجش قرار می دهد یا خیر؟ در واقع روش سنجش تا چه اندازه پایایی (قابلیت تکرار) دارد و اگر با همان واحد، تحلیل مکرر بکار رود نتایج یکسانی بدست می آید یا نه؟ به عبارت دیگر پایایی میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم است و این که در صورت تکرار آزمون، یکبار در شرایط مشابه به چه میزان نتایج حاصله مشابهند نیز اطلاق می شود. به منظور نیل به پایایی تحقیق سعی شده است از روشهایی بهره گرفته شود که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته و کاربرد بالایی داشته اند. لذا بدلیل استاندارد بودن نیاز به سنجش پایایی نبوده و بررسیهای مجدد و تکرار انجام نخواهد گرفت.

یافته های پژوهش

در این مطالعه و با استفاده از شاخص های انتخابی استانهای کشور از دو جنبه رتبه در شاخص های انتخابی و رتبه در بین سایر استانهای کشور مورد بررسی قرار گرفتند :

رتبه استانهای کشور در هریک از شاخص های منتخب: قبل از نیل به رتبه استانها بر اساس شاخص های انتخابی، به بررسی وضعیت هریک از استانهای کشور در شاخص های مربوطه پرداخته شد. با این بررسی مشاهده شد که استانهای کشور در هریک از شاخص های منتخب و بدون لحاظ نمودن سایر موارد دارای جایگاه خاصی می باشند که نشان دهنده نقاط ضعف و قوت هر استان می باشند.

با بررسی موضوع در سال ۱۳۸۹ مشخص گردید که استان قزوین در شاخص اشتغال آفرینی صنعت بهترین رتبه کشوری را کسب نموده است. به عبارت دیگر در این سال بیشترین نسبت شاغلین صنعتی به جمعیت استان ۶ درصد و در استان قزوین مشاهده گردید. دومین استان در این شاخص سمنان با سهم ۵ درصدی از جمعیت خود بود.

شاخصی که موجب اخذ پایین ترین رتبه کشوری برای استان قزوین شد، شاخص متوسط ارزش نیروی کار بود که رتبه هفدهم کشوری را به قزوین اختصاص داد. لذا مشاهده گردید که استان قزوین در

شاخص های مربوطه به متوسط ارزش افزوده وضعیت خوبی نداشته است. اما در شاخص های ارزش آفرینی صنعت و اشتغال آفرینی صنعت بهترین و مناسب ترین شرایط را داشته است.

رتبه استانهای کشور در شاخص های انتخابی سال ۱۳۹۰ نیز مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این بررسی در سال ۱۳۹۰ نیز استان قزوین همچنان در شاخص های مربوطه به متوسط ارزش کارگاه و متوسط ارزش نیروی کار از وضعیت خوبی برخوردار نبوده و روند سال قبل را ادامه داده است. در شاخص اشتغال آفرینی صنعت رتبه اول کشوری را حفظ کرده اما در سایر شاخص ها دچار تغییراتی بوده است. ارتقاء پنج پله ای در شاخص سهم بهره برداری و دوپله ای در شاخص متوسط ارزش نیروی کار، تنزل سه پله ای در صافه های تجميع و ارزش آفرینی صنعت را تجربه کرده است. این استان در شاخص های سهم بهره برداری، ارزش آفرینی صنعت، اشتغال صنعتی، اشتغال آفرینی صنعت، سهم برق مصرفی صنعتی از برق مصرفی استان و بالاخره در شاخص سهم برق مصرفی صنعت از برق مصرف کشور رتبه ای بالاتر از میانگین و در سایر شاخص ها حائز رتبه ای پایین تر از میانگین کشوری شده است.

وضعیت حاکم بر شاخص های سالهای قبل در سال ۱۳۹۱ نیز با تغییراتی همراه بوده است استان قزوین در این سال همچنان پایین ترین رتبه ها را در شاخص های مربوط به متوسط ارزش به خود نسبت داده است بطوریکه با کسب رتبه ۱۵ در شاخص متوسط ارزش نیروی کار و نیز رتبه ۱۲ در متوسط ارزش کارگاه روند سال قبل را ادامه داده است. در عوض در شاخص اشتغال آفرینی صنعت رتبه اول کشور را در عملکرد و کارنامه خود حفظ کرده است. با بررسی وضعیت شاخص ها در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ می توان مشاهده نمود که رتبه شاخص سهم بهره برداری شش پله ارتقاء یافته و به جایگاهی بهتر از سال ۸۹ برگشته است. رتبه سهم تاسیس دو پله بهبود نشان می دهد و رتبه سهم برق مصرفی از میزان برق مصرفی استان در طول دو سال اول مورد بررسی ثابت و در این سال با یک پله نزول به رتبه سوم کشور رسیده، رتبه سهم برق صنعتی مصرفی از کشور نیز دو پله تنزل نشان می دهد. بنابراین در این سال وضعیت برق مصرفی در صنعت استان برتر از دو سال قبل بوده است. حفظ رتبه اول در اشتغال آفرینی صنعت از بارزترین شرایط حاکم بر صنعت استان در سال ۱۳۹۲ بر اساس شاخص های منتخب می باشد. وضعیت شاخص های سهم بهره برداری و سهم تاسیس نسبت به سال قبل تقریباً ثابت و با قدری بهبود همراه بوده است. شاخص متوسط ارزش نیروی کار چهار پله و متوسط ارزش کارگاه یک پله ارتقاء یافته است. در شاخص های صافه های تجميع (۲ رتبه) ارزش آفرینی صنعت (۲ رتبه) شاهد افزایش رتبه استان می باشیم. در کل می توان رشد شاخص ها را در سال ۱۳۹۲ مشاهده نمود. جدول ۲ رتبه هریک از استانهای کشور را در شاخص های منتخب و در سال ۱۳۹۲ به نمایش گذاشته است.

جدول ۲-رتبه استانهای کشور در هریک از شاخص های انتخابی سال ۱۳۹۲

نام استان	رتبه سهم بهره برداری	رتبه سهم تأسیس	رتبه متوسط ارزش نیروی کار	رتبه متوسط ارزش کارگاه	رتبه صرفه های تجمع	رتبه ارزش آفرینی صنعت	رتبه ارزش آفرینی کارگاه	رتبه اشتغال صنعتی	رتبه اشتغال آفرینی صنعت	رتبه سهم برق مصرفی از استان	رتبه سهم برق مصرفی از کشور
اردبیل	۲	۲۷	۲۰	۲۴	۲۶	۲۷	۲۶	۲۵	۲۵	۱۷	۲۴
اصفهان	۹	۶	۹	۷	۱	۳	۱	۲	۵	۶	۲
البرز	۳	۱۷	۲۱	۱۵	۱۰	۹	۱۱	۷	۶	۹	۱۰
ایلام	۱۰	۲۹	۴	۱۳	۳۰	۲۸	۳۰	۳۱	۳۰	۲۸	۳۱
آ.شرقی	۲۰	۱	۱۵	۱۴	۶	۷	۸	۵	۹	۷	۷
آ.غربی	۷	۱۴	۲۵	۲۲	۱۸	۲۳	۲۰	۱۷	۲۶	۱۶	۱۵
بوشهر	۳۱	۲۵	۱	۱	۴	۵	۳	۱۸	۱۱	۳۱	۳۰
تهران	۴	۱۰	۳۰	۱۶	۲	۲۰	۴	۱	۸	۱۹	۱
چهار محال	۱۴	۲۴	۱۸	۲۷	۲۵	۱۸	۲۵	۲۳	۱۷	۱۸	۲۵
خ.جنوبی	۸	۳۱	۲۲	۱۷	۲۹	۲۴	۲۸	۲۷	۲۴	۱۵	۲۳
خ.رضوی	۲۵	۵	۲۸	۲۰	۱۲	۲۲	۱۲	۳	۱۴	۲۰	۴
خ.شمالی	۱۷	۲۸	۷	۵	۲۲	۱۲	۲۱	۲۶	۱۹	۱۳	۲۷
خوزستان	۱۱	۱۵	۳	۲	۳	۲	۲	۴	۱۲	۲۲	۳
زنجان	۲۶	۹	۱۴	۱۰	۱۹	۱۱	۱۸	۱۵	۷	۱	۹
سمنان	۲۳	۱۱	۱۷	۲۶	۱۶	۸	۱۶	۱۴	۲	۴	۱۳
سیستان	۲۹	۲۰	۱۳	۲۳	۲۷	۲۹	۲۷	۲۹	۳۱	۳۰	۲۹
فارس	۳۰	۲	۱۰	۱۲	۸	۱۷	۱۰	۱۱	۲۰	۲۴	۱۲
قزوین	۶	۸	۱۱	۱۱	۹	۴	۷	۸	۱	۳	۶
قم	۱	۱۶	۲۴	۲۵	۲۰	۱۳	۱۹	۱۶	۱۰	۸	۱۶
کردستان	۲۸	۱۳	۲۷	۳۱	۲۸	۳۰	۲۹	۲۸	۲۹	۲۷	۲۸
کرمان	۲۱	۱۲	۶	۴	۱۱	۱۴	۹	۱۲	۱۶	۲۶	۱۷
کرمانشاه	۲۲	۲۳	۵	۸	۱۷	۱۶	۱۷	۲۱	۲۳	۲۳	۲۱
کهگیلویه	۱۲	۳۰	۳۱	۲۸	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۲۸	۱۰	۲۲
گلستان	۱۵	۲۲	۲۹	۳۰	۲۳	۲۶	۲۴	۲۲	۲۲	۲۱	۱۹
گیلان	۵	۱۸	۱۹	۱۸	۱۵	۱۵	۱۵	۱۳	۱۵	۱۴	۱۴
لرستان	۱۶	۲۱	۱۶	۲۱	۲۴	۲۵	۲۳	۲۴	۲۷	۱۲	۱۸
مازندران	۱۳	۷	۲۳	۱۹	۱۳	۱۹	۱۴	۹	۱۳	۱۱	۱۱
مرکزی	۲۴	۳	۸	۶	۵	۱	۵	۶	۳	۵	۸
هرمزگان	۱۹	۲۶	۲	۳	۷	۶	۶	۱۹	۱۸	۲۹	۲۶
همدان	۱۸	۱۹	۲۶	۲۹	۲۱	۲۱	۲۲	۲۰	۲۱	۲۵	۲۰
یزد	۲۷	۴	۱۲	۹	۱۴	۱۰	۱۳	۱۰	۴	۲	۵

بررسی رتبه توسعه صنعتی استانهای کشور: همانگونه که اشاره شد برای رتبه بندی استانهای کشور از لحاظ شاخص های توسعه صنعتی از مدل تصمیم گیری چند معیاره تاپیس استفاده شده است. این روش بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (بهترین حالت ممکن d^+) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن d^-) داشته باشد به عبارت دیگر فاصله گزینه ها را از راه حل ایده آل مثبت و منفی محاسبه کرده و سپس گزینه ها بر حسب اینکه دارای کمترین فاصله از ایده آل مثبت و بیشترین فاصله از ایده آل منفی باشند رتبه بندی می شوند همانگونه که قبلا نیز اشاره شد برای بی مقیاس سازی از روش نرم استفاده شده است، در این روش هر یک مولفه های تصمیم گیری بر مجذورات توان دوم مولفه های ستون مربوطه تقسیم می شوند و برای وزن دهی به شاخص ها از روش آنتروپی شانون بهره برده شده است.

بر اساس نتایج حاصله، استان تهران با مقدار شاخص ۰.۶۵۶ به عنوان بهترین و توسعه یافته ترین استان صنعتی در سال ۱۳۸۹ تشخیص داده شده است. استانهای اصفهان، بوشهر، خوزستان و مرکزی استانهایی هستند که در رتبه بندی توسط این شاخص ها از استان قزوین پیشی گرفته اند. لذا استان قزوین در رتبه ششم رده بندی استانهای کشور از لحاظ توسعه صنعتی قرار دارد. استانهای گلستان، ایلام، سیستان و بلوچستان در طبقات انتهائی این رده بندی قرار دارند. مقایسه نمرات تاپیس بین رتبه اول و رتبه سی و یک در این سال نشان می دهد که میزان اختلاف نمره برابر ۰.۶۲۴ است که حاکی از شکاف بسیار بالای استانهای کشور از بعد توسعه صنعتی می باشد.

شاخص های مورد استفاده برای رتبه بندی استانهای کشور در سال ۱۳۸۹ در سال ۱۳۹۰ نیز بکار گرفته شدند در این سال نیز استان تهران در رتبه اول استانهای کشور قرار دارد گرچه میزان تاپیس آن از ۰.۶۵۶ سال ۸۹ به رقم ۰.۵۳۸ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. با این رتبه بندی می توان دریافت استانهای بوشهر، اصفهان، خوزستان، مرکزی و آذربایجان شرقی در رتبه بالاتر از استان قزوین قرار گرفته اند. به همین لحاظ استان قزوین با یک پله سقوط نسبت به سال قبل به رتبه هفتم رده بندی قناعت کرده است. استانهای گلستان، سیستان و بلوچستان، ایلام و کردستان به ترتیب در رده های پایین جدول قرار دارند. اختلاف میزان تاپیس در این سال بین بالاترین و پایین ترین رده جدول به رقم ۰.۵۱۴ تنزل کرده است که نشانگر نزدیکی بیشتر وضعیت توسعه صنعتی استانهای کشور به همدیگر می باشد. درواقع شکاف صنعتی بین آنها قدری کمتر شده است.

برخلاف دو سال قبل مورد بررسی که استان تهران رتبه اول توسعه صنعتی استانهای کشور را به خود اختصاص داده بود، رتبه بندی توسعه صنعتی استانهای کشور در سال ۱۳۹۱ گویای برتری استان بوشهر

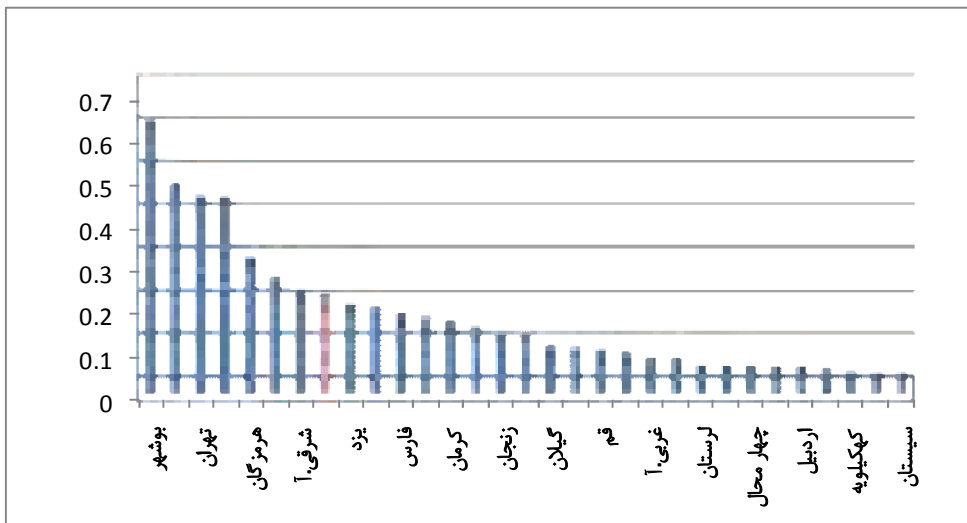
نسبت به سایر استانهاست. در این سال خوزستان دومین استان توسعه یافته صنعتی کشور از دید شاخص های انتخابی بوده است. و تهران و اصفهان در رده های سوم و چهارم این رتبه بندی قرار دارند. علت این تغییر را می توان در تغییر وزن شاخص ها در سال ۹۱ نسبت به دو سال قبل جستجو کرد. شاخص صرفه های تجمیع با وزن ۰.۱۶۶ در سال ۸۹ و شاخص متوسط ارزش کارگاه با وزن ۰.۱۶۳ در سال ۹۰ به عنوان تاثیر گذارترین شاخص بوده اند. شاخص متوسط ارزش کارگاه برتری خود را در سال ۱۳۹۱ نیز حفظ و تقویت نموده است بطوریکه وزن آن به رقم ۰.۱۹۳ در این سال افزایش یافته است. همانگونه که بیان کردیم صرفه های تجمیع حاصل تقسیم ارزش افزوده فعالیت های صنعتی استان به ارزش افزوده فعالیت های صنعتی کشور است در حالی که متوسط ارزش کارگاه نسبت ارزش افزوده تولیدات فعالیت های صنعتی به تعداد کارگاههای استان می باشد که طبیعتا به نفع استانهائی خواهد بود که دارای ارزش افزوده تولیدات صنعتی بیشتر و تعداد کارگاههای کمترند و این موضوع برتری یافتن بوشهر و خوزستان بر تهران و اصفهان را نتیجه خواهد داد. تغییر وزنی که اشاره شد قعر جدول رتبه بندی را نیز تحت تاثیر قرار داده و استانهای سیستان و بلوچستان ، کردستان و ایلام را بعنوان آخرین استانهای کشور قرار داده است.

روندی که در سال قبل ایجاد شد و باعث گردید استان بوشهر به عنوان اولین و توسعه یافته ترین استان کشور باشد در سال ۱۳۹۲ نیز ادامه یافت و تقریبا از رتبه بندی سال قبل تبعیت نمود. استان بوشهر با میزان تاپسیس ۰.۶۱۲ در اولین حلقه ترتیبی زنجیره استانهای کشور و بعد از آن به ترتیب استانهای خوزستان ، تهران ، اصفهان ، هزمرگان، مرکزی و آذربایجان شرقی و بلاخره در رتبه هشتم استان قزوین قرار گرفتند. در این سال میزان تاپسیس بوشهر با اندکی کاهش نسبت به سال قبل با میزان تاپسیس آخرین استان یعنی ایلام به اندازه ۰.۵۸۵ امتیاز اختلاف نشان داد. به عبارت دیگر بالاترین میزان تاپسیس ۲۲ برابر پایین ترین آن می باشد.

همچون سال قبل شاخص بهره وری کارگاه با وزن ۰.۱۹۱، صرفه های تجمیع با وزن ۰.۱۳۴ و ارزش آفرینی کارگاه با وزن ۰.۱۳۰ تاثیر گذارترین شاخص های این سال بوده اند. همانگونه که مشاهد می شود در محاسبه هر سه این شاخص ها میزان ارزش افزوده تولیدی تاثیر مستقیم دارد بنابراین بدیهی است که استان های بوشهر و خوزستان به عنوان بالاترین استانهای کشور در این سال باشند موضوعی که در سال ۱۳۹۱ نیز به همین دلیل تحقق یافت. جدول ۳ میزان تاثیر گذاری هریک از شاخص ها در رتبه بندی سال ۱۳۹۲ را که بر حسب روش آنتروپی شانون وزن دهی شده اند نشان می دهد، همچنین نتیجه رتبه بندی سال مذکور در نمودار ۱ قابل مشاهده می باشد.

جدول ۳- وزن شاخص های منتخب - سال ۱۳۹۲

ردیف	نام شاخص	Eij	Dij	وزن شاخص ها
۱	سهم بهره برداری	۰.۹۷۳	۰.۰۲۷	۰.۰۲۰
۲	سهم تاسیس	۰.۹۱۷	۰.۰۸۳	۰.۰۶۳
۳	متوسط ارزش نیروی کار	۰.۸۹۲	۰.۱۰۸	۰.۰۸۲
۴	متوسط ارزش کارگاه	۰.۷۵۰	۰.۲۵۰	۰.۱۹۱
۵	صرفه های تجميع	۰.۸۲۵	۰.۱۷۵	۰.۱۳۴
۶	ارزش آفرینی صنعت	۰.۹۴۶	۰.۰۵۴	۰.۰۴۱
۷	ارزش آفرینی کارگاه	۰.۸۲۹	۰.۱۷۱	۰.۱۳۰
۸	سهم اشتغال صنعتی	۰.۸۳۷	۰.۱۶۳	۰.۱۲۴
۹	اشتغال آفرینی صنعت	۰.۹۱۲	۰.۰۸۸	۰.۰۶۷
۱۰	سهم برق مصرفی از استان	۰.۹۴۷	۰.۰۵۳	۰.۰۴۰
۱۱	سهم برق مصرفی از کشور	۰.۸۶۰	۰.۱۴۰	۰.۱۰۷



نمودار ۱- شکاف توسعه صنعتی استانهای کشور - سال ۱۳۹۲

بحث و نتیجه گیری

مشاهده گردید که شکاف موجود بین استانهای کشور در طول سالهای مورد بررسی یعنی سال ۹۲-۱۳۸۹ بصورت مستمر در حال تغییرات اندک بوده است. به عبارت دیگر جابجائی و تغییرات معنا داری در دامنه و پراکندگی توسعه صنعتی بین استانهای کشور و در طی سالهای مورد بررسی مشاهده نشد این موضوع امری طبیعی است چرا که کاهش نابرابریها در تمامی عرصه ها، بویژه در حوزه توسعه صنعتی زمان بر، مستمر و نیازمند پایش مداوم است موضوعی که شاید در این بازه زمانی محدود (۴ ساله) نمودی نداشته باشد. هدف گذاری توسعه امری است که در کشور و استان نیاز اصلی صنعت است. در استان قزوین علاوه بر نیاز به سیاست گذاری و برنامه ریزی های مداوم جهت توسعه صنعتی، برنامه ریزی جهت حفظ و صیانت از سرمایه گذاری گذشته امری بدیهی و اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. جمع بندی رتبه بندی استانها در دوره ۹۲-۱۳۸۹ در جدول ۴ نشان داده شده است. چنانچه مشاهده می شود جایگاه استان قزوین در بین سایر استانهای کشور و در طی سالهای مورد بررسی مشمول نوساناتی گردیده بطوریکه پایین رتبه کشوری آن در شاخص های منتخب در سال ۱۳۹۲ و برابر هشت محاسبه گردیده است.

جدول ۴- رتبه توسعه صنعتی استانهای کشور طی سالهای ۹۲-۱۳۸۹

ردیف	نام استان	رتبه ۸۹	رتبه ۹۰	رتبه ۹۱	رتبه ۹۲
۱	اردبیل	۲۶	۲۲	۲۳	۲۷
۲	اصفهان	۲	۳	۴	۴
۳	البرز	۱۱	۱۰	۱۳	۱۲
۴	ایلام	۳۰	۳۰	۳۱	۲۲
۵	آشرفی	۷	۶	۷	۷
۶	آذربایجان غربی	۲۰	۲۱	۲۱	۲۱
۷	بوشهر	۳	۲	۱	۱
۸	تهران	۱	۱	۳	۳
۹	چهارمحال	۲۳	۲۶	۲۲	۲۵
۱۰	خراسان جنوبی	۲۷	۲۴	۲۸	۲۸
۱۱	خراسان رضوی	۸	۸	۱۱	۱۰
۱۲	خراسان شمالی	۱۹	۲۰	۲۰	۱۸
۱۳	خوزستان	۴	۴	۲	۲
۱۴	زنجان	۱۵	۱۵	۱۴	۱۵
۱۵	سمنان	۱۲	۱۴	۱۵	۱۴
۱۶	سیستان	۳۱	۲۹	۲۹	۳۱
۱۷	فارس	۱۳	۱۱	۱۰	۱۱
۱۸	قزوین	۶	۷	۶	۸
۱۹	قم	۱۸	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	کردستان	۲۸	۳۱	۳۰	۳۰
۲۱	کرمان	۹	۹	۱۲	۱۳
۲۲	کرمانشاه	۲۱	۱۸	۱۷	۲۰
۲۳	کهگیلویه	۲۴	۲۷	۲۷	۲۹
۲۴	گلستان	۲۹	۲۸	۲۵	۲۶
۲۵	گیلان	۱۷	۱۷	۱۸	۱۷
۲۶	لرستان	۲۲	۲۵	۲۶	۲۳
۲۷	مازندران	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶
۲۸	مرکزی	۵	۵	۵	۶
۲۹	هرمزگان	۱۶	۱۳	۸	۵
۳۰	همدان	۲۵	۲۳	۲۴	۲۴
۳۱	یزد	۱۰	۱۲	۹	۹

به منظور بررسی دلایل تنزل دو رتبه ای استان قزوین در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال قبل به مقایسه وضعیت استانهای کشور در دو سال آخر مورد بررسی با دو سال ابتدا خواهیم پرداخت .

در طول سالهای مورد بررسی یعنی ۱۳۸۹ لغایت ۹۲ به ترتیب شاخص های صرفه های تجمع ، ارزش آفرینی کارگاه (سال ۸۹)، متوسط ارزش کارگاه، ارزش آفرینی کارگاه (سال ۹۰)، متوسط ارزش کارگاه ، ارزش آفرینی کارگاه (سال ۹۱) و متوسط ارزش کارگاه ، صرفه های تجمع (سال ۹۲) همواره شاخص هایی با بالاترین اوزان بوده اند. مشاهده می شود شاخص رتبه اول سال ۸۹ در سه سال آتی جایگاه خود را به شاخص متوسط ارزش کارگاه داده است، اما شاخص دوم سه سال اول یعنی ارزش آفرینی کارگاه تنها در سال آخر به شاخص صرفه های تجمع تبدیل شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در ارزیابی استانهای کشور در طی سالهای مورد بررسی همواره ارزش افزوده تولیدات فعالیت های صنعتی در کارگاههای ده نفر کارکن و بیشتر که شاخص متوسط ارزش کارگاه را نتیجه می داده و ارزش افزوده فعالیت های صنعتی که شاخص صرفه های تجمع را مشخص می کرده نقشی تاثیر گذار داشته اند. به عبارت بهتر استانی با ارزش افزوده های بالا چه در حوزه فعالیت های صنعتی کارگاههای

ده نفر کارکن و بیشتر و چه در حوزه کل فعالیت های صنعتی منتج از حساب های تولید، برنده این مسابقه بوده اند.

با اندکی تمرکز در خواهیم یافت که استانهای که چون اصفهان، آذربایجان شرقی، تهران، خراسان رضوی، سمنان، فارس و قزوین در دو سال پایانی دوره مورد بررسی، تنزل رتبه را تجربه کرده اند. در مقابل استانهای چون بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و هرمزگان در این سال شاهد ارتقاء رتبه بوده اند. اصلی ترین عامل تمایز بین این دو دسته، مربوط به استقرار صنایع نفت، پتروشیمی و گاز می باشد که در دسته اول کم رنگ تر و در دسته دوم نقش آفرین می باشند. افزایش قیمت نفت و به تبع آن فرآورده های نفتی در سالهای ۱۳۹۰، ۹۱ و ۹۲ باعث گردیده تا میزان ارزش افزوده بخش صنایع پتروشیمی و واحدهای وابسته به آن با افزایش چشم گیری مواجه و باعث افزایش ارزش افزوده بخش صنعت در این استانها گردد. به همین دلیل شاخص متوسط ارزش کارگاه که نسبت ارزش افزوده تولیدات فعالیت های صنعتی به تعداد کل کارگاههای ده نفر کارکن می باشد، در دو سال انتهایی وزن بالاتری را در میان سایر شاخص ها به خود اختصاص داده و این امر در استانهای چون بوشهر و خوزستان که نسبت به تهران و اصفهان از تعداد کارگاههای کمتری برخوردارند بطور موثرتری باعث ارتقاء رتبه آنها گردیده است. در نتیجه این موضوع است که استانهای بوشهر و خوزستان در دو سال پایانی گوی سبقت را از استانهای تهران و اصفهان ربوده اند. بنابراین عدم بهره مندی استان قزوین از صنایع پتروشیمی و نفت باعث تنزل رتبه در سال پایانی گردیده است.

با لحاظ نمودن دو مورد اشاره شده، سقوط دو پله ای استان قزوین در سال ۱۳۹۲ طبیعی به نظر می رسد، چرا که وقایع حادث شده در طول سالهای قبل از جمله موضوع تحریم های بین المللی بر ایجاد ارزش افزوده صنعتی استان تاثیری منفی داشته است. این مفهوم در بررسی انفرادی میزان ارزش افزوده فعالیت های صنعتی استان حادث نمی شود بلکه مقایسه میزان افزایش ارزش افزوده فعالیت های صنعتی استان در مقایسه با دو استانی که در این سال از آن سبقت گرفته اند روشن گر موضوع است. با در نظر گرفتن شاخص های برتر در سالهای مورد نظر و بررسی نحوه محاسبه آنها مشاهده خواهیم کرد که متغیر میزان ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی و ارزش افزوده فعالیتهای صنعتی در این امر نقش مستقیم دارند و با افزایش یا کاهش نسبی آنها رتبه استانها دچار ارتقاء یا تنزل خواهد گردید. به این منظور در جدول ۵ میزان افزایش نسبی میزان این دو متغیر آنها را در دوره ۹۲-۱۳۹۱ به نمایش گذاشته است.

جدول ۵- میزان تغییرات شاخص های برتر در طول سالهای ۹۲-۱۳۸۹ (درصد)

عنوان	استان هرمزگان	استان آذربایجان شرقی	استان قزوین
ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی	۵۷	۳۳	۲۹
ارزش افزوده فعالیتهای صنعتی	۱۲	۲۰	۳۰

بنابراین بدلیل میزان افزایش بیشتر در ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی در دو استان هرمزگان و آذربایجان شرقی، استان قزوین در جایگاهی پایین تر از آنها نسبت به سال ۱۳۹۱ قرار گرفته است.

همانگونه که تحلیل جایگاه استان در شاخص های منتخب مشخص نمود، پایین ترین رتبه استان در شاخص متوسط ارزش کارگاه و متوسط ارزش نیروی کار حادث گردید که هردو به میزان ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی استان وابسته می باشند. بنابراین افزایش متوسط ارزشکارگاه و نیروی کار در واحدهای تولیدی از اصلی ترین راهکارهای ارتقاء رتبه توسعه صنعتی استان باشد.

به منظور افزایش میزان متوسط ارزش نیروی کار و متوسط ارزش کارگاه در واحدهای تولیدی استان دو شیوه ۱) افزایش ارزش افزوده تولیدات فعالیتهای صنعتی ۲) کاهش تعداد کارگاههای تولیدی و به تبع آن نیروی کار شاغل در بخش صنعت پیش رو می باشد. طبیعی است راهکار دوم نه توصیه می شود و نه با سیاست های جاری و ساری کشور در مواجهه با امر اشتغال همخوانی دارد. بنابراین گزینه اول یعنی تلاش در جهت افزایش ارزش افزوده بخش صنعت استان مورد تاکید است.

افزایش ارزش افزوده بخش صنعت و بطور کلی هر بخش دیگری، موضوعی زمانبر و نیاز به برنامه ریزیهای دراز مدت دارد تا در بستر گذر زمان نتایج برنامه ریزیهای مذکور به بار نشسته و سقف ارزش افزوده استان بالا رود، اما در استانی همچون قزوین شاید بهترین و عقلانی ترین راه به منظور نیل به این هدف ارتقای بهره وری به واسطه بازگشت واحدهای تعطیل به چرخه تولید و یا افزایش ظرفیت تولید واحدهای نیمه فعال می باشد.

در پایان این بخش، پیشنهادات و راهکارهای ذیل ارائه می گردد:

- ۱- تلاش مجدانه به افزایش متوسط ارزش کارگاه و متوسط ارزش نیروی کار در واحدهای صنعتی استان؛
- ۲- انجام سیاست گذاریها و برنامه ریزیهای کلان در سطح مدیریت ارشد استان بعنوان خط مشی اساسی در بازگشت واحدهای تولیدی تعطیل به چرخه تولید؛
- ۳- تلاش در جهت شناسایی علل پایین بودن ظرفیت تولید در واحدهای نیمه فعال؛

- ۴- اهتمام ویژه در نوسازی و بهسازی صنایع مستقر در استان بدلیل قدمت صنایع مستقر در آن؛
- ۵- استفاده حداکثری از پتانسیل های ایجاد شده در سطح شهرکهای صنعتی استان بواسطه ارایه مشوق های استقرار در بعضی از آنها؛
- ۶- تقویت و پشتیبانی خاص از پارکهای علم و فناوری و نیز مراکز رشد به منظور تسهیل کننده استقرار صنایع های تک در استان؛
- ۷- ارایه مشوق های لازم به متقاضیان سرمایه گذاری در صنایع های تک (Hi- Tech) از جمله اولویت واگذاری زمین حتی در خارج از شهرکهای صنعتی و یا زمین رایگان در سطح شهرکهای صنعتی خاص؛
- ۸- اعمال گزینش های نظام مند در پذیرش صنایع متقاضی سرمایه گذاری در استان بطوریکه مسیر ورود صنایع انرژی بر و کم بازده سد شود؛
- ۹- تمایل محتاطانه به سمت جذب صنایع پتروشیمی و نفت و گاز با در نظر گرفتن محدودیت منابع آبی در استان؛
- ۱۰- عدم ارایه مجوزهای لازم از طرف سازمان صنعت، معدن تجارت در ورود ماشین الات صنعتی با مصارف انرژی بالا.

منابع

- بختیاری، صادق (۱۳۸۱)، تحلیلی مقایسه ای از توسعه صنعتی استانهای مختلف کشور، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۶، شماره ۲۲ ص ۱۵۷ تا ۱۸۶.
- تقوایی، مسعود- نوروزی آورگانی، اصغر (۱۳۸۹)، تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی استانهای کشور با بهره گیری از روش تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه ای، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۵، ص ۶۱ تا ۱۱۶.
- سلیمی، مصطفی- نوروزی روح ا...، مطهری محب (۱۳۸۸)، سنجش توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای استانهای خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی پژوهشکده امور اقتصادی، سال ۹، شماره ۴.
- شیخی، غفور (۱۳۸۸)، روش تحقیق تاکسونومی و تکنیک به کارگیری آن، درگاه www.searches.blogfa.com
- عظیمی (آرانی)، حسین (۱۳۷۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشرنی، چاپ سوم.
- سلیمی فر، مصطفی و دیگران (۱۳۸۸)، سنجش توسعه صنعتی و توسعه منطقه ای استانهای خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، پژوهشکده امور اقتصادی سال نهم، شماره چهاردم.
- موسوی جهرمی یگانه (۱۳۸۸)، کتاب توسعه اقتصادی، انتشارات پیام نور سال.
- فرهادی علیرضا (۱۳۸۴)، بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مجله برنامه بودجه شماره ۸۴.
- مرکز پژوهش علم و توسعه دانشگاه علم و صنعت ایران (۱۳۹۳)، بررسی نظریه های توسعه روستایی در جهان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی قزوین (۱۳۸۰)، مطالعات و برنامه ریزی استان قزوین بخش صنعت.
- توسلی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، تهران، سازمان سمت.
- Abou-EL- Enien (2013). TOPSIS Algorithms for Multiple Objectives Decision Making - Large Scale Programming Approach، LAP Lambert Academic Publishing.

عوامل تأثیرگذار در واگذاری

امور تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین

سیمین کریمی^۱، حمید حبیبی^۲، مرضیه بحر کاظمی^۳، فاطمه صدر^۴

چکیده

در عصر حاضر سازمان ها مایلند صرفاً به مأموریت اصلی خویش پرداخته و کارهای تخصصی دیگر را که در موضوع مأموریت آنها نیست به پیمانکاران بیرونی واگذاری کنند و در این راستا با چابک کردن سازمان، قدرت انعطاف پذیری خود را افزایش داده و بتوانند هرچه سریعتر بر تغییرات محیطی که پیش بینی آنها مشکل است فائق آیند. برون سپاری در بسیاری از سازمانها به عنوان یکی از راهکارهای کاهش هزینه ها و افزایش کارایی تلقی می شود. بدین ترتیب سازمان ها، فعالیت های محدودی را برای انجام دادن بر می گزینند و مابقی فعالیت های خود را به شبکه ی بزرگ تأمین کنندگان خارج از سازمان واگذاری می کنند. هدف تحقیق حاضر پاسخگویی به چالش جدید پیش روی مدیران سازمانهای دولتی امروز است. چالش هایی با عنوان عوامل موثر بر برون سپاری چیست؟ چه عواملی باعث تسریع و تسهیل برون سپاری و چه عواملی بازدارنده محسوب می گردند؟ برون سپاری در عین حال که دارای منافع ثابت شده برای سازمان می باشد اما یکسری نتایج منفی نیز به دنبال دارد. بسیاری از سازمانها برون سپاری را بعنوان یک فعالیت سازمانی به اجرا می گذارند ولی تنها تعداد کمی از آنها معنای واقعی برون سپاری را میدانند و از چگونگی اجرای اثر بخش آن آگاهی دارند بنابراین، نتایج حاصل از این تحقیق میتواند مدیران سازمان را در شناسایی عوامل موثر برون سپاری و موانع آن کمک نماید. روش انجام این تحقیق از آن نظر که یک موضوع راهبردی را در دستگاه های اجرایی استان قزوین تحت بررسی قرار داده است، از نوع کاربردی است و چون پدیده مورد نظر محقق را در شرایط واقعی توصیف می کند، اجرا توصیفی محسوب می گردد و با استفاده از روش پیمایشی اقدام به جمع آوری اطلاعات کرده است. نتایج تحقیق، نشان داد بین " تمای عوامل و پدیده های سازمان " و " میزان برون سپاری وظایف تصدی گری " رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین میان این دو متغیر در سطح معنی داری یک درصد رابطه مستقیم و قوی وجود دارد. می توان گفت که عوامل زمینه ای، ساختاری و رفتاری و میزان واگذاری وظایف تصدی گری در دستگاه های اجرایی استان قزوین ارتباط مثبت و فزاینده ای وجود دارد.

واژه های کلیدی: برون سپاری، واگذاری، وظایف تصدی گری، دستگاه اجرایی.

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناس توسعه مدیریت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، کارشناس توسعه مدیریت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۴- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، رئیس گروه توسعه منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

ویژگی عصر حاضر را با شتاب تغییرات آن می‌شناسیم. امروزه سازمان‌ها به شکل بنیادین تغییر کرده‌اند. شبکه‌ای شدن فعالیت‌های سازمان‌های امروز نماد بارز تحولات اساسی در ساختارها و رفتارهای آنهاست. برون‌سپاری در واقع یکی از تحولاتی است که در سازمانهای امروزه رخ داده و به معنی سپردن برخی مسئولیت‌ها به یک شرکت یا شخص ثالث است که با بستن قرارداد بین آنها، منجر به انجام برخی کارها توسط شرکتهای غیر دولتی و یا شخص ثالث می‌شود.

واژه برون‌سپاری^۱ معمولاً هنگامی بکار برده می‌شود که سازمان‌ها اقدام به تجزیه فعالیتها می‌کنند. در سالهای اخیر بسیاری از وظایف در بخش‌های مختلف ادارات از قبیل خدمات اداری، فعالیتهای نیروی انسانی، ارتباط از راه دور، خدمات مشتری و حتی امنیت برون‌سپاری شده است (جیلی، ۲۰۰۲).^۲ در واقع برون‌سپاری بدین معناست که بخشی از فعالیت‌های یک سازمان به بیرون سپرده می‌شود و خود سازمان از فرآیند اجرایی آن فعالیت خارج می‌شود. از مزایای برون‌سپاری می‌توان به کاهش هزینه‌ها کاهش منابع انسانی مورد نیاز و افزایش سرعت و بهره‌وری در کار اشاره کرد.

برون‌سپاری به عنوان یکی از ابزارهای توسعه سازمان و ارتقای بهره‌وری در قالب کوچک‌سازی، در سالهای اخیر مورد توجه مدیران و مسئولان سازمان‌ها قرار گرفته است و به صورت‌های مختلف به اجرا درآمده است. اما، تا کنون موضوع برون‌سپاری غالباً به صورت کلی ارائه شده و مورد ارزیابی قرار می‌گرفته و الگوی مشخصی جهت برون‌سپاری ارائه نشده است. برون‌سپاری به عنوان یک ابزار اجرایی ساده و اقتصادی روز به روز کاربردهای بیشتری پیدا کرده است (یانگ، ۲۰۰۲).^۳

مطابق نظریه اقتضایی هر طرح یا برنامه مدیریتی زمانی قابلیت اجرا خواهد داشت که با شرایط وضعی سازگاری داشته باشد. در رابطه با برون‌سپاری امور تصدی‌گری دستگاههای اجرایی این سوال قابل طرح است تا چه حد در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور قابل پیاده شدن است؟

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که در صورت عدم انطباق قوانین و دستورات با شرایط موجود، برون‌سپاری جنبه کاذب پیدا می‌کند. یعنی علیرغم صرف وقت و بودجه، در عمل دستگاهها موفقیت چندانی در افزایش کارایی سازمانها نخواهند داشت. و نتیجه‌ای در خصوص کاهش هزینه‌های جاری و بهره‌گیری از منابع برون‌سازمانی به دست نمی‌آورند.

برون‌سپاری معمولاً به عنوان روشی برای واگذاری بخشی از فعالیت‌ها به واحدهای خارج از سازمان به صورت پیمانکاری مطرح می‌شود. استراتژی برون‌سپاری علاوه بر مزایایی که دارد می‌تواند مانند

1- Outsourcing

2- Gilley

3- Yang

بسیاری از روش ها و استراتژی ها ریسک و زیان ها یی نیز برای سازمان داشته باشد. برون سپاری به عنوان یکی از ابزارهای توسعه سازمان ها و ارتقای بهره وری در قالب کوچک سازی در سالهای اخیر مورد توجه مدیران و مسئولان سازمان ها قرار گرفته است و بصورت های مختلف به اجرا در می آید. اما تاکنون واژه برون سپاری به شکل کلی ارائه نگردیده است و به عوامل موثر بر برون سپاری توجه خاص نشده است.

ساده ترین و عمومی ترین تعریف ارائه شده برای برون سپاری عبارت است " واگذاری بخش یا بخش هایی از فعالیت های داخلی سازمان به اشخاص حقیقی یا حقوقی بیرون از سازمان " ، برون سپاری در لغت به معنای دستیابی به سود از طریق منابع خارجی می باشد. این استراتژی هنگامی اتفاق می افتد که اجرای هدف، وظایف و عملیات هایی که تاکنون از طریق منابع داخلی تأمین می شده است از طریق ارتباط برقرار کردن با یک تأمین کننده خارجی در دورن محدوده مورد نظر ما در دراز مدت انجام پذیرد. این پژوهش سعی دارد با شناسایی عوامل کلیدی توفیق برون سپاری، پاسخگویی نگرانی های مدیران سازمان ها باشد. طبیعی است که در صورت مساعد نبودن شرایط پیاده کردن ایده مطرح شده، یا باید از اجرای آن صرف نظر کرد و یا با تعدیل شرایط زمینه ساز تحقق آن فراهم شود. لذا باید به دقت راهکاری برگزید که در راستای هدف اصلی و نیازهای واقعی سازمان باشد و ضمن رعایت ضوابط و استانداردها، با ویژگی منابع انسانی سازمان هماهنگ باشد (جسپر، ۲۰۰۴).^۱

با عنایت به اینکه برون سپاری یکی از مسائل مهم سازمان های امروزی می باشند. محققان زیادی که در این حوزه تحقیق کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که برونسپاری تأثیر بسیاری را بر بازدهی کارکنان دارد. و متأسفانه تحقیق کاربردی که بتواند این مسائل و مشکلات را به صورت عمل در سازمانهای استان قزوین حل کند انجام نشده است و نیازمند یک تحقیق است که به صورت کاربردی بتواند سازمانها را در حل مشکلات مربوط به برونسپاری کمک کند.

دلایل بسیاری برای فواید برونسپاری و میزان نیاز به این موضوع مطرح شده است که از آن عبارتند از:

- صرف جویی در هزینه؛
- تمرکز بر شایستگی اصلی سازمان؛
- ساختار بندی مجدد هزینه؛
- بهبود کیفیت؛
- آگاهی؛
- دسترسی به استقرار؛

- افزایش ظرفیت برای نوآوری.

در استان قزوین نیز، با توجه به سیاست های دولت در متناسب سازی اندازی دولت و واگذاری تصدی گری ها در برنامه پنجم و ششم توسعه استان، می بایست در راستای کاهش موانع باز دارنده و تقویت عوامل پیش برنده اقدامات مناسب صورت گیرد. برون سپاری و وظایف تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان فرآیندی است که با به حداقل رساندن عوامل بازدارنده و به حداکثر رساندن عوامل پیش برنده می تواند بر روند رسیدن به دولت کم حجم و چابک سرعت بخشد. به عبارت دیگر برون سپاری وظایف تصدی گری فرآیندی از شناسایی و مطالعه وظایف دستگاهها، تبیین روشهای ویژه برون سپاری که دستگاه مربوطه قادر به انجام مراحل قانونی آن باشد و در نهایت واگذاری وظیفه مربوطه است. در استان قزوین در برخی از برون سپاری های انجام شده سازمان ها با مشکلات مختلفی به لحاظ بار مالی، حقوقی، اجرایی، مقاومت مدیران سازمان و ارتباط با ذینفعان مواجه شده اند.

نکته دیگر در ارتباط با این تحقیق آن است که در صورت عارضه یا بی منجر به رفع مشکلات موجود، بسیاری از مشکلات دستگاههای اجرایی استان قزوین حل شده و کاهش هزینه ها را در بسیاری از ابعاد در برخواهد داشت و قیمت تمام شده فعالیت ها را کاهش و بهره وری آنها را افزایش می دهد و در نهایت رضایت کلیه ذینفعان را فراهم می سازد. بنابراین این مطالعه می تواند فعالیت های قابل برون سپاری را در چارچوبی عملی مورد شناسایی قرار دهد و برای دستیابی به اهداف سازمانها از این واگذاریها برنامه ریزی های لازم را مورد توجه قرار دهد.

با توجه به آنچه گفته شد میتوان دقت و بازنگری در فعالیت های برون سپاری شده، شرکت های طرف قرارداد، اشکال برون سپاری، فعالیت های جدید قابل واگذاری و در نهایت عارضه یابی فعالیت های برون سپاری شده برای دستیابی به اهداف حاکم بر برون سپاری و نتایج اصلی حاصل از آن به عنوان اهمیت و ضرورت این مطالعه بیان داشت. هدف اصلی تحقیقی حاضر شناسایی، دسته بندی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر برونسپاری در دستگاههای اجرایی استان قزوین است بر این اساس فرضیه های ذیل مورد آزمون قرار می گیرند:

- عوامل زمینه ای - محیطی واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد.

- عوامل ساختاری بر واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد.

- عوامل محتوایی - رفتاری بر واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد.

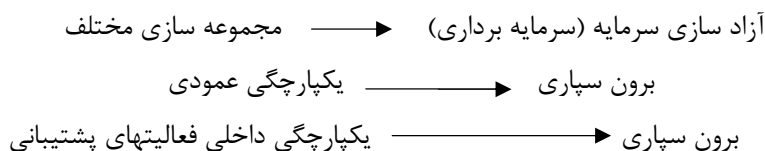
مبانی نظری و پیشینه

واگذاری فعالیت جمع آوری مالیات به پیمانکاران توسط دولت در زمان رومی ها نخستین شکل برون سپاری بوده است. در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، در انگلستان عملیات نگهداری چراغهای خیابان ها، مدیریت زندانها، نگهداری بزرگراه ها و جمع آوری مالیات ها به پیمانکاران واگذار می شده است و در همین زمان تحویل محموله های پستی در آمریکا و استرالیا و ساخت و مدیریت خطوط راه آهن و توزیع منابع آب در فرانسه برون سپاری شده است. دولتها برای تولید تجهیزات نظامی، از شرکتهایی که با آنها همکاری و شراکت استراتژیک ایجاد کرده بودند، استفاده می کردند (چشم براه و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۲-۲۳).

بنگاههای اقتصادی، در شرایط رقابت برای تصرف بازارهای جهانی در دهه ی ۱۹۷۰، به این موضوع رسیدند که فاقد چابکی لازم برای رقابت پذیری هستند و با یک ساختار مدیریتی متورم و لخت مواجهند. بسیار به این موضوع اذعان شده است که شرکت های بزرگ و جهانی، در بازار ناکارآمد می باشند. در نتیجه برخی مطالعات، معطوف به بررسی علل این امر گردید. زمانی که در اوایل دهه ی ۱۹۸۰ میلادی این ناکارآمدی با شروع رکود اقتصادی جهانی همراه شد. این اعتقاد توسعه پیدا کرد که علت ناکارآمدی شرکت ها، پیوندها و گسترش های آن ها است. بنابراین اجماعی حاصل شد که استراتژی های شرکتی باید سمت و سویی معکوس پیدا کنند و شرکت ها برای افزایش انعطاف پذیری و خلاقیت، بهتر است توان و تلاش خود را تنها بر تعداد محدودی فعالیت متمرکز نمایند. (چشم براه و همکاران ۱۳۷۹، ص ۱۸) به طوری که مفهوم تأمین منابع از خارج سازمان در سال ۱۹۸۹ (با واگذاری بخش فناوری اطلاعات به سه شرکت از سوی شرکت کوداک) شهرت یافت.

در واقع تغییرات حاصل شده در زمینه ی استراتژی شرکت ها بیشتر حاصل تفکرات پیشگامان علم مدیریت همچون نام پیترز بود، که تفکر جدیدی را پایه گذاری کرد. این تفکر که در سال ۱۹۸۲ میلادی مطرح شد، بر این موضوع تأکید داشت که شرکت ها بر تجارت اصلی شان متمرکز شوند. به این ترتیب، مفهومی تحت عنوان «شایستگی محوری» مطرح شد و توسعه یافت. برخی شرکت ها سازماندهی مجدد را آغاز کردند. آنها سعی داشتند فعالیت هایی را که فاقد توانایی رقابتی در آنها می باشند، به شرکت های واجد صلاحیت واگذار نمایند. این مساله، مستلزم شناسایی و تفکیک فرایندهای کلیدی از سایر فرایندها، و تلاش برای برون سپاری سایر فرایندها بود.

سپس از چهار جنبه حوزه های کسب و کار شرکتهای مجموعه سازی مختلط یا یکپارچگی عمودی و یکپارچگی داخلی و فعالیتهای پشتیبانی تحت تأثیر تفکر جدید تمرکز بر تجارت محوری قرار گرفتند.



تصدی گری دولت و عدم واگذاری امور به مردم- بخش خصوصی و سازمانهای غیردولتی -موجب بزرگی دولت و ناکارآمدی آن می شود غرق شدن سازمان های دولتی در اعمال تصدی، ضمن آنکه نقش اصلی و حاکمیتی دولت را خدشه دار می کند، اندازه دولت را افزایش داده و چابکی آن را کاهش می دهد. دولت در چنین وضعیتی مشغول اموری می شود که ذاتاً کار دولت نیست و دولت برای آن به وجود نیامده و ساختار و ابزارهای مناسب انجام آنها را ندارد.

بنابراین راه حل ، رها کردن نگرش قیم وار در دولت ، تقویت و حمایت سازمان های غیردولتی، واگذاری امور به بخش خصوصی و مردم و اعتماد و اتکا به سایر بخش ها در انجام امور تصدی گری است. تقویت مشارکت عمومی از طریق واگذاری فعالیتهای اجرائی و موسسات اقتصادی دولت به مردم ، انجام تصدی های تکلیفی دولت با مشارکت مردم وشوراها و تغییر جهت مشارکت دولت در قالب پرداختهای انتقالی ، راهکار دیگر برای متناسب سازی اندازه دولت است.

اگر دولت های محلی شهروندان را در فرایندهای تصمیم گیری درگیر کنند ، منجر به رشد منابع قابل تخصیص، کاهش استرس و کیفیت زندگی را برای ساکنان منطقه می شود .(باسلر وهمکاران ۲۰۰۸). افزایش مشارکت جامعه مدنی در تصمیم گیری در سطح محلی، منجر به حمایت مردم از اجرای تصمیمات متخذه و ایجاد شرایط ثبات می گردد.(جین ملدون و همکاران ۲۰۰۹).

چالشهای بخش دولتی : چالش های بخش دولتی در برونسپاری فعالیت های غیر حاکمیتی در سه دسته کلی قابل طبقه بندی است:

الف- بدنه اجرایی دولت نگران آن است که اگر بخشی از فعالیتهای غیرحاکمیتی را به مردم واگذار کند ، اقتدار و بخشی از فلسفه وجودی اش را از دست بدهد و منابع عمومی که جهت انجام امور غیرحاکمیتی در اختیار دارد را نیز از دست بدهد.

ب. بخش دولتی به توانمندی بخش خصوصی برای اجرای امور تصدی گری اطمینان ندارد.

ج- بخش دولتی از مزایای داشتن یک ساختار کوچک و فرز، آگاهی ندارد و به برنامه های کلان متعهد نیست.

بنابراین این طرح به دولت کمک میکند تا بینش خود را در این زمینه تغییر دهد و با برنامه های توانمندسازی منسجم بدنه اجرایی را با سیستمهای کلان در این زمینه همسو سازد. تعهد بیشتری به اجرای سیاستهای بخش خصوصی شامل فعالان در عرصه صنعت، سرمایه گذاران، سازمان های غیر دولتی، سازمان های خیریه و عام المنفعه، شرکت های اقتصادی و فرهنگی و شهروندان است. دولت محلی و دولت مرکزی باید جهت توانمندسازی بخش غیردولتی برنامه های اطلاع رسانی و آموزشی داشته باشد و برای انجام وظایف تصدی گری از آنها حمایت معنوی کند. همه این افراد و اشخاص حقوقی باید در برنامه های توسعه منطقه ای و ملی و تصمیم گیری مورد توجه قرار گیرند. با مشارکت بخش غیردولتی توانمند است که این بخش خود را نسبت به برنامه های توسعه در راستای اهداف بلند مدت متعهد می داند. این همکاری به بهترین تسهیل کننده برای دستیابی به توسعه است. تأمین منابع از خارج از سازمان می تواند باعث کاهش هزینه شود و به سازمان این امکان را بدهد تا توجه بیشتری را صرف فعالیتهای کسب و کار اصلی خود معطوف کند. بسیاری از سازمانها برای حفظ مزیت رقابتی خود از این روش استفاده می کنند (کریمی، بهرنگ و رسول سرشت، ۱۳۹۱)

فرآیند شناخت الگوهای آسیب شناسی سازمانی: پژوهشگران الگوهایی برای شناخت عوامل سازمان معرفی کرده اند. این الگوها، آسیب شناسی سازمانی را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می دهند. مهمترین الگوهای سازمانی در جدول (۱) بیان می شود:

مدل هفت بعدی وایزبورد: این مدل نگرشی سیستماتیک جهت شناخت دقیق تر سازمان و مداخله مناسب برای حل مشکلات و مسائل سازمانی ارائه می دهد. وایزبورد برای شناخت حوزه های آسیب پذیری و مسأله یابی سازمانها هفت بعد شامل اهداف، روابط، ساختارها، رهبری، سیستم پاداش، مکانیزم های مفید هماهنگی و محیط، پیشنهاد نموده است.

جدول ۱- مولفه های اصلی مدل های مختلف شناخت الگوهای آسیب شناسی سازمانی

مدل سه شاخکی	مدل سیپ CIPP ^۱	مدل کریک پاتریک	مدل هاريسون	SWOT
ساختار و فرايند	ارزشیابی زمینه	واکنش	فردی	شناخت وضع موجود
رفتار	ارزشیابی درونداد	یادگیری	گروهی	تبیین چشم انداز آینده
زمینه و محیط	ارزشیابی فرا گرد	رفتار	سازمانی	تبیین رسالت
-----	ارزشیابی برون داد	نتایج	-----	تعیین اهداف

مأخذ: دلاوری، رضا، آسیب شناسی آموزش های سازمانی در بخش دولتی بر اساس مدل سه شاخکی، ۱۳۹۲، ص ۳، همایش آسیب شناسی آموزش سازمانی.

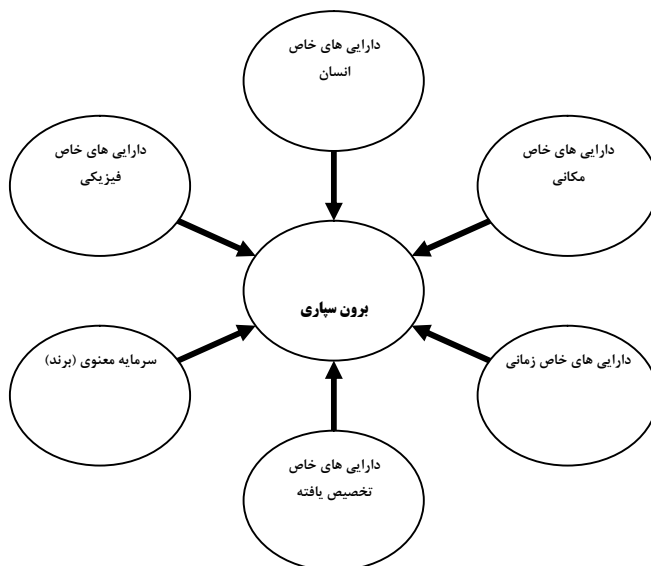
مدل سه شاخکی: پدیده سازمان و مدیریت را می‌توان برحسب سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای بررسی و تحلیل نمود. منظور از عوامل رفتاری (محتوایی) کلیه عوامل مربوط به نیروی انسانی که محتوای سازمان را تشکیل می‌دهند، مانند انگیزش، روحیه کار و رضایت شغلی؛ عوامل ساختاری در برگیرنده مجموعه روابط منظم حاکم بر اجزای داخلی سازمان که بدنه آن را می‌سازند، مانند ساختار سازمانی، قوانین و مقررات می‌باشد؛ و سرانجام عوامل زمینه‌ای شامل محیط و شرایط بیرونی که سبب‌ساز عوامل رفتاری و ساختاری هستند، می‌گردند (میرزایی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶). ایده این مدل برای بررسی عوامل سازمانی این است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به‌گونه‌ای می‌باشد که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه‌شاخه صورت گیرد. به عبارت دیگر، رابطه بین این سه‌شاخه یک رابطه تنگاتنگ بوده و در عمل از هم جدایی ناپذیرند. در واقع، نوع روابط موجود بین این سه شاخه از نوع لازم و ملزوم بوده و به مثابه سه شاخه روییده از تنه واحد حیات سازمان می‌باشند. آسیب‌های ساختاری که علل و عواملی پایه‌ای هستند؛ "نظم ترکیبی" یا "نظم چینی" عناصر اصلی تشکیل دهنده سازمان را برهم زده و ساختارهای اصلی سازمان را که عبارتند از ساختارهای طبیعی و فیزیکی، ساختارهای مالی و اقتصادی، ساختارهای انسانی و ساختارهای اطلاعاتی در معرض بحران قرار می‌دهند؛ آسیب‌های رفتاری که علل و عواملی پایه‌ای هستند؛ ازجمله گوناگون رفتارهای انسانی و در نتیجه کارکردهای (وظایف اصلی) سازمان را در معرض بحران قرار می‌دهند و آسیب‌های زمینه‌ای که علل و عواملی پایه‌ای هستند رابطه و تعامل مناسب و واکنش به موقع و درست سازمان را با سیستم‌های همجوار محیطی‌اش بر هم زده و در این روابط ایجاد بحران می‌نمایند. درچنان رابطه‌ای، عوامل ساختاری و رفتاری و زمینه‌ای به شکل روابط سیستمی مداوم در حال تعامل می‌باشند و سه شاخه مزبور، سه گونه از یک نوع - عمدتاً از نوع غالب زمینه - بوده و بین آنها به هیچ وجه سه‌گانگی حاکم نمی‌باشد. بنابراین، تمایز و تشخیص این سه جنبه از حیات سازمانی، صرفاً نظری بوده و فقط به منظور تجزیه و تحلیل شناخت مفاهیم و پدیده‌های سازمانی می‌باشد (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶). در تحقیق دیگری توسط کریمی، بهرنگ و رسول دشت، ۱۳۹۱، عوامل موثر بر برون سازمانی در طبقه بندی برون سازمانی و درون سازمانی به شرح جدول ذیل احصا شده است.

جدول ۲ - عوامل درون سازمانی و برون سازمانی

عوامل برون سازمانی	عوامل درون سازمانی
- تغییرات در فناوری روز دنیا؛	- کاهش هزینه های درون سازمانی؛
- دستیابی به بازارهای جدید؛	- بهبود عملکرد سازمانی؛
- رسیدگی به رقبا؛	- افزایش انعطاف پذیری سازمان در مقابل تغییرات محیطی؛
- پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر مشتری.	- تمرکز بر فعالیتهای کلیدی؛
	- افزایش ظرفیت استفاده از منابع داخلی؛
	- کاهش هزینه های سربار؛
	- فرهنگ سازی در امر ایجاد خلاقیت سازمانی؛
	- ارتقاء کیفیت ستاده قابل عرضه به مشتری.

مأخذ: کریمی یوسف محمد، بهرنگ گودرز و رسول دشت یونس (بهار ۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر تصمیمات استراتژیک برون سپاری. فصلنامه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. ۷ (۱۹)، ۲۷-۲۸.

مطالعه دیگری توسط احمدی و همکاران با تاکید بر دارایی ها، دارایی های موثر بر برون سپاری را به شرح شکل ذیل طبقه بندی کرده است.



شکل (۱) عوامل موثر بر برون سپاری

مأخذ: احمدی، عباس، بانسی عبدالله، و محترم قلاتی رحیم. (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر برون سپاری

(احمدی و همکاران، ۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان: بررسی عوامل موثر بر توفیق برون سپاری (مورد کاوی برق منطقه ای استان مرکزی) که توسط آقای جیریایی شراهی، ایرج نوری و محسن کیوان پور صورت گرفته است. یک مدل مفهومی برای مولفه های اثرگذار بر برون سپاری مطرح شده است که عبارتند از:

- ۱- گروه بندی برحسب حیطة کار : بیانگر آنست که چه خدماتی برای چه کسانی و کجا فراهم شود و دارای سه جنبه خدمات دهی، دریافتی و جغرافیایی است.
- ۲- تأمین کنندگان : تصمیم گیری در زمینه کمیت و کیفیت تأمین کنندگان خدمات برون سپاری است.
- ۳- مقیاس مالی : درجه ای از برون سپاری انجام شده برحسب وضعیت مالی سازمان است.
- ۴- حوزه و چهارچوب قیمت گذاری : بیانگر خط مشی چارچوب قیمت گذاری است که بوسیله آن پرداخت به فروشنده محاسبه می شود.
- ۵- مدت زمان قرارداد : منظور زمان توافقی در قرارداد است.
- ۶- حاکمیت منابع : شامل دارایی ها، امکانات و نوع کاری است که در کنترل و یا مالکیت سازمان است.
- ۷- روابط تجاری : بیانگر ارتباطات درون و برون سازمانی و ماهیت سازمان است.
- ۸- نیروی انسانی: هدف از برون سپاری، آزاد شدن از انجام فعالیتهای ناخوشایند نیست، بلکه دستیابی به نتایج در وضعیت بهینه است. مدیرانی که فعالیتهای یک بخش را برون سپاری می کنند تا تجربیات و خبرگی های فنی مربوط به کار برون سپاری شده را برای نظام و مدیریت بر تأمین کننده در خود حفظ کنند.

دلایل عدم گرایش به برون سپاری:

- (۱) هزینه های پایین (قیمت تمام شده پایین تر)؛
- (۲) فقدان تأمین کنندگان مناسب و قابل اعتماد؛
- (۳) اطمینان از تأمین داخلی؛
- (۴) وجود شایستگی اصلی یا فعالیت استراتژیک؛
- (۵) الزام در استقبال از پرسنل و تجهیزات مازاد؛
- (۶) تحقیق کیفیت موزون؛
- (۷) اجتناب از ریسک های برون سپاری؛
- (۸) حفظ استعدادها و محافظت پرسنل از بیکاری و اخراج؛
- (۹) جلوگیری از اشاعه اطلاعات فنی و طراحی؛
- (۱۰) تمایل برای یکپارچه سازی عملیات.

دلایل گرایش به تأمین از بیرون سازمان:

- ۱) حق انحصاری تأمین کننده (دانش و مهارت ارائه خدمت اختصاصی شده است)؛
- ۲) هزینه های پایین تر خرید در مقایسه با قیمت تمام شده داخل؛
- ۳) هزینه های راه اندازی در داخل نیازمند سرمایه بالاست؛
- ۴) ظرفیت ناکافی (منابع فنی یا مدیریتی ناکافی)؛
- ۵) غیراصلی بودن فعالیت، فرایند یا محصول و خدمت مورد نظر؛
- ۶) وجود منابع بیرونی مناسب؛
- ۷) لزوم دستیابی به مهارت‌های فنی یا مدیریت بیرونی؛
- ۸) سیاست تجاری متقابل (چشم‌براه و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۶۳ الی ۶۴).

عوامل درون سازمانی موثر بر تصمیم برون سپاری :

- ۱) نیاز به تخصص و مهارت‌های جدید در سازمان؛
- ۲) بهبود عملکرد مدیریت؛
- ۳) تمرکز بر راهبرد و فعالیتهای کلیدی (طالبی و کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹)؛
- ۴) ارتقاء کیفیت ستاد قابل عرضه به مشتری (طالبی و کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲)؛
- ۵) افزایش ظرفیت استفاده از منابع داخلی؛
- ۶) کاهش هزینه های درون سازمانی؛
- ۷) بهبود عملکرد سازمانی؛
- ۸) فرهنگ سازی در امر ایجاد خلاقیت سازمانی؛
- ۹) انطباق با شرایط رشد سریع و افزایش کنترل تقاضا.

عوامل برون سازمانی موثر بر تصمیم برون سپاری :

- ۱) شرایط رسیدن به رقبا: برغم وجود یک محیط حرکتی آهسته، سازمان در رقبای خود عقب افتاده است (کریمی و طالبی ص ۱۲۷)؛
- ۲) ارزشهای زنجیره ای تغییر یافته: سازمان باید به نیازهای تغییر یافته مشتری پاسخگو باشد؛
- ۳) تغییرات در فناوری: هسته سازمان بدلیل فناوری های جدید روزآمد نیست؛
- ۴) بازارهایی که بتازگی آشکار شده اند: بازارهای جدید به دلیل تغییرات سریع در فناوری و تقاضای مشترک در دسترس قرار دارند.

مدل های برون سپاری:

- مدل تصمیم برون سپاری فرآیندهای تجاری؛

- مدل تصمیم برون سپاری موقعیت مکانی؛

-مدل برنامه برون سپاری استراتژیک؛

- مدل روابط برون سپاری .

فاکتورهای برون سپاری: زمانی که ما مدل «AHP» خود را ساختار می دهیم، اولین چیزی را که باید مورد توجه قرار دهیم فاکتورهای مدل می باشند. ساعتی در سال ۱۹۹۰ بیان می کند که خلاق ترین وظیفه در ایجاد یک تصمیم، انتخاب فاکتورهایی است که برای آن تصمیم مهم هستند. در زمینه برون سپاری این موضوع به معنی یافتن آن فاکتورهایی است که روی سود شرکت تأثیر می گذارند. فاکتورهایی همچون اقتصاد هزینه معامله (اوبرت، ۱۹۹۶) و استراتژی (کینگ، ۱۹۹۴) بعضی از محققان پیشنهاد می کنند که فاکتورها باید از لحاظ اقتصادی و تکنولوژی، مدیریت پروژه، تمرکز تجاری و سازمانی دارای اهمیت باشند. دیگر محققان پیشنهاد می کنند که شرکت ها می توانند بهره وری و کیفیت را بواسطه برون سپاری فعالیت های سرویس های اطلاعاتی ارتقاء دهند. سازمان های متفاوت از لحاظ ابعاد مختلف برون سازمانی و درن سازمانی با یکدیگر تفاوت دارند. شرکت ها باید تمامی فاکتورهایی را که می توانند روی سود سازمان تأثیر بگذارند را تا حد ممکن مورد ملاحظه قرار دهند. پنج فاکتور بسیار مهمی که در بالا بررسی شد (مدیریت، استراتژی، تکنولوژی اقتصاد و کیفیت) می بایست در مدل بکار گرفته شود. ویژگی های مشخص این فاکتورها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳- صفات و فاکتورهای برون سپاری

صفات و فاکتورهای برون سپاری
مدیریت: شبیه سازی دپارتمام IS به منظور بهبود عملکرد آن و ارتقاء روحیه؛ بهبود مسائل ارتباطی و عدم هماهنگی بین دپارتمان IS و دپارتمان عملیاتی؛ حل معضل شناوری و کمیابی کارکنان؛ افزایش توانایی مدیریت و کنترل دپارتمان IS؛ حفظ انعطاف پذیری در دپارتمان که شامل عدم تمرکز می شود. استراتژی: تمرکز روی شایستگی های اصلی شرکت؛ عقد پیمان های استراتژیک با خرده فروشی برای رفع کمبود منابع یا تکنولوژی؛ تشکیل یک سازمان جدیدی بواسطه الحاق قابلیت های اصلی پیمان های استراتژیک بمنظور توسعه محصول جدید و افزایش فروش؛ تسهیم ریسک ها؛ کاهش زمان ارائه به بازار. تکنولوژی: دستیابی به تکنولوژی جدید؛ یادگیری فن آوری جدید مدیریت و توسعه نرم افزار از خرده فروشان. اقتصاد: کاهش هزینه های توسعه و نگهداری سیستم های اطلاعاتی؛ تبدیل هزینه های ثابت به هزینه های متغیر؛ افزایش انعطاف پذیری در مسائل مالی؛ کیفیت: دستیابی به عملکرد و قابلیت اطمینان بالاتر سرویس های اطلاعاتی.

مبانی قانونی: جهت واگذاری امور تصدی های قابل واگذاری دستگاهها؛ شامل واحد عملیاتی یا

خدمات، اقداماتی می بایست از سوی دستگاه صورت گیرد.

(۱) تهیه برنامه واگذاری واحدهای عملیاتی و خدماتی؛

(۲) اجرای برنامه توانمند سازی بخش غیردولتی برای دریافت فعالیت ها؛

(۳) آماده سازی برای واگذاری واحدهای عملیاتی و خدمات دستگاههای اجرایی به شبکه های حرفه ای،

بخش خصوصی و سمن ها؛

۴) واگذاری واحدهای عملیاتی و خدمات دستگاههای اجرایی به شبکه های حرفه ای، بخش خصوصی و سمن ها.

جهت تهیه برنامه واگذاری واحدهای عملیاتی و خدماتی؛ دستگاهها می بایست با استناد به مواد ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و آئین نامه اجرایی ماده ۲۴ شماره ۱۳۱۳۷۸/ت/۴۳۹۰۸ ک تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۱ تصویب نامه هیات وزیران و اصلاحیه آن شماره ۱۷۶۴۲۰/ت/۴۴۸۵۲ ک مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۸ و بخشنامه شماره ۱۳۴۷۲/۹۳/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۷ موضوع "ساماندهی کمیته های تخصصی مرتبط با مسائل مدیریتی و اداری"؛ نسبت به دریافت برنامه اجرایی نحوه واگذاری تصدی از ستاد مرکزی اقدام، و درخصوص تعیین واحدهای تصدی های قابل واگذاری در برنامه، تنظیم چارچوب قرارداد با بخش غیردولتی در برنامه، تعیین روش های واگذاری تصدی ها در برنامه، تعیین ضمانت های لازم به منظور جلوگیری از تغییر کاربری اموال منقول و غیر منقول در برنامه، تعیین استانداردها و معیارهای مورد نظر درخصوص کیفیت و قیمت خدمات و تصدی های قابل واگذاری در برنامه، تعیین قیمت ساختمان ها و پروژه های تملک دارایی های سرمایه ای نیمه تمام با حفظ کاربری آنها پس از اتمام پروژه و اداره آنها توسط بخش غیردولتی در برنامه، تعیین قیمت اجاره ساختمان ها و اموال منقول با رعایت بند ک ماده ۵ آئین نامه اجرایی ماده ۲۴ ق.م.خ.ک در برنامه، تعیین نحوه بررسی و رسیدگی به تخلفات طرف قرارداد از شرایط واگذاری و عدم رعایت کیفیت و قیمت خدمات در برنامه و تعیین تعرفه ارائه خدمات واگذاری شده در برنامه اقدام نمایند.

دستگاه های اجرایی به منظور اجرای برنامه توانمندسازی بخش غیر دولتی برای دریافت فعالیت ها می بایست نسبت به تدوین برنامه توانمند سازی اقدام و در جهت اجرای برنامه مذکور اقدام نمایند. دستگاههای یاد شده مکلفند با استناد به ماده ۲۲ ق.م.خ.ک به منظور تقویت و حمایت از بخش غیر دولتی اقدامات لازم برای آموزش، سازماندهی، ایجاد تسهیلات و کمکهای مالی، رفع موانع اداری و خرید خدمات از بخش غیر دولتی اقدام نمایند آئین نامه اجرایی ماده ۲۲ قانون مدیریت خدمات کشوری طی تصویب نامه شماره ۱۶۳۴۶۴/ت/۴۵۰۲۰ ک مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۲۲ کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک به دستگاههای اجرایی ابلاغ شده است.

به منظور آماده سازی برای واگذاری واحدهای عملیاتی و خدمات دستگاه براساس برنامه مصوب دستگاههای اجرایی می بایست نسبت به احصای تصدی های اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و زیربنایی خود اقدام نمایند و وظایف تصدی را از نظر قابلیت واگذاری یا عدم واگذاری مورد ارزیابی قرار دهند، چنانچه امکان واگذاری تصدی ها میسر نباشد دستگاههای اجرایی به تشخیص شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی تا برطرف شدن موانع واگذاری کماکان انجام خدمات مزبور را بر عهده دارند. این اقدام در

شهرستانها و واحدهای استانی به تأیید شورای برنامه ریزی و توسعه استان خواهد رسید. البته لازم به ذکر است واگذاری بناها و اموال دولتی ممنوع بوده و مشمول واگذاری ها نمی باشد.

با توجه به ماده ۷ آئین نامه اجرایی ماده ۲۴ و اصلاحیه آن به منظور ارتقای انگیزه در بخش غیر دولتی برای قبول تصدیهای دولتی، حمایت ها و تسهیلات پیش بینی شده ذیل علاوه بر شرایط و ضوابط عمومی پیمان مصرح در بخشنامه شماره ۱۰۲/۱۰۸۸۰۵۴/۸۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۰۲/۰۳ سازمان برنامه و بودجه سابق پس از تأیید معاونت های برنامه ریزی و نظارت راهبری رئیس جمهور و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور قابل ارائه می باشد:

الف - اعطای تسهیلات بانکی و مالیاتی با شرایط ویژه؛

ب- واگذاری زمین و ارائه خدمات زیربنایی با نرخ کارشناسی برای مشارکت با دولت؛

ج- ارائه وامهای قرض الحسنه متقاضیان بخش خصوصی از محل وجوه اداره شده؛

د- پرداخت بخش هایی از هزینه سرانه تأمین خدمات به اشخاص طرف قرارداد در ازای انجام خدمات مشخص و براساس قراردادهای منعقد.

این نکته حائز اهمیت می باشد که با عنایت به ماده ۱۳ ق.م.خ.ک و تبصره ذیل ماده یاد شده امور تصدی های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی با رعایت اصول بیست و نهم و سی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت و با استفاده از شیوه های ذیل انجام می گردد:

۱) اعمال حمایت های لازم از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی مجری برای وظایف؛

۲) خرید خدمات از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی؛

۳) مشارکت با بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی از طریق اجاره، واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی؛

۴) واگذاری مدیریت واحدهای دولتی به بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی با پرداخت تمام و یا بخشی از هزینه سرانه خدمات؛

۵) ایجاد و اداره واحدهای دولتی موضوع این ماده توسط دستگاههای اجرایی .

چنانچه امور موضوع این ماده به یکی از طریق چهارگانه فوق الذکر (۱ لغایت ۴) مقدور نباشد ایجاد و اداره واحدهای دولتی وظیفه دولت است.

ضمناً تأیید صلاحیت علمی و اخلاقی کلیه افراد موضوع این قانون که به موجب این ماده در بخشهای آموزشی، بهداشتی و فرهنگی اشتغال خواهند داشت مطابق ضوابط فصل ششم قانون م.خ.ک و

تأیید استانداردهای مربوط و کیفیت و قیمت خدمات نیز مطابق قوانین و مقررات مربوط است. با عنایت به ماده ۸ آئین نامه اجرایی ماده ۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در فرایند واگذاری فعالیتها و واحدهای قابل واگذاری دستگاه اجرایی به روش واگذاری مدیریت و خرید خدمات و مشارکت پس از تعیین صلاحیتهای فنی و اجتماعی متقاضیان در شرایط برابر، اولویت با ایثارگران انقلاب اسلامی، شرکتهای تعاونی ایثارگران، هیئت های امناء، نهادهای عمومی غیر دولتی موضوع قانون و فهرست نهادهای و موسسات عمومی غیر دولتی - مصوب ۱۳۷۳ - شهرداریها و دهیاریها و موسسات عام المنفعه و نهادهای متشکل از کارکنان دستگاه اجرایی و بازنشستگان به صورت شخص حقوقی از جمله شرکتهای تعاونی و سهامی مشروط به قطع رابطه استخدامی آنها با دستگاه دولتی خواهد بود.

با توجه به تبصره ماده ۸ آئین نامه اجرایی ماده ۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، اولویت واگذاری اماکن با کارکنان دستگاه اجرایی است که در صورت قطع رابطه استخدامی دولتی، تمام یا بخشی از اماکن و تجهیزات به صورت رایگان به آنان واگذار می شود. مشروط به این که تغییر کاربری ندهند و وظایف و خدمات استاندارد که مورد تأیید دستگاه باشد ارائه بدهند و نیروی انسانی را با خرید خدمت مستقیماً تا پنج سال حفظ نمایند.

یکی دیگر از مواد قانونی درخصوص واگذاری امور تصدی های دولت ماده ۴۶ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می باشد. در این ماده قانونی به دستگاههای اجرایی در ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی اجازه داده می شود به منظور ارتقای کیفیت خدمات و کاهش اعتبارات هزینه ای، نسبت به خرید خدمات، برای انجام مأموریتها و وظایف قانونی غیر حاکمیتی خود از بخش غیر دولتی به شرطی که متضمن اخذ هزینه اضافه از مردم نگردد، اقدام نمایند.

با توجه به ماده ۱ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ الحاق منظور از هزینه سرانه دولتی، هزینه سرانه خرید خدمت، خرید خدمات از بخش غیر دولتی، دستگاه خریدار خدمت و امور غیر حاکمیتی و واحد استانی به شرح ذیل می باشد.

هزینه سرانه دولتی: میزانی از اعتبارات هزینه ای است که در ازای انجام هر فعالیت یا خدمت یا برخوردار شدن هر یک از افراد بهره مند از خدمات دستگاه اجرایی به تناسب موضوع فعالیت و منطقه در بودجه دستگاه پیش بینی شده است.

هزینه سرانه خرید خدمت: درصدی از هزینه سرانه دولتی است که به تناسب موضوع فعالیت، منطقه و کیفیت کار تعیین و به بخش غیردولتی در ازای انجام کار پرداخت می گردد.

خرید خدمات از بخش غیر دولتی: استفاده از ظرفیت های بخش غیر دولتی اعم از بخش خصوصی و بخش تعاونی، شهرداری ها و دهیاری ها و خرید خدمات غیر حاکمیتی دستگاههای اجرایی با رعایت مقررات قانونی مربوط مشروط به عدم دریافت هزینه اضافه از اشخاص.

دستگاه خریدار خدمت: کلیه دستگاههای اجرایی مذکور در ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه. امور غیر حاکمیتی: کلیه تصدی های اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، زیربنایی و اقتصادی. واحد استانی: واحد سازمانی تابعه دستگاههای اجرایی است که به منظور اعمال اختیارات و انجام وظایف دستگاه اجرایی در مرکز استان تشکیل شده است.

با توجه به ماده ۲ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق؛ به منظور احصای تصدیهای اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، زیربنایی و اقتصادی دستگاههای اجرایی، با رعایت ماده ۱۳۵ قانون برنامه چهارم توسعه، کارگروهی به مسئولیت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با حضور معاون اجرایی رئیس جمهور، وزیر کشور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، دبیر هیئت دولت و رئیس دستگاه ذیربط حسب مورد تشکیل و نسبت به احصای موارد موضوع «ه» ماده (۱) این آئین نامه اقدام و جهت اجرا به دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم اعلام می نماید.

براساس ماده ۳ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق دستگاههای خریدار خدمت می توانند از تاریخ تصویب این آئین نامه (۸۵/۱/۱۶) تمام با قسمتی از امور غیر حاکمیتی خود را از طریق بخش غیردولتی واجد شرایط با رعایت مقررات و به شرطی که منجر به دریافت هزینه اضافه از مردم نسبت به انجام این گونه امور قبل از خرید از بخش غیر دولتی نگردد و نیز به شرط کاهش اعتبارات هزینه مالی و ارتقاء کیفیت خدمات انجام دهد.

با عنایت به مفاد ماده ۴ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق مسئولیت اجرای ماده ۴۶ قانون الحاق و آئین نامه اجرایی آن در دستگاههای خریدار خدمت به عهده وزیر یا رئیس دستگاه مربوط می باشد. با توجه به ماده ۵ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق وظایف و اختیارات دستگاه اجرایی عبارتند از:

- (۱) تدوین برنامه تحقق ماده ۴۶ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولتی در دستگاه متبوع؛

- (۲) تعیین شرایط، استانداردها و موارد مورد نظر درخصوص صلاحیت فنی و اخلاقی بخش غیر دولتی مورد نظر جهت خرید خدمات؛

- (۳) تعیین و تنظیم چارچوب قرارداد خرید خدمات به منظور مبادله با بخش غیر دولتی؛

- (۴) تعیین میزان هزینه سرانه خرید خدمات با توجه به موقعیت جغرافیایی نوع فعالیت و میزان محرومیت مناطق و کمیت و کیفیت خدمات و فعالیت های خریداری شده؛

- ۵) انجام نظارتهای مستمر به منظور رعایت استانداردهای مربوط و جلوگیری از کاهش رضایتمندی ارباب رجوع و مردم از فعالیتهای و خدمات خریداری شده؛
 - ۶) کنترل هزینه ای فعالیتهای به منظور جلوگیری از احتمال پرداخت وجوه و هزینه های اضافی توسط ارباب رجوع به واحدهای طرف قرارداد بابت فعالیتهای و خدمات خریداری شده و اعلام تعرفه های ارائه خدمات به مصرف کننده ها؛
 - ۷) نظارت مستمر بر عملکرد بخش غیر دولتی طرف قرارداد و ارائه پیشنهادهای لازم جهت ارتقاء کیفیت خدمات رسانی؛
 - ۸) رسیدگی به تخلفات طرف قرارداد از شرایط خرید خدمت و ارجاع آن به مراجع ذیربط؛
 - ۹) ارائه راهنمایی و هماهنگی های لازم به دستگاه استانی در زمینه اجرای این ماده .
- لازم به ذکر است با توجه به ماده ۶ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق مسئولیت اجرایی این ماده در واحدهای استانی خریدار خدمت به عهده مسئول واحد استانی دستگاه اجرایی است. مسئول واحد استانی دستگاه اجرایی موظف است ضمن رعایت ضوابط و مقررات موجود و با هماهنگی با وزیر یا بالاترین مقام دستگاه مرکزی متبوع خود کلیه وظایف قید شده در ماده ۵ آئین نامه یاد شده را در سطح استان اجرا نماید.
- براساس ماده ۷ آئین نامه ماده ۴۶ قانون الحاق؛ معاون اداری و مالی یا توسعه مدیریت یا عناوین مشابه دستگاه خریدار موظف است سالانه مبالغ صرفه جویی شده در اجرای مفاد این آئین نامه را به وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اطلاع دهد.
- در راستای اجرای ماده ۸ آیین نامه ماده ۴۶ الحاق؛ صرفه جویی ناشی از اجرای مفاد آئین نامه یاد شده با رعایت قوانین و مقررات به صورت مشخص و در قالب اصلاحیه موافقتنامه های متبادله با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا استان (حسب مورد) جهت ارتقای کیفیت خدمات دستگاه اجرایی اختصاص می یابد و در مورد آن گروه از دستگاه های اجرایی که ملزم به مبادله موافقتنامه نمی باشند با تصویب بالاترین مرجع تصمیم گیری دستگاه به سایر امور در جهت ارتقای کیفیت اختصاص می یابد.
- براساس ماده ۹ آئین نامه اجرایی ماده ۴۶ قانون الحاق و تبصره ذیل آن، وزیر یا بالاترین مقام دستگاه خریدار خدمت موظف است گزارش عملکرد این ماده را به تفکیک فعالیتهای تهیه و در مقاطع شش ماهه به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام نماید. گزارش عملکرد ماده ۴۶ قانون یاد شده در واحدهای استانی در مقاطع سه ماهه تهیه و برای دستگاه مرکزی متبوع ارسال می گردد.

روش شناسی

روش تحقیق از طریق تعیین چگونگی تائید و یا رد یک گزاره تحقیق می باشد. این مسیر، چارچوب عملیاتی مورد استفاده برای تحقق هدف و آزمون فرضیه ها و نیز پاسخ پرسش های پژوهش را در بر دارد. پژوهش حاضر از آن نظر که یک روش راهبردی را در دستگاههای اجرایی استان قزوین تحت بررسی قرار داده است، از نوع کاربردی است و چون پدیده مورد نظر محقق را در شرایط واقعی توصیف می کند از نظر روش اجرا توصیفی محسوب می گردد و از روش تحقیق پیمایشی اقدام به جمع آوری اطلاعات کرده است.

در مرحله اول با استفاده از اسناد و مدارک و مصاحبه با خبرگان واگذاری امور تصدی گری در چارچوب مدل سه شاخکی، عوامل موثر بر واگذاری امور تصدی گری شناسایی و دسته بندی می شود و در مرحله دوم پس از شناسایی مولفه های موثر بر واگذاری امور تصدی گری از تحلیل عاملی - اکتشافی توصیفی (تحلیل مولفه های اصلی) جهت طبقه بندی آنها استفاده می شود.

روش گردآوری اطلاعات به صورت میدانی می باشد و از مطالعات کتابخانه ای مرتبط با موضوع نیز استفاد شده است. در روش میدانی محقق برای گردآوری داده ها باید با مراجعه به افراد یا سازمان ها و ارتباط مستقیم، مبادرت به تحصیل اطلاعات مورد نیاز خود نماید. در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. در واقع پرسشنامه مجموعه ای از پرسش های طراحی شده کند که نگرش افراد مورد سوال را نسبت به یک واقعیت ارزیابی می کند.

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل مدیر کل دستگاه اجرایی، معاون منابع انسانی (معاون پشتیبانی)، رابط ارزیابی عملکرد، دبیر کمیته محور مهندسی نقش و ساختار دولت، مسئول امور مالی (یا مسئول انعقاد قراردادهای پیمانکاری)، دو نفر از کارکنان مرتبط با امور واگذار شده در ۶۷ دستگاه اجرایی استان، ۱۰ نفر از مسئول، دبیر و ارزیابان محور مهندسی نقش و ساختار دولت است و حجم نمونه نیز ۲۰۴ نفر است.

در این تحقیق روایی ابزارهای سنجش به کار گرفته شده با توجه به مطالعات انجام شده و نظر استاتیدی که در این زمینه تجربه دارند دارای روایی می باشد. جهت محاسبه پایایی یا ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری نظر به اینکه پرسشنامه به صورت طیف لیکرت طراحی شده است و در واقع از نوع نگرش سنج می باشد. به همین جهت مناسب ترین روش برای محاسبه اعتبار، ضریب آلفای کرونباخ است. نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل پرسشنامه برابر ۰/۷۹ است و با توجه به اینکه ضریب پایانی محاسبه شده از ۰/۷۰٪ بیشتر است می توان نتیجه گرفت که پرسشنامه طراحی شده از پایانی تحقیق مناسبی برخوردار است. معمولاً از آنجائیکه در

تحقیقات به دلایلی یک پژوهشگر با انبوهی از متغیرها مواجه است، در نتیجه برای تحلیل دقیق و رسیدن به نتایج علمی معتبر و در عین حال عملیاتی، ناگزیر از کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختاری جدید برای آنهاست. بنابراین از روش به نام تحلیل عاملی در شناسایی متغیرها و یا همان عامل ها از طریق متغیرهای مشاهده شده استفاده می گردد. به عبارت دیگر به آنها عامل های نهفته یا بالقوه یا مستور هم گفته می شود. این عامل ها از طریق ترکیب خطی مقادیر اصلی متغیرهای مشاهده شده برآورد میگردد. در واقع تحلیل عاملی سعی در شناسایی اساسی جهت تبیین الگوی همبستگی میان متغیرهای مشاهده شده دارد. در این تحقیق، اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS به صورت توصیفی و تحلیلی مورد تجربه و تحلیل قرار می گیرند. در اینجا به اختصار به روشهای آن اشاره ای می کنیم.

- محاسبه آمارهای توصیفی با استفاده از نرم افزار SPSS،
- استفاده از آزمون همبستگی پیرسون جهت تعیین وجود میزان رابطه مولفه های عارضه یابی سه شاخکی (عوامل زمینه ای - محیطی، عوامل ساختاری و عوامل محتوایی - رفتاری) و واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین،
- اولویت بندی عوارض تأثیرگذار بر واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین از طریق آزمون فریدمن.

یافته های پژوهش

برای دستیابی به پاسخ سوالات پژوهش که در سه شاخه اصلی زیر عنوان شده اند :

- آیا عوامل زمینه ای - محیطی واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد؟
- آیا عوامل ساختاری بر واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد؟
- آیا عوامل محتوایی - رفتاری بر واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین تأثیر دارد؟

پرسشنامه ای با ۴۳ سوال در ۴ نوع سوال طراحی شده است . در واقع پرسشنامه مجموعه ای از پرسش های طراحی شده کند که نگرش افراد مورد سوال را نسبت به یک واقعیت ارزیابی می کند. و در نوع عوامل زمینه ای ، عوامل ساختاری و عوامل رفتاری سوالاتی مطرح شده است . سوالاتی نیز در خصوص میزان کمیت و کیفیت واگذاری بصورت سوالات اولیه در پرسشنامه طراحی شده است .

به منظور تجزیه و تحلیل داده های آماری پژوهش حاضر ، ابتدا اطلاعات حاصل از پرسشنامه استخراج و در جدول اطلاعات کلی تنظیم شد . سپس کلیه اطلاعات از طریق نرم افزار آماری در دو

بخش روشهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . در تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات ابتدا ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان (اعم از جنسیت ، سابقه خدمت و میزان تحصیلات و سطح سازمانی) به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است . سپس به دنبال آن شاخص های آماری مربوط به هر یک از سؤالات پرسشنامه و متغیرهای تحقیق در پرسشنامه پژوهش و عوامل موثر بر برون سپاری محاسبه شد . لازم به ذکر است که چون سؤالات پرسشنامه به روش لیکرت و پنج گزینه ای طراحی شده است و به عبارتی امکان نمره گذاری گزینه ها وجود دارد ، شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی مربوط به هر یک از متغیرها محاسبه شده است . این شاخص ها عمدتاً شامل محاسبه میانگین ، میانه ، انحراف معیار ، واریانس و خطای استاندارد می باشد .

در بخش روش های استنباطی به منظور بررسی سؤالات تحقیق و به عبارتی تعمیم نتایج به دست آمده از نمونه به جامعه آماری ابتدا با استفاده از آزمون آماری t ، تفاوت معنی دار بودن کمیت و کیفیت برون سپاری در دستگاههای اجرایی استان قزوین و عوامل موثر بر برون سپاری بررسی قرار گرفت و سپس با ضرایب همبستگی پیرسون رابطه عوامل موثر ذکر شده در پرسشنامه و میزان برون سپاری وظایف تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین بررسی شد .

جدول ۴ - جدول مؤلفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری

مفهوم	مؤلفه ها	میانگین نظرات
کمیت و کیفیت برون سپاری	کمیت واگذاری	۲.۶۸
	میزان ارتقای اثربخشی امور حاکمیتی	۳.۰
	میزان ارتقای کیفیت خدمات	۳.۱
	میزان کاهش هزینه ها	۲.۹
	کل	۲.۹

در جدول شماره ۴، میانگین نظرات مؤلفه ها و شاخص های پرسشنامه نشان داده شده است . بیشترین انتظار دستگاههای اجرایی از برون سپاری خدمات، ارتقای کیفیت خدمات است . بر اساس خروجی های آزمون با همبستگی بالای ۰/۹۹ و ۰/۰۱ خطای معنی دار می باشد . لذا با اطمینان بالای ۹۹٪ و سطح معنی داری زیر ۰/۰۱٪ نتایج مورد تایید است.

در جدول شماره ۵، بیشترین عامل تأثیر گذار از عوامل زمینه ای در برون سپاری وظایف تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین بر مبنای پرسشنامه های موجود، میزان تأثیرپذیری برنامه های نظام مدیریتی از مناسبات و نظام سیاسی استخراج شده است.

جدول ۵ - جدول مولفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری (عوامل زمینه ای-محتوایی ملی)

مفهوم	مولفه ها		میانگین
عوامل زمینه ای (محتوایی ملی)	تاثیر نظام سیاسی	میزان تاثیرگذاری مناسبات و روابط سیاسی در فرایند واگذاری	۳.۵
	کیفیت رقابت	افزایش سطح رقابت در بخش غیردولتی	۳.۲
		میزان سلامت رقابت و رقابت به دور از روابط ناسالم	۳.۱
	کیفیت فرایند واگذاری	میزان تاثیر عوامل و روابط غیررسمی در مراجع تصمیم گیری واگذاری	۳.۴
		میزان علمی بودن فرایند انتخاب بخش غیردولتی برای مشارکت در اداره واگذاری ها	۲.۵
	کیفیت قوانین	میزان تسهیل گری قوانین و مقررات موجود در واگذاری	۲.۸
		میزان جامعیت قوانین و مقررات واگذاری	۲.۵
		میزان شفافیت قوانین و مقررات واگذاری	۲.۶
		میزان تناسب سیاستهای واگذاری با سایر سیاستها و قوانین و مقررات	۲.۷
		میزان تاثیرپذیری برنامه های نظام مدیریتی از مناسبات و نظام سیاسی	۳.۷
		میزان ثبات در سیاستها و برنامه های واگذاری	۲.۵
کل		۲.۷	

جدول ۶- جدول مولفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری (عوامل زمینه ای - رفتاری ملی)

میانگین نظرات	مولفه ها	مفهوم
۲.۸	میزان تمایل به تسهیل واگذاری در سطح ملی و کلان	عوامل زمینه ای (رفتاری ملی)
۲.۷	میزان توانمندی و دانش واگذاری در سطح ملی و کلان	
۳.۴	میزان توانمندی بخش غیردولتی	
۳.۲	میزان مهارت‌های مدیریتی بخش غیردولتی	
۳.۳	میزان تمایل بخش غیردولتی برای سرمایه گذاری	
۳	میزان اعتماد بخش غیردولتی در استمرار سودآوری مشارکت با بخش دولتی	
۳.۱	کل	

در جدول شماره ۶، بیشترین عامل تأثیر گذار از عوامل زمینه ای (رفتاری ملی) در برون سپاری وظایف تصدی گری دستگاه های اجرایی استان قزوین بر اساس نظرات مدیران دستگاهها، میزان توانمندی بخش غیر دولتی استخراج شده است. این نشان دهنده عدم اعتماد مدیران به توانایی های علمی و تخصصی بخش غیر دولتی است و در صورت اثبات توانایی های علمی و تخصصی این بخش در امور واگذار شده، مدیران تمایل بیشتری برای واگذاری امور به بخش غیر دولتی از خود نشان می دهند.

جدول ۷- جدول مولفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری (عوامل زمینه ای -محیطی برونزا)

مفهوم	مولفه ها	میانگین نظرات
عوامل زمینه ای -محیطی (برونزا)	میزان تاثیر تغییر فناوری	۳.۶
	میزان افزایش انتظارات مراجعان	۳.۸
	میزان تاثیر وضعيت بازار کار در اجرای اثربخش واگذاری	۳.۶
	میزان آمادگی فرهنگی نظام اداری برای واگذاری امور	۲.۸
	کل	۳.۵

در جدول شماره ۷ بیشترین عامل تأثیر گذار از عوامل زمینه ای-محیطی (برونزا) در برون سپاری وظایف تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین بر اساس نظرات مدیران دستگاهها ، میزان افزایش انتظارات مراجعان استخراج شده است . با افزایش میزان انتظار مراجعین از بخش غیر دولتی ، انگیزه بخش خصوصی در ارتقای توانمندیهای خود نیز افزایش خواهد داشت .

جدول ۸ - جدول مولفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری (عوامل رفتاری)

مفهوم	مولفه ها	میانگین نظرات
عوامل رفتاری	میزان تمایل مدیران استان به واگذاری امور	۳.۳
	میزان تسهیل واگذاری توسط مدیران	۳
	میزان تسهیل واگذاری توسط کارشناسان و کارکنان	۳.۱
	میزان اعتماد در دستگاه های اجرایی به توانایی بخش غیردولتی	۲.۹
	میزان توانمندی و دانش مدیران برای برون سپاری و اداره دستگاه اجرایی پس از واگذاری	۳
	میزان توانمندی و دانش کارشناسان و کارکنان برای برون سپاری و نظارت پس از واگذاری	۳
	میزان انگیزش مدیران برای واگذاری و برون سپاری	۲.۸
	میزان انگیزش کارشناسان و کارکنان برای مشارکت در واگذاری و برون سپاری	۲.۸
	میزان امنیت شغلی کارکنان واحدهای عملیاتی واگذار شده	۲.۵
	میزان سلامت اداری	۳.۱
کل		۳

در جدول شماره ۸، بیشترین عامل تأثیر گذار از عوامل رفتاری در برون سپاری وظایف تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین بر اساس نظرات مدیران دستگاهها ، میزان تمایل مدیران دستگاهها به واگذاری امور می باشد . مدیران تأثیر گذارترین افراد در تصمیم به برون سپاری وظایف تصدص گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین هستند .

در جدول شماره ۹، بیشترین عامل تأثیر گذار از عوامل ساختاری در برون سپاری وظایف تصدی گری دستگاههای اجرایی استان قزوین بر اساس نظرات مدیران دستگاهها ، میزان پیچیدگی مراحل

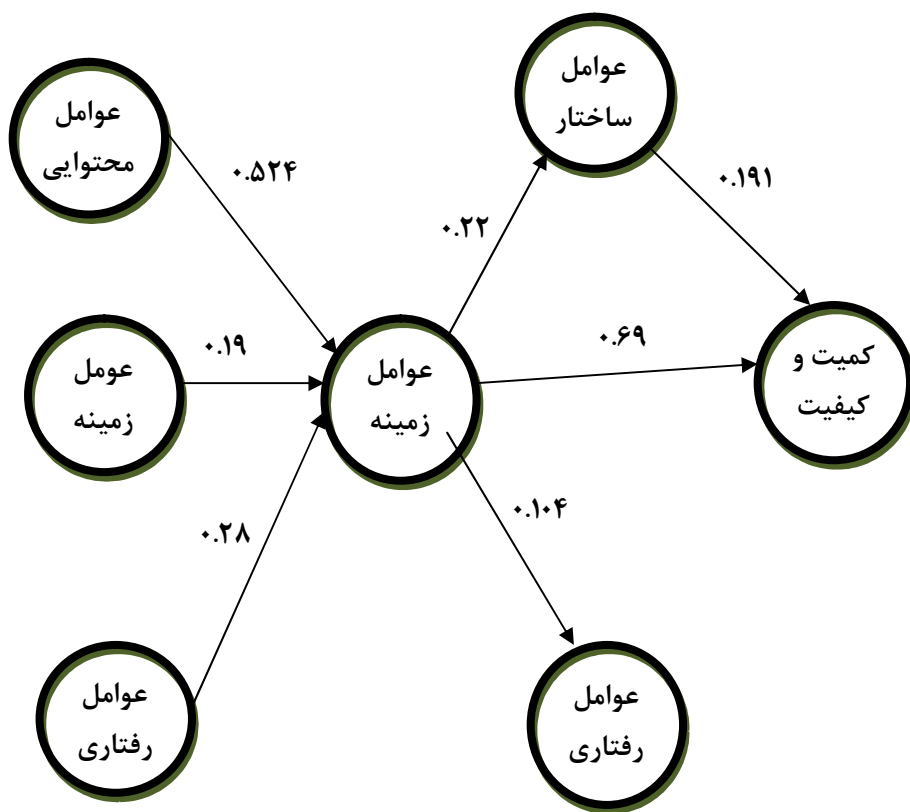
واگذاری می باشد. تسهیل در قوانین واگذاری و کاهش مراحل انجام مقدمات مربوط به آن ، کمک زیادی به تمایل بیشتر به برون سپاری امور در دستگاههای اجرایی دارد .

جدول ۹ - جدول مولفه ها و شاخص های پرسشنامه واگذاری امور تصدی گری (عوامل ساختاری)

مفهوم	مولفه ها	میانگین نظرات
عوامل ساختاری	میزان اختیارات بخش غیردولتی برای اجرای اثربخش قراردادهای واگذاری	۲.۸
	میزان پیچیدگی مراحل واگذاری	۳.۵
	میزان تناسب ساختار اداری با ارائه خدمات توسط بخش غیر دولتی	۲.۸
	میزان صحت و دقت ارزیابی واگذاری تصدی ها	۲.۷
	تعداد مراجع تصمیم گیری در فرایند واگذاری	۳
	میزان صحت و دقت نظام نظارت بر قراردادهای واگذاری تصدی ها	۲.۹
	میزان اختیارات مدیران برای آماده سازی برون سپاری و اداره دستگاه اجرایی پس از واگذاری	۲.۶
کل		۲.۸

آزمون تحلیل مسیر: تحلیل مسیر در حقیقت کاربرد رگرسیون چند متغیری در ارتباط با تدوین مدل های علی است و هدف آن به دست آوردن برآوردهای کمی بین مجموعه ای از متغیرهاست. الگوی روابط بین متغیرهای مستقل از این طریق مورد بررسی قرار میگیرد ، هر متغیر مستقل به عنوان مسیر متمایزی در نظر گرفته میشود . آزمون تحلیل مسیر ضمن اندازه گیری تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر یکدیگر ، بیان میکند که کدام مسیر مهمتر و با معنا تر است .

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان میدهد که میزان تأثیر عوامل مستقیم و غیر مستقیم زمینه ای بر میزان برون سپاری وظایف تصدی گری ۰.۷۴ ، مجموع اثرات مستقیم عوامل ساختاری ۰.۱۹ ، مجموع اثرات مستقیم عوامل رفتاری بر میزان برون سپاری وظایف تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین ۰.۰۹ ، است .



شکل ۱- آزمون تحلیل مسیر و ترسیم دیاگرام تجربی تحقیق

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که در فصل اول عنوان شد، هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی رابطه بین عوامل زمینه ای، ساختاری و محتوایی و میزان برون سپاری وظایف تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین می باشد که در راستای ارتقاء بهره وری و کاهش هزینه در دستگاههای اجرایی استان انجام میپذیرد. تحقیق حاضر در سال ۹۵-۱۳۹۴ به منظور بررسی رابطه شاخص های زمینه ای، ساختاری و رفتاری و برون سپاری وظایف تصدی گری به منظور ارتقا بهره وری و کاهش هزینه های ارائه خدمات در

دستگاههای اجرایی استان قزوین انجام گرفت. اطلاعات بدست آمده از تحقیق، طبقه بندی شده و به سازمان، مدیران و استفاده کنندگان ارائه می شود تا بتوان از آن در برنامه ریزی های آتی جهت ارتقاء کمیت و کیفیت واگذاری امور تصدی گری استفاده کرد و نیز اطلاعات ارائه شده می تواند راهگشای سایر تحقیقات باشد. در این راستا فرضیه های تحقیق مطرح شده و پس از انجام مطالعات و تنظیم ادبیات و تدوین مدل مفهومی پژوهش، به منظور تأیید یا رد فرضیات، پس از تعیین حجم نمونه، اطلاعات بوسیله پرسشنامه جمع آوری گردید و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از نرم افزارهای SPSS و Excel و آزمون های آماری ضریب همبستگی، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است.

یافته های تحقیق حاکی از آن است که با افزایش هر یک از متغیرهای عوامل سازمانی نظیر عوامل زمینه ای - عوامل ساختاری - عوامل رفتاری در دستگاههای اجرایی استان قزوین میزان واگذاری امور تصدی گری در دستگاههای اجرایی استان قزوین افزایش می یابد و همچنین بین عوامل سازمانی و میزان برون سپاری وظایف تصدی گری قزوین رابطه معنی داری وجود دارد.

برای دقت بیشتر در تحلیل نتایج بدست آمده و مقایسه با سایر تحقیقات مشابه، مقاله های متعددی در زمینه های برون سپاری آموزش، (قهرمانی محمد، ۱۳۸۶)، برون سپاری تصمیمات استراتژیک (محمدکریمی یوسف، ۱۳۹۱) و سایر برون سپاری ها مطالعه شده است لکن مقاله ای در زمینه برون سپاری امور تصدی گری دستگاههای اجرایی در استان قزوین در دسترس نبوده است.

پیشنهادهای اجرایی منتج از یافته های پژوهش:

- تقویت عوامل زمینه ای محیطی در سازمان ها
 - (۱) عدم تأثیر گذاری مناسبات سیاسی در انتخاب بخش غیر دولتی؛
 - (۲) ارتقاء توانایی علمی و تخصصی بخش غیر دولتی؛
 - (۳) ایجاد باور و اعتماد بخش غیر دولتی در استمرار کار و سودآور بودن آن.
- تقویت عوامل ساختاری در سازمان ها
 - (۱) اصلاح قوانین و مقررات در جهت تسهیل واگذاری امور تصدی گری؛
 - (۲) ایجاد ثبات و وحدت رویه در برنامه ها و سیاست های واگذاری امور تصدی گری؛
 - (۳) تبیین ساختار نظارتی مناسب در فرایند واگذاری و عملکرد بخش غیر دولتی.
- تقویت عوامل رفتاری - محتوایی در سازمان ها
 - (۱) تقویت باور مدیران به افزایش بهره وری و کاهش هزینه در واگذاری امور تصدی گری؛

- ۲) باور به حفظ امنیت شغلی در کارکنان پس از واگذاری امور تصدی گری ؛
- ۳) به وجود آوردن انگیزش برای مدیران و کارکنان در واگذاری امور تصدی گری .

پیشنهادهای پژوهشی ناشی از یافته های پژوهش:

- ۱) بررسی عوامل موثر بر برون سپاری وظایف تصدی گری از نگاه بخش غیر دولتی ؛
- ۲) شناسایی قوانین دست و پاگیر در واگذاری ها و ارائه راهکارهای اصلاحی ؛
- ۳) شناسایی عوامل انگیزشی برای مدیران و کارکنان در واگذاری امور تصدی گری.

مهمترین مشکلات و محدودیت های اجرای برون سپاری وظایف تصدی گری در دستگاه های اجرایی استان قزوین :

- ۱) وجود مناسبات و روابط سیاسی در انتخاب بخش غیر دولتی ؛
- ۲) اعتقاد کم مدیران دستگاههای اجرایی به واگذاری امور تصدص گری و کوچک کردن دستگاه ؛
- ۳) وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر و طی مراحل طولانی برای اجرای واگذاری در دستگاه اجرایی؛
- ۴) عدم اعتماد بخش غیر دولتی به استمرار سود آوری ؛
- ۵) عدم تأمین امنیت شغلی کارکنانی که وظایفشان در فرایند برون سپاری به بخش غیر دولتی واگذار می شود .

منابع

- احمدی، عباس ، بانسی عبدالله ، و محترم قلاتی رحیم (۱۳۹۰) . بررسی عوامل موثر بر برون سپاری فعالیتهای هتلها با استفاده از ویژگی دارایی خاص در تئوری هزینه تراکنش. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جهانگردی . ۷(۱۶)، ۹.
- امامی ، محمد و استوار سنگری کوروش(۱۳۹۰). حقوق/داری . چاپ چهاردهم ، تهران : نشر میزان.
- جیریایی شرهی ، حسین،نوری ایرج ، و کیوانپور، محسن (۱۳۸۹) . بررسی عوامل موثر بر برون سپاری IT (موردکای برق منطقه ای/استان مرکزی).
- چشمبراه ، محسن و مرتضوی، سیدمحسن (۱۳۸۹). مدیریت برون سپاری اثربخش. چاپ دوم . تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- زارعی ، محمد حسین (۱۳۸۶) . جزوه حقوق/داری . تهران : دانشگاه شهید بهشتی .
- طالبی، داود و کریمی، محمد (۱۳۸۹). برون سپاری ، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی .

- کاظمی ، حکیمه (دی ماه ۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر برون سپاری موفق (مطالعه موردی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان جنوبی). پایان نامه کارشناسی ارشد . گروه مدیریت MBAT . دانشگاه پیام نور.
- کریمی یوسف محمد ، بهرنگ گودرز و رسول دشت یونس (بهار ۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر تصمیمات استراتژیک برون سپاری . فصلنامه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج . (۱۹)۷ ، ۲۷-۲۸.
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۷۷). تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر وجدان کار و انضباط اجتماعی در سازمان. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. ص ۳۱۶-۳۱۷.
- Jasper, John (2004). "Four Keys to Successful Outsourcing ", Boston: Houghton Mifflin.
- Basler, Allan (April 2008). Developing Effective Citizen Engagement: A How-To Guide for Community Leaders in Pennsylvania State University retrieved from http://www.rural.palegislature.us/Effective_Citizen_Engagement.pdf
- Berg, Tom & Young, Allie (2001). The future of outsourcing, Gartner, Inc. Organization.
- Gilley, Matthew, & Greer, Charles. (2002). Human resource outsourcing and Organizational performance in manufacturing Firms, Oklahoma state university.
- W. Brinkerhoff, Derick & Azfar, Omar (2006). *Decentralization and Community Empowerment: Does community empowerment deepen democracy and improve service delivery?* retrieved from http://pdf.usaid.gov/pdf_docs/PNADH۳۲۰.pdf
- Meldon, Jeanne (2009). LOCAL GOVERNMENT, LOCAL DEVELOPMENT AND CITIZEN PARTICIPATION. retrieved from http://eprints.maynoothuniversity.ie/272/2/Paper_on_Local_Government_Draft.pdf
- Kern, T. (1997). The gestalt of an information technology outsourcing relationships: An explanatory analysis' in proceedings of the 18th International Conference on Information Systems retrieved from <https://dl.acm.org/purchase.cfm?id=353085&CFID=803267147&CFTOKEN=33399751>.

طراحی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین

هادی صادق دقیقی^۱، علی رحمانی^۲، دلارم حاجی سید ابوترابی^۳

چکیده

هم اکنون با وجود فراوانی منابع اطلاعاتی، تلاش های پژوهشگران و صرف منابع مالی قابل توجه، به علت نبود سیستم های نرم افزاری استاندارد و قدرتمند، آسیب هایی جریان تولید دانش کاربردی و مورد نیاز را با کندی روبرو ساخته است. عدم دسترسی سریع به تحقیقات انجام شده، عدم انطباق پژوهش ها با نیازها و اولویت های تحقیقاتی دستگاه های اجرایی استان، عدم نظارت و مدیریت موثر بر فعالیت های پژوهشی به منظور هدایت این پژوهش ها در راستای اهداف توسعه استان از جمله این آسیب ها محسوب می شوند. این سامانه با برخورداری از زیر ساخت توسعه دروپال (Drupal)، کاملاً تحت وب می باشد و دموی آن در آدرس اینترنتی <http://research.erqz-mporg.ir> قابل مشاهده است. سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین به منظور تحقق این اهداف طراحی شده است: (۱) دسترسی سریع به اطلاعات تحقیقاتی استان (نیازهای پژوهشی، تحقیقات اولویت دار، در حال اجرا و خاتمه یافته و پژوهشگران)؛ (۲) هدایت فعالیت های پژوهشی در استان به منظور پیش گیری از موازی کاری و انجام پژوهش های تکراری غیر قابل توجه؛ (۳) مدیریت فعالیت های پژوهشی استان و ساماندهی آنها در راستای نیازها و اولویت های استان؛ (۴) اولویت بندی طرح های پژوهشی پیشنهادی دستگاه های اجرایی استان؛ (۵) ایجاد شبکه ای پویا به منظور تسهیل ارتباط دستگاه های اجرایی با محققان مراکز علمی و تحقیقاتی. در این نوشتار، ضمن معرفی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان، قابلیت های این سامانه تشریح می گردد.

واژه های کلیدی: سامانه، مدیریت پژوهشی، نرم افزارهای کاربردی، فناوری اطلاعات.

۱- مسئول طرح: کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۳- کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، رئیس گروه فناوری اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

پژوهش در هر موضوع، به هر گونه و در هر سطحی که انجام شود، تلاشی منسجم و نظام‌مند در راستای رشد دانش است. نوع و سطح فعالیت‌های پژوهشی یکی از شاخص‌های اصلی پیشرفت و توسعه پایدار محسوب می‌شوند. موفقیت در تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه صنایع، کشاورزی، خدمات و... به گونه‌ای به گسترش فعالیت‌های پژوهشی بستگی دارد. موفقیت و توسعه پژوهش در هر جامعه نیازمند گسترش رویکرد پژوهشی در آن جامعه است. منظور از رویکرد پژوهشی نگاهی مبتنی بر پژوهش نسبت به موضوع‌های گوناگون است. در این نوع نگاه پیش از هر تصمیم مهم به یافته‌های پژوهش‌های قبلی که به موضوع تصمیم‌گیری ارتباط دارد، توجه می‌شود. از اینرو پژوهشگر با نگاهی نقادانه و موشکافانه به پیرامون خود می‌نگرند و برای رفع مشکلات جامعه و ارائه بهترین راهکارهای عملی، اطلاعات موثقی در اختیار تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان می‌گذارند. رویکرد پژوهشی به قشر یا گروه خاصی محدود نیست و زمانی سرچشمه اثر خواهد بود که در سطوح و امور گوناگون جامعه تسری یافته باشد. هم‌اکنون با وجود فراوانی منابع اطلاعاتی، مطالعات بسیار، تولید دانش، تلاش‌های پژوهشگران و اختصاص منابع، به علت نبود سیستم‌های نرم‌افزاری استاندارد و قدرتمند، دچار آسیب‌هایی هستیم که حرکت تولید دانش کاربردی و مورد نیاز را با کندی روبرو می‌سازد؛ صرف زمان بسیار برای اجرای پروژه‌های پژوهشی، عدم دسترسی سریع به تحقیقات انجام شده، تکرار غیر قابل توجیه پژوهش‌ها، ضعف کیفیت تحقیقات، عدم انطباق پژوهش‌ها با نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی، عدم نظارت و مدیریت موثر بر فعالیت‌های پژوهشی و هدایت این پژوهش‌ها در راستای اهداف توسعه استان‌ها؛ از جمله این آسیب‌ها محسوب می‌شوند. از اینرو، به منظور ارتقای سطح کیفی و کمی پژوهش‌ها و تغییر بنیادی ساختار مدیریت پژوهشی استان، طراحی و اجرای سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان ضروری به نظر می‌رسد.

مزایای برخورداری از سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی^۱

این سامانه از طریق ساماندهی، انسجام، جمع‌آوری و یکپارچه‌سازی اطلاعات پژوهشی دستگاه‌های اجرایی، امکان گزارش‌گیری و ارزیابی عملکرد پژوهشی دستگاه‌های را فراهم می‌سازد. مهمترین مزیت‌های این سامانه به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- سرعت بالای دسترسی به اطلاعات تحقیقاتی استان (نیازهای پژوهشی، تحقیقات در حال اجرا و خاتمه یافته، پایان نامه ها ، پژوهشگران)؛
- ۲- هدایت فعالیت های پژوهشی در استان به منظور پیش گیری از موازی کاری و انجام پژوهش های تکراری غیر قابل توجیه؛
- ۳- مدیریت فعالیت های پژوهشی استان و ساماندهی آنها در راستای نیازها و اولویت های استان؛
- ۴- ارائه گزارش های نظارتی در خصوص فعالیت های پژوهشی استان؛
- ۵- اولویت بندی طرح های پژوهشی پیشنهادی دستگاه های اجرایی استان؛
- ۶- تسهیل ارزیابی عملکرد پژوهشی دستگاه های اجرایی استان؛
- ۷- ایجاد یک شبکه همکاری و محیط اشتراک و برقراری ارتباط میان عوامل مختلف جهت انتقال و مبادله دانش و اطلاعات؛
- ۸- صرفه جویی در زمان و هزینه دسترسی به منابع اطلاعاتی از طریق بکارگیری ابزار فناوری اطلاعات؛
- ۹- اطلاع رسانی و پاسخگویی به موقع و سریع به پژوهشگران و محققین؛
- ۱۰- ایجاد پایگاه اطلاعات متمرکز و تخصصی در حیطه پژوهش؛
- ۱۱- جلوگیری از طرح های پژوهشی تکراری در سطح استان؛
- ۱۲- هدایت طرح های پژوهشی استان بر اساس نیاز های پژوهشی استان.

ضرورت برخورداری از سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی در سطح استان

- ۱- دشواری در مدیریت پژوهش های فراوان انجام شده در سطح استان و کندی در حرکت تولید دانش کاربردی بدون سامانه نرم افزاری؛
- ۲- صرف زمان بسیار برای اولویت بندی پروژه های پژوهشی بدون سامانه؛
- ۳- عدم دسترسی سریع به تحقیقات انجام شده بدون استفاده از سامانه؛
- ۴- عدم تشخیص در انجام طرح های پژوهشی تکراری در سطح استان؛

۵- عدم انطباق پژوهش ها با نیاز ها و اولویت های تحقیقاتی استان؛

۶- عدم نظارت و مدیریت موثر بر فعالیت های پژوهشی و هدایت این پژوهش ها در راستای اهداف توسعه استان؛

۷- ساماندهی، انسجام ، تجمیع و یکپارچه سازی اطلاعات پژوهشی دستگاه های اجرایی و امکان گزارش گیری و ارزیابی عملکرد پژوهشی آنها .

جنبه های منحصر بفرد سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین

۱- اولویت بندی خودکار و دینامیک نیازهای اعلام شده دستگاه های اجرایی با توجه به:

الف- میزان کاربردی بودن نیاز پژوهشی؛

ب- میزان انطباق با اولویت های نقشه جامع علمی کشور ؛

ج- میزان انطباق با اولویت های توسعه استان .

۲- هدایت طرح های پژوهشی (معرفی پژوهشگر پیشنهادی جهت انجام طرح تحقیقاتی به صورت خودکار) .

شکل ۱- نمای صفحه اصلی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین



زیرساخت مورد استفاده در سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین

سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین، براساس چارچوب و زیر ساخت دروپال^۱ و محیط تحت وب تهیه گردیده است. دروپال یک فریم ورک کاملاً ماژولار و متن باز با محیط توسعه به زبان PHP با بهره گیری از محیط jQuery و Ajax می باشد. جهت نگهداری اطلاعات از بانک اطلاعاتی MySQL استفاده گردیده است و نیازی به هیچگونه لایسنس نرم افزار ندارد. دروپال از محاسن زیر برخوردار است:

- توازن انعطاف پذیری و سادگی در طراحی نرم افزار است. اگر یک سیستم خیلی ساده باشد، فقط میتوانند برای یک هدف مورد استفاده قرار گیرد. اما اگر خیلی انعطاف پذیر شود، ممکن است کاربران جدید در یادگیری مشکل داشته باشند؛
- دروپال را میتوان هم به عنوان سیستم مدیریت محتوا (CMS) و هم فریمورک مدیریت محتوا (CMF) شناخت پس دروپال یک سیستم است که تلاش میکند قدرت هر دو را بدون هیچگونه کمبودی داشته باشد؛
- بیشتر CMSها شبیه یک کامیون یا قایق اسباب بازی میباشند. مفروضات خاصی را برای استفاده خودشان ساخته اند، مفروضاتی که ممکن است تغییر دادن آنها برای شما سخت شود؛
- دروپال شبیه یک بسته لگو است. توسعه دهندگان ماهر پیش از این بلاک های ساختمان را به شکل ماژول ساخته اند که شما به آنها برای ایجاد یک وب سایت مناسب نیاز دارید، چه یک وب سایت خبری باشد، یک فروشگاه آنلاین باشد، یک شبکه اجتماعی باشد، بلاگ باشد، یا خیلی چیزهای دیگر؛
- مقیاس پذیری: مقیاس پذیری دروپال به معنی این است که آن میتواند بزرگترین سایتها با بیشترین ترافیک در جهان را مدیریت کند؛
- امنیت: جامعه دروپال چشمها و گوشهای غیر قابل شمارشی را برای کمک به امن نگهداشتن سایتهای دروپالی فراهم میکند؛
- نوشتن محتوای آسان به همراه جریان کاری متنوع؛

- محتوا در همه جا: محتوا میتواند در هر جایی، هر کانالی و در هر قالبی نمایش داده شود؛
- واکنش گرایی در همه جا: دروپال علاوه بر داشتن بهترین شیوه طراحی واکنش گرا باعث ارائه آسان محتوا در دستگاه های مختلف میشود و به کاربران تجربه محتوای یکپارچه را ارائه میدهد؛
- یکپارچگی: یکپارچه کردن دروپال با تکنولوژی های دیگر تجربه های جذاب و متنوعی ایجاد میکند که چند تکنولوژی وب با هم کار میکنند، مانند یک اتوماسیون فروشگاهی، XPM و چیزهای دیگر؛
- چند سایتی و چندزبانی از دیگر ویژگی های مهم دروپال محسوب می گردد.

بانک های اطلاعاتی سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین

ساختار سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان از هشت بانک اطلاعاتی اصلی با قابلیت پردازش اطلاعات مورد نیاز و ارائه گزارش های و دیاگرام های لازم، به شرح ذیل تشکیل می شود:

- ۱- بانک اطلاعاتی نیازهای پژوهشی استان؛
- ۲- بانک اطلاعاتی طرح های پژوهشی در حال اجرا؛
- ۳- بانک اطلاعاتی طرح های پژوهشی خاتمه یافته؛
- ۴- بانک اطلاعاتی اولویت های پژوهشی استان؛
- ۵- بانک اطلاعاتی پایان نامه های تحصیلات تکمیلی دانشگاه های استان؛
- ۶- بانک اطلاعاتی پژوهشگران استان؛
- ۷- بانک اطلاعاتی مراکز علمی و تحقیقاتی استان؛
- ۸- بانک اطلاعاتی پژوهشگران استان.

۱- بانک اطلاعاتی نیازهای پژوهشی

در این بانک اطلاعاتی، مشخصات نیاز پژوهشی به شرح ذیل توسط کاربر دستگاه اجرایی در سامانه درج می گردد:

- عنوان نیاز پژوهشی؛

- تشریح ضرورت و اهمیت نیاز پژوهشی در باکس مربوطه؛
- عناوین دستگاه های بهره بردار از نتایج اجرای طرح پژوهشی پیشنهادی بجز دستگاه پیشنهاد دهنده؛
- نوع پژوهش (بنیادی ، کاربردی ، توسعه فناوری)؛
- عنوان دستگاه اجرایی متقاضی طرح پژوهشی؛
- مدت زمان تخمینی مورد نیاز برای اجرای طرح پژوهشی به ماه ؛
- هزینه پیش بینی شده برای اجرای طرح (میلیون ریال)؛
- وضعیت ارتباط نیاز پژوهشی با اسناد بالادستی پژوهشی (عناوین اولویت های تحقیقاتی نقشه جامع علمی کشور ؛ عناوین اولویت های توسعه استان منتج از سند آمایش استان؛ نوع طرح).

شکل ۲- صفحه مربوط به نیازهای پژوهشی

The screenshot shows a web interface for 'نیازهای پژوهشی' (Research Needs). The top navigation bar includes links like 'مدیریت', 'نامشخصی و', 'روستایی', 'اقتصادی', 'فرهنگی و اجتماعی', 'محیط زیست', 'کشاورزی', 'صنعت و معدن', 'توری', 'فناوری ارتباطات و', 'تلفات', 'حمل و نقل', 'پژوهش', and 'آب'. The main content area has a form with the following fields: 'سال ایجاد نیاز پژوهشی', 'نوع پژوهش', 'موضوع پژوهش', and 'دستگاه اجرایی متقاضی'. Below the form, there is a table with the following data:

سال ایجاد نیاز پژوهشی	نوع پژوهش	موضوع پژوهش	دستگاه اجرایی متقاضی
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۳۰۰ میلیون ریال
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۲۳۵ میلیون ریال
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۲۲۵ میلیون ریال
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۲۰۰ میلیون ریال
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۱۷۵ میلیون ریال
۱۳۹۵	توسعه فناوری	توسعه فناوری	دستگاه اجرایی متقاضی: هزینه پیش بینی شده: ۳۰۰ میلیون ریال

The 'آخرین مطالب' (Latest News) section includes links like 'نامشخصی و', 'توسعه فناوری', 'اقتصادی', 'فرهنگی و اجتماعی', 'محیط زیست', 'کشاورزی', 'صنعت و معدن', 'توری', 'فناوری ارتباطات و', 'تلفات', 'حمل و نقل', 'پژوهش', and 'آب'. The 'آخرین اخبار' (Latest News) section includes links like 'نامشخصی و', 'توسعه فناوری', 'اقتصادی', 'فرهنگی و اجتماعی', 'محیط زیست', 'کشاورزی', 'صنعت و معدن', 'توری', 'فناوری ارتباطات و', 'تلفات', 'حمل و نقل', 'پژوهش', and 'آب'.

۲- بانک اطلاعاتی طرح های پژوهشی در حال اجرا

در این بانک اطلاعاتی، مشخصات طرح پژوهشی در حال اجرا به شرح ذیل، توسط کاربر دستگاه اجرایی در سامانه درج می گردد:

- عنوان طرح پژوهشی؛

- تشریح ضرورت و اهمیت اجرای طرح پژوهشی در باکس مربوطه؛
 - عناوین دستگاه های بهره بردار از نتایج طرح پژوهشی بجز دستگاه پیشنهاد دهنده طرح؛
 - نوع پژوهش (بنیادی ، کاربردی ، توسعه فناوری)؛
 - عنوان دستگاه اجرایی متقاضی طرح پژوهشی؛
 - عنوان مجری طرح پژوهشی؛
 - عنوان ناظر طرح پژوهشی؛
 - مدت زمان تخمینی مورد نیاز برای اجرای طرح پژوهشی به ماه؛
 - تاریخ شروع اجرا و پایان طرح پژوهشی؛
 - هزینه پیش بینی شده برای اجرای طرح (میلیون ریال)؛
 - وضعیت ارتباط طرح پژوهشی با اسناد بالادستی پژوهشی.
- شکل ۳- صفحه مربوط طرح های پژوهشی در حال اجرا

The screenshot displays the 'سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین' (Qazvin Research Information Management System) web interface. The page features a search bar at the top, a navigation menu with icons for various functions, and a main content area titled 'طرح های در حال اجرا' (Ongoing Projects). The main area contains a table with columns for project details and a sidebar on the right with a list of project categories and a search filter.

۳- بانک اطلاعاتی طرح های پژوهشی خاتمه یافته

در این بانک اطلاعاتی ، مشخصات و وضعیت طرح های پژوهشی خاتمه یافته به شرح ذیل، در سامانه درج می گردد:

- عنوان طرح پژوهشی؛
 - درج چکیده طرح پژوهشی خاتمه یافته در باکس مربوطه؛
 - عناوین دستگاه های بهره بردار از نتایج طرح پژوهشی بجز دستگاه پیشنهاد دهنده طرح؛
 - نوع پژوهش (بنیادی ، کاربردی ، توسعه فناوری)؛
 - عنوان دستگاه اجرایی متقاضی طرح پژوهشی؛
 - عنوان مجری و ناظر طرح پژوهشی؛
 - مدت زمان اجرای طرح پژوهشی به ماه و سال پایان اجرای طرح پژوهشی؛
 - هزینه اجرای طرح (میلیون ریال)؛
 - محل نگهداری گزارش کامل طرح پژوهشی؛
 - وضعیت ارتباط طرح پژوهشی با اسناد بالادستی پژوهشی .
- شکل ۴- صفحه مربوط طرح های پژوهشی خاتمه یافته

۴- بانک اطلاعاتی مربوط به پایان نامه های تحصیلات تکمیلی دانشگاه ها

در این بانک اطلاعاتی، مشخصات پایان نامه ها به شرح ذیل توسط کاربر دانشگاه در سامانه درج می گردد:

- عنوان پایان نامه؛
- نوع پژوهش (بنیادی ، کاربردی ، توسعه فناوری)؛

- نام و نام خانوادگی دانشجو؛
- رشته تحصیلی؛
- مقطع تحصیلی؛
- عنوان دانشگاه؛
- سال دفاع از پایان نامه؛
- درج چکیده پایان نامه در بکس مربوطه؛

شکل ۵- صفحه مربوط پایان نامه های تحصیلات تکمیلی



۵- بانک اطلاعاتی پژوهشگران

در این بانک اطلاعاتی، مشخصات محققان استان به شرح ذیل در سامانه درج می گردد:

- ۱- نام و نام خانوادگی محقق؛
- ۲- مدرک تحصیلی محقق؛
- ۳- رشته تحصیلی محقق؛
- ۴- محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی (عنوان دانشگاه)؛
- ۵- محل کار محقق؛
- ۶- شماره تلفن ثابت؛

۷- شماره تلفن همراه ؛

۸- تعداد طرح های پژوهشی که محقق شخصا (نه بصورت همکار یا استاد راهنما یا مشاور) انجام داده است؛

۹- علائق پژوهشی محقق در باکس مربوطه درج گردد.

شکل ۶- صفحه مربوط اطلاعات پژوهشگران

۶- بانک اطلاعاتی اولویت های پژوهشی

معرفی آنلاین اولویت های پژوهشی استان با توجه به نیازهای پژوهشی اعلام شده دستگاه های اجرایی استان بر پایه محاسبه امتیاز نوع طرح (بنیادی، کاربردی، توسعه فناوری) + امتیاز انطباق با اولویت های نقشه جامع علمی کشور + امتیاز انطباق با اولویت های توسعه استان منتج از سند آمایش و برنامه پنجم توسعه استان.

۷- بانک اطلاعاتی مراکز علمی و تحقیقاتی

در این بانک اطلاعاتی، مشخصات مراکز علمی و تحقیقاتی استان و ویژگی های ممتاز آنها ذکر شده است.

شکل ۷- صفحه مربوط مراکز علمی و تحقیقاتی استان



خلاصه فرایند تعریف و پیگیری طرح های پژوهشی در سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان

- پژوهش ها در سامانه براساس جریان کار از پیش تعریف شده اضافه می گردند؛
- پس از ثبت نیاز پژوهشی، پژوهشگرانی که توانایی کار بر روی این پژوهش را دارند به صورت خودکار به دستگاه اجرایی معرفی می گردند؛
- کاربری که پژوهش را به سامانه اضافه کرده میتواند برای پژوهش یادداشت، هزینه ها و فایل ها را در طول انجام پژوهش اضافه نماید؛
- امتیاز پژوهش براساس انتخاب هایی که برای نوع پژوهش، زمینه علمی پژوهش و اولویت پژوهشی بر اساس میزان انطباق با نقشه جامع علمی کشور و میزان انطباق با اولویت های توسعه استان انجام شده محاسبه میگردد و این امتیاز برای مدیران سامانه قابل مشاهده می باشد؛

- در هر مرحله مدیر پژوهش نظر کارشناسی خود را به طرح می‌دهد و این نظر برای مدیران و کاربری که طرح را به سامانه اضافه کرده قابل مشاهده است.

جدول ۱- شیوه امتیاز دهی طرح های پژوهشی دستگاه های اجرایی به منظور اولویت بندی آنها بر اساس امتیاز مکتسبه

نوع تحقیق (۳۰ امتیاز)		انطباق با نقشه جامع علمی کشور (۲۰ امتیاز)		انطباق با اولویت های توسعه استان (۵۰ امتیاز)	
شاخص	امتیاز	شاخص	امتیاز	شاخص	امتیاز
تحقیق کاربردی	۳۰	اولویت های (الف) در فناوری	۲۰	شماره ۱ (الف)	۵۰
تحقیق توسعه فناوری	۲۵	اولویت های (الف) در علوم پایه و کاربردی	۲۰	شماره ۲ (ب)	۴۰
تحقیق بنیادی	۵	اولویت های (الف) در علوم انسانی و معارف اسلامی	۲۰	شماره ۳ (ج)	۳۰
سایر	۰	اولویت های (الف) در سلامت	۲۰	شماره ۴ (د)	۲۰
		اولویت های (الف) در هنر	۲۰	سایر	۰
		اولویتهای (ب) در فناوری	۱۵		
		اولویت های (ب) در علوم پایه و کاربردی	۱۵		
		اولویت های (ب) در علوم انسانی و معارف اسلامی	۱۵		
		اولویت های (ب) در سلامت	۱۵		
		اولویت های (ب) در هنر	۱۵		
		اولویت های (ج) در فناوری	۱۰		
		اولویت های (ج) در علوم پایه و کاربردی	۱۰		
		اولویت های (ج) در سلامت	۱۰		
		سایر	۰		
۳۰		۲۰		۵۰	

مثال: بررسی راهکارهای حفظ و ارتقاء توان اکولوژیک استان قزوین / جمع امتیاز: ۸۰

شکل ۸- صفحه مربوط به مدیریت سامانه

صفحه مدیریت سامانه



شکل ۹- صفحه مربوط گزارش گیری از سامانه

صفحه گزارشات نیازهای پژوهشی



شکل ۱۰- یک نمونه دیاگرام گزارش نیازهای پژوهشی



قابلیت های سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان قزوین

به منظور تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی استان این سامانه از قابلیت های ذیل برخوردار می باشد:

- ۱- دسترسی به سامانه بصورت تحت وب (Full Web Based)؛
- ۲- مدیریت کاربران و امکان تعیین سطوح دسترسی به کاربران مختلف؛
- ۳- امکان آپلود و دانلود فایل های مختلف با فرمت های موردنیاز (docx, xlsx, pdf)؛
- ۴- امکان تولید گزارش های مختلف بر اساس بانک های اطلاعاتی موجود؛
- ۵- امکان ترسیم دیاگرام های مختلف؛
- ۶- برنامه کاربردی با سرعت بالا و گرافیک عالی؛
- ۷- برخورداری از سیستم پردازش نیرومند جهت تحلیل داده ها؛
- ۸- محاسبه خودکار امتیاز اولویت های پژوهشی برحسب انطباق با اسناد فرادستی (نقشه جامع علمی کشور ، اولویت های توسعه استان) و نوع طرح پژوهشی (بنیادی، کاربردی و توسعه فناوری)؛
- ۹- امکان جستجو در بانک های اطلاعاتی سامانه.

منابع

- جعفری نژاد قمی ، عین اله (۱۳۹۰). اصول طراحی و برنامه نویسی تحت وب ، تهران ، انتشارات علوم رایانه .
- مصدري محمد (۱۳۹۲). مرجع کامل زبان برنامه نویسی PHP ، تهران، انتشارات ناقوس.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۰). نیازسنجی پژوهشی (مساله یابی پژوهشی و اولویت بندی طرح های تحقیقاتی) ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی، تهران ، انتشاران آییژ.
- فتحی واجارگاه ، کورش (۱۳۹۰). مقدمه ای بر مدیریت پژوهش (ویژه مدیران و کارشناسان پژوهشی در سازمانها) ، تهران ، انتشارات آییژ.
- دفتر برنامه ریزی و بودجه استانداری قزوین(۱۳۹۲). برنامه پنجم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی استان قزوین، قزوین ، انتشارات نشر مکعب علم .
- Butcher, M.; Garfield, L.; Wilkins, J. A. ; Farina, M.; Rickard, K. and Dunlap, G.(2012). Drupal v Module Development, Packt Publishing.
- <https://www.drupal.org>
- Johnson, A.(2013). Improving Your Research Management: A Guide for Senior University Research Managers, Elsevier Publishing.

عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی در دستگاههای اجرایی بخش تولیدی استان قزوین

افسر مهدیخانی^۱، هادی صادق دقیقی^۲

چکیده

از جمله ابزارهای مهم دستیابی به بهره وری و بهبود کیفی کار، یادگیری سازمانی است. هدف از اجرای پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی در دستگاههای اجرایی بخش امور تولیدی استان قزوین می باشد. مولفه های یادگیری سازمانی در این پژوهش چشم انداز مشترک، فرهنگ سازمانی، کارویادگیری گروهی، تفکر سیستمی و تسلط فردی می باشند. این پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی بوده و برای جمع آوری داده ها از روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه یادگیری سازمانی نیف استفاده گردیده است. پس از تعیین حجم نمونه براساس فرمول کوکران در جامعه آماری موردنظر، پرسشنامه طراحی شده و استاندارد با ۴۵ سؤال برای پیمایش میزان یادگیری سازمانی، اجرای ۵ گانه آن و عوامل مؤثر بر میزان یادگیری سازمانی تنظیم گردید. برای سنجش روایی پرسشنامه، دو روش اعتبار محتوایی و اعتبار صوری بکار گرفته شد. برای سنجش اعتبار محتوایی از ضریب لاوشه و برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. با توجه به حجم نمونه تعیین شده و پیش بینی و در نظر گرفتن عدم تکمیل پرسشنامه توسط برخی از کارکنان، پرسشنامه بین جامعه نمونه توزیع گردید. در مجموع ۴۰۳ پرسشنامه از پاسخگویان در ۹ دستگاه اجرایی جمع آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی و نرم افزار SPSS استفاده گردید. با محاسبه ضریب همبستگی یادگیری سازمانی و اجرای ۵ گانه آن مشاهده می شود که بین یادگیری سازمانی و همه اجزای ذیل آن همبستگی بالا و معناداری وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی مربوط به فرهنگ سازمانی با یادگیری سازمانی می باشد. فرهنگ سازمانی، چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی ضرایب همبستگی بالا و معناداری با یکدیگر دارند. رابطه مهارتهای فردی با سایر اجزا یادگیری سازمانی ضعیف تر از سایر روابط است.

واژه های کلیدی: یادگیری سازمانی، سازمانهای یادگیرنده، دستگاههای اجرایی بخش تولیدی.

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، رئیس گروه آموزش و توانمندسازی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

۲- کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین.

مقدمه

جهان در حال تغییر و تحول است. تغییرات پرشتاب و فزاینده دنیای امروز سازمانها و جوامع را برآن داشته است که برای حفظ بقا و پایداری خود متناسب با تغییرات جهان، تغییر کنند. در این عرصه تغییر و تحول و رقابت، قطعاً سازمانهایی خواهند ماند که توان تغییر را داشته باشند در غیر اینصورت ضعیف می شوند یا از بین می روند سازمانها نیز هرچقدر بزرگ و پیچیده باشند تا زمانی که دارای ساختار سنتی والگویی از پیش تعیین شده و ثابت به گونه ای که همسو با تغییرات جهانی، تغییر نکنند و یا انعطاف لازم در این زمینه را نداشته باشند محکوم به فنا خواهند شد.

سازمانها برای ادامه حیات خود، ناچارند تغییر ساختار دهند یا خود را به ابزارهایی مجهز کنند تا توان مقابله با تغییرات جهانی را به دست آورند. یکی از مهمترین این ابزارها، ایجاد سازمان یادگیرنده و نهادینه کردن یادگیری سازمانی است (خلقتی، حیاتی ۱۳۸۹). با نگاهی به وضعیت گذشته و اخیر سازمانها، در می یابیم که بسیاری از سازمانها دچار تغییرات شگرف شده اند. تبدیل به یک موجود زنده و هوشمند. این سازمانها دریافته اند که برای آنکه سرنوشت دایناسورها را در تاریخ طبیعت هستی پیدا نکنند باید از داشتن الگویی سنتی و ثابت پرهیز کنند. این سازمانها، محیط پیرامونی را با تمام واقعیات و حقایق و محیط درونی را با تمام نقاط قوت و نقاط ضعف در نظر گرفتند و متناسب با تغییرات رو به رشد دنیای امروزی، هدفگذاری و سیاستگذاری نمودند. سازمان زنده و هوشمند، سازمانهای پویا و متحرک و دارای الگوهای سازگار شونده و منعطف هستند.

در عصر حاضر، مجازی شدن و الکترونیکی شدن فعالیتها و کارها از روند افزایشی چشمگیری برخوردار است. به تبع آن، سرعت کارها و رقابت نیز افزایش یافته است. لذا عصر حاضر، عصر رقابت نیز هست. بدیهی است سازمانهایی پایدار خواهند ماند که دارای مزیت رقابتی در محصول تولید شده خود باشند. این محصول می تواند کالا و یا خدمات باشد.

مزیت رقابتی در خدمات شامل نحوه ارائه خدمات به مشتریان، زمان ارائه خدمات، مدت زمان دریافت خدمات توسط مشتریان، کیفیت خدمات ارائه شده و میزان پاسخگویی به نیاز مشتریان، چگونگی پشتیبانی خدمات ارائه شده و می باشد که هریک از این جوانب می تواند یک مزیت رقابتی برای سازمانها باشد. چگونه سازمانها به مزیت رقابتی دست پیدا کنند؟ چگونه می توانند در دنیای رقابتی کنونی به حیات خود ادامه دهند؟ با یادگیری سازمانی. بعبارتی دیگر، "سازمانهایی موفق تر

هستند که زودتر، سریع‌تر و بهتر از رقبا یادگیرند. در دهه های اخیر یادگیری سازمانی برای سازمانها و مدیران تحول گرا از اهمیت بسیاری برخوردار شده است .

با نگاهی به دنیای گذشته و مقایسه عصر حاضر با آن در می یابیم که در گذشته محیط پیرامونی سازمانها ثابت و روند تغییرات کند بود و مدیران و مسئولین سازمانها بدون دغدغه و چالش خاصی وقایع آینده و روند تغییرات احتمالی را پیش بینی و براساس آن برنامه ریزی و مدیریت می کردند . اما در دهه های اخیر با تحولات بسیاری که در عرصه های اقتصادی ، تکنولوژی ، علم و فن آوری و به وجود آمده است و روند تغییرات و تحولات نیز قابل توجه می باشد ، بدیهی است سازمانهایی می توانند به حیات خود ادامه دهند که بتوانند دانش خود را متناسب با این تغییرات و پیشرفتهای بروز کنند . سازمانهایی که یادگیری را در سازمان خود نهادینه کرده و بخشی از فرآیند کاری خود در تمامی سطوح و رده های سازمانی تعریف کرده اند . دراین سازمانها ضمن اهمیت بر مقوله آموزش ، رفتارها و فعالیتهای توأم با یادگیری است . دراین سازمانها، یادگیری به طورمستمر وجود دارد . سازمانهایی که از تمامی روشها ، تجربیات خود و سایر سازمانها، دانش و امکانات برای تحقق یادگیری استفاده نموده و برای ایجاد تغییر و بهبود مستمر تلاش می کنند . در این سازمانها ، فرصتهای لازم برای اعمال مسئولیت ، کسب تجربه و ریسک پذیری وجود دارد . این سازمانها متحول ، پویا و مطلوب هستند .

همانگونه که بیان شد ، دنیای امروز، دنیای رقابت است . دنیای مشتری مداری است . سازمانها ناچارند برای پایداری، بهره وری خود را افزایش دهند . در بهره وری ، بدست آوردن سود (دستیابی به اهداف) با بهره گیری و استفاده بهینه ازتوان ، استعداد و مهارت نیروی انسانی ، امکانات مادی ، زمان و ... مطرح است . در بهره وری خلاقیت و نوآوری نقش مهمی دارد . یکی از ابزارهای مهم دستیابی به بهره وری و بهبود کیفی کار یادگیری سازمانی است . یادگیری سازمانی موجب خلاقیت و نوآوری در سازمان می گردد . با یادگیری ، هزینه های سنگین ندانستن یا دوباره کاری و عدم کارآیی و به هدردادن منابع و مهارتها وجود نخواهد داشت . اعتماد به نفس کارکنان و درنهایت کارآیی و بهره وری در سازمان افزایش خواهد یافت .

امروزه رهبران سازمانی دریافته اند که به « یادگیری» به عنوان پدیده‌ای ارزشمند بنگرند و برای موفقیت در ایجاد آینده‌ای بهتر سازمانی را پرورش دهند که بخوبی و به طور اثربخش و پایدار در پی فراگیری باشدو برای حفظ بقای خود با دگرگونیها هماهنگ شود (کرامتی ۱۳۸۳) ، بخش دولتی و یابعبارتی دیگر سازمانهای دولتی نیز از مقوله یادگیری سازمانی و اهمیت آن مستثنی نیستند . در بخش دولتی ، مشتری مداری یکی از محورهای اصلی کلیه فعالیتهای دستگاههای اجرایی است . در اسناد

بالادستی و برخی از بخشنامه ها و مصوبات صادره از سوی دولت ، بر استفاده از فرآیندهایی که منجر به بهبود و ارتقاء ارائه خدمات به مردم می گردد تاکید شده است .

در برخی از بندهای سیاستهای بیست و شش گانه کلی نظام اداری ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری به صراحت به افزایش اثربخشی، سرعت و کیفیت خدمات در نظام اداری و بکارگیری اصول مدیریت دانش تاکید شده است . مضاف بر اینکه در سایر بندها نیز به طور غیرمستقیم در این خصوص صحنه گذاری شده است .

با مروری بر وظایف کلیدی و اساسی دستگاههای اجرایی بخش امور تولیدی در می یابیم که این دستگاهها نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه پایدار استان در بخش های مختلف دارند . چنانچه دستگاههای اجرایی این بخش وظایف و ماموریتهای خود را به نحو مطلوب انجام دهند تاثیر به سزایی در وضعیت و توان آینده اقتصادی و ساماندهی معیشت استان داشته باشد . این دستگاهها در سطح استان می توانند زمینه های دستیابی به امنیت ، عدالت ، رفاه و استقلال را فراهم نمایند .

بی شک ، اجرایی و عملیاتی شدن این وظایف و ماموریتهای خطیر نیازمند توانمندی و قابلیتهای بالقوه و بالفعل سازمانهای مربوطه می باشد . سیاستگذاری ، برنامه ریزی ، ساماندهی ، کنترل و نظارت در سطح استان در بخش های مختلف امور تولیدی نیازمند نیروهای انسانی خلاق، توانمند ، آگاه و دانا ، کارآ ، علاقمند و بانگیزه می باشد . چنانچه سازمانهای بخش امور تولیدی ، یادگیری سازمانی را در سرلوحه فعالیتهای خود قراردهند در بلند مدت تبدیل به سازمانهای بهره ور و باکیفیت خواهند شد که می توانند ماموریتهای محوله را به نحو احسن انجام دهند که در نهایت موجب توسعه پایدار استان خواهند شد.

سوالات اصلی و فرعی این تحقیق این است که یادگیری سازمانی و مولفه های پنج گانه آن (چشم انداز مشترک ، فرهنگ سازمانی ، کارویادگیری گروهی ، تفکر سیستمی و تسلط فردی) تا چه اندازه در دستگاههای اجرایی بخش امور تولیدی در استان قزوین وجود دارد . هدف این تحقیق نیز بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی در کارکنان این دستگاهها و اهداف فرعی آن شامل بررسی مولفه های پنج گانه یادگیری سازمانی (چشم انداز مشترک ، فرهنگ سازمانی ، کارویادگیری گروهی ، تفکر سیستمی و تسلط فردی) و میزان تاثیر هریک در یادگیری سازمانی می باشد .

مبانی نظری و پیشینه

واژه "یادگیری سازمانی" برای اولین بار توسط سایرت و مارچ در مطالعات اولیه شان روی جنبه های رفتاری تصمیم گیری سازمانی در سال ۱۹۶۳ به کار رفته است (قربانی زاده -۱۳۸۷). آرگریس و شون، که دو تن از پژوهشگران پیشتاز در این زمینه هستند، یادگیری سازمانی را به عنوان «کشف و اصلاح خطا» تعریف می کنند. در تعریف دیگری که توسط جورج هوבר ارائه شده است، یادگیری به گونه ای تعریف شده است که می تواند در هر سطح از تجزیه و تحلیل برای فرد، گروه و یا سازمان به کار رود. تسانگ یادگیری سازمانی را مفهومی می داند که برای توصیف انواع خاصی از فعالیتهایی که در سازمان جریان دارد به کار گرفته می شود (کرامتی ۱۳۸۳). از دیگر صاحب نظران در این زمینه سینگولا می باشد که "یادگیری سازمانی را ابزاری می داند که به وسیله آن دانش محافظت می شود. به طوری که افراد دیگر علاوه بر ایجاد کنندگان دانش، نیز می توانند آن را به کار گیرند. (قربانی زاده ۱۳۸۷:۳۰). "از نظر گروین، یادگیری سازمانی فرآیندی پیچیده و چند بعدی است که در طول زمان توسعه پیدا می کند یادگیری سازمانی عبارتست از فرآیند بهبود اقدامات از طریق دانش و فهم. (قربانی زاده ۱۳۸۷، ص ۳۱).

بنابر گفته پیتز سنگه، سازمانهایی در آینده موفق خواهند شد که کشف کنند چگونه از تعهد و ظرفیت یادگیری افراد در همه سطوح سازمان بهره گیرند (حسنی، ۱۳۹۳). هاروی و دنتون از دیگر محققین یادگیری سازمانی، در یک پژوهشی که در چند شرکت بزرگ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که لازمه تغییر در محیط تجاری، دانش و یادگیری سازمانی است. یافته های تحقیقات آنان نشان داد که وجود فرهنگ رقابتی، تشویق ایده های نوین، ریسک پذیری و مشارکت کارکنان در تصمیم گیری از جمله عوامل زمینه ساز یادگیری است.

به باور سونگ، رئیس انجمن آموزش و توسعه آمریکا، امروزه یادگیری جاده حیاتی شناخت و انطباق با سرعت فزاینده تغییر است (فدایی، قربانی ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). به عقیده دگاس، در شرایط کنونی، یادگیری تنها مزیت پایدار رقابتی است. بنا بر نظر شون، جامعه در گذر دائمی و انتقال همیشگی است. به همین دلیل وی امکان استفاده دائمی از دانشی ثابت را در طول حیات یک فرد منتفی دانسته و بر این باور است که یادگیری لازمه فهم، هدایت، اداره و نفوذ در این تحولات دائمی است که شناسایی ماهیت فرآیند گذر دائمی جوامع، نهادها و سازمانها را ممکن می سازد (همان منبع).

یکی از جامعترین تعاریفی که توسط اندیشمندان ارائه شده است، تعریفی است که بوچل ارائه داده است. او تعریف خود از یادگیری سازمانی، بهبود عملکرد و ایجاد تحول را مورد تاکید قرار داده است. او می گوید: "یادگیری سازمانی، فرآیندی است که در آن سازمان در طول زمان می آموزد، تغییر می کند و عملکردهای خود را بهبود بخشیده و با ایجاد تحول، به طور پیوسته با ارتقا و بهبود توانایی خود پیشرفت می نماید(همان منبع).

یادگیری سازمانی، فرآیند بهبود اقدامات سازمان از طریق دانش و شناخت بهتراست (بودلایی، کوشکی و ستاری، ۱۳۹۰) در تکامل این نظریه، بکارگیری دانش مطرح می گردد. یادگیری مستلزم آن است که افراد دانشی را که در سازمانشان به دست می آورند در رفتارشان به کار ببندند (خانعلی زاده، کردتائیچ، فانی و مشبکی، ۱۳۸۹).

در مطالعات مربوط به یادگیری سازمانی، پژوهشگران از رویکردهای متفاوتی به این امر پرداخته اند. "از جمله این رویکردها، رویکرد روانشناسی، رویکرد اجتماعی، و از دیدگاه تئوری سازمانی بوده است. اخیراً بیشتر از منظر استراتژی به یادگیری سازمانی به عنوان منبعی برای تمایز بین سازمانها و همچنین اساسی برای ایجاد مزیت رقابتی در نظر گرفته شده است" (یعقوبی، کریمی، جوادی، نیک بخت، ۱۳۸۸، ص ۶۶). یادگیری مستلزم آن است که افراد دانشی را که در سازمان به دست می آورند در رفتارشان به کار ببندند (خانعلی زاده، کردتائیچ، فانی و مشبکی، ۱۳۸۹).

آرگرین واسچون در سال ۱۹۷۸ اولین بار مفهوم "یادگیری محوری" را ارائه کردند. آنها بحث کردند که یادگیری محوری فرآیندی است که از طریق آن سازمان ها اشتباهات را کشف و تصحیح می کنند. یادگیری محوری تمایل به توصیف فرآیند ها و الگوهای یادگیری دارد و به فرآیند توسعه ی علوم جدید و بینش های ناشی شده از تجربیات مشترک مردم با سازمان و اثر رفتارهای بالقوه اشاره دارد (یوسفی سیاهگورایی، ۱۳۹۰). یادگیری سازمانی بیش از مجموع توان یادگیری افراد است (داگسون، ۱۹۹۳ - فایول ولایلز، ۱۹۸۵). با توجه به این تعریف، سازمان و توانایی خود را با خروج افراد از سازمان از دست نمی دهد.

استاتا می گوید یادگیری زمان می برد، اما وقتی فرآیند یادگیری شروع شد، با تغذیه خود و اعضای سازمان باعث می شود تا در انجام کارها بهتر ظاهر شوند (رهنورد، ۱۳۷۸). برخی از صاحب نظران از یادگیری به عنوان یک عامل اساسی برای ایجاد ابداع و خلاقیت در سازمانها نام می برند. لاندري (۱۹۹۲) می گوید یادگیری سازمانی برای ابداع و خلاقیت عامل بنیادی محسوب می شود. براون

لاگونید (۱۹۹۱) یادگیری را به عنوان پلی بین کار و خلاقیت در نظر می گیرند . پاتاکوس (۱۹۹۶) یادگیری و خلاقیت را فرآیندهای به هم وابسته ای می دانند که دو روی یک سکه را تشکیل می دهند و خلاقیت را مهارتی " یادگرفتنی " به حساب می آورند که می تواند در سطوح مختلف سازمانی شکوفا شود (همان منبع).

سازمان یادگیرنده: سازمان های یادگیرنده پدیده ای هستند که با شروع دهه ۹۰ میلادی مطرح شدند. علت پدیدار شدن چنین سازمان هایی، شرایط، نظریه ها و تغییر و تحول در محیط های سازمانی قبل از دهه مذکور بوده است به گونه ای که تمام سازمان ها تلاش گسترده ای را برای بقای خود آغاز کرده بودند و برای آنکه بتوانند خود را در محیط پرتلاطم اطراف خود حفظ کنند، می بایست از قالب های غیروپایا خارج و به سمت سازمان یادگیرنده متحول شوند. یعنی در ساختار و اساس خود تغییرات عمیقی ایجاد کنند. ایده سازمان یادگیرنده عموماً با کار سنگه شناخته می شود. از نظر او سازمان یادگیرنده سازمانی است که در آن افراد به طور مداوم ظرفیت خود را برای خلق نتایجی که واقعاً به دنبال آن هستند، افزایش می دهند؛ در این سازمان ها الگوهای جدید و ارزشمند تفکر شکل می گیرد؛ فضای جمعی آزادانه وجود دارد و افراد به طور پیوسته یاد می گیرند که چگونه با هم دیگر یاد بگیرند (قربانی زاده، ۱۳۸۷).

از نظر وی فرهنگ سازمانی یکی از قواعد مؤثر سازمان یادگیرنده است که بر محدودیتها و ناتوانیهای انسانها، بویژه ناتوانی در تفکر، بازاندیشی و یادگیری، برای پیشبرد برنامه های تغییردرخود و سازمان متمرکز شده است و به دنبال ارائه روشهایی برای بازبینی فرهنگ سازمانی و تبیین نقش آنها در بازاندیشی در عمل است. وی چنین تحول انقلابی رادر سازمانها ، « یادگیری زمان مدار» نامگذاری می کند (همان منبع).

مایکل جی. مارکوارت در کتاب ارزنده خود به عنوان " ساختن سازمان یادگیرنده " ، تعریف نسبتاً جامعی ارائه کرده است . وی می گوید یک سازمان یادگیرنده سازمانی است که با قدرت و به صورت جمعی یاد می گیرد و دائماً خودش را به نحوی تغییر می دهد که بتواند با هدف موفقیت مجموعه سازمانی به نحو بهتری اطلاعات را جمع آوری ، مدیریت و استفاده کند (البرزی، ۱۳۸۸).

به نظر داگسون « سازمان یادگیرنده سازمانی است که با ایجاد ساختارها و استراتژی ها به ارتقای یادگیری سازمانی کمک می کند و دارای توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش است و رفتار خودش را طوری تعدیل می کند که منعکس کننده دانش و دیدگاههای جدید باشد " (البرزی، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

گاروین (۱۹۹۳) می گوید که سازمان یادگیرنده سازمانی است که دارای مهارت و توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش است و رفتار خودش را طوری تعدیل می کند که منعکس کننده دانش و دیدگاههای جدید باشد. بنا بر نظر پیتر دراگر، در سازمان های یادگیرنده، تمامی اجزا به هم ربط و پیوندی عمیق دارند. وی این گونه سازمان ها را به ارکستری تشبیه می کند که هر کس ساز خود را می زند، اما نکته مهم این است که تمامی نوازندگان عمیقاً تابع و مرتبط با رهبر ارکستر هستند و نتیجه کار، یک آهنگ موزون است. طبیعت سازمان های یادگیرنده امروزی نیز چنین است که با پرسنل گسترده و با فرهنگ های متفاوت، همچنان در حال رشد و فعالیت هستند، نظیر شرکت های آی بی ام یا مایکروسافت. از ویژگی های دیگر سازمان های یادگیرنده، روانی جریان اطلاعات در این سازمان هاست. این روانی، باعث افزایش دانش و رشد مدیریت نیروی انسانی در سازمان می شود. با رشد دانش پرسنل، میزان هوش سازمان ها افزون و بهره وری آنان ارتقاء می یابد (اسلامیه، البرزی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر در این سازمان ها، کارکنان به علت آموزش های مکرر و تفویض اختیاری که به آنها می شود، با ایجاد تیم های متعدد و انجام بحث های گروهی به ارتقای اطلاعات و توانمندی خود می پردازد. چنین روندی باعث می شود فرهنگ بسیار قوی در سازمان حاکم و آرمان یا دیدگاه مشترکی میان نیروی انسانی و سازمان فراهم آید. چنین آرمان یا دیدگاه مشترک در یک سازمان ایجاد نمی شود مگر در سایه یک رهبر قوی سازمانی. در این حالت، استراتژی کلی سازمان به صورت مشترکی خواهد بود. این استراتژی از پایین به بالا تنظیم می شود، اطلاعات به صورت باز جریان دارد و تمامی بخش ها با اطلاعات و توانمندی بالایی که به دست آورده اند در تعامل منطقی با یکدیگر قرار می گیرند. سازمان یادگیرنده فرصت یادگیری برای تمامی اعضای خود را فراهم می سازد. سازمانهای یادگیرنده پیوسته در حال افزایش توانایی خود برای ساختن آینده هستند (اسلامیه، البرزی، ۱۳۸۸).

سازمان یادگیرنده سازمانی است که با ایجاد ساختارها و استراتژیها به ارتقای یادگیری سازمانی کمک می کنند (داگسون، ۱۹۹۳). تسانگ (۱۹۹۷) می گوید که در اصطلاح یادگیری و سازمان یادگیرنده بعضی وقتها به اشتباه به جای یکدیگر به کار گرفته می شوند. وی یادگیری سازمانی را مفهومی می داند که برای توصیف انواع خاصی از فعالیتهایی که در سازمان جریان دارد بکار گرفته می شود. در حالی که سازمان یادگیرنده به نوع خاصی از سازمان اشاره می کند.

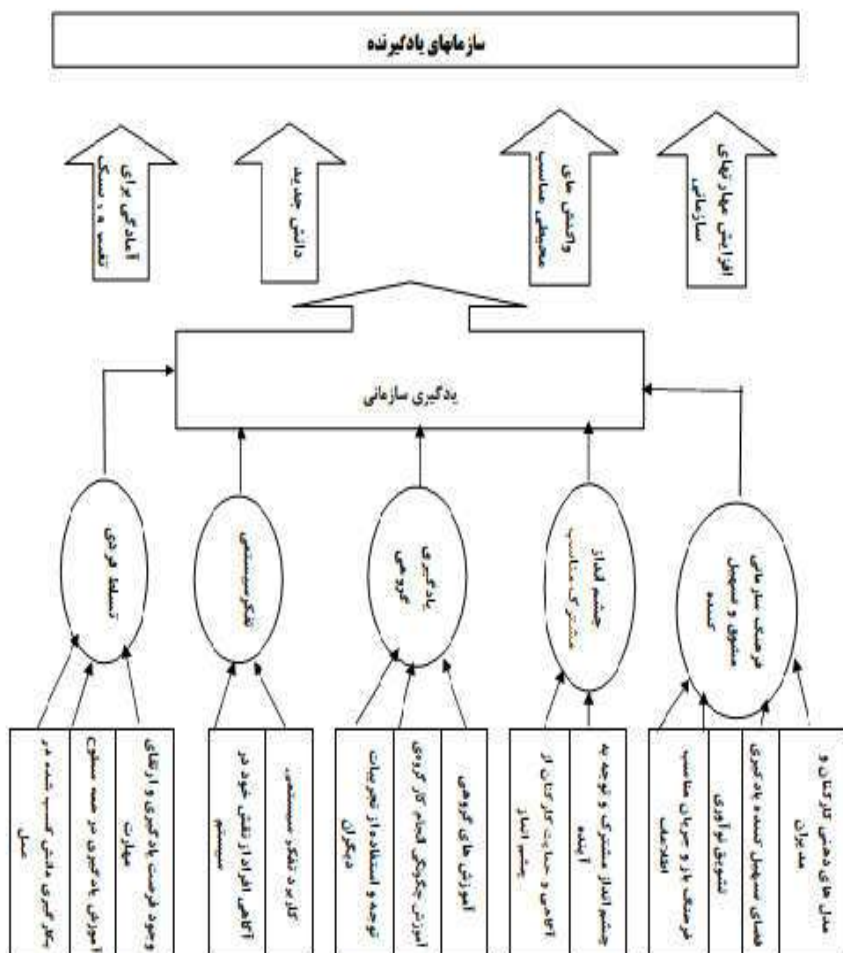
گاروین (۱۹۹۳) می گوید که سازمان یادگیرنده سازمانی است که دارای توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش است و رفتار خودش را طوری تعدیل می کند که منعکس کنند، دانش و یادگیری های

جدید باشد. داگسون (۱۹۹۳) معتقد است که سازمانها یاد می گیرند تا قدرت سازگاری و کارایی خود را در مقابل تغییرات محیطی اصلاح و بهبود بخشند (رهنورد، ۱۳۷۸).

خلقتی و حیاتی (۱۳۸۹) مطالعه ای با عنوان "یادگیری سازمانی" به انجام رساندند. در این مطالعه، ویژگی های اصلی سازمان یادگیرنده مشخص شده و عواملی را که در ایجاد، شکل گیری و رشد چنین سازمانی موثر است را معرفی کرده و سپس یادگیری سازمانی و ابعاد و انواع آن را تشریح می کند. این مطالعه نتیجه گیری می کند که اگر سازمانی فاقد یادگیری باشد، دچار دوباره کاری، عدم کارایی و ازدست دادن منابع شده و لذا هزینه های سنگینی را متحمل خواهد شد و شاهد از دست دادن اعتماد به نفس در افراد و کاهش درآمد به دلیل عدم نوآوری خواهد بود.

یعقوبی و کریمی (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان "رابطه بین مولفه های یادگیری سازمانی و مدیریت دانش در کارکنان بیمارستان های منتخب شهر اصفهان" انجام دادند. یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که ایجاد دانش از فرآیندهای حمایت کننده ی یادگیری سازمانی است و با آن رابطه دارد. پیش شرط مدیریت دانش در سازمانها یادگیری و ایجاد محیطی یادگیرانه است. از دیگر یافته های این پژوهش رابطه روشن و معنا دار بین رهبری تحول و مدیریت دانش در سازمانها و نیز وجود رابطه معنادار بین تعهد مدیریت برای یادگیری سازمانی با مدیریت دانش می باشد. هر چه مدیران و رهبران متعهدتر باشند، مدیریت دانش بهتر استقرار می یابد.

کاوسی و تیمورلویی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی موانع یادگیری" ابتداءعوامل مرتبط با یادگیری سازمانی را شناسایی نمودند و پس از جمع بندی آراء و نظرات کلیه نظریه پردازان در زمینه یادگیری سازمانی دریافتند که موانع فرهنگی، مقاومت مدیران، عملکردمداری و فقدان زمان یادگیری، محیط انحصاری و غیر رقابتی، سیاسی بودن محیط درون سازمان و در نهایت عدم توجه به برنامه آموزشی برای یادگیری تیمی، همکاری و کارگروهی و چگونگی کارکردن گروهها با یکدیگر از مهم ترین موانع یادگیری در سازمانها می باشد.



شکل شماره ۱- مدل مفهومی تحقیق - کاوسی، تیمورلویی، ۱۳۸۶

رهنورد (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان "یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده" ضمن بررسی جنبه های مختلف یادگیری سازمانی در می یابد که تحقق یادگیری سازمانی به عوامل زیادی بستگی دارد و در بین آنها، یادگیری تیمی وانتقال به تفکرسیستمی، متغیرهای کلیدی محسوب می شوند.

بروجردی علوی و قمصریان (۱۳۹۲) در مطالعه ای در خبرگزاری مهر با عنوان "رابطه یادگیری سازمانی با مدیریت زمان در سازمانهای رسانه ای" به بررسی رابطه بین یادگیری سازمانی و هریک از مؤلفه های مدیریت زمان در خبرگزاری مهر می پردازد. یافته های این مطالعه نشان می دهد که فرضیه های ناظر بر ارتباط یادگیری سازمانی با ابعاد هدف گذاری، اولویت بندی اهداف و فعالیتها و برنامه ریزی عملیاتی تاثیر می گردد. فرضیه های ناظر بر ارتباط یادگیری سازمانی با ابعاد تفویض اختیار، مدیریت ارتباطات و مدیریت جلسات رد می شوند. به طور کلی پژوهش فوق بیانگر وجود رابطه معنی دار بین یادگیری سازمانی و مدیریت زمان می باشد.

مصلح، بحرینی زاده و دوکوهکی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان تاثیر ابعاد یادگیری سازمانی بر ابعاد هوش رقابتی در شرکتهای دانش بنیان پارک علم و فن آوری شیراز "به بررسی تاثیر ابعاد یادگیری سازمانی بر دو هوش و هوش رقا از ابعاد هوش رقابتی می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین تفسیر اطلاعات (متغیر مستقل) و هوش بازار (متغیر وابسته) و حافظه سازمانی (متغیر مستقل) و هوش رقا (متغیر وابسته) رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین پژوهش، فوق بیانگر تاثیر مثبت و معنی دار کسب اطلاعات بر هوش بازار، کسب اطلاعات بر هوش رقا، توزیع اطلاعات بر هوش بازار، تفسیر اطلاعات بر هوش رقا، حافظه سازمانی بر هوش بازار است.

مرعشیان و صفرزاده (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان نقش یادگیری سازمانی و انگیزش شغلی در پیش بینی خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز را به انجام رساندند. یافته ها پژوهش بیانگر آن است که یادگیری سازمانی و انگیزشی شغلی پیش بین خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی هستند به عبارتی در بین متغیرهای وابسته و مستقل فوق رابطه معنی دار وجود دارد و قویترین رابطه بین یادگیری سازمانی (متغیر مستقل) و کارآفرینی سازمانی (متغیر وابسته) وجود دارد.

حسینی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "نقش یادگیری سازمانی بر پاسخگویی و عملکرد شغلی کارکنان درمانی کارکنان بیمارستان اشتویه" به بررسی رابطه بین یادگیری سازمانی و تاثیر آن بر پاسخگویی و عملکرد کارکنان دو بیمارستان اشتویه می پردازد. یافته های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنی دار بین متغیر یادگیری سازمانی و پاسخگویی و یادگیری سازمانی و عملکرد شغلی کارکنان است. این پژوهش

نتیجه می گیرد که یادگیری سازمانی بر ارتقای عملکرد شغلی و پاسخگویی کارکنان درمانی موثر است و می تواند نقش پیش بینی کننده را برای این دو متغیر ایفاء کند.

فدایی و قربانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی امکان سنجی پیاده سازی یادگیری سازمانی کارکنان در دانشگاه افسری امام علی(ع)" به این نتیجه می رسد که مولفه های چشم انداز مشترک، فرهنگ سازمانی و توسعه شایستگی کارکنان امکان پیاده سازی را فراهم کرده است و مولفه های کار و یادگیری گروهی، اشتراک دانش، تفکر سیستمی و رهبری مشارکتی امکان پیاده سازی یادگیری سازمانی را فراهم ننموده است. به طور کلی پژوهش فوق بیانگر آن است که امکان پیاده سازی یادگیری سازمانی کارکنان در دانشگاه افسری امام علی(ع) وجود دارد.

روش شناسی

این تحقیق با توجه به هدف آن که بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی در دستگاههای اجرایی بخش امور تولیدی در استان قزوین می باشد، یک تحقیق کاربردی است. در طبقه بندی انواع تحقیقات بر حسب روش، پژوهش حاضر از نوع «توصیفی» می باشد. همچنین این تحقیق از جهت روش گردآوری اطلاعات، «پیمایشی» و از نظر بعد زمانی «مقطعی» می باشد. و همچنین بر حسب بررسی روابط بین متغیرها از نوع همبستگی به حساب می آید. در این تحقیق از روش کتابخانه ای برای تهیه ادبیات و چهارچوب نظری و پیشینه آن با ابزار فیش برداری استفاده شده که این مطالعات شامل بررسی پایان نامه ها و تحقیقات موجود و مرتبط با موضوع، مطالعه مقالات و کتب لاتین و فارسی مرتبط و همچنین استفاده از اینترنت می باشد.

برای گردآوری اطلاعات مربوط به اندازه گیری متغیرها و آزمون فرضیه ها از ابزار پرسشنامه استاندارد شده که از ابزارهای روشهای میدانی می باشد استفاده گردیده است. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی ساده و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. پس از تعیین حجم نمونه براساس فرمول کوکران در جامعه آماری موردنظر، پرسشنامه طراحی شده و استاندارد با ۴۵ سؤال برای پیمایش میزان یادگیری سازمانی، اجزای ۵ گانه آن و عوامل مؤثر بر میزان یادگیری سازمانی تنظیم گردید. برای سنجش روایی پرسشنامه، دو روش اعتبار محتوایی و اعتبار صوری بکار گرفته شد. برای سنجش اعتبار محتوایی از ضریب لاوشه و برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج حاکی از اعتبار روایی و پایایی پرسشنامه می باشد. با توجه به حجم نمونه تعیین شده و پیش بینی و در نظر گرفتن عدم تکمیل پرسشنامه توسط برخی از کارکنان، پرسشنامه بین جامعه

نمونه توزیع گردید. در مجموع ۴۰۳ پرسشنامه از پاسخگویان در ۹ دستگاه اجرایی جمع آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی و نرم افزار SPSS استفاده گردید

یافته های پژوهش

جمعیت شناسی نمونه آماری مورد مطالعه: جهاد کشاورزی و تعاون روستایی به ترتیب با ۷۴ و ۲۶ پاسخگو بیشترین و کمترین حجم نمونه را داشته اند. ۵۹ درصد از پاسخگویان را مردان و ۳۹ درصد را زنان تشکیل داده اند. ۹۳ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده اند. متوسط سن پاسخگویان پایین است و در مجموع ۵۰ درصد از آنان کمتر از ۴۰ سال داشته اند. ۶۰ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱۵ سال سابقه کار دارند. مدیران و غیرمدیران به ترتیب ۱۴ و ۸۶ درصد از مخاطبین تحقیق را تشکیل داده اند که ۴۷ درصد از آنان رسمی و ۵۳ درصد را نیروهای غیر رسمی (پیمانی و قراردادی) تشکیل داده اند.

تحلیل آماری متغیرهای پژوهش: میزان یادگیری سازمانی بطور متوسط در ۹ دستگاه اجرایی یاد شده ۶۳.۵۱ درصد می باشد. کمترین مقدار مربوط به اجزای یادگیری سازمانی مربوط به تفکر سیستمی (۵۲.۹۷ درصد) و بیشترین مقدار مربوط به اجزای یادگیری سازمانی مربوط به مهارتهای فردی (۸۰.۲۹ درصد) است. از نظر پاسخگویان فرهنگ سازمانی با ۵۳.۳۷ درصد و مهارتهای فردی با ۸۰.۲۹ کمترین و بیشترین میانگین را در بین متغیرهای اندازه گیری شده مؤثر بر یادگیری سازمانی داشته اند.

بیشترین میزان میانگین یادگیری سازمانی و مولفه های ۵ گانه آن شامل مهارتهای فردی، فرهنگ سازمانی، چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی به ترتیب مربوط به استاندارد (۶۹.۹۱ درصد)، دامپزشکی (۸۲.۶۳ درصد)، استاندارد (۶۹.۰۶ درصد)، منابع طبیعی (۷۵.۸۲ درصد)، استاندارد (۶۵.۳۹ درصد) و استاندارد (۶۱.۴۴ درصد) می باشد. کمترین میزان میانگین یادگیری سازمانی مربوط به صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی به ترتیب به میزان ۵۶.۵۹ و ۵۹.۶۴ درصد می باشد. میانگین یادگیری سازمان در گروه مردان بیش از زنان می باشد. مدیران سطح بالاتری از یادگیری سازمانی را اظهار نموده اند. گروه تحصیلی دیپلم و گروه کارکنان دارای نوع استخدام پیمانی کمترین میزان یادگیری سازمانی را در بین گروه ها داشته اند. بررسی حاصله از میانگین عوامل مؤثر بر یادگیری سازمانی به تفکیک جنسیت، نوع استخدام، سطح تحصیلات و سطح سازمانی پاسخگویان نشان می دهد در گروه مردان تسهیل گر ها و همچنین موانع میانگین بالاتری را کسب نموده اند. وضعیت مذکور برای کارکنان پیمانی نسبت به کارکنان رسمی و قراردادی و همچنین کارکنان دارای مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد نسبت به سایر گروه های تحصیلی و مدیران نسبت به کارشناسان تکرار شده است. بیشترین میانگین مربوط به تسهیل گرهای یادگیری سازمانی و کمترین مقدار مربوط به موانع یادگیری سازمانی به ترتیب در اداره کل استاندارد (۶۵.۶۳ درصد) و صنعت، معدن و تجارت (۵۲.۷۷ درصد) استخراج شده است. میانگین تسهیل گرها و موانع یادگیری سازمانی تقریباً در یک سطح می باشد و تفاوت در بین این عوامل به میزان پراکندگی نظرات و توزیع آماری می باشد.

تحلیل آماری سئوالات پژوهشی: با محاسبه ضریب همبستگی یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه آن مشاهده می شود که بین یادگیری سازمانی و همه اجزای ذیل آن همبستگی بالا و معناداری وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی مربوط به فرهنگ سازمانی با یادگیری سازمانی می باشد. فرهنگ سازمانی، چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی ضرایب همبستگی بالا و معناداری با یکدیگر دارند. رابطه مهارتهای فردی با سایر اجزا یادگیری سازمانی ضعیف تر از سایر روابط است. بررسی همبستگی پیروان بین یادگیری سازمانی و عوامل موثر بر آن نشان می دهد که بین یادگیری سازمانی و کلیه عوامل مؤثر بر آن بجز موانع ساختاری همبستگی بالا و معناداری وجود دارد و ضرایب همبستگی جزیی بیش از ۰.۵ دارند.

تاثیر سن بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس میزان تاثیر سن پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که سن پاسخگویان میزان یادگیری سازمانی، مهارتهای فردی، فرهنگ سازمانی و چشم انداز مشترک تحت تاثیر قرار می دهد لکن یادگیری تیمی و تفکر سیستمی اثر معناداری از سن پاسخگویان دریافت نکرده است. با تشکیل گروه های همگن با آزمون توکی مشخص می گردد سطح یادگیری سازمانی و همچنین اجزای ۵ گانه تشکیل دهنده آن در کارکنان با سن بالای ۶۰ سال به میزان معناداری از سایر گروه های سنی پایین تر می باشد. سایر گروه های سنی دارای اختلاف اندک که از لحاظ آماری معنادار نمی باشد هستند.

تاثیر سطح تحصیلات بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس میزان تاثیر تحصیلات پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که سطح تحصیلات پاسخگویان اختلاف معناداری در سطح یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه تشکیل دهنده آن بجز در متغیرهای مهارتهای فردی و یادگیری تیمی ایجاد نمی کند. با تشکیل گروه های همگن با آزمون توکی مشخص می گردد سطح مهارتهای فردی در گروه کارکنان دارای تحصیلات دیپلم به میزان معناداری از سایر گروه های تحصیلی پایین تر می باشد لکن سایر گروه های تحصیلی اختلاف معناداری با یکدیگر ندارند. سطح یادگیری تیمی در گروه کارکنان دارای تحصیلات دیپلم به میزان معناداری از سایر گروه های تحصیلی بالاتر و

کارکنان دارای مدارک کارشناسی ارشد از سایر گروه های تحصیلی پایین تر می باشد. سطح یادگیری تیمی سایر گروه های تحصیلی به ترتیب کارشناسی، دکتری و فوق دیپلم بدون اختلاف معنادار با یکدیگر در بین دو سطح یاد شده قرار دارند.

تاثیر نوع استخدام بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس میزان تاثیر نوع استخدام پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که نوع استخدام پاسخگویان اختلاف معناداری در سطح یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه تشکیل دهنده آن بجز در متغیر یادگیری تیمی ایجاد می کند. با تشکیل گروه های همگن با آزمون توکی مشخص می گردد کارکنان پیمانی سطح یادگیری سازمانی پایین تری نسبت به کارکنان قراردادی و رسمی اعلام نموده اند که این میزان برای کارکنان رسمی دارای اختلاف معنادار و بالاتر می باشد.

تاثیر سابقه خدمت بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس تاثیر سابقه خدمت پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که سابقه خدمت پاسخگویان اختلاف معناداری در سطح یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه تشکیل دهنده آن بجز در متغیر مهارتهای فردی ایجاد نمی کند. با تشکیل گروه های همگن با آزمون توکی مشخص می گردد کارکنان دارای سابقه کمتر از ۲۰ سال سطح مهارتهای فردی پایین تری نسبت به سایر کارکنان اعلام نموده اند.

تاثیر محل فعالیت (دستگاه اجرایی) بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس میزان تاثیر محل خدمت پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که میزان یادگیری سازمانی در دستگاه های اجرایی مورد بررسی (۹ دستگاه اجرایی) اختلاف معنادار در سطح یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه تشکیل دهنده دارند. با تشکیل گروه های همگن براساس آزمون توکی مشخص می گردد سطح یادگیری سازمانی در صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و محیط زیست پایین تر از آب منطقه ای و تعاون روستایی می باشد. میزان یادگیری سازمانی در منابع طبیعی، شرکت شهرکها، دامپزشکی و استاندارد بالاتر از سایر دستگاه های اجرایی و دارای اختلاف معنادار می باشد.

تاثیر جنسیت بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس جنسیت پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که جنسیت پاسخگویان، اختلاف معنادار در سطح یادگیری سازمانی و همچنین مهارتهای فردی و فرهنگ سازمانی بوجود می آورد. آزمون برابری میانگین متغیرهای یاد شده نشان می دهد میانگین متغیرهای مذکور در گروه مردان بیشتر از کارکنان زن و دارای اختلاف معنادار می باد لکن در خصوص متغیرهای چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی اختلاف معناداری بین کارکنان زن و مرد مشاهده نمی شود.

تأثیر سطح سازمانی پاسخگو بر اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی: تحلیل واریانس سطح سازمانی پاسخگویان بر میزان یادگیری سازمانی نشان می دهد که سطح سازمانی پاسخگویان، اختلاف معنادار قابل توجهی در سطح یادگیری سازمانی و همچنین کلیه اجزای ۵ گانه یادگیری سازمانی بجز فرهنگ سازمانی بوجود می آورد. آزمون برابری میانگین متغیرهای یاد شده نشان می دهد میانگین متغیرهای مذکور در گروه مدیران بیشتر از کارشناسان و دارای اختلاف معنادار می باشد لکن در خصوص متغیر فرهنگ سازمانی اختلاف معناداری بین کارشناسان و مدیران مشاهده نمی شود .

بحث و نتیجه گیری

یافته ها بیانگر آن است که بین یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه آن (مهارت های فردی ، فرهنگ سازمانی ، چشم انداز مشترک ، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی) در دستگاه های اجرایی بخش امور تولیدی رابطه معنادار و همبستگی وجود دارد . به منظور کاهش هزینه های سازمانی و ارتقاء بهره وری و ارتقاء کیفی نیروی انسانی ، یادگیری سازمانی امری ضروری و اجتناب ناپیر می باشد . لذا پیشنهاد می گردد :

۱- مدیران دستگاه های اجرایی زمینه های یادگیری سازمانی و استمرار آن را فراهم نمایند . با یادگیری سازمانی و تعهد به استمرار آن ، نیروهای انسانی شاغل در دستگاه های اجرایی تبدیل به سرمایه های انسانی با بهره وری بالا خواهند شد که در بلند مدت شاهد تحقق اهداف سازمانی خواهیم شد .

۲- با توجه به عدم تحقیق در این زمینه در سایر بخشها و با عنایت به ارتباطات میان سازمانی بین دستگاه های اجرایی استان و لزوم مدیریت ماتریسی در سطح کلان استان ، پیشنهاد می گردد این تحقیق در حوزه دستگاه های اجرایی سایر بخش ها (زیربنایی ، فرهنگی واجتماعی) نیز انجام گردد و سپس نتایج حاصله مورد مقایسه قرار گیرد .

۳- با توجه به اهمیت مقوله یادگیری ، دوره های آموزشی برای مدیران و کارکنان (به ویژه مدیران) تدوین و مصوب و اجرا گردد تا دیدگاه مدیران و تصمیم گیران نظام اداری نسبت به مقوله یادگیری مثبت و بینش آنان ارتقاء یابد .

۴- با توجه به نقش مدیران در سازماندهی و هدایت سازمان ، اهمیت قائل شدن به قابلیت های شخصی افراد از سوی مدیران ارشد سازمانها و نیز اجرای سیاستها و برنامه های توانمندسازی نیروی انسانی ، موجب می گردد که محیطی فراهم گردد که افراد تمایل به ایجاد خلاقیت و حل مسئله داشته باشند .

۵- مدیران دستگاههای اجرایی ترتیبی اتخاذ نمایند تا تفکر و دیدگاه سیستمی در سازمانهای مربوطه ایجاد و حاکم گردد. وجود تفکر سیستمی، روابط بین بخشها و واحدها را تسهیل می نماید.

۶- مدیران ارشد نسبت به ارائه و بیان یک هدف و چشم انداز مشترک در سطح سازمان اقدام نمایند؛ این امر موجب دلگرمی بیشتر به کارکنان شده و اهداف شخصی با اهداف سازمانی یکی خواهد شد.

۷- با توجه به اینکه بین یادگیری سازمانی و اجزای ۵ گانه آن (مهارتهای فردی، فرهنگ سازمانی، چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی) در دستگاههای اجرایی بخش امور تولیدی رابطه معنادار و همبستگی وجود دارد، برنامه های آگاه سازی کارکنان این دستگاهها با موضوع رابطه بین متغیرهای مذکور و لزوم شناخت بیشتر نسبت به این مفاهیم در دستگاههای اجرایی حسب مورد اجرا شود.

۸- دستگاههای صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و محیط زیست با توجه به پایین بودن میزان یادگیری آنان نسبت به سایر دستگاههای بخش امور تولیدی و نیز با عنایت به ماموریتها و شرح وظایف مهم محوله، با اتخاذ تدابیری، در جهت افزایش یادگیری سازمانی تلاش نمایند.

۹- ایجاد پیوند بین نظام آموزشی و یادگیری با سایر نظامهای کارکنان دستگاههای اجرایی توسط سیاستگذاران از جمله نظام حقوق و دستمزد، انتصاب و ارتقاء و ... به منظور ایجاد انگیزه برای کارکنان جهت روی آوردن به یادگیری سازمانی.

منابع

- خلقتی، محمدرضا و حیاتی، پدram (۱۳۸۸). "یادگیری سازمانی". مرجع الکترونیکی علوم مدیریت (www.emodiran.com).
- کرامتی، محمدرضا (۲۰۰۶). "سازماندهی گروههای مشارکتی در سازمانهای یادگیرنده". ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۷۸، صص ۲۵-۲۱.
- کاوسی، اسماعیل و تیمورلویی، سید احمد احمدی (۱۳۸۶). "بررسی موانع یادگیری سازمانی". پایگاه مقالات علمی مدیریت، شماره ۴۷، صص ۱۲-۷۳.
- شفی، کوروش و شفی، آرزو (۱۳۸۶). "مدیریت منابع انسانی در سازمانهای یادگیرنده". ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۷۶، صص ۲۵-۱۱.
- فدایی، ندا و قربانی، رضا (۱۳۹۴). "امکان سنجی پیاده سازی یادگیری سازمانی کارکنان در دانشگاه افسری امام علی (ع)". فصلنامه مدیریت نظامی شماره ۵۷، سال پانزدهم، صص ۱۲۲-۱۰۲.

- رهنورد ، فرج الله (۱۳۷۸) . " یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده " . مجله مدیریت دولتی ، شماره ۴۳، صص ۱۱-۲۲.
- یوسفی سیاهگورایی ، مریم (۱۳۹۰). " یادگیری سازمانی " . مرجع الکترونیکی علوم مدیریت (www.emodiran.com).
- حسنی ، محمد (۱۳۹۳). " نقش یادگیری سازمانی بر پاسخگویی و عملکرد شغلی کارکنان درمانی " . مرجع الکترونیکی علوم مدیریت (www.emodiran.com).
- خانعلی زاده، ر و کردنائیچ ، ا و فانی ، ع و مشبکی (۱۳۸۹) . " بررسی رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی " . پژوهش نامه مدیریت تحول . سال دوم . شماره ۳، صص ۲۰-۴۵.
- قربانی زاده ، وجه الله (۱۳۸۷). " ساخت و اعتبار یابی مقیاسی برای سنجش فرآیند یادگیری سازمانی " . مجله علمی پژوهشی دانشور رفتار ، شماره ۲۹، صص ۸۵-۱۰۰.

Investigate the factors affecting organizational learning in manufacturing organizations in Qazvin province

Afsar Mehdikhani *, Hadi Sadegh Daghighi*

Abstract

One of the most important tools to achieve efficiency and improve the quality of work is organizational learning. The aim of this study is to investigate the factors affecting organizational learning at the executive agencies, Qazvin Province production affairs section (not executive); Organization learning components in this study is shared vision, organizational culture, work and team learning, systems thinking and individual mastery. This study is an applied and descriptive one and to collect data via survey method and uses Nife organizational learning questionnaire is sent. After determining the sample size based on the Cochran formula in the intended Statistical Society, designed questionnaire and standard with 45 questions was set to Scrolling amount of organizational learning, its 5 components and factors affecting organizational learning. Two methods of content validity and face validity were used to measure validity of the questionnaire. To test the validity of the content was used from Lavshh coefficient and to measure the reliability of the questionnaire from Cronbach's alpha coefficient that the results suggest content validity and reliability of the questionnaire. Due to the sample size determined and predicting and by considering Failure to complete the questionnaire by some employees, a questionnaire was distributed among the sample population. Overall 403 questionnaires were collected from respondents in nine executive. To analyze the data, descriptive statistical methods and SPSS software was used. By calculating the correlation coefficient organizational learning and it's 5's components it can be seen that there is a significant and high correlation between organizational learning and all the following components. The highest correlation is related to organizational culture and organizational learning. Organizational culture, shared vision, team learning and systems thinking have significant and high correlation coefficients with each other. Individual skills relationship with other components of organizational learning is weaker than other relationships .

Key words: organizational learning, learning organizations, executive organizations manufacturing sector.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Designing a Research Information Management System of Qazvin province

Hadi Sadegh Daghighi* , Ali Rahmani*, Delaram Hajiseyed Abuotorabi *

Abstract

Despite the abundance sources of information, Researchers efforts and spending substantial financial resources, due to lack of standard and powerful software systems, injuries, has slowed applied knowledge production flow and required. Lack of prompt access to research, Non-compliance researches with the needs and research priorities of the province executive agencies, the lack of effective monitoring and management on research activities in order to conduct these investigations on the way of the provincial development goals are considered as some of these harms. This system by having Drupal development infrastructure is entirely web based and its demo is visible in the URL of <http://research.erqz-mporg.ir>. Qazvin province Research Information Management System is designed to achieve the following objectives:

- 1- Quick access to Province Survey information (research needs, high priority researches, running and terminated and researchers);
- 2- Conducting research activities in order to prevent parallel and doing inexcusable repetitive researches;
- 3- Management of research activities in the province and organizing them on the way of needs and Province priorities;
- 4- Prioritizing proposed research projects of Province executive agencies;
- 5- Creating a dynamic network to facilitate communication operating systems with researchers scientific and research centers.

Key words: System, Research Management, Application Software, Information Technology.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Factors affecting the outsourcing public sector organization in Qazvin Province

Simin Karimi*, Hamid Habibi*, Marzieh Bahrkazemi*, Fatemeh Sadr *

Abstract

At the present time organizations desire to merely focus on their main mission and transfer to external contractors other specialized tasks that are not in their mission subject and in this regard agility organization increases their flexibility so that they can quickly overcome the environmental changes that are difficult to predict. In many organizations outsourcing is considered as one of the solutions to reduce costs and increase the efficiency. Thus, organizations choose limited activities to do and the rest of their activities are conceded to the major networks providers outside the organization. The aim of this study responding to the new challenges facing today public organizations managers. The challenges as what are the factors influencing outsourcing? Which factors led to expedite and facilitate outsourcing and what are inhibiting factors? While outsourcing has proven benefits for organizations, but also has some negative results. Many organizations perform outsourcing as a business activity, but only few of them know the real meaning of outsourcing and are aware of how to implement effective. Therefore, the results of this research can help to organization managers to identify effective factors outsourcing and barriers. the research method is applied because it put under investigated a strategic subject in executive agencies Qazvin Province, and considered descriptive Since intended phenomena describes investigators in real situations, and collect information using the survey method. Results of the study showed that between "desire of organizations factors and phenomena" and "the amount of outsourcing Policies tasks" There is a significant relationship. Also between these two variables at the level of significant there is one percent strong and direct relationship. It seems that there is an upward and positive relationship among the underlying, structural and Behavioral factors and Policies in the rate of assignment of tasks increasingly between executive agencies Qazvin province.

Key words: outsourcing, public sector, duties tenure.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Examine the place of Industrial Development of Qazvin Province in period 1389-1392 in the country

Ahmad Fathizadeh *, Ali Rahmani *,
Jalal kabiri*, Morteza Ghazaei*, Morteza Yusefi*

Abstract

Qazvin Province is one of the country's industrial provinces has long been a good place for investors in this field. The current situation of industry can be feedback from previous policies and guide for future policymaking. So the objective of this study was to compare the industrial development of the province to other provinces of the country during the previous years to determine its meet the future path. The overall pattern of this study is documents. This is applied research analytical descriptive way. This study aimed to begin indicators or metrics industrial development. In this study eleven indicators were selected using the experiences of previous studies and also taking into account the statistical limitations with this attitude that should have inclusive. Course must be noted selection criteria is not the only method of measuring the industrial development country provinces and in addition to these indicators, factors such as natural factors, infrastructural, economic and ... in this case have an undeniably impact. Though due to certain limitations, this study is only focused on industry benchmarks and also different indicators several studies have considered as the breadth of industry benchmarks. The results of the study suggest alternating changing rank of Qazvin province from the perspective of industrial development in the provinces. Based on these results it can be seen that the lowest-ranked industrial development (ranked eighth in the country) of province during the years studied (1389-1392), is the final year, the 1392. In examining the causes of degradation Qazvin province in the country, province situation was analyzed in each of the selected indicators. The results showed that in terms of the average value of the workshop and the average value of labor productivity, the province is experiencing severe weakness and should be in high-tech industries (High- Tech) and high value-added industries such as petrochemical industries and oil and gas necessary investment , be made.

Key words: development, industrial development, Topsis method, ranking.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Estimate and evaluating Qazvin province revenue during the period 1380-1393

Vali Allah Arab*, Ali Rahmani *, Leila Payahoo*,
Mahnaz Masuomifar*, Nastaran Moridzadeh*

Abstract

For further information about the efficiency of tax systems in the province, to investigate tax revenues and compare it with a total income and province GDP, on the one hand, and on the other hand it is necessary to understand the context and tax components. Therefore, to study the province's tax revenues that the was divided into two parts, the direct and indirect taxes; GDP and income elasticity is checked Province. At the stage of economic growth, the existence of a tax system with the elasticity enjoys from the many benefits And since usually tend to increase the costs of governments is more than increasing income, Whatever this sensitive is more, tax system has more efficient to attract additional revenues and its effect will be more on the economy stable too. For this purpose, the importance and flexibility of the various items in the economic growth of the province and stretching the resources tax to GDP ratio is estimated Province. The research method in terms of the nature of work is applied type, the type of research is to estimate econometric model the relationship between total tax revenues, direct and indirect taxes to the province. thematic territory of research is to investigate efficiency of tax revenues to GDP ratio in the period 1380-93. In this study, time series data of macroeconomic variables the province during the period (1380 in 93) are used to by utilizing ordinary least squares estimation method equations system to be answered to the research questions. In this study three equations has been finalized which include: the growth rate of tax revenues, direct and indirect tax revenue growth rates and province GDP growth rates that as the tax elasticities and province GDP order to different stages in particular, data processing, measurement and estimation of the model is done using software Eviews. The results of this study have shown that the tax revenue elasticity of growth rate in the province has positive and Significant effect on the growth rate of the GDP province. In sum, despite having income sources, the role of government is efficient enough because the results have shown that the growth rate of taxes on real economic growth rate (GDP) of the province have been affected.

Key words: tax system, income, income elasticity of GDP.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Analyzing and determining the organizational Maturity of Human capital in the public sector of Qazvin Province

Esmail Abdul Ali*, Mohammad Fazel Sabuoni*,
Daryush Enadi,* Hamid Habibi*, Seyed Jalal Hosseyni **

Abstract

One of the most important measures in terms of developing and promotion of human capital is assessment of factors and conditions affecting the ability of human resources in order to achieve organizational goals to thereby achieve organizational development, or in other words, organizational maturity of human capital that are function various conditions and factors assesse. The aim of this study is evaluating and measurement of organizational maturity of human capital number of important governmental organizations and effective in the development of Qazvin province based on the concept of employees Capability maturity models and knowledge management maturity in the organization. The method used in this study was a descriptive survey that after determining the sample size for studied organizations (9 governmental organizations), required data collected by using questionnaire with appropriate validity and reliability of the 85 percent and analyzed by spss software. In this study, by incentives human capital management, that is including provide leadership methods, employee involvement, access to knowledge, workforce optimization and learning capacity, organizational maturation rate, measured and evaluated. The results show the percentage of organizational maturity of studied executive agencies is on average in Provide leadership practices incentives 62 percent, employee participation 57 percent, access to knowledge 15.62 percent, workforce optimization 25.58 percent and learning capacity 76.59 percent. Each of incentives surveyed are formed from a set of factors that the percentage of their influence in the studied organizations were calculated. Based on the results Friedman test, ranking the efficiency of each of stimulus in the surveyed organizations from view of respondents are in order of rank, access to knowledge, practices provide leadership, learning capacity, optimizing the workforce and their employees participation. Finally, the agencies ranking Based on relevant indicators are calculated and improvement suggestions to enhance human capital management maturity are presented.

Keywords: leadership actions, employee participation, access to knowledge, learning capacity and organizational maturity.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

** Agricultural Jihad Qazvin Province

The comparative advantage of major economic

Activities Qazvin province during 1379-1392

Nematollah Aalimanesh * , Seyed Manouchehr Hayati * ,
Maryam Masoudnia * , Shahin Bavafa *

Abstract

This study aimed to determine the greater economic activities and Preponderant province was carried out through the evaluation important indicators of economic sectors in the period 1379 -92. So that the orientation of planning, supporting and encouraging investment in economic sectors is done properly. There are several methods for identifying comparative advantage, one of the most important of these methods is calculate Location Quotien (LQ) index. This index measures the degree of specialization the production of a region of economic activity. Therefore, in this study Location Quotien for all 72 economic sectors were calculated in the period in question and by comparing them, it was identified which economic sectors in province have comparative advantage than the country. This index is obtained from dividing the share of value added an economic sector of the province than share of value added the same economic part of the country. If the amount of the index for an economic sector is larger than one, then the province has comparative advantage more than average level in the country, If the amount of it is equal to one, the province is in the medium level of country and if it is smaller than one, the province has comparative advantage less than the national average level. Comparison of this index in economic sections show that average share of Value Added in 37 province economic activities (more than 50 percent of the province's economic activities) compared to the country is more than one and has comparative advantage more than the national level. Therefore, such investing activities have more appropriate position than other province's economic activities. So by using these results, state economic planning authorities can choose clearer path for private sector investment.

Keywords: Location Quotien, Value Added, economic planning, economic comparative advantage.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Study of changes and demographic indicators, province population politics and predicting Qazvin Province the population age categories in 1404

Hamid Reza Samanipuor * , Seyed Manouchehr Hayati *

Abstract

Today, many countries are in a state of demographic imbalance, most of them face in some way with the issues due to demographic imbalance. The aim of this Study is to predict age categories and describing future population province, to in this way, necessary challenges in Qazvin preventive actions take place to prevent the occurrence of future population crisis. Different demographers in varies researches from the past till now provide an estimate and national and provincial forecasts. In this study, the age groups estimated by the software Spectrum and appropriate statistical and mathematical methods and based on general population and housing census in 1390 in Qazvin province. The results showed that the assumed effectiveness of government incentive packages, the total fertility rate to replacement level would be 1.2 in 1410 and it is predicted to increase to 2.5 children in 1425. Then the population incentives were not cause of increases the unbridled population in any way. If the country macro-management uses all its potentials, Iran's population could reach 150 million people and Qazvin province population could increase to 2.5 million people, but the important is abilities rate (quantity) and quality of life (quality), which you should always balance between them. Whether the various aspects of population reduction policies is in the interest of the country and the provinces, population decline in some provinces may have advantages, benefits or harms that should be examined according to the decreased population. According to predictions made, the population of Qazvin province on the horizon of 10-year-old in 1404 will reach to about 1420000 that 718 thousand man and 704 thousand people will be woman. Also in 1390, the most population age category belongs to 25-29 and 20-24 year old that according to forecasts the most age category of Qazvin province in the horizon of next 10 years will belong to 35-39 and 40-44 years age categories. It is critically important to mention that the forecast is based on the present situation and after that and it is assumed that conditions remain in this situation.

Keywords: population growth, demographic indicators, population policies, population statistics, population prediction.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Analysis of the spatial imbalance in distribution of

Economic and social services in Qazvin province sub districts

Fereshteh Haji Fathali*, Ali Rahmani*, Marzieh BagherAttaran*, Mina kiaei*

Abstract

Identifying and analyze the situation of regions in environmental, economic, social, cultural fields is the first step in the planning process regional developments. In this way, bottlenecks and limitations in areas are specified and they can be resolve. Distribution of facilities in rural areas represents level of development in regions and also balance in spatial distribution of facilities can express access rate the rural population to those facilities. In this study by examining various indicators in the sections of education, economy, cultural-sport, administrative-political, infrastructure, healthcare, transportation and communications at the villages level of the province, entitlement and Deprivation villages of facilities is determined. The main aim of this study is to evaluate the rate of development and rural district deprivation of Qazvin province using Scalogram way. In this study, the rate of development of Qazvin province rural distracts were examined by 41 indicators of educational, commercial, cultural, healthcare, infrastructure, etc.. According to The resulting scores and using Scalogram 46 villages have been ranked that in this ranking Pir Youssefian rural district in Alborz city and Alamut down rural district in the city of Qazvin were Respectively in the first place and bottom of the table. Then, according to the obtained scores, districts were divided into four categories, wealthy, relatively wealthy, semi wealthy and deprived groups. Many of deprived districts were in the city of Qazvin and Avaj and wealthy districts were in Bouin Zahra city.

Key words: imbalance, services distribution, Scalogram method, district.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Revenue-expenditure and consumption behavior of Qazvin province urban and rural households and comparison them with the country

Masoud Basiti*, Ali Rahmani* Seyed Manouchehr Hayati*

* Mohammad Hasan Nik kheslat*, Sanaz Sotoudeh*

Abstract

Because the most important evaluation criteria of governments economic successes, identifying the distribution of income and household consumption patterns in order to check the status of social justice and income distribution is important, between domestic goods and services in order to help policy makers in the distribution of subsidies, the study of the economic situation of households in terms of income, consumption and food security for making decision to regulate the consumption pattern, to fair distribution of income, contributing to regional policy, help to plan to provide the government assistance by detailed access to the weight, importance and necessity of goods and services in household consumption basket and determining the cost share from total costs, and awareness of food security status is the main objectives of this research. In order to do this research, objective indicators (Gini coefficient, the share of income groups, etc.) calculated, the Lorenz curve traced and analyzed using sampling information of household budget, income elasticity (costs) of commodity groups calculated using statistical methods and econometrics and regression using the evIEWS software. From the results of this study can be scrutiny and comparison percent cost share of deciles from total costs in rural and urban areas of the province with country, check and compare the proportion of cost of edible to cost of non- edible in expenditure deciles in rural and urban areas of the province with country, study and compare the proportion of the total cost of edible to cost of non- edible in areas of rural and urban the province with country, evaluate and compare the proportion of cost of edible and tobacco and non-edible two top decile to down four decile in rural and urban areas of the province with country, scrutiny and compare the income elasticity of edible commodities to non-edible in areas of rural and urban the province with country, drawing the Lorenz curve and the Gini coefficient calculation and study and comparison those in rural and urban areas of the province and country, calculation and scrutiny and comparison Atto & Freiki index, the Herfindahl index, inequality deciles index, ten top percent to ten low percent cost ratio, The relative poverty line, absolute poverty line, outlined gap (depth) of poverty in Qazvin province and country rural and urban households in the period of 1383-1393.

Keywords: income distribution, Lorenz curve, the Gini coefficient, the relative and absolute poverty line, poverty gap.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Pathology of implementation of construction projects in Qazvin province during the Fifth Development Plan (1390-94) and solutions

Mohammad Reza Arasti*, Parisa Ahmadpour*

Mohammad Hadi Mohammadpour*

Abstract

In this study that aimed to assess the problems in the implementation of plans and province reconstruction projects under the terms of technical and executive system of the country, status of implementation of reconstruction projects in Qazvin province during the Fifth Development Plan (1390-94) using the results published by the Plan and Budget Organization (PBO) in credits performance monitoring and evaluation reports and questionnaires and checklist includes project general information, Job referral in accordance with the law holding tenders and its executive regulations, methods of estimation and pricing, and how to choose the winning contractor, documents Treaty and terms of performance and termination of contract in the framework of country technical and administrative system according cycle and process specified, in the implementation of reconstruction projects is reviewed and analyzed. Findings from this study indicate that the status of implementation of province reconstruction projects faced with structural and executive problems and unfortunately in the process of making decision, designing, approving, financing and implementation of the budget, implementation, project implementation, project control, project delivery and ultimately the operation of the scheme leads to many problems plan executers, contractors, consultants and beneficiaries. The outcome of all these problems has shown them in prolonged and often unfinished projects. The share of convince funds received for implementation and completion of construction projects than the national average, was significantly decreased and the percentage of annual allocation of funds in the province, is less than the average percentage in the country. Also, most of the projects problems, non-fulfillment of obligations in the Treaty and the non-fulfillment of financial obligations. In this paper, in addition to the effect of each of the problems in the course of the project, recommendations for improvement and trimmed the key problems is presented.

Key words: reconstruction project, technical and administrative system, Evaluation.

* Management and Planning Organization of Qazvin province

Bulletin of Applied Researches

**Management and Planning
Organization of Qazvin province**

Center for Training and Development and foresight Researches

2017